



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

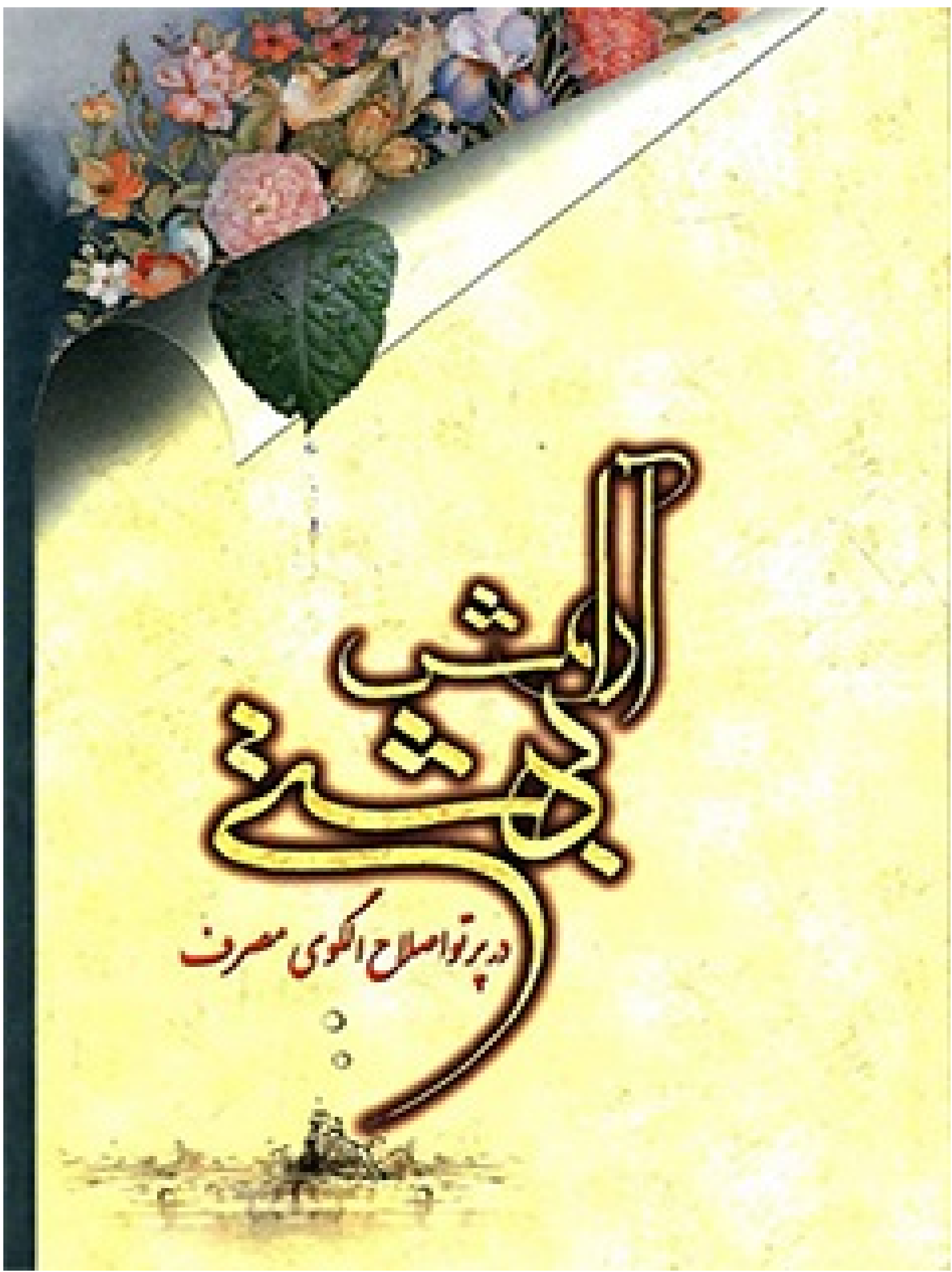


الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

الحیثیہ

دہ پرتواصلح الکوی مصروف



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	سخن مؤتسه:
۱۵	دیبچه
۱۶	تعال و اقتصاد سالم
۱۶	نکوهش فقر
۱۷	عوامل فقر
۱۹	خردمندان و بزرگان جامعه هشدار دهند
۲۰	حاکمان و نخبگان آغازگران مبارزه ی فرهنگی هستند
۲۱	بخش اول: اسلام دین بهره بری از نعمت ها یا رهبانیت و پرهیز از نعمت؟! -
۲۱	اشاره
۲۳	سرآغاز
۲۳	«۱» اسلام دین بهره بری است
۳۲	«۲» اسلام دین رهبانیت نیست
۳۲	مفهوم رهبانیت:
۳۷	«۳» رهبانیت مسلمانان، جهاد، نماز، روزه، نشستن در مسجد و...
۴۲	بخش دوم: بایسته ها و نبایسته های عملی، اخلاقی و روحی در مصرف
۴۲	اشاره
۴۴	(فصل اول): موارد مصرف و بایسته های آن (در چه راهی مصرف کنیم)
۴۴	«۱» موارد مهم و تأکید شده در مصرف
۵۱	«۲» احسان و انفاق و صدقه
۵۱	اشاره
۵۱	الف) فضیلت انفاق و احسان و صدقات، و آثار دنیوی و اخروی آن ها

- ب) انفاق واجب ۶۹
- ج) پیامدهای امساک و خودداری از انفاق ۷۱
- د) سائل را رد نکنیم ۷۳
- ه) از چه مالی ببخشیم؟ ۷۸
- و) آفات انفاق «آنچه در انفاق باید از آن پرهیز کرد» ۸۲
- «۳» مواسات ۸۵
- الف) مفهوم مواسات ۸۵
- ب) اهمیت و عظمت مواسات ۸۵
- «۴» هزینه کردن برای خانواده و توسعه در زندگی ۹۴
- «۵» برآوردن حوائج ۱۰۰
- الف) اهمّیت و پاداش برآوردن نیازهای دیگران ۱۰۰
- ب) جزای کسی که در حال توانمندی، حاجت مؤمن را برآورده نمی کند ۱۱۵
- «۶» قرض دادن ۱۱۹
- اشاره ۱۱۹
- الف) اهمّیت و پاداش قرض دادن و جزای ترک آن ۱۱۹
- ب) شاهد یا وثیقه گرفتن برای دین، و تعیین زمان بازگرداندن آن ۱۲۵
- ج) فضیلت مهلت دادن به مدیون و یا گذشتن از دین ۱۲۹
- «۷» ادای دین ۱۴۲
- الف) سفارش اسلام به بازگرداندن دین و قرض و قصد آن را داشتن ۱۴۲
- ب) نکوهش عدم پرداخت دین و قرض یا قصد پرداخت نداشتن ۱۴۸
- ج) مستثنیات دین ۱۵۲
- «۸» سرپرستی یتیمان و بی نوایان ۱۵۴
- «۹» زینت و تجمل در اسلام ۱۵۶
- (فصل دوّم): کیفیت مصرف و بایسته های آن (چگونه مصرف کنیم) ۱۶۴
- اشاره ۱۶۴
- «۱» اهمّیت مدیریت صحیح و آینده نگری در مصرف ۱۶۶

۱۷۴	«۲» اقتصاد
۱۷۴	الف - مفهوم اقتصاد
۱۷۶	ب - سفارش دین به میانه روی در ابعاد مختلف زندگی (خوراک، پوشاک، انفاق و...) .
۱۸۵	ج - پیامدهای رعایت و عدم رعایت اقتصاد
۱۸۹	(۳) قناعت
۱۸۹	الف) مفهوم قناعت
۱۹۰	ب) اهمیت قناعت
۱۹۸	ج) آثار و برکات مادی و روحی قناعت
۲۰۶	د) رابطه ی بی نیازی با قناعت
۲۰۹	(۴) بسنده کردن به مقدار مورد نیاز (کفاف) و بی نیازی جستن از دیگران
۲۰۹	الف) مفهوم کفاف
۲۰۹	ب) اهمیت بسنده کردن به مقدار کفاف و بی نیازی جستن از مردم، و آثار آن
۲۳۳	ج) نهی از اظهار فقر و درخواست از مردم، و نکوهش چشم داشتن به مال آن ها
۲۵۲	(۵) رعایت تناسب با زمان و مکان
۲۵۷	(۶) شکر نعمت
۲۵۷	الف) اهمیت شکر و تأکید دین بر آن
۲۶۳	ب) ثواب شکر و آثار آن
۲۷۸	ج) تشکر از واسطه ی نعمت (مخلوق) و جبران لطف او
۲۸۶	د) چگونگی شکر
۲۹۹	(۷) اظهار نعمت
۳۰۶	(فصل سوم): پرهیزها و نایبسته های عملی و اخلاقی مرتبط با مصرف
۳۰۶	اشاره
۳۰۸	(۱) کفران نعمت
۳۰۸	الف) نکوهش کفران نعمت و جزای آن
۳۱۵	ب) نمونه هایی از کفران نعمت
۳۲۳	(۲) اسراف و تبذیر

- الف) مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن ها ۳۲۳
- ب) نکوهش اسراف و تبذیر ۳۲۴
- ج) پیامدهای دنیوی و اخروی اسراف و تبذیر ۳۲۹
- د) نمونه هایی از اسراف و پرهیز از اسراف ۳۳۲
- (۳) اقتار ۳۴۳
- الف) مفهوم اقتار ۳۴۳
- ب) نکوهش اقتار ۳۴۴
- (۴) بخل ۳۴۶
- الف) مفهوم بخل و شخ و تفاوت آن دو ۳۴۶
- ب) نکوهش بخل و پیامدهای آن ۳۴۷
- (۵) شخ ۳۶۵
- اشاره ۳۶۵
- نکوهش شخ و آثار دنیوی و اخروی آن ۳۶۵
- (فصل چهارم): فرهنگ سازی پرهیز از اسراف ۳۷۱
- بخش سوّم: دولتمردان و مصرف ۳۸۲
- اشاره ۳۸۲
- سیرة پیامبران صلوات الله عليهم أجمعين ۳۸۶
- «علی علیه السلام ازسیره و زندگی برخی پیامبران مخصوصاً زندگی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله سخن می گوید» ۳۸۶
- مصارف پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج قدرت، و دیون او در حال وفات ۳۹۱
- ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و پرهیز از راحت طلبی ۳۹۱
- پرده خیبری فاطمه علیها السلام و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۹۲
- روش پیامبر صلی الله علیه و آله در نشستن و غذا خوردن ۳۹۳
- لباس و غذای رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۹۴
- مصرف رسول خدا صلی الله علیه و آله ۳۹۴
- خانه ساده رسول خدا صلی الله علیه و آله و ساده زیستی او ۳۹۵
- ساده زیستی رسول خدا و پرهیز از تشریفات ۳۹۵

- ۳۹۶ جهیزه ساده فاطمه زهراء عليها السلام دختر رسول خدا صلى الله عليه و آله
- ۳۹۷ دختر رسول خدا صلى الله عليه و آله با ساده ترين وضع به منزل على عليه السلام مى رود
- ۳۹۸ صبر فاطمه عليها السلام در برابر تلخي هاى دنيا و پاداش خداوندى
- ۳۹۸ پدرش به قربانش آنچه از او انتظار داشتيم انجام داد
- ۴۰۰ ساده زيستى دختر پيامبر صلى الله عليه و آله
- ۴۰۰ تو از من هستى فاطمه جان!
- ۴۰۱ احترام به پاره نان
- ۴۰۲ هشدارهاى تکانهنده على عليه السلام به حاکمان دنيا زده
- ۴۰۲ سرزنش عثمان بن حنيف از شرکت در مجلس تشریفاتى
- ۴۰۸ سفارش به صرفه جويى و حفظ اموال مسلمين
- ۴۰۹ نامه هشدار دهنده امام عليه السلام به حاکمى از حاکمان
- ۴۰۹ اهميت دادن امام به گزارشات مردمى
- ۴۱۰ توجه ویژه به طبقه پايين و محروم
- ۴۱۵ على عليه السلام و حدود چهارگانه سراى دنيوى
- ۴۱۸ آیا همه بانوان مهاجران با چنين گردن بندى زينت مى کنند؟
- ۴۲۰ لباس اميرمؤمنان عليه السلام
- ۴۲۷ ضمائم
- ۴۲۷ اشاره
- ۴۲۹ (۱) کار و تلاش
- ۴۳۵ (۲) حرص
- ۴۳۵ الف) مفهوم حرص و تفاوت آن با طمع
- ۴۳۵ ب) نکوهش حرص و زيان هاى آن
- ۴۵۰ (۳) طمع
- ۴۵۰ اشاره
- ۴۵۸ سخنان بنیان گذار جمهوری اسلامى ايران امام خمينى رحمه الله ورهبر معظم انقلاب اسلامى دام ظلّه الوارف
- ۴۵۸ نقش رسانه در ترويج مصرف گرايى

- ۴۵۸ ----- خیانت دودمان پهلوی
- ۴۵۹ ----- مراد به با مستمندان وظیفه کارگزاران نظام
- ۴۵۹ ----- ساده زیستی عامل پیش برد روحانیت
- ۴۵۹ ----- هنری که مورد قبول قرآن است
- ۴۶۰ ----- اثر انقلاب در بازگشت به سنت های اسلامی
- ۴۶۰ ----- بی توجهی نسبت به هزینه کردن منابع ملی اسراف و ولخرجی در مصرف
- ۴۶۰ ----- مدیریت عاقلانه مصرف
- ۴۶۰ ----- عدم مدیریت مدبرانه مصرف موجب شکاف بین فقرا و اغنیاء
- ۴۶۱ ----- مردم و دولت حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف
- ۴۶۱ ----- فعالیت مردم و دولت در زمینه اصلاح الگوی مصرف
- ۴۶۱ ----- مبارزه با اسراف در جهت حرکت به سمت الگوی مصرف
- ۴۶۲ ----- صرفه جوئی از خطوط اساسی برنامه ریزی ها باشد
- ۴۶۲ ----- معنای صرفه جوئی درست مصرف کردن است
- ۴۶۲ ----- افزایش تولید بر مصرف و هزینه
- ۴۶۲ ----- لطمه مادی و معنوی اسراف
- ۴۶۲ ----- نمونه هایی از اسراف در جامعه
- ۴۶۳ ----- اسراف فردی، خانوادگی...
- ۴۶۳ ----- اسراف در مهمانی ها...
- ۴۶۴ ----- ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه
- ۴۶۴ ----- اسراف ملی ووظیفه مسؤولان
- ۴۶۴ ----- اسراف سازمانی
- ۴۶۵ ----- وظیفه قوای مقننه و مجریه
- ۴۶۵ ----- راهکارهای صرفه جوئی
- ۴۶۵ ----- وظیفه و نقش مسؤولین در اصلاح الگوی مصرف
- ۴۶۵ ----- صرفه جوئی باید فرهنگ شود
- ۴۶۸ ----- معیار قانون خوب و بد

- ۴۶۸ مسئولان و توجه به ساده زیستی... ..
- ۴۷۰ راه تقسیم عادلانه بیت المال
- ۴۷۰ همه موظفند اسراف نکنند
- ۴۷۱ وظیفه همگان تنظیم زندگی بر معیار دین و عقل سلیم است
- ۴۷۱ نقش مسؤولان در ترویج اشرافیگری
- ۴۷۱ تجمل گرایی مانع تحقق عدالت اجتماعی
- ۴۷۲ معنای اسراف در اموال و... ..
- ۴۷۲ صرفه جویی صحیح قناعت
- ۴۷۲ روحیه مصرف گرایی مانع کمک به نیازمندان
- ۴۷۳ مصرف گرایی... ستم بزرگ بر بانوان
- ۴۷۳ پرهیز از اسراف شرط لازم پیوند با مردم
- ۴۷۴ فهرست منابع
- ۴۸۰ درباره مرکز

آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: آرامش بهشتی در پرتو اصلاح الگوی مصرف /مؤلف موسسه امام هادی (ع).

مشخصات نشر: قم: موسسه پیام امام هادی(ع)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص.

شابک: ۴۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۸۳۷-۲۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Paradise tranquility ...

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۳۳] - ۳۳۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: مصرف -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: صرفه جویی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: ۳۵/۲۵۰/BP۳۷۲/۳۷۲/۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۱۸۱۱۹

ص: ۱

سخن مؤسسه:

بسم الله الرحمن الرحيم

نعمتهای روی زمین با همه گستردگی، محدود و در عین حال برای استفاده همگان و همه نسلها است از این رو بهره‌وری نامناسب و به هدر دادن منابع، کاری است نامعقول و از نظر دینی نامشروع.

متأسفانه در عصر حاضر مسئله درست مصرف کردن و استفاده بهینه از امکانات به فراموشی سپرده شده و اسراف و ریخت و پاش در همه زمینه‌ها به فرهنگ رایج تبدیل گردیده است که البته با فرهنگ ملی و اسلامی، سازگار است از این رو رهبر معظم انقلاب احساس خطر کرده و سال ۱۳۸۸ را به عنوان سال اصلاح الگوی مصرف معرفی نمودند؛ که آغازی باشد برای زدودن فرهنگ وارداتی اسراف و همچنین فرهنگ سازی در زمینه مصرف صحیح و شایسته.

مؤسسه تحقیقاتی امام هادی علیه السلام نیز برای خود وظیفه دانست که در حدّ توان در این فرهنگ سازی سهیم باشد و روش اسلامی مصرف را که همان حدّ تعادل و میانه روی است با استفاده از آیات نورانی و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام مطرح نماید، بدین امید که همگان، از مسئولان دولتی و نهادهای مختلف و رسانه‌ها گرفته تا افراد و خانواده‌ها در این زمینه احساس مسئولیت نموده و برای تغییر فرهنگ نابهنجار مصرف غیر صحیح و ناشایست به فرهنگ صحیح و الگوی درست مصرف، اقدام جدی به عمل آورند، و با آگاهی و به‌کارگیری معارفی که در این مجموعه فراهم آمده است، در پرتو اصلاح الگوی مصرف به آرامش بهشتی دست یابند ان شاء الله.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

خداوند انسان را آفریده و مجموعه ای از غرائز و تمایلات را در او قرار داده است که استفاده و بکارگیری درست از هر کدام، در جای مناسب خود می تواند او را به کمال مطلوب برساند، لکن افراط و تفریط نسبت به بهره مندی هر یک از توانایی های موجود می تواند او را به سمت و سوی هلاکت و سقوط پیش ببرد، از این رو دین اسلام اعتدال و میانه روی را یکی از برترین فضیلت های اخلاقی برشمرده و افراط و تفریط را رذیلت اخلاقی، بر می شمرد، از مزایای مکتب اسلام این است که تمام دستورات و مقررات آن معتدل قرار داده شده است، لذا جامعه ی اسلامی می تواند با عمل کردن به این دستورات و پیاده کردن آن ها در زندگی خود به عنوان یک جامعه ی الگو و نمونه برای دیگران مطرح گردد.

قرآن کریم امت اسلامی را امت وسط معرفی کرده است. وَكَذَلِكَ لِكَرَّمْنَاكُمْ أُمَّةً وَسِيَّةً... (۱) زندگی یک بُعدی مورد پسند اسلام نمی باشد، نه همچون یهود که توجه کامل و پرداختن به مادیات و جمع آوری مال و رو آوردن به دنیا را سفارش می کند، و نه همچون راهبان مسیحی رو آوردن به مسائل معنوی و روحی و پرهیز از مادیات را می پذیرد، آن چه مورد تاکید دین اسلام و رهبران آن بوده و هست در پیش گرفتن راه اعتدال در تمامی شؤونات زندگی است.

و مسلمان واقعی کسی است که در عین دنیا داری مواظب آخرت باشد و در عین داشتن ایمان برای گذران زندگی از نعمت های دنیوی که خداوند برای انسان ها فراهم ساخته نیز به صورت شایسته و مطلوب بهره مند گردد و استفاده ی نیکو از آن ها ببرد؛ در عین اجتماعی بودن از جنبه های معنوی نیز غافل نگردد و آن دو را مکمل یکدیگر قرار دهد.

ص: ۴

اهدافی که اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی بشر ترسیم نموده است بدون اقتصاد سالم قابل تأمین نیست افراط در مسائل اقتصادی موجب می شود که به بعد روحی و معنوی افراد و پیوند محکم میان آنان آسیب برسد و جامعه طبقاتی گردد عده ای فقیر و تهی دست و عده ای مرفه و بالا دست که این وضعیت مطلوب اسلام نیست.

تنها راه، ایجاد تعادل آنهم با عمل کردن به روش و سنت اولیای الهی و دستورات دین مقدس اسلام است. امام باقر علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: هر کس رغبت و نشاطش به عبادت طبق سنت من باشد هدایت شده است و اگر مخالف سنت من باشد گمراه شده است و عملش تباه خواهد شد، ای مردم بدانید من نماز می خوانم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار می کنم و گریه می کنم و می خندم پس هر کس از راه و روش من روی بگرداند از من نیست (۱).

حتی اتفاق که یکی از خصلت های پسندیده است اگر به حد افراط برسد مورد پذیرش اسلام نیست خداوند خطاب به پیامبرش فرمود: **وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ...** (۲) فرهنگ دین ما حالت افراط در هزینه کردن را اسراف می نامد که قرآن کریم بندگان خالص را کسانی می داند که در اتفاق اسراف نمی کنند **وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا** (۳)

نکوهش فقر

دین اسلام در عین حالی که دنیاطلبی و تجمیل گرایی و زیاده خواهی را مذمت و نکوهش کرده است فقر و ناداری را نیز نکوهش نموده است چون فقر و ناداری سبب می شود که جامعه از حالت تعادل خارج گردد و ملت فقیر و نیازمند از نظر فرهنگی و دینی دچار آسیب شود به طوری که انسان فقیر و محتاج که دست نیاز به سوی بیگانه دراز کند فرد خوار و ذلیل و یا برده دیگران محسوب می شود چون نیازمندی با وابستگی ملازم است و کرامت انسان

ص: ۵

۱- (۱) - اصول کافی: ۲ / ۸۵ ح ۱..

۲- (۲) - اسراء: ۲۹..

۳- (۳) - فرقان: ۶۷..

مخدوش می شود لذا هر فرد یا اجتماعی که در مسائل اقتصادی یک جانبه دستش به سوی دیگران دراز باشد اسیر و برده آن ها خواهد بود که علی علیه السلام فرمود: ... إحتج إلی من شئت وکن أسیره (۱).

عوامل فقر

دین اسلام افزون بر نکوهش فقر به عوامل آن نیز توجه نموده است که یکی از عوامل آن را تن به کار ندادن می داند کسی که برای تأمین زندگی تلاش نکند و کار نکند فقیر خواهد بود و این بدترین حالت از دیدگاه اسلام برای یک مسلمان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملعون من ألقى کلّه علی الناس (۲) از رحمت خداوند دور است کسی که سربار مردم باشد. امام هشتم علیه السلام فرمود: إِنْ الله عزّوجلّ ببغض العبد النّوأم الفارغ (۳) به راستی خداوند عزّوجلّ بنده ی پر خواب بی کار را دشمن می دارد.

خداوند متعال منابع طبیعی را آفرید و در اختیار انسان قرار داد تا با بهره مندی درست از آن ها زندگی مناسب و بهتر برای خودشان فراهم سازد. اسلام کار و فعالیت را موجب رشد قدرت روحی و جسمی انسان می داند و متقابلاً بی کاری را سبب هرز رفتن نیروی بشر می داند.

امام علی علیه السلام فرمود: من یعمل یزدد قوه (۴) هر کس کار کند توانش افزایش می یابد.

افزون بر این، کار و تلاش در بوجود آمدن نشاط روحی نقش قابل توجهی دارد و مانع فساد، خلاف و کارهای زشت و ناپسند می گردد.

باین نکته مهم نیز باید توجه داشت تنها انسان های نیازمند نیستند که باید کار و تلاش کنند بلکه همه باید کار و تلاش را وجهی همّت خود قرار دهند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که به دلیل بی نیازی کار را کنار گذاشته بود فرمود: هیچ گاه کار را رها مکن زیرا ترک تجارت و فعالیت، عقل را از بین می برد بلکه باز تلاش کن تا رفاه خانواده ات را بهتر کنی (۵).

اسلام برای کار و تلاش هدفمند آن چنان ارزش قائل شده است که ثواب آن را برابر جهاد در راه خدا می داند امام صادق علیه السلام فرمود: الکادّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله (۶) آنکه برای تأمین نیازمندیهای خانواده خود تلاش کند همچون پیکارگر در راه خدا است.

ص: ۶

۱- (۱) - غرر الحکم: ۲ / ۵۸۴ ح ۲۳۱۱ - ۲۳۱۳..

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۳۲ ح ۱۰..

۳- (۳) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۵۸ ح ۳..

- ٤- (٤) - غررالحكم: ١٥٢ ح ٢٨٠٢..
- ٥- (٥) - وسائل الشيعة: ١٧ / ١٤ ح ٤..
- ٦- (٦) - وسائل الشيعة: ١٧ / ٦٧ ح ١..

عامل دوم فقر و ناداری در جامعه، زیاده خواهی و سوء استفاده عده ای از مردم است. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: فما جاع فقیر إلابما متع به غنی (۱) هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به کامیابی توانگرن.

و سومین عامل فقر، اسراف و زیاده روی و یا ریخت و پاش در هزینه و مصرف زندگی است. باید از هدر دادن و هدر رفتن نعمت های الهی پرهیز کرد و مصرف و هزینه زندگی باید بر اساس شأن افراد و شرائط زمان و مکان تنظیم گردد، ائمه ی معصومین علیهم السلام اسراف را یکی از اسباب فقر شمرده اند. إن السرف یورث الفقر (۲) اسراف و زیاده روی فقر را بدنبال می آورد.

بنابراین نه ژنده پوشی و دوری از لذت های دنیا مورد تأیید است و نه اندیشه استفاده و بهرمندی بی حد و حصر از مطامع دنیوی مورد پذیرش اسلام می باشد آن چه مورد توجه امامان علیهم السلام می باشد بهره مندی درست از نعمت های الهی متناسب با شرائط زمانه در تمامی جوانب زندگی چه در لباس و پوشش باشد یا در خوراک و یا خانه... امامان معصوم علیهم السلام نیز سیره و روش زندگی شان این گونه بوده است. و در اعتراض کسانی که به امام صادق و امام باقر علیهما السلام خرده می گرفتند که چرا زندگی شما با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام تفاوت دارد می فرمودند شرائط زندگی عمومی مردم آن زمان با عصر و دوران ما تفاوت دارد، در آن زمان وضع عمومی مردم خوب نبود. اکنون بهتر شده است و اکنون آن چنان زیستن موجب می شود انسان انگشت نما شود که این خود مذموم است.

البته امام باقر و امام صادق علیهما السلام آن چه را که استفاده می کردند از دسترنج و تلاش و کار خود آنان بود و در گرمای شدید آفتاب کار می کردند و هیچ گاه از کار و تلاش دست نمی کشیدند. پس سربار دیگران بودن و زندگی صوفیان را در پیش گرفتن و برای توجیه آن به زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام تمسک کردن اندیشه نا صواب و به دور از واقعیت اسلام است چنان که اندیشه اشرافی گری و اسراف و... با تمسک به برخی از آیات و روایات دور از حقیقت می باشد.

خردمندان و بزرگان جامعه هشدار دهند

عقل و خرد اقتضا می کند که خردمندان جامعه، مردم را در برابر این بیماری مهلک که بنیانهای جامعه را دچار آسیب جدی می کند واکسینه کنند و یا حد اقل

ص: ۷

۱- (۱) - نهج البلاغه: ۵۳۳ ح ۳۲۸..

۲- (۲) - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۶۴ ح ۱..

جلو فراگیر شدن آن را بگیرند و راه حل تعادل را که در دین اسلام راه های برون رفت از مشکلات و گرفتاری ها است، پیوسته یادآور شوند، راه اعتدال همان توجه به عدالت در دخل و خرج های زندگی است، اسلام از طرفی به انفاق تشویق می کند و از سویی از اسراف و تبذیر در همه زمینه ها باز می دارد. از یک سو به احسان و بخشش فرا می خواند و از سوی دیگر بخل و شح را نکوهش می کند، جود و سخاوت را می ستاید، امساک و خودداری را مذمت می کند، قرض دادن را امر پسندیده می داند، استقراض در غیر امور ضروری را امری نکوهیده می داند، امر به کار و تلاش و تولید می نماید، صرفه جویی را معقول و هزینه بی رویه و ولخرجی را زشت و ناپسند می داند.

حاکمان و نخبگان آغازگران مبارزه ی فرهنگی هستند

عقل و خرد و نیز سیره ی پیشوایان دین اقتضا می کند که در هر جامعه ای سر آغاز مبارزه با فرهنگ ناصواب و اندیشه های ناپاک و انحرافی در تمامی زمینه های اخلاقی، رفتاری، اعتقادی، مادی و معنوی باید از نقطه هر می آن یعنی نخبگان، حاکمان، دولتمردان، رؤسا و سازمان ها و نهادهای اجتماعی که نبض اداره جامعه را در دست دارند شروع شود چون مردم به زندگی آنان می نگرند و از آنان الگو می گیرند. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صنفان من أمتی إذا صلحا صلحت أمتی وإذا فسد فسدت أمتی. قیل: یا رسول الله و من هما؟ قال: الفقهاء، والأمرأء (۱) دو دسته از امت من هر گاه درست شوند، همه ی امت من درست می شوند؛ و هر گاه فاسد شوند، امت من همه فاسد می شوند، گفتند: ای رسول خدا، این دو دسته کیانند؟ فرمود: عالمان فرهیخته و حاکمان.

لازم به یادآوری است که روایت مذکور معنایش سلب مسئولیت از دیگر آحاد جامعه نمی باشد بلکه همه احاد و اقشار مردم از جمله خانواده ها که بنیان های اصلی جامع را تشکیل می دهند هر کدام به نوبه خود در برابر صلاح و فساد جامعه و مبارزه با الگوهای فاسد از جمله مصرف گرایی مسئولیت خطیر و بزرگی را به عهده دارند لکن حاکمان و نخبگان از آنجایی که الگوی دیگران قرار می گیرند مسئولیت شان حساس تر و خواهد بود.

ص: ۸

بخش اول: اسلام دین بهره‌بری از نعمت‌ها یا رهبانیت و پرهیز از نعمت؟!!

اشاره

ص: ۹

خداوند مَنان نعمت های دنیا را برای بهره گیری بندگانش بویژه اهل ایمان قرار داده است. از این رو دین اسلام رهبانیتی را که پیروان برخی ادیان در پیش گرفته و خود را از نعمت های حلال الهی محروم می کردند، نمی پسندد و به استفاده صحیح از مواهب پاکیزه تشویق نموده و رهبانیت را در جهاد، نماز، نماز شب، روزه و مانند آن ها می داند.

نظر اسلام درباره ی این مطالب را با بهره گیری از آیات و روایات در ذیل سه عنوان می آوریم:

«۱» اسلام دین بهره بری است

۱ - قال الله عزّ و جلّ:

يا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلِّ وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ ۱ - خداوند متعال فرمود: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به هر مسجدی با خود برگیرید و [از نعمت های الهی] بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد. بگو چه کسی زینت الهی را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه و مطبوع را حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [هرچند دیگران هم استفاده می کنند] ولی در روز قیامت ویژه ی مؤمنان است.

كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱).

۲ - من وصیہ علیٰ علیہ السلام إلى أهل مصر ومحمد بن أبی بکر:

... واعلموا يا عباد الله أن المتقين حازوا عاجل الخير وآجله، شاركوا أهل الدنيا في دنياهم، ولم يشاركهم أهل الدنيا في آخرتهم، أباحهم الله من الدنيا ما كفاهم وبه أغناهم، قال الله عز اسمه:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲).

سكنوا الدنيا بأفضل ما سئكت، وأكلوها بأفضل ما اكلت، به این گونه، آیات را برای کسانی که آگاهند شرح می دهیم. بگو پروردگار من فقط زشتکاری را چه آشکار و چه پنهان و گناهکاری و تجاوز به ناحق را حرام کرده، و [نیز حرام کرده است] که چیزی را شریک خدا قرار دهد که دلیلی درباره ی آن نازل نکرده است و این که چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید.

۲ - از سفارش های امیرمؤمنان علی علیه السلام به اهل مصر و محمد بن ابی بکر: ...وای بندگان خدا! بدانید پرهیزکاران بهره نیکو را از دنیا و آخرت بر گرفتند؛ با اهل دنیا در [بهره گیری از] دنیا مشارکت داشتند ولی اهل دنیا در [بهره گیری از] آخرت با آنان مشارکت نداشتند.

خداوند آنچه از دنیا آنان را کفایت می کرد و بی نیازشان می ساخت برای آنان حلال کرد.

خداوند - که نامش عزتمند است - می فرماید:

«بگو چه کسی زینت خداوند که برای بندگانش آفریده و رزق های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [هرچند دیگران هم استفاده می کنند] ولی در قیامت ویژه ی مؤمنان است. به این گونه، آیات را برای کسانی که آگاهند، شرح می دهیم.»

آنان در بهترین منازل دنیا سکنی گزیدند، و بهترین خوردنی ها را خوردند؛

ص: ۱۲

۱- (۱) الأعراف: ۳۳ - ۳۱.

۲- (۲) الأعراف: ۳۲.

شاركوا أهل الدنیا فی دنیاهم، فأكلوا معهم من طيبت ما يأكلون، وشربوا من طيبت ما يشربون، ولبسوا من أفضل ما يلبسون، وسكنوا من أفضل ما يسكنون، وتزوجوا من أفضل ما يتزوجون، وركبوا من أفضل ما يركبون، أصابوا لذة الدنیا مع أهل الدنیا وهم غداً جيران الله، يتمنون عليه فيعطيهما ما تمنوه، ولا يردّ لهم دعوه ولا ينقص لهم نصيباً من اللذّة.

فإلى هذایا عباد الله يشتاқ إليه من كان له عقل، ويعمل له بتقوى الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله (۱).

۳ - قال الربیع بن زیاد الحارثی: یا امیرالمؤمنین! ألا أشکو إليك عاصم بن زیاد، أخی؟ قال: ما له؟ قال: لبس العباء وترك الملاء وغمّ أهله وحزن ولده.

فقال علی: ادعوا لی عاصماً، فلما أتاه عبس فی وجهه وقال:

پس با اهل دنیا در دنیای آنان مشارکت جستند و با آنان از خوردنی های پاکیزه که اهل دنیا می خوردند، خوردند و از نوشیدنی های پاکیزه نوشیدند و از بهترین لباس ها پوشیدند و در بهترین منازلی که اهل دنیا سکونت می کردند ساکن شدند و با بهترین همسرانی که اهل دنیا بر می گزیدند ازدواج کردند و از بهترین مرکب های اهل دنیا استفاده کردند. لذت دنیا را با اهل دنیا بردند در حالی که فردا همسایه خداوندند، هرچه بخواهند خداوند به آنان عطا می کند و درخواستی از آنان را رد نمی کند و بهره ی آنان را از لذت ها نمی کاهد.

پس ای بندگان خدا! هر که خردمند است به این [امر] مشتاق است و [از این رو] به تقوای الهی عمل می کند که هیچ حرکت و نیرویی نیست جز به وسیله ی خدا.

۳ - ربیع بن زیاد به امیرمؤمنان علیه السلام گفت:

آیا از برادرم عاصم شکایت نکنم؟

فرمود: او چه کرده است؟

گفت: عبا [ی عزلت] پوشیده و ترک اجتماع کرده و خانواده ی خود را غمگین و فرزندانش را محزون نموده است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: عاصم را نزد من بخوانید. هنگامی که عاصم آمد حضرت چهره درهم کشید و فرمود:

ص: ۱۳

۱- ((۱)) أمالی المفید: ۲۶۳ وأمالی الطوسی: ۲۶ ضمن ح ۳۱، عنهما البحار: ۳۸۷/۷۷ ضمن ح ۱۱.

ويحك يا عاصم! أ ترى الله أباح لك اللذات وهو يكره ما أخذت منها! لأنت أهون على الله من ذلك! أو ما سمعته يقول: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (١) ثم يقول: يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَالْمَرْجَانُ (٢)، وقال: وَ مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسِدَّ تَخْرِجُونَ حَلِيَّهُ تَلْبَسُونَهَا (٣) أما والله إن ابتذال نعم الله بالفعال أحب إليه من ابتذالها بالمقال، وقد سمعتم الله يقول: وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (٤)، وقوله: مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (٥). إن الله خاطب المؤمنين بما خاطب به المرسلين. فقال:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ (٦)، وقال يا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا (٧)، وای بر تو ای عاصم! آیا می پنداری خداوند لذت ها را برایت جایز کرده است ولی خوش ندارد از آن ها بهره مند شوی؟ تو در پیشگاه خدا کوچک تر از آنی.

آیا نشنیده ای که می فرماید: «دو دریا را در کنار هم قرار داد تا باهم تماس داشته باشند»، آن گاه می فرماید: «تا از آن دو، مروارید و مرجان خارج شوند» و می فرماید:

«و از هر یک [از دریاها] گوشتی تازه می خورید و زیوری از آن استخراج می کنید و می پوشید».

به خدا سوگند در نزد او، استفاده و به کارگیری نعمت ها در عمل، بهتر از به کارگیری آن در کلام است، و شنیده اید که خداوند می فرماید: «و نعمت های پروردگارت را باز گو کن». و می فرماید:

«چه کسی زینت الهی که برای بندگانش پدید آورده و رزق های پاکیزه را حرام کرده است».

خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده به همان سخنی که پیامبران را مخاطب قرار داده است و می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید از رزق های پاکیزه که روزی شما کرده ایم بخورید». و می فرماید:

«ای فرستادگان [خدا] از پاکیزه ها [ای ارزاق] بخورید و عمل شایسته به جای آورید»،

ص: ۱۴

۱- (١) ((الرحمن: ١٩.

۲- (٢) ((الرحمن: ٢٢.

۳- (٣) فاطر: ١٢.

۴- (٤) ((الضحی: ١١.

۵- (٥) ((الأعراف: ٣٢.

۶- (٦) ((البقره: ١٧٢.

۷- (٧) ((المؤمنون: ٥١.

وقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لبعض نساءه:

□
ما لي أراك شعناء مرهء سلطاء؟ قال عاصم: فلم اقتصرت يا أمير المؤمنين على لبس الخشن وأكل الجشب؟ قال: إن الله تعالى افترض على أئمة العدل أن يقدرُوا لأنفسهم بالقوام كى لا يتبغ (۱) بالفقير فقره. فما قام على عليه السلام حتى نزع عاصم العباء ولبس ملاءه (۲).

۴- عن الكاظم عليه السلام قال: اجعلوا لأنفسكم حظاً من الدنيا بإعطائها ما تشتهى من الحلال وما لا يثلم المروءه وما لا سیرف فيه، واستعينوا بذلك على امور الدين... (۳).

۵- قال الصادق عليه السلام: ليس من ترك دنياه لآخرته ولا آخرته لدنياه (۴).

و رسول خدا صلى الله عليه وآله به بعضی از همسرانش فرمود:

«چه شده که تو را ژولیده مو و سرمه نکشیده و خضاب نکرده می بینم؟».

عاصم گفت: ای امیر مؤمنان! پس چرا شما به لباسی خشن و خوراکی ناگوار بسنده کرده اید؟

حضرت فرمود: خداوند متعال بر پیشوایان داد گستر واجب کرده است که به همان اندازه ای که آن ها را سرپا نگه می دارد، اکتفا کنند تا فقر، فقیران را به هیجان [وطغیان] نکشاند.

پس حضرت علی علیه السلام از جا برخواست که عاصم عبا [ی عزلت] را کنار گذاشت و لباس مناسب پوشید.

۴- امام کاظم علیه السلام فرمود: برای خود بهره ای از دنیا قرار دهید، بدین گونه که آن حلالی را که دل می خواهد و آنچه را خلاف جوانمردی نیست و آنچه را اسرافى در آن نیست، بر خود روا دارید [از آن استفاده کنید] و از آن برای امور دین کمک بگیرید....

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: از ما نیست هر کس دنیایش را به جهت آخرتش و آخرتش را به جهت دنیایش رها کند.

ص: ۱۵

۱- (۱) يتبغ: يتهيج به. (مجمع البحرين: ۱/۲۷۴).

۲- (۲) شرح نهج البلاغه لابن أبى الحديد: ۳۶/۱۱، عنه البحار: ۱۷۳/۴۲ وج ۱۲۱/۷۰ ح ۱۲.

۳- (۳) تحف العقول: ۴۱۰ ونحوه فى فقه الرضا عليه السلام: ۳۳۷، عنه المستدرک: ۲۲۳/۸ ضمن ح ۹۳۰۹.

۴- (۴) الفقيه: ۱۵۶/۳ ح ۳۵۷۱، عنه الوسائل: ۷۶/۱۷ ح ۲۲۰۲۵.

۶- قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : مَنْ طلب الدُّنيا حلالاً استعفاً عن المسأله و سعياً على أهله و تعطفاً على جاره لقي الله و وجهه كالقمر ليله البدر.

□
و مَنْ طلب الدُّنيا مكاثراً بها حلالاً مرئياً لقي الله و هو عليه غضبان (۱).

□
۷- قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : نِعَم العون على تقوى الله الغنى (۲).

۸- عن ابن أبي يعفور قال:

□
قلت لأبي عبد الله عليه السلام : إنا لنحب الدنيا، فقال لي : تصنع بها ماذا؟ قال قلت : أتزوج منها وأنفق على عيالي وأنيل إخواني وأتصدق، قال لي : ليس هذا من الدنيا، هذا من الآخرة (۳).

۹ - عن الحسن بن عليّ الوشاء عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: سمعته يقول: كان عليّ بن الحسين عليهما السلام ۶ - پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که از راه حلال در پی دنیا برود تا از حاجت خواهی از دیگران بی نیاز شود و برای [رفع نیاز] خانواده اش تلاش کند و به همسایه اش توجه نماید، خداوند را ملاقات می کند در حالی که صورتش همچون ماه شب چهاردهم است.

و کسی که از راه حلال دنیا را طلب کند تا به آن فخر بفروشد و خودنمایی کند، خداوند را ملاقات می کند در حالی که بر او غضبناک است.

۷ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بی نیازی و ثروت چه یاری گر خوبی است بر تقوای الهی.

۸ - ابن ابی یعفور می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ما [نعمت های] دنیا را دوست داریم.

حضرت فرمود: با آن چه می کنی؟

عرض کردم: به وسیله آن ازدواج می کنم و برای خانواده ام خرج می کنم و به برادرانم می رسم و صدقه می دهم.

فرمود: این از [امور] دنیا [شمرده نمی شود بلکه] از [امور مربوط به] آخرت است.

۹ - از حسن بن علی و شاء نقل شده است که از امام رضا علیه السلام شنیدم فرمود: امام سجاد علیه السلام

ص: ۱۶

٢- (٢) الفقيه: ١٥٦/٣ ح ٣٥٧٣ والكافي: ٧١/٥ ح ١، عنهما الوسائل: ٢٩/١٧ ح ٢١٨٩٧.

٣- (٣) مستدرک الوسائل: ١٦/١٣ ح ١٤٦٠١.

يلبس في الشتاء الخَزَّ، والمطرف الخَزَّ، والقلنسوه الخَزَّ، فيشتو فيه ويبيع المطرف في الصيف ويتصدق بثمنه، ثم يقول: مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَطَيَّبَتْ مِنَ الرِّزْقِ (١)(٢) ١٠ - عن نوح بن شعيب عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سألته عن الرجل الموسر يتخذ الثياب الكثيره الجياد والطبالسه والقمص الكثيره يصون بعضها بعضاً يتجمل بها، أكون مسرفاً؟ قال: لا، لأن الله عز وجل يقول: لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ . (٣)(٤) ١١ - عن مسعده بن صدقه قال:

□
دخل سفیان الثوري على أبي عبد الله عليه السلام فرأى عليه ثياب بيض كأنها غرقى (٥) البيض، فقال له:

إن هذا اللباس ليس من لباسك.

فقال له: اسمع مني وع ما أقول لك، در زمستان لباس خز می پوشید و عبای خز به دوش و کلاه خز به سر داشت و زمستان را با آن سپری می کرد و در تابستان عبای خز را می فروخت و بهای آن را صدقه می داد و آن گاه [این آیه را قرائت] می فرمود:
«چه کسی زینت خدا که برای بندگانش آفریده و رزق های پاکیزه را حرام کرده است؟».

١٠ - نوح بن شعيب از قول یکی از یارانش نقل می کند که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره ی مرد ثروتمندی پرسیدم: او لباس های زیاد و خوب و لباده ها و پیراهن های بسیار تهیه می کند که با بعضی از آن ها بعضی دیگر را حفظ کند و با آن ها خود را بیاراید، آیا او اسرافکار است؟

حضرت فرمود: نه، زیرا خداوند می فرماید: «باید صاحب وسعت از وسعت خود خرج کند».

١١ - از مسعده بن صدقه نقل شده است که روزی سفیان ثوری بر امام صادق علیه السلام وارد شد و دید حضرت لباس سفیدی پوشیده که مانند پوست تخم مرغ سفید است.

به حضرت گفت: این لباس [شایسته] شما نیست.

حضرت فرمود: به من گوش کن و آنچه به تو می گویم به خاطر بسپار

ص: ١٧

١- (١) الأعراف: ٣٢.

٢- (٢) الکافی: ٤٥١/٦ ح ٤.

٣- (٣) الطلاق: ٧.

٤- (٤) الکافی: ٤٤٣/٦ ح ١٢.

٥- (٥) الغرقى: القشره الملتزقه ببياض البيض. «مجمع البحرين: ٣٠٧/٣»

فإنه خير لك عاجلاً وآجلاً إن أنت متّ على السنّه والحقّ ولم تمت على بدعه؛ اخبرك أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان في زمان مقفر جدب، فأمرنا إذا أقبلت الدنيا فأحقّ أهلها بها أبرارها لا فجارها، ومؤمنوها لا منافقوها، ومسلموها لا كفارها، فما أنكرت يا ثوري! فوالله إنني لمع ما ترى ما أتى عليّ مذ عقلت صباح ولا مساء ولله في مالي حقّ أمرني أن أضعه موضعاً إلّا وضعتَه (١).

که به درد زندگی دنیا و آخرت می خورد، البته اگر بر سنت [پیامبر] و [راه] حق بمیری و بر بدعت، از دنیا نروی.

بدان که پیامبر خدا در زمان کمبود و خشکسالی بود؛ اما آن گاه که دنیا روی آورد، سزاروارترین اهل دنیا به [استفاده از امکانات] آن، نیکان آن هستند نه بدکاران آن، و مؤمنان آن هستند نه منافقان آن، و مسلمانان آن هستند نه کافران آن، پس ای ثوری به چه چیزی اعتراض داری؟ سوگند به خدا مرا با این حال که می بینی، از هنگام بلوغ تاکنون صبح و شامی بر من نگذشته است مگر آن که حقی را که خدا در مال من قرار داده و فرموده است که آن را در جای خود قرار دهم، ادا کرده ام.

ص: ۱۸

این لغت از ریشه ی رهبه (رَهَبَ يَرْهَبُ) به معنی خوف و ترس است و اسم فاعل آن، راهب به معنی ترسان و خائف است. اما در اصطلاح، راهب به عابدان نصارا گفته می شود و رهبانیت به ترک دنیا و انجام دادن کارهایی در مسیر ترک دنیا گفته می شود که راهبان مسیحی انجام می دادند، مانند گوشه نشینی و رفتن به کوه ها و صومعه ها و ترک نعمت های دنیا. این امر در برخی موارد با انداختن زنجیر در گردن و پوشیدن لباس خشن و زبر و بریدن آلت تناسلی و مانند آن ها نیز همراه بوده است. چنین رهبانیتی در دین اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. (۱) - قال الله سبحانه و تعالی:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ * ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ ۱ - خداوند متعال فرمود: و همانا نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو، نبوت و کتاب نهادیم، پس برخی از آن ها هدایت یافته و بسیاری از آنان گنهکارند. آن گاه به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آوردیم، و عیسی پسر مریم را از پی [آن ها] فرستادیم و او را انجیل دادیم و در دل های کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت نهادیم و ترک دنیایی که از خود ساختند ما آن را برایشان مقرر نکردیم [و آن ها] جز به طلب

رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱).

۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إنما بُعثت بالزُهَابِيَّةِ السَّمْحَةِ ولم أبعث بالزُهَابِيَّةِ البَدْعَةِ، أَلَا وَإِنَّ أَقْوَامًا ابْتَدَعُوا الزُهَابِيَّةَ فَكُتِبَتْ عَلَيْهِمْ، فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا، أَلَا فَكُلُوا اللَّحْمَ وَاتَّوُوا النِّسَاءَ وَصُومُوا وَأَفْطَرُوا وَصَلُّوا وَنَامُوا، فَإِنِّي بِذَلِكَ أَمَرْتُ (۲).

۳ - عن أنس بن مالك قال: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يقول: لا تشدّدوا على أنفسكم فيشدّد عليكم، فإنّ قومًا شدّدوا على أنفسهم فشدّد الله عليهم، فتلك بقاياهم في الصوامع والديار رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (۳). (۴) - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله تبارك وتعالى أعطى محمداً صلى الله عليه وآله شرائع نوح وإبراهيم رضاي خدا [این کار را پیش نگرفتند] اما آن را چنان که در خور رعایت بود رعایت نکردند [و گرفتار بدعت شدند].

پس کسانی از ایشان که ایمان آورده بودند اجرشان را دادیم، و بسیاری از آن ها گنهکارند.

۲ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا به دین توحیدی آسان مبعوث شدم و به رهبانیت ابداعی مبعوث نشدم.

آگاه باشید! اقوامی رهبانیت را ابداع و اختراع کردند، پس بر آنان واجب شد؛ اما آن را چنان که درخور رعایت بود رعایت نکردند، هان! گوشت بخورید و با همسران خود بیامیزید و روزه بگیرید و افطار کنید و نماز بخوانید و بخوابید، که همانا من به این ها امر شده ام.

۳ - انس بن مالک می گوید رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بر خود سخت نگیرید که بر شما سخت گرفته می شود؛ زیرا قومی بر خود سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت. این بازمانده های ایشان در صومعه ها و دیرها است.

[آن گاه حضرت این آیه را قراءت فرمود:] «رهبانیتی که آن را ابداع کردند، ما آن را برایشان مقرر نکردیم».

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی، آیین های [آسمانی] نوح و ابراهیم

ص: ۲۰

۱- ((۱)) الحديد: ۲۶ و ۲۷

۲- ((۲)) المعجم الكبير: ۱۷۰/۸ ضمن ح ۷۷۱۵.

۳- ((۳)) الحديد: ۲۷.

۴- ((۴)) سنن أبي داود: ۲۷۷/۴ ضمن ح ۴۹۰۴.

وموسى وعيسى عليهم السلام: التوحيد والإخلاص و خلع الأنداد والفضرة الحنيفة السمحة، ولا رهبانية ولا سياحة، أحلّ فيها الطيبات وحرم فيها الخبائث ووضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم (١).

٥ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس في امتي رهبانية ولا سياحة ولا زَمَ (٢). (٣) ٦ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال:

لا رهبانية في الإسلام، تزوجوا فإنني مكاثرتكم الأمم (٤).

٧ - عن عليّ - في قوله تعالى:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (٥).

قال: هم الرهبان الذين حبسوا أنفسهم في السواري (٤).

و موسى و عيسى عليه السلام را به محمد صلى الله عليه و آله و سلم عطا کرد که عبارتند از: توحيد، اخلاص، کنار زدن بت ها، و آئين فطري آسان. [در آيين او] رهبانيت و سياحت [از مردم کنار كشيدن و جماعات را ترك كردن] نيست.

خداوند در آن، پاکیزه ها را حلال و پلیدی ها را حرام کرد و تکالیف سنگین و قید و زنجیرهایی را که بر آنان بود برداشت.

٥ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: در امت من نه رهبانيت هست و نه کناره گيری و عزلت و نه لگام انداختن بينی.

٦ - رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمود: رهبانيتی در اسلام نيست. ازدواج کنید که من به شما پیروان، در برابر ساير امتها افتخار می کنم.

٧ - امام علی عليه السلام درباره ی فرموده ی خدای متعال که «بگو آیا شما را از کسانی که بیش از همه در کارهاشان زیان کردند خبر دهیم؟ آن هایی که تلاششان در زندگی دنیا گم [و نابود] شده». فرمود:

آنان رهبانانی هستند که خود را در صومعه ها محبوس ساخته اند.

ص: ٢١

١- (١) الكافي: ١٧/٢ ح ١.

٢- (٢) زَمَ الأنف: هو أن يخرق اللأنف ويعمل فيه زمام كزمام الناقة ليقاد به «النهاية: ٢ / ٣١٤».

٣- (٣) الخصال: ١٣٧ ح ١٥٤ ومعاني الأخبار: ١٧٣ ح ١ و فيه «رَمَ» بدل «زَمَ».

٤- (٤) دعائم الإسلام: ١٩٣ / ٢ ح ٧٠١.

٥- (٥) الكهف: ١٠٣ و ١٠٤.

۸ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
جاءت امرأة عثمان بن مظعون إلى النبي صلى الله عليه وآله فقالت: يا رسول الله! إن عثمان يصوم النهار ويقوم الليل، فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله مغضباً يحمل نعليه حتى جاء إلى عثمان فوجده يصلي، فانصرف عثمان حين رأى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال له:

□
يا عثمان! لم يرسلني الله تعالى بالرهائيه، ولكن بعثني بالحنيفيه السهله السمحه، أصوم وأصلي وأمس أهلي، فمن أحب فطرتي فليستن بسنتي، ومن سنتي النكاح (۱).

۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: همسر عثمان بن مظعون نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد ای رسول خدا! عثمان روز را روزه می گیرد و شب را به عبادت می پردازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که ناراحت بود و کفش خود را به دست داشت بیرون شد تا نزد عثمان آمد و دید نماز می خواند.

عثمان چون پیامبر صلی الله علیه و آله را دید دست کشید.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: عثمان! خداوند متعال مرا برای رهائیت نفرستاد، بلکه به آیین توحیدی سهل و آسان برانگیخت؛ روزه می گیرم و نماز می خوانم و با همسرانم آمیزش می کنم. پس هر که آیین فطری مرا دوست دارد باید به سنت من عمل کند، و از جمله سنت من آمیزش با همسر است.

ص: ۲۲

۱- (۱) الکافی: ۴۹۴/۵ ح ۱.

«۳» رهبانیت مسلمانان، جهاد، نماز، روزه، نشستن در مسجد و...

۱ - عن ابن مسعود قال: كنت رديف رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على حمار، فقال: يا بن أم عبد! هل تدري من أين أحدثت بنو إسرائيل الرهبانیه؟ فقلت: الله ورسوله أعلم. فقال: ظهرت عليهم الجبابره بعد عيسى يعملون بمعاصي الله، فغضب أهل الإيمان فقاتلوهم، فهزم أهل الإيمان ثلاث مرات، فلم يبق منهم إلا القليل، فقالوا «إن ظهرنا لهؤلاء أفنونا ولم يبق للدين أحد يدعو إليه، فتعالوا نتفرق في الأرض إلى أن يبعث الله النبي العذی وعدنا به عيسى عليه السلام - يعنون محمداً صلى الله عليه وآله وسلم - « فتفرقوا في غيران الجبال وأحدثوا رهبانیه، فمنهم من تمسك بدينه ومنهم من كفر. ثم تلا هذه الآية:

۱ - ابن مسعود می گوید: پشت سر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم بر درازگوشی سوار بودیم.

حضرت فرمود: ای پسر ام عبد! آیا می دانی بنی اسرائیل چگونه رهبانیت را پدید آوردند؟ عرض کردم: خدا و پیامبرش داناترند.

فرمود: پس از عیسی علیه السلام ستمگران بر آنان مسلط شدند و مرتکب گناهان می شدند. اهل ایمان به خشم آمدند و با آنان به پیکار پرداختند و سه بار شکست خوردند و از آنان جز اندکی باقی نماند. پس گفتند «اگر برای اینان آشکار شویم ما را نابود می کنند و کسی باقی نمی ماند که [مردم را] به سوی دین فرا خواند؛ بیاید در زمین پراکنده شویم تا خدا پیامبری را که عیسی علیه السلام به ما وعده داده است - یعنی محمد صلی الله علیه و آله - برانگیزد». پس در غارهای کوه ها پراکنده شدند و رهبانیت را پدید آوردند؛ برخی از آن ها به دین خود تمسک جستند و برخی کافر شدند.

سپس حضرت این آیه را خواند:

وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (۱) إِلَى آخِرِهَا.

ثم قال: يا بن أم عبد! أتدرى ما رهبانيه امتي؟ قلت: الله ورسوله أعلم. قال: الهجرة والجهاد والصلاة والصوم والحج والعمرة (۲).

۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ سِيَّاحَةً وَإِنَّ سِيَّاحَةَ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَإِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَهْبَانِيَّةً وَرَهْبَانِيَّةَ أُمَّتِي الرِّبَاطُ فِي نَحْوِ الْعَدُوِّ (۳).

۳ - قال أبو ذرٍّ لرسول الله صلى الله عليه وآله:

يا رسول الله! أوصني، قال: اوصييك بتقوى الله، فإنه رأس أمرك كله، فقلت: يا رسول الله! زدني، قال:

عليك بتلاوة القرآن، وذكر الله عز وجل، فإنه ذكرٌ لك في السماء، ونورٌ لك في الأرض، قلت:

يا رسول الله! زدني، قال: عليك بالجهاد، فإنه رهبانيه امتي (۴).

۴ - عن أنس بن مالك قال:

توفى ابنُ لعثمان بن مظعون، «و رهبانيته كه آن را ابداع كردند ما آن را برآنان ننوشتيم...».

آنگاه فرمود: ای فرزند امّ عبد آیا می دانی رهبانیت امت من چیست؟

عرض کردم: خدا و پیامبرش دانانترند.

فرمود: هجرت و جهاد و نماز و روزه و حجّ و عمره.

۲ - پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر امتی سیاحتی [کناره گیری و عزلتی] دارد و سیاحت امت من جهاد در راه خدا است، و هر امتی رهبانیتی دارد و رهبانیت امت من ایستادگی و مقاومت در گلوگاه های دشمن است.

۳ - ابوذر می گوید: به رسول خدا صلى الله عليه وآله عرض کردم: ای رسول خدا اندرزم ده.

حضرت فرمود: تو را به تقوای الهی سفارش می کنم که آن، سرآمد همه کارهای تو است.

عرض کردم: ای رسول خدا بیش تر بفرما.

فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و یاد خدای عزّ و جلّ، زیرا آن، یادآور تو در آسمان است و نوری برای تو در زمین است.

عرض کردم: بیش تر بفرما. فرمود: بر تو باد به جهاد که آن، رهبانیت امت من است.

۴ - انس بن مالک می گوید: یکی از فرزندان عثمان بن مظعون از دنیا رفت.

١- ((١)) الحديد: ٢٧.

٢- ((٢)) مجمع البيان: ٤٥١/٩.

٣- ((٣)) المعجم الكبير: ١٦٨/٨ ح ٧٧٠٨.

٤- ((٤)) أمالي الطوسي: ٥٤١ ضمن ح ١١٦٣.

فاشْتَدَّ حُزْنُهُ عَلَيْهِ حَتَّى اتَّخَذَ مِنْ دَارِهِ مَسْجِدًا يَتَعَيَّدُ فِيهِ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَثْمَانُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَّةَ، إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةَ أُمَّتِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. يَا عَثْمَانُ بْنُ مِظْعُونٍ! لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابٍ، وَلِلنَّارِ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ، أَفَمَا يَسْرُوكَ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَاً مِنْهَا إِلَّا وَجَدْتَ ابْنَكَ إِلَى جَنْبِكَ آخِذًا بِحِجْزَتِكَ يَشْفَعُ لَكَ إِلَى رَبِّكَ؟ قَالَ: بَلَى. فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ: وَلَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي فِرْتُنَا مَا لِعَثْمَانَ؟ قَالَ: نَعَمْ، لِمَنْ صَبَرَ مِنْكُمْ وَاحْتَسَبَ (۱).

۵ - عن أبي الحسن عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ (۲) قال:

صلاه اللیل (۳).

۶ - قال عثمان بن مظعون للنبي صلى الله عليه وآله: إني قد هممت يا رسول الله بأن أختصي، او بسیار غمگین شد به طوری که [از مردم برید و] بخشی از خانه ی خود را مسجد کرد و در آن به عبادت پرداخت.

خبر او به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید؛ پس به او فرمود: ای عثمان! خداوند تبارک و تعالی رهبانیت را بر ما ننوشته است، رهبانیت امت من جهاد در راه خدا است. ای عثمان بن مظعون! برای بهشت هشت در و برای دوزخ هفت در است؛ آیا خوشحال نمی شوی که نزد هیچ دری از بهشت نمی روی مگر آن که فرزند خود را کنار خود می بینی در حالی که دامن تو را گرفته است و به درگاه پروردگارت تو را شفاعت می کند؟

عرض کرد: آری.

مسلمان ها گفتند: ای رسول خدا! آیا برای ما نیز در فرزندان از دست رفته [بهره ای] همچون عثمان خواهد بود؟ فرمود: آری، برای کسانی از شما که صبر کنند و به حساب خدا بگذارند.

۵ - امام رضا علیه السلام درباره ی فرمایش خدای عزَّ وجلَّ که «رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقزَّر نداشتیم [و آن ها] جز برای طلب رضای خدا [این کار را در پیش نگرفتند]» فرمود: نماز شب [طلب خشنودی خدا است].

۶ - عثمان بن مظعون به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من تصمیم گرفته ام خود را عقیم کنم.

ص: ۲۵

۱- ((۱)) أمالی الصدوق: ۶۳ م ۱۶ ح ۱، عنه البحار: ۱۱۴/۷ ح ۱.

۲- ((۲)) الحديد: ۲۷.

۳- ((۳)) عیون اخبار الرضا علیه السلام ۱ / ۲۲۰ ب ۲۸ ح ۲۹.

فقال: مهلاً يا عثمان! فإن الاختصاص في امتي الصيام والصلاه. قال: فإنني قد هممت بالسياحه، فقال: مهلاً يا عثمان! فإن السياحه في امتي لزوم المساجد وانتظار الصلاه بعد الصلاه. قال: فإنني قد هممت أن لا آكل لحماً، فقال: مهلاً يا عثمان! فإنني آكل اللحم وأحبّه، ولو وجدته كل يوم لأكلته، ولو سألت الله لأطعمنيه. قال: فإنني يا نبي الله - بأبي أنت وأمي - قد هممت أن لا أتطيب أبداً، قال:

مهلاً يا عثمان! فإنني أتطيب و أحبّ الطيب، الطيب من سنتي وسنّه الأنبياء قبلي (١).

٧ - عن علي عليه السلام قال:

الجلوس في المسجد رهبايته العرب، والمؤمن مجلسه مسجده وصومعه بيته (٢).

حضرت فرمود: آرام ای عثمان که خواجهگی در امت من، روزه داری و نماز است. [یعنی خواجهگی در امت من نیست و به جای آن، روزه و نماز است].

عرض کرد: تصمیم به عزلت و گوشه نشینی گرفته ام.

فرمود: آرام ای عثمان که گوشه نشینی در امت من، ملازمت مسجدها و انتظار نماز پس از نماز است.

عرض کرد: تصمیم گرفته ام که گوشت نخورم.

فرمود: آرام ای عثمان که من گوشت می خورم و آن را دوست دارم و اگر پیدا کنم هر روز آن را می خورم و اگر از خدا بخواهم، آن را روزی ام می کند.

عرض کرد: ای پیامبر خدا! - پدر و مادرم فدایت - تصمیم گرفته ام که هرگز بوی خوش به کار نبرم.

فرمود: آرام ای عثمان که من بوی خوش استفاده می کنم و آن را دوست دارم. استعمال بوی خوش از سنت من و سنت پیامبران پیشین است.

٧ - أمير مؤمنان علي عليه السلام فرمود: نشستن در مسجد رهبايت عرب است. مجلس مؤمن مسجد او، و صومعه ي او خانه او است.

ص: ٢٦

١- (١) مشكاه الأنوار: ٤٥٨ ح ١٥٣٤، عنه البحار: ٣٨٢ / ٨٠ ح ٥٣.

٢- (٢) دعائم الإسلام: ١٤٨/١ ونحوه في الكافي: ٦٦٢/٢ ح ١ عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه «الاتكاء».

بخش دوم: بایسته ها و نبایسته های عملی، اخلاقی و روحی در مصرف

اشاره

ص: ۲۷

در این بخش به بعضی از مواردی اشاره می شود که در منابع دینی ما، هزینه کردن اموال در آن موارد و در آن راه ها، مورد توصیه یا تأکید قرار گرفته است. در ابتدای این بخش، در قسمت اول، آیات و روایاتی ذکر می شود که در آن ها برخی موارد مصرف مورد تأکید قرار گرفته یا بر موارد دیگر مصرف، اولویت و برتری داده شده اند.

(فصل اول): موارد مصرف و بایسته های آن (در چه راهی مصرف کنیم)

«۱» موارد مهم و تأکید شده در مصرف

۱ - قال الله تعالى: **يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مِمَّا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّذِينَ إِتَدَيْنَ وَالْمَأَقْرِبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۱).**

۱ - خداوند تعالی فرمود: از تو می پرسند چه انفاق کنند، بگو هر مالی که می بخشید [بهتر است] به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تنگدستان و در راه مانده گان انفاق کنید، و هر کار خیری کنید بی شک خدا به آن آگاه است.

ص: ۲۹

۲ - وَعَلِّمُوا أَنْتُمْ مَنِ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱).

۳ - عن أبي مخنف الأزدي عن أمير المؤمنين عليه السلام - لما عوتب على التسويه في العطاء - قال:

أتأمروني ويحكم أن أطلب النصر بالظلم والجور فيمن وليت عليه من أهل الإسلام...

□
والله لو كانت أموالهم مالى لساويت بينهم فكيف وإنما هي أموالهم...

□
من كان فيكم له مال فإياه والفساد، فإن إعطاه في غير حقه تبيذير وإسراف، وهو يرفع ذكر صاحبه في الناس ويضعه عند الله ولم يضع امرؤ ماله في غير حقه وعند غير أهله إلا حرمه الله شكرهم، وكان لغيره ودهم، فإن بقي معه منهم بقيه ممن يظهر الشكر له ويؤريه النصح ۲ - و بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید از هر چه باشد، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان و یتیمان و تنگدستان و در راه مانده است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده ی خود در روز جدایی [حق از باطل]، روزی که آن دو گروه [در بدر] با هم رودر رو شدند، نازل کردیم ایمان آورده اید [حق واجب را بپردازید] و خدا بر هر چیزی توانا است.

۳ - أبو مخنف أزدي از امیرمؤمنان علیه السلام - آن گاه که حضرت [از سوی مخالفان] بر تساوی در اعطای مال به دیگران مورد سرزنش قرار گرفت - نقل می کند که فرمود: وای بر شما! آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در امت اسلامی که بر آن ها ولایت دارم استفاده کنم؟ ...

به خدا سوگند اگر اموال آنان از خودم بود به گونه ای مساوی در میان آنان تقسیم می کردم، چه رسد که اموال خودشان است. ... هر یک از شما که مالی دارد از تباهی و فساد پرهیزد؛ زیرا بخشیدن مال به کسانی که استحقاق ندارند زیاده روی و اسراف است و این کار، صاحب مال را در میان مردم بلند آوازه می سازد و نزد خداوند پست می کند. کسی مالش را در راه نادرستش مصرف نکرد و به غیر اهلش نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم کرد و دوستی آنان را متوجه دیگری ساخت، و اگر کسی از آنان همراه او باقی ماند و برای او اظهار سپاسگزاری و خیرخواهی کرد،

ص: ۳۰

فإنما ذلك ملقٌ منه وكذب، فإن زلت بصاحبهم النعل ثم احتاج إلى معونتهم ومكافأتهم فالأم خليل وشرّ خدين. ولم يضع امرؤ ماله في غير حقّه وعند غير أهله إلا لم يكن له من الحظّ فيما اتى إلاّ محمده اللثام وثناء الأشرار ما دام عليه منعماً مفضلاً، ومقاله الجاهل «ما أجوده» و هو عند الله بخيل، فأى حظّ أبور وأخسر من هذا الحظّ؟ وأى فائده معروف أقلّ من هذا المعروف؟ فمن كان منكم له مال فليصل به القرابه و ليحسن منه الضيافه و ليفكّ به العاني و الأسير و ابن السبيل، فإنّ الفوز بهذه الخصال مكارم الدّنيا و شرف الآخره (۱).

□
۴ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : خمس تمرات أو خمس قرص أو دنانير أو دراهم يملكها الإنسان وهو يريد أن يمضيها، فأفضلها ما أنفقه الإنسان على والديه، چاپلوسی و دروغ است؛ زیرا اگر روزی بلغزد و به کمک و جبران آنان محتاج شود، سرزنش کننده ترین رفیق و بدترین دوست خواهند بود.

و کسی که مال خود را در راه نادرستش مصرف کرد و به غیراهلش پرداخت هیچ بهره ای از آن نبرد جز ستایش انسان های پست و ثنای آدم های بد - آن هم تا هنگامی که به آنان بخشش و احسان کند - و جز سخنان جاهلان که می گویند «چه بخشنده است»؛ در حالی که او نزد خداوند بخیل محسوب می شود.

پس کدام بهره ای نابود شونده تر و زیان آورتر از این بهره است، و کدام ثمره ی کار نیکی است که کم تر از ثمره ی این کار باشد.

پس هرکس از شما مالی دارد به خویشاوندان خود رسیدگی کند و برای مهمان نوازی نیکو، هزینه نماید و با آن، گرفتار و در بند و در راه مانده را برهاند که ثمره ی این ویژگی ها به دست آوردن بزرگواری دنیا و شرافت آخرت است.

۴ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: پنج عدد خرما یا پنج قرص نان یا دینار یا درهمی، که انسان به دست می آورد و می خواهد آن ها را مصرف [و ماندگار] کند پس برترین آن ها آن یک درهمی است که انسان برای پدر و مادر خود هزینه می کند

ص: ۳۱

۱- ((۱)) الكافي: ۳۱/۴ ضمن ح ۳، عنه الوسائل: ۳۰۱/۱۶ - ۳۰۰ ح ۲۱۶۰۱ وقطعه منه في نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۷/۲، عنه البحار: ۳۵۸/۷۵ ذیل ح ۷۲.

ثمّ الثّانيه على نفسه و عياله، ثمّ الثالثه على قرابته الفقراء، ثمّ الرابعه على جيرانه الفقراء، ثمّ الخامسه فى سبيل الله وهو أخسّها أجزاً (١).

٥ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : أفضل الدنانير الأربعة: دينارٌ أعطيته مسكيناً ودينارٌ أعطيته فى رقبه ودينارٌ أنفقته فى سبيل الله و دينارٌ أنفقته على أهلك، و إنّ أفضلها الدّينار الذى أنفقته على أهلك (٢).

٦ - عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله ولا تبذر تبريراً (٣).

قال: من أنفق شيئاً فى غير طاعه الله فهو مبدّر و من أنفق فى سبيل الخير فهو مقتصد (٤).

٧ - قال الصادق عليه السلام: لا خير فىمن لا يحبّ جمع المال من حلال، فيكفّ به وجهه ويقضى به دينه ويصل به رحمه (٥).

و در مرتبه دوم، آن يك درهمی است که برای خود و عیالش صرف می کند، و در مرتبه سوم، آن درهمی که برای خویشاوندان نیازمندش خرج می کند و در مرتبه چهارم، آن يك درهمی که برای همسایگان نیازمندش مصرف می کند و در مرتبه پنجم؛ آن يك درهمی است که در راه خدا هزینه می نماید و این یکی کم ترین پاداش را دارد.

٥ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: برترین دینارها چهار تا است: دیناری که آن را به نیازمند ببخشی، دیناری که آن را برای آزادی برده ای بدهی، دیناری که آن را در راه خدا انفاق کنی، و دیناری که آن را برای خاندانت هزینه کنی، و برترین آن ها دیناری است که برای خاندانت هزینه کنی.

٦ - عبد الرحمن بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «ولخرجی و اسراف مکن» پرسیدم.

حضرت فرمود: هرکس چیزی را در راهی جز اطاعت خدا هزینه کند و لخرج است، و هرکس در راه خیر مصرف کند میانه رو است.

٧ - امام صادق علیه السلام فرمود: خیری نیست در کسی که به دست آوردن مال از راه حلال را دوست ندارد تا با آن آبروی خود را حفظ کند و دین خود را پردازد و به نزدیکان خود رسیدگی کند.

ص: ٣٢

١- (١) الكافي: ٦٦/٥ ضمن ح ١، عنه البحار: ٢٣٣/٤٧ ح ٢٢.

٢- (٢) مستدرک الوسائل: ٢٤١/٧ ح ٨١٤٣.

٣- (٣) الإسراء: ٢٦.

٤- (٤) تفسير العياشي: ٢٨٨/٢ ح ٥٣، عنه البحار: ٣٠٢/٧٥ ح ١.

٥- (٥) الفقيه: ٣ / ١٦٦ ح ٣٦١٨ و ثواب الأعمال: ٢١٥ ح ١ والكافي: ٧٢ / ٥ ح ٥.

۸ - عن أبي جعفر عليه السلام قال:

□
والله لأن أحج حجّه أحبّ إليّ من أن اعتق رقبه ورقبه ومثلها ومثلها حتّى بلغ عشراً ومثلها ومثلها حتّى بلغ السبعين.

ولأن أعول أهل بيت من المسلمين أسدّ جوعتهم وأكسو عورتهم فأكفّ وجوههم عن الناس أحبّ إليّ من أن أحج حجّه وحجّه وحجّه ومثلها ومثلها حتّى بلغ عشراً ومثلها ومثلها حتّى بلغ السبعين (۱).

□
۹ - عن أبي بصير قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: لأن اطعم رجلاً من المسلمين أحبّ إليّ من أن اطعم أفقاً من الناس، فقلت: وما الأفق؟

قال: مائه ألف أو يزيدون (۲).

۱۰ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام:

□
□
لأكله اطعمها أخاً لي في الله عزّ وجلّ أحبّ إليّ - من أن اشبع عشرة مساكين، ولأن اعطى أخاً لي في الله عزّ وجلّ عشرة دراهم أحبّ إليّ - من أن اعطى مائه درهم للمساكين (۳).

۸ - امام باقر عليه السلام فرمود:

به خدا سوگند اگر حجّی بگزارم برایم خوشایندتر است از این که بنده ای را آزاد کنم و باز هم بنده ای و بنده ای و مانند آن تا برسد به ده نفر، و برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد.

و اگر خاندان مسلمانی را سرپرستی کنم [و مخارج آن ها را بدهم] و آنان را سیر نمایم و بر آنان لباس بپوشانم تا آبروی آنان را از مردم حفظ کنم، برایم خوش تر است از این که حجّی بگزارم و باز هم حجّی و حجّی و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده حجّ و مثل آن و مثل آن تا برسد به هفتاد حجّ.

۹ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یک مرد مسلمان را غذا دهم برای من دوست داشتنی تر است از این که افقی از مردم را غذا دهم.

عرض کردم: افق چیست؟

فرمود: صد هزار نفر یا بیش تر.

۱۰ - امام باقر علیه السلام فرمود:

یک لقمه که به برادر ایمانی خود بخورانم برایم خوش تر است از این که ده نادار را سیر سازم.

و اگر ده درهم به برادر ایمانی خود ببخشم برایم محبوب تر است از این که صد درهم به فقرا دهم.

- ١- ((١)) الكافي: ١٩٥/٢ ح ١١.
- ٢- ((٢)) مصادقه الإخوان: ٤٤ ح ٦.
- ٣- ((٣)) مصادقه الإخوان: ٤٤، ح ٣.

۱۱ - قال الصادق عليه السلام : اليد العليا خيرٌ من اليد السفلى، وابدأ بمن تعول (۱).

۱۲ - من كلام عليّ عليه السلام بالبصره وقد دخل على العلاء بن زياد الحارثي وهو من أصحابه يعوده، فلما رأى سعه داره قال: ما كنت تصنع بسعه هذه الدار في الدنيا؟ أما أنت إليها في الآخرة كنت أحوج، وبلى إن شئت بلغت بها الآخرة تقرى فيها الضيف وتصل فيها الرحم وتطلع منها الحقوق مطالعها، فإذا أنت قد بلغت بها الآخرة (۲).

۱۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: دست بالا [بخشنده] بهتر از دست پایین [گیرنده] است.

و بخشش را از کسانی که عهده دار خرجی آنان هستی آغاز کن.

۱۲ - أميرمؤمنان علی عليه السلام در بصره هنگامی که [پس از جنگ] برای عیادت علاء بن زیاد حارثی - که از یاران آن حضرت بود - نزد او رفته بود، چون بزرگی خانه ی او را دید فرمود:

با وسعت این خانه در دنیا چه می کنی که در آخرت بیش تر به آن نیازمندی.

آری اگر بخواهی می توانی به وسیله ی آن به آخرت برسی:

در آن از میهمانان پذیرایی کنی و صله ی رحم انجام دهی و حقوقی که از آن برگردن تو است به صاحبانش برسانی؛ به این ترتیب به وسیله ی آن به آخرت رسیده ای.

ص: ۳۴

۱- ((۱)) الكافي: ۱۱/۴ ح ۴ ونحوه فی المستدرک: ۲۴۰/۷ ح ۸۱۳۸ عن تفسیر أبي الفتوح الرازی مع زیاده وهی «أُمتك وأباك وأختك وأخاك ثم أدناك فأدناك».

۲- ((۲)) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۱۸۷/۲.

اشاره

یکی از مواردی که بر هزینه کردن مال در آن، تأکید فراوان شده است، انفاق و بخشش و صدقه دادن است. برخی انفاق‌ها یا به عبارت دیگر خرج کردن‌ها، در دین اسلام واجب دانسته شده است که بعضی آیات و احادیث آن‌ها در بخش‌های سابق گذشت (مانند احادیث مربوط به دادن خرجی خانواده).

دسته‌ی دیگر از انفاق‌ها، انفاق و احسان‌هایی است که در شرع مقدس اسلام واجب نشده است ولی در مورد آن‌ها تأکیدها و تشویق‌های فراوانی بیان گردیده و آثار بزرگی برای آن‌ها ذکر شده است. در این قسمت، آیات و روایاتی درباره‌ی انفاق و احسان‌های واجب و مستحب و مسائل مربوط به آن‌ها، ذکر می‌شود؛ از جمله: فضیلت و پاداش احسان و صدقه، تشویق به رد نکردن سائل، پیامدهایی خودداری از انفاق، از چه مالی انفاق کنیم، و... .

الف) فضیلت انفاق و احسان و صدقات، و آثار دنیوی و اخروی آن‌ها

۱ - قال الله تبارك وتعالى: **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱).**

۱ - خداوند متعال فرمود: مثل کسانی که مالشان را در راه خدا می‌بخشند همچون دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ی صد دانه باشد، و خدا برای هر کس بخواهد [پاداشی] چند برابر می‌دهد و خدا وسعت بخش دانا است.

ص: ۳۵

۲ - وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱).

۳ - الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲).

۴ - وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْعَظِيمَةِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۳).

۵ - إِنَّ الْمَصْدِقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۴).

۶ - وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَالُوا لِرَسُولِ إِلَّا إِنَّا قُورِبَهُ لَهُمْ سَيِّدٌ خَلَهُمُ اللَّهُ ۚ
- و مثل کسانی که مالشان را در طلب رضای خدا و برای تحکیم ایمان خویش انفاق می کنند همچون بوستانی بر تپه ای است که رگباری بر آن بیارد و میوه هایش را دو چندان بار آورد، و اگر رگباری هم به آن نرسد باران سبک [آن را بس است] و خدا به آنچه می کنید بینا است.

۳ - کسانی که مالشان را شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، اجر آن ها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آن ها است و نه محزون شوند.

۴ - و بشتابید به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنه ی آن آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است.

همان ها که در راحت و رنج انفاق می کنند و خشم خود را فرو می خورند و از مردم در می گذرند، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۵ - در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا و امی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت.

۶ - و برخی بادیه نشینان هستند که به خدا و روز واپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند مایه ی تقرب به خدا و دعاها ی پیامبر می دانند. بدانید که این انفاق مایه ی تقرب آنان است. به زودی خداوند ایشان را

ص: ۳۶

۱- (۱) البقره ۲۶۵.

۲- (۲) البقره : ۲۷۴.

۳- (۳) آل عمران: ۱۳۳ و ۱۳۴.

۴- (۴) الحديد: ۱۸.

فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱).

۷- الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۲).

۸- وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَن أنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلِ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِهِ وَقَتْلُوا وَكُلُوا وَعَبَدُوا اللَّهُ الْحَسَنِيُّ وَاللَّهُ بِيَمِينِهِمَا يَعْمَلُونَ خَيْرًا * مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۳).

۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفْعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴).

۱۰- لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ فِي جَوَارِحِ رَحْمَتِ خَوِيشِ فِي خَوَاهِدِ آوَرِدِ، كِه خِدا آَمِرِزَنَدِه ي مِهْرَبَانِ اسْتِ.

۷- خِداوَنَدِ مَتَعَالِ فِي تَوْصِيفِ مَتَّقِينَ مِي فَرَمَايَدِ: آَنَانِ كِه بِه غَيْبِ اِيْمَانِ مِي آوَرِنَدِ وَ نَمَازِ بَرِپَا مِي دَارِنَدِ وَ اَزِ آَنچِه رُوْزِشَانِ كَرْدِه اِيْمِ، اِنْفَاقِ مِي كَنِنَدِ.

۸- وَ شَمَا رَا چِه شَدِه اسْتِ كِه فِي رَاهِ خِدا اِنْفَاقِ نَمِي كَنِيْدِ وَ حَالِ آَنِ كِه مِيرَاثِ آسْمَانِ هَا وَ زَمِينِ اَزِ آَنِ خِدا اسْتِ؟ كَسَانِي اَزِ شَمَا كِه پِيشِ اَزِ فَتْحِ [مَكِه] اِنْفَاقِ وَ جِهَادِ كَرْدِه اِنْدِ [بَا دِيْگَرَانِ] يَكِسَانِ نِيَسْتِنَدِ. آَنِ هَا اَزِ حَيْثِ دَرَجِه، بَزْرَگِ تَرِ اَزِ كَسَانِي اِنْدِ كِه بَعْدًا بِه اِنْفَاقِ وَ جِهَادِ پَرِدَاخْتِنَدِ. وَ خِداوَنَدِ هَمِه رَا وَعَدِه ي نِيكو دَادِه اسْتِ؛ وَ خِدا بِه آَنچِه مِي كَنِيْدِ آگَاهِ اسْتِ.

كِيَسْتِ آَنِ كَسِي كِه بِه خِدا وَا مِ نِيكو دِهَدِ تَا آَنِ رَا بَرَا يِ وِي دُو چِنْدَانِ كِنْدِ وَ او رَا [دَرِ آخِرْتِ] پَادَاشِي كَرِيْمَانِه بَاشَدِ؟

۹- اِي كَسَانِي كِه اِيْمَانِ آوَرْدِه اِيْدِ پِيشِ اَزِ آَنِ كِه رُوْزِي فَرَا رَسَدِ كِه دَرِ آَنِ نِه دَادِ وَ سَتَدِي هَسْتِ وَ نِه دُوَسْتِي وَ شَفَاعَتِي، اَزِ آَنچِه رُوْزِيتَانِ كَرْدِه اِيْمِ اِنْفَاقِ كَنِيْدِ وَ [بِدَانِيْدِ كِه] كَاْفِرَانِ، هَمِ اِيْشانِ سَتَمْگَرَانِنْدِ.

۱۰- هِدَايَتِ [حَتْمِي] آَنَانِ بَرِ عَهْدِه ي تُو نِيَسْتِ، بَلَكِه خِدا هَر كِه رَا بَخَوَاهِدِ هِدَايَتِ مِي كَنَدِ. وَ هَرِ مَالِ كِه اِنْفَاقِ كَنِيْدِ بِه سُوْدِ خُوْدِ شَمَا اسْتِ، وَ جَزِ بَرَا يِ طَلَبِ رِضَا يِ خِدا اِنْفَاقِ نَكَنِيْدِ.

ص: ۳۷

۱- ((۱)) التوبه: ۹۹.

۲- ((۲)) البقره: ۳.

۳- ((۳)) الحديد: ۱۰ و ۱۱.

۴- ((۴)) البقره: ۲۵۴.

وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۱).

۱۱ - عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزّ وجلّ: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ (۲) بأنّ الله تعالى يعطي بالواحدة، عشره إلى مائه ألف فما زاد فَسَيُسِّرُهُ وَلِيُسِّرَى (۳) قال:

لا يريد شيئاً من الخير إلاّ يسره الله له وأمّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَتَعَنَى (۴) قال: بخل بما آتاه الله عزّ وجلّ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (۵) بأنّ الله يعطي بالواحدة عشره إلى مائه ألف فما زاد فَسَيُسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (۶) قال: لا يريد شيئاً من الشرّ إلاّ يسره له وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۷) قال: أما والله ما هو تردّي في بئرٍ ولا من جبلٍ ولا من حائط، ولكن تردّي في نار جهنّم. (۸) ۱۲ - عن أبي بصير قال: ذكرنا عند أبي جعفر عليه السلام من الأغنياء من الشيعة، فكأنّه كره ما سمع منّا فيهم، و هر مالی که انفاق کنید [پاداش آن] به تمامی به شهادت خواهد شد و بر شما ستمی نخواهد رفت.

۱۱ - امام باقر عليه السلام درباره ی این سخن خدای عزّ وجلّ که «اما آن که انفاق کرد و پارسایی نمود، و وعده ای نیکو را باور داشت»، فرمود: (باور) به این که خدای تعالی در برابر یکی، از ده تا صد هزار و بیش تر عطا می کند؛ [و درباره ی آیه ی] «به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت»، فرمود:

چیزی از خیر را اراده نکند جز این که خدا آن را برایش آسان سازد؛ [و درباره ی آیه ی] «و اما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید»، فرمود: بخل نسبت به آنچه خدای عزّ وجلّ به او داده است؛ [و درباره ی آیه ی] «و (وعده ی) نیکو را انکار کرد»، فرمود:

(تکذیب) این که خدا در برابر یکی، از ده تا صد هزار و بیش تر عطا می کند؛ [و درباره ی آیه ی] «پس به زودی راهش را به سوی دشواری هموار کنیم»، فرمود: چیزی از بدی را اراده نکند جز این که خداوند آن را برایش آسان سازد؛ [و درباره ی آیه ی] «و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید»، فرمود: به هوش باشید! به خدا سوگند او با افتادن در چاه یا از کوه یا دیوار هلاک نشد، بلکه با افتادن در آتش جهنم هلاک شد.

۱۲ - ابوبصیر می گوید نزد امام باقر عليه السلام سخن از بعضی ثروتمندان شیعه به میان آوردیم. گویا از آنچه درباره ی آنان از ما شنید خوشش نیامد

ص: ۳۸

۱- (۱) البقره: ۲۷۲.

۲- (۲) اللیل: ۱۱ - ۵.

۳- (۳) اللیل: ۱۱ - ۵.

۴- (۴) اللیل: ۱۱ - ۵.

۵- (۵) اللیل: ۱۱ - ۵.

٦- (٦) اللّيل: ١١ - ٥.

٧- (٧) اللّيل: ١١ - ٥.

٨- (٨) الكافي: ٤٦/٤ ح ٥.

قال: يا أبا محمد! إذا كان المؤمن غنياً رحيماً وصولاً له معروفاً إلى أصحابه أعطاه الله أجر ما ينفق في البرِّ أجره مرتين ضعفين، لأن الله تعالى يقول في كتابه: وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ (١). (٢) ١٣ - عن أبي عبد الله عليه السلام - في قول الله عزَّ وجلَّ وَأَطَعُوا الْبَابِلسَ الْفَقِيرَ (٣) - قال: هو الزمن الذي لا يستطيع أن يخرج لزمانته (٤).

١٤ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَقَدْ وَكَلْتَهُ بِهِ مَنْ يَقْبِضُهُ غَيْرِي إِلَّا الصَّدَقَةَ فَإِنِّي أَتَلَقُّهَا بِيَدِي تَلَقُّفًا، حَتَّىٰ أَنْ الرَّجُلَ لِيَتَصَدَّقَ بِالتَّمْرَةِ أَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَأَرْبِيبُهَا لَهُ كَمَا يَرْبِي الرَّجُلَ فَلَوْهُ وَفَصِيلُهُ، وَفَرَمُودُ:

اگر مؤمن ثروتمند، مهرورز، صله ی (رحم) کننده و نیکی کننده به دوستانش باشد، خداوند در پاداش آنچه در راه نیکی انفاق کرده است، به او دو چندان عطا می کند؛ زیرا خداوند در کتابش می فرماید «و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گردانند مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند که آنان را بدانچه کرده اند دو برابر پاداش است و آنان در غرفه های (بهشتی) آسوده خاطر خواهند بود».

١٣ - امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای عزَّ و جلَّ «و به درمانده ی مستمند غذا دهید» فرمود:

او ناتوان و زمین گیری است که به دلیل زمین گیر بودنش نمی تواند [از پی روزی] بیرون رود.

١٤ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی می فرماید هیچ چیز نیست مگر این که برای گرفتن آن، کسی را جز خودم گمارده ام، غیر از صدقه که آن را خود به سرعت می گیرم. به گونه ای که وقتی شخصی خرما یا قطعه ای از خرما را صدقه می دهد، آن را برایش پرورش می دهم همان طور که کسی بچه استر و بچه شتر خود را پرورش می دهد،

ص: ٣٩

١- (١) سبأ: ٣٧.

٢- (٢) علل الشرائع: ٦٠٤ ب ٣٨٥ ح ٧٣. ونحوه فی تفسیر القمى: ٢٠٣/٢.

٣- (٣) الحج: ٢٨.

٤- (٤) الکافی: ٤٦/٤ ح ٤.

فیأتی یوم القیامه وهو مثل احد وأعظم من احد (۱).

□
۱۵ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

□ □
مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَاهُ ثَوْبًا لَمْ يَزَلْ فِي ضِمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ مِنْ ذَلِكَ الثَّوْبِ هَدْبَهُ [أَوْ] سَلَكَهُ. وَاللَّهُ لَقَضَاءُ حَاجِهِ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ (۲).

□
۱۶ - قال أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - في كلام له:

□
وَمَنْ يَبْسُطُ يَدَهُ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا وَجَدَهُ يَخْلِفُ اللَّهُ لَهُ مَا أَنْفَقَ فِي دُنْيَاهُ وَيَضَاعَفُ لَهُ فِي آخِرَتِهِ (۳).

۱۷ - عن النبي صلی الله علیه و آله [قال] لعلي عليه السلام: يا علي! ثلاث من حقائق الإيمان: الإنفاق في الإقتار، وانصاف الناس من نفسك، وبذل العلم للمتعلّم (۴).

پس روز قیامت (به او) در آید در حالی که همچون کوه اُحد یا بزرگ تر از آن است.

۱۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت اطعام کند، و هر کس مؤمن تشنه ای را سیراب سازد خداوند او را از شراب خالص مهر زده سیراب کند، و هر که مؤمنی را بپوشاند، تا زمانی که کُرکی یا نخعی از آن بر تن او است تحت ضمانت خداوند خواهد بود. به خدا سوگند بر آوردن حاجت مؤمن از یک ماه روزه و اعتکاف آن برتر است.

۱۶ - امیر مؤمنان - که صلوات خدا بر او باد - در سخنی فرمود: هر کس هنگام یافتن [فرصت] نیکی، دستش را به آن نیکی بگشاید، خداوند آنچه را او هزینه کرده است در دنیا برایش جایگزین سازد و در آخرت برایش دو چندان کند.

۱۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی سه چیز از حقیقت های ایمان است:

انفاق کردن در حال تنگدستی، حق مردم را رعایت کردن (و با مردم منصفانه رفتار کردن)، و آموختن دانش به دانشجو.

(۵) ظاهراً مقصود این است که انسان در حال تنگدستی نیز انفاق واحسان را فراموش نکند و به اندازه ی توان خود به آن اقدام نماید.

ص: ۴۰

٢- (٢) مصادقه الإخوان: ٤٢ ح ١.

٣- (٣) الكافي: ٤٣/٤ ح ٤.

٤- (٤) الخصال: ١٢٥ ضمن ح ١٢١.

۱۸ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

ثلاث من أتى الله بواحدة منهنّ أوجب الله له الجنّة: الإنفاق من إقتار، والبشر لجميع العالم، والإنصاف من نفسه (۱).

۱۹ - قال علي عليه السلام إذا أملتكم فتاجروا الله بالصدقه (۲).

۲۰ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

من لقم مؤمناً لقمه حلاوه صرف الله بها عنه مراره يوم القيامة (۳).

۲۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لم تُبعث لجمع المال ولكن بُعثنا لإنفاقه (۴).

۲۲ - عن أحدهما عليهما السلام قال:

ينزل الله المعونه من السماء إلى العبد بقدر المؤونه، فمن أيقن بالخلف سخت نفسه بالنفقه (۵).

۲۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

الأيدى ثلاثه: سائله ومنفقه وممسكه، وخير الأيدى المنفقه (۶).

۱۸ - امام صادق عليه السلام فرمود:

سه چیز است که هر که با یکی از آن ها به ملاقات خدا در آید خداوند بهشت را برایش واجب می کند:

انفاق کردن در حال تنگدستی، خوش رویی با همه ی مردم و با انصاف بودن [نسبت به دیگران].

۱۹ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: هر گاه تهی دست شدید به وسیله ی صدقه دادن با خدا تجارت کنید.

۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر که یک لقمه ی شیرین در دهان مؤمنی گذارد، خداوند تلخی های روز قیامت را از او برطرف خواهد کرد.

۲۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما برای گردآوری اموال برانگیخته نشدیم، بلکه برای انفاق آن برانگیخته شدیم.

۲۲ - امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند به اندازه ی خرج بنده، از آسمان به او کمک می رساند، پس هر که به جایگزینی (در انفاق) یقین داشته باشد، نفس او در خرج کردن بخشنده می شود.

۲۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دست ها سه گونه اند:

درخواست کننده، انفاق کننده، امساک کننده [بخیل].

و بهترین دست ها انفاق کننده است.

ص: ۴۱

-
- ۱- ((۱)) الكافی: ۱۰۳/۲ ح ۲.
 - ۲- ((۲)) نهج البلاغه - صبحی الصالح - (ص ۵۱۳، الحکمه: ۲۵۸).
 - ۳- ((۳)) ثواب الأعمال: ۱۸۱ ح ۱.
 - ۴- ((۴)) مشکاه الأنوار: ۳۲۱ ح ۱۰۱۸.
 - ۵- ((۵)) الكافی: ۴۴/۴ ح ۸.
 - ۶- ((۶)) الكافی: ۴۳/۴ ح ۶.

۲۴ - قال علی علیه السلام: أنفق في حق ولا تكن خازناً لغيرك (۱).

□

۲۵ - عن عبدالله بن عمر قال:

□

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

تكون امتي في الدنيا ثلاثة أطباق: أما الطبق الأول فلا يحبون جمع المال وادخاره، ولا يسعون في اقتنائه واحتكاره، وإنما رضاهم من الدنيا سد جوعه وستر عوره، وغناهم منها ما بلغ بهم الآخرة، فأولئك هم الآمنون الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون.

وأما الطبق الثاني فإنهم يحبون جمع المال من أطيب وجوهه، وأحسن سبله، يصلون به أرحامهم، ويبرون به إخوانهم، ويواسون به فقراءهم، ولعصّ أحدهم على الرّصف أيسر عليه من أن يكتسب درهماً من غير حلّه أو يمنعه من حقّه أو يكون له خازناً إلى يوم موته، فأولئك الذين إن نوقشوا عذبوا، وإن عفى عنهم سلموا.

وأما الطبق الثالث فإنهم يحبون جمع المال ممّا حلّ وحرّم، ۲۴ - امام علی علیه السلام فرمود: در راه حق انفاق کن و خزانه دار غیر خود مباش.

□

۲۵ - از عبدالله بن عمر نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: امت من در دنیا سه گروه اند:

گروه اول جمع آوری و ذخیره مال را دوست ندارند و در نگهداری و احتکار آن تلاش نمی کنند، و از دنیا به رفع گرسنگی و پوشاندن خود و مقداری که آنان را به آخرت برساند رضایت می دهند.

پس آنان [از خطرها] در امان هستند و هیچ ترس و اندوهی بر آنان راه ندارد.

گروه دوم جمع مال را به پاک ترین صورت ها و از نیکوترین راه ها دوست دارند؛

به وسیله آن با خویشاوندان خود ارتباط برقرار می کنند و به برادران خود نیکی می کنند و با فقرا در آن شریک می شوند، و گاز گرفتن سنگ های بر هم چیده برای آنان آسان تر است از کسب یک درهم حرام یا خودداری از پرداخت حق آن یا ذخیره کردن آن تا روز مرگ.

آنان کسانی هستند که اگر به دقت حساب رسی شوند عذاب می شوند و اگر از آن ها درگذرند به سلامت رد می شوند.

گروه سوم جمع مال را از راه حلال و حرام دوست دارند

ص: ۴۲

ومنه مما افترض ووجب، إن أنفقوه إسرافاً وباداراً، وإن أمسكوه أمسكوه بخلاً واحتكاراً، أولئك الذين ملكت الدنيا زمام قلوبهم حتى أوردتهم النار بذنوبهم (۱).

۲۶ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعْطَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ [فِي] مَلَكُوتِ السَّمَاءِ [و] الْفَرْدُوسِ وَجَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبَّنَا بِيَدِهِ (۲).

۲۷ - قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَسْكِينَ رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ مَنَعَهُ فَقَدْ مَنَعَ اللَّهَ، وَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ (۳).

۲۸ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ وَصَلَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فِي دَارِ هَذِهِ الدُّنْيَا بِقِرَاطٍ كَافِيَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَنْطَارٍ (۴).

و از پرداخت واجبات آن خوداری می کنند.

اگر از آن انفاق کنند از روی زیاده روی و ولخرجی است و اگر آن را نگهدارند از روی بخل و احتکار است.

آنان کسانی هستند که دنیا زمام قلب آنان را در دست گرفته است تا آنان را به وسیله ی گناهانشان به آتش درآورد.

۲۶ - از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس سه نفر از مسلمانان را غذا دهد خداوند او را از سه بهشت اطعام می کند:

در ملکوت آسمان.

و بهشت برین (فردوس).

و بهشت خُلدی که پروردگار ما با دست قدرتش آن را کاشته است.

۲۷ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بی نوا فرستاده خدا است.

پس کسی که او را رد کند خدا را رد کرده است.

و هر کس به او عطا کند به خدا عطا کرده است.

۲۸ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که در این دنیا به یکی از خاندانم به اندازه ی یک قیراط (چهار دانه ی جو) نیکی کند، آن را در روز قیامت به اندازه ی یک قنطار (صد من) جبران می کنم.

١- ((١)) عُدَّه الداعى: ١٠٢، عنه المستدرك ١٨/١٣ ح ١٤٦١٢.

٢- ((٢)) مصادقه الإخوان: ٤٤ ح ٥.

٣- ((٣)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٥٢٩ الحكمة ٣٠٤، عنه الوسائل: ٤٢٠/٩ ح ١٢٣٨١.

٤- ((٤)) الأمالى الصدوق: ٣٢٦ م ٦٢ ح ١٤ و روضه الواعظين: ٢٧٣ وأمالى الطوسى: ٤٣٩ ح ٩٨٤، عنه الوسائل: ٣٣٥/١٦ ح

٢١٦٩٦.

۲۹ - عن مسمع بن عبد الملك قال: كنا عند أبي عبد الله عليه السلام بمنى وبين أيدينا عنب نأكله. فجاء سائل فسأله فأمر بعنقود فأعطاه، فقال السائل: لا حاجه لي في هذا إن كان درهم. قال: يسع الله عليك. فذهب ثم رجع فقال:

ردوا العنقود. فقال: يسع الله لك، و لم يعطه شيئاً. ثم جاء سائل آخر فأخذ أبو عبد الله عليه السلام ثلاث حبات عنب فناولها إياه فأخذ السائل من يده ثم قال: الحمد لله رب العالمين الذي رزقني. فقال أبو عبد الله عليه السلام: مكانك. فحشا ملء كفيه عنباً فناولها إياه.

فأخذها السائل من يده ثم قال:

الحمد لله رب العالمين. فقال أبو عبد الله عليه السلام: مكانك؛ يا غلام، أى شىء معك من الدراهم؟ فإذا معه نحو من عشرين درهماً فيما حزرناه (۱) أو نحوها، فناولها إياه فأخذها. ثم قال: الحمد لله هذا منك وحدك لا شريك لك.

۲۹ - مسمع بن عبد الملك مى گوید: ما در مینا خدمت امام صادق علیه السلام بودیم و انگور می خوردیم که نیازمندی آمد و از حضرت چیزی خواست.

حضرت دستور داد خوشه ی انگوری به او بدهند. نیازمند گفت: اگر ممکن است، پول بدهید؛ مرا به این نیازی نیست. حضرت فرمود: خدا گشایش بخشد. فقیر رفت و دوباره بازگشت و گفت: خوشه ی انگور را بدهید. حضرت فرمود: خدا گشایش دهد. و چیزی به او نداد.

آن گاه سائل دیگری آمد. امام صادق علیه السلام سه دانه انگور گرفت و به او داد. شخص نیازمند آن ها را از دست حضرت گرفت و گفت: ستایش از آن خدا است که پروردگار اهل جهان است، همان که روزی ام داد. امام صادق علیه السلام فرمود: به جای خود باش. آن گاه دو دست مبارکش را پر از انگور کرد و به آن سائل داد. فقیر آن ها را از دست حضرت گرفت و گفت: ستایش از آن خدا است که پروردگار اهل جهان است. امام صادق علیه السلام فرمود: به جای خود باش.

سپس به غلام خود فرمود: ای غلام، چه مقدار پول همراه خود داری؟ به گمان ما بیست درهم یا همین حدود همراه او بود.

آن ها را به سائل داد و او گرفت و گفت:

ستایش از آن خدا است، [خدایا] این از جانب تو است و تو یگانه ای که هیچ شریکی نداری.

ص: ۴۴

فقال أبو عبد الله عليه السلام: مكانك.

فخلع قميصاً كان عليه فقال:

البس هذا.

فلبسه ثم قال: الحمد لله الذي كساني وسترني يا أبا عبد الله، أو قال: جزاك الله خيراً. لم يدع لأبي عبد الله عليه السلام إلّابداً ثم انصرف فذهب.

قال: فظننا أنه لو لم يدع له لم يزل يعطيه لأنه كلما كان يعطيه حمد الله أعطاه (١).

٣٠ - قال الرضا لابنه الجواد عليهما السلام: يا أبا جعفر! بلغني أنّ الموالى إذا ركبت أخرجوك من الباب الصغير، فإنما ذلك من بخلٍ منهم لئلا ينال منك أحدٌ خيراً، وأسألك بحقّي عليك لا يكن مدخلك ومخرجك إلّا من الباب الكبير، فإذا ركبت فليكن معك ذهبٌ وفضّه، ثم لا يسألك أحدٌ شيئاً إلّا أعطيته، ومن سألك من عمومته أن تبرّه فلا تعطه أقلّ من خمسين ديناراً والكثير إليك، ومن سألك من عمّاتك فلا تعطها أقلّ من خمسة وعشرين ديناراً والكثير إليك، إنّي إنّما أريد بذلك امام صادق عليه السلام فرمود: به جای خود باش.

و آن گاه جامه ای را که پوشیده بود در آورد و فرمود: این را بپوش. شخص آن را پوشید و گفت: ستایش از آن خدا است، آن که به من جامه عنایت کرد و مرا پوشانید ای امام صادق! یا گفت: خدا به تو پاداش خیر عنایت کند. برای امام صادق جز به همین، دعایی نکرد و آن گاه بازگشت و رفت.

ما پنداشتیم که اگر برای حضرت دعا نمی کرد پیوسته عطایش می فرمود؛ چون حضرت هر چه عطایش می کرد و او خدا را می ستود حضرت باز عطایش می فرمود.

٣٠ - امام رضا علیه السلام به فرزند خود امام جواد علیه السلام فرمود: ای اباجعفر! به من خبر رسیده است که چون سوار مرکب می شوی، غلامان، تو را از در کوچک بیرون می برند.

این به سبب بخل آنان است تا خیری از تو به کسی نرسد. تو را به حقّی که بر تو دارم سوگند می دهم که ورود و خروج از در بزرگ باشد و چون سوار شدی طلا و نقره ای همراه خود داشته باش و هر کس چیزی از تو درخواست کرد عطایش کن، و هریک از عموهایت از تو خواست که به او احسان کنی، کم تر از پنجاه دینار به او نبخش، ولی افزون بر آن را مختاری، و هر که از عمّه هایت از تو درخواست کرد کم تر از بیست و پنج دینار به او نده و بیش از آن را مختاری.

ص: ٤٥

آن برافک الله، فانفق ولا تخش من ذى العرش إقتاراً (۱).

□
۳۱ - عن أبى بصير عن أبى عبد الله عليه السلام قال:

□
ذكر أصحابنا [الإخوان] فقلت: ما أتغدى ولا أتعشى إلّا ومعى اثنان أو ثلاثة أو أقلّ أو أكثر، فقال أبو عبد الله عليه السلام:

فضلهم عليك أعظم من فضلک عليهم، فقلت: جعلت فداک کیف وأنا اطعمهم طعامى وأنفق عليهم مالى ويخدمهم خدمى وأهلى؟!

قال: إنهم إذا دخلوا عليك دخلوا عليك برزقٍ كثير، وإذا خرجوا خرجوا بالمغفرة لك (۲).

□
۳۲ - عن أبى عبد الله عليه السلام قال:

□
□
كان أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - يضرب بالمرّ ويستخرج الأرضين. وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يمصّ النوى بفيه ويغرسه فيطلع من ساعته. وإنّ أمير المؤمنين عليه السلام أعتق ألف مملوك من ماله وكّد يده (۳).

من با این کار فقط می خواهم خدا مقام تو را بالا ببرد.

پس انفاق کن و بیم تنگدستی از جانب خدای سبحان نداشته باش.

۳۱ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام از اصحاب ما یاد فرمود.

عرض کردم صبحانه و شام نمی خورم مگر این که دو یا سه نفر یا کم تر یا بیش تر از آنان با من است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

برتری آنان بر تو بیش از فضیلت تو بر آنان است.

عرض کردم: فدایت گردم! چگونه. حال آن که من غذایم را به آنان می خورم و مالم را به آنان انفاق می کنم و خدمتکاران و خانواده ام به آنان خدمت می کنند!

فرمود: زیرا آنان چون بر تو وارد شوند روزی فراوان بر تو وارد می کنند و چون می روند با آمرزش تو خارج می شوند.

۳۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان - که صلوات خدا بر او باد - چنین بود که با بیل کار می کرد و زمین ها را می کند [وخاک ها را زیر و رو می کرد] و رسول خدا صلى الله عليه وآله چنین بود که هسته را می مکید و آن را می کاشت و در همان ساعت جوانه می زد.

و امیرمؤمنان علیه السلام هزار برده را از مال و دسترنج خود آزاد کرد.

١- ((١)) الكافي: ٤٣/٤ ح ٥.

٢- ((٢)) مصادقه الإخوان: ٤٤ ح ٧.

٣- ((٣)) الكافي: ٧٤/٥ ح ٢، عنه الوسائل: ٣٧/١٧ ح ٢١٩١٩.

۳۳ - عن الفضل بن أبي قرّه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له:

□
إِنَّ هَؤُلَاءَ يَقُولُونَ: إِنَّ كَسْبَ الْمُعَلِّمِ سَحْتٌ، فَقَالَ: كَذَبَ أَعْدَاءُ اللَّهِ، إِنَّمَا أَرَادُوا أَنْ لَا يَعْلَمُوا أَوْلَادَهُمُ الْقُرْآنَ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا أُعْطِيَ الْمُعَلِّمَ دِيهَ وَلَدِهِ كَانَ لِلْمُعَلِّمِ مَبَاحًا (۱).

۲۳ - فضل بن ابی قرّه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این ها می گویند اجرت گرفتن بر آموزگار حرام است.

فرمود: این دشمنان خدا دروغ گفته اند؛ همانا آنان [با این فتوی] می خواهند فرزندانشان قرآن نیاموزند.

اگر کسی به اندازه ی دیه ی فرزندش به آموزگار دهد، برای آن معلم حلال است.

ص: ۴۷

۱- ((۱)) الفقیه: ۱۶۳/۳ ح ۳۶۰۰ الکافی: ۱۲۱/۵ ح ۲، عنهما الوسائل: ۱۵۴/۱۷ ح ۲۲۲۲۷.

ب) انفاق واجب

۱ - قال الله تعالى: وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ آذِكُوا الرِّكْعِينَ (۱).

۲ - وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲).

۳ - خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳).

۴ - وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ لِالْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفْيِ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴).

۱ - خداوند تعالی فرمود: «و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.»

۲ - «و نماز را بر پا دارید و زکات را بپردازید و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت، خداوند به اعمال شما بینا است.»

۳ - از اموال آن ها صدقه بگیر تا به آن پاکشان کنی و رشدشان دهی، و دعایشان کن که دعای تو آرامشی برای آن ها است، و خدا شنوای داناست.

۴ - «و بدانید هر گونه غنیمی به دست آورید، از هر چه باشد، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و از آن خویشاوندان [پیامبر] و یتیمان و تنگدستان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده ی خود در روز جدایی [حق از باطل]، روزی که آن دو گروه [در بدر] با هم رو در رو شدند، نازل کردیم ایمان آورده اید [حق واجب را بپردازید] و خدا بر هر چیزی توانا است.»

ص: ۴۸

۱- (۱) البقره: ۴۳.

۲- (۲) البقره: ۱۱۰.

۳- (۳) التوبه: ۱۰۳.

۴- (۴) الأنفال: ۴۱.

۵ - قال علي عليه السلام: شرّ الأموال مالٌ لا يُنْفَقُ منه ولا تُؤدَّى زكاته (۱).

۶ - عن الصادق عليه السلام قال:

ما من عبدٍ يمنع درهماً في حقّه إلّا أنفق اثنين في غير حقّه، و ما رجلٌ يمنع حقّاً من ماله إلّا طوّقه الله عزّ و جلّ به حيه من نار يوم القيامة (۲).

۷ - عن الباقر و الصادق عليهما السلام :

ما من أحدٍ يمنع من زكاه ماله شيئاً إلّا جعل الله ذلك يوم القيامة ثعباناً من نار مطوّقاً في عنقه ينهش من لحمه حتّى يفرغ من الحساب، و هو قول الله تعالى سَيَطْوِقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳) یعنی ما بخلوا به من الزكاه (۴).

۵ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بدترین مال ها مالی است که از آن انفاق نشود و زکاتش پرداخت نگردد.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای درهمی را از راه حقش باز نمی دارد جز این که دو برابر آن را در راه غیر حق هزینه می کند، و هیچ مردی حتّی از مال خود را باز نمی دارد جز این که خدای عزّ و جلّ آن را در روز قیامت به شکل ماری از آتش به گردن او می آویزد.

۷ - از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است:

هرکس چیزی از زکات خود را دریغ کند، آن مال در روز قیامت ازدهایی می شود و به گردن او می پیچد و پیوسته از گوشت او می خورد تا از حساب فارغ شود، و این است فرموده ی خداوند که «بزودی آنچه که بآن بخل ورزیده اند، در روز رستاخیز طوق گردنشان می شود». یعنی آنانی که از دادن زکات بخل می ورزند.

ص: ۴۹

۱- (۱) عیون الحکم و المواعظ: ۲۹۳ ح ۵۲۲۹.

۲- (۲) الکافی: ۵۰۴/۳ ح ۷.

۳- (۳) آل عمران: ۱۸۰.

۴- (۴) الصافی: ۱۵۷/۲ عن الکافی: ۵۰۲/۳ ح ۱، و ص ۵۰۴ ح ۱۰.

۱ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَاسًا مِنْ قُبُورِهِمْ، مَشْدُودَةً أَيْدِيهِمْ إِلَى أَعْنَاقِهِمْ، لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَتَأَمَّلُوا بِهَا قَيْسَ أُنْمُلِهِ، (۱) معهم ملائكة يعيرونهم تعبيراً شديداً، يقولون:

هؤلاء الذين منعوا خيراً قليلاً من خيرٍ كثير، هؤلاء الذين أعطاهم الله فمنعوا حقَّ الله في أموالهم (۲).

۲ - عن الباقر عليه السلام قال: إِنَّ الشَّمْسَ لَتَطَّلِعُ وَمَعَهَا أَرْبَعَةُ أَمْلَاحَ. مَلَكٌ ينادي:

يا صاحب الخير! أتم وأبشر، وملكك ينادي: يا صاحب الشر! انزع وأقصر، وملكك ينادي: أعط منفقاً خلفاً وآت ممسكاً تلفاً، وملكك ينضحها بالماء ولولا ذلك اشتعلت الأرض (۳).

۱ - امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی روز قیامت مردمانی را از گورهایشان بر می انگیزد که دست هایشان به گردن هایشان بسته شده است و به اندازه ی سرانگشتی نمی توانند [چیزی] بگیرند. فرشتگانی همراه آنان هستند که آنان را سخت سرزنش می کنند [و] می گویند:

این ها کسانی اند که با جلوگیری از خیر اندک مانع خیر بسیار شدند، اینان کسانی اند که خدا عطایشان فرمود و آنان از دادن حقّ خداوند در اموالشان سرباز زدند.

۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: چون خورشید بر آید چهار فرشته همراه او است :

فرشته ای ندا می کند «ای صاحب خیر! [خیر خود را] کامل کن و بشارت گیر»؛ و فرشته ای ندا می کند «ای صاحب شر! [از شرّ خود] دست کش و کوتاه کن»؛ و فرشته ای ندا می کند «عطا کن به انفاق کننده، جایگزین را و به بخیل، تلف [مال] را» و فرشته ای بر روی آن آب [رحمت و مهر] می پاشد و اگر این نبود زمین [دل ها از کینه و بغض به هم] آتش می گرفت.

ص: ۵۰

۱- (۱) قیس شبر: ای قدر شبر، القیس والقیید سواء (النهاية: ۱۳۱/۴).

۲- (۲) الکافی: ۵۰۶/۳ ح ۲۲.

۳- (۳) الکافی: ۴۲/۴ ح ۱.

۳ - عن الصادق عليه السلام قال: أنفق بالخلف، واعلم أنه من لم ينفق في طاعة الله ابتلى بأن ينفق في معصية الله (۱).

□
۴ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
من منع حقاً لله عزّ وجلّ أنفق في باطلٍ مثليه (۲).

□
۵ - قال عليّ عليه السلام: زوال النعم بمنع حقوق الله منها وإهمال شكرها (۳).

□
۶ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تقطعوا على السائل مسألتها، فلولا أنّ المساكين يكذبون ما أفلح من ردّهم (۴).

۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: باقی مانده را انفاق کن، و بدان هر که در راه فرمان بری از خدا هزینه نکند، گرفتار هزینه کردن در راه نافرمانی خدا می شود.

۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس از [ادای] حقّ خداوند خودداری کند، دو برابر آن را در راه باطل هزینه نماید.

۵ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نابودی نعمت ها به سبب نپرداختن حقوق خدا از آن ها و ناسپاسی در برابر آن ها است.

۶ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: درخواست سائل را رد نکنید که اگر نبود این که [برخی] فقرا دروغ می گویند، رد کننده ی آنان رستگار نمی شد.

ص: ۵۱

۱- (۱) مشکاه الأنوار: ۳۲۱ ح ۱۰۱۹.

۲- (۲) الکافی: ۵۰۶/۳ ح ۲۱.

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۲۷۶ ح ۵۰۲۷.

۴- (۴) الکافی: ۱۵/۴ ح ۱ والفقیه: ۶۹/۲ ح ۱۷۴۸ والتهدیب: ۱۱۰/۴ ح ۳۲۰، عنها الوسائل: ۴۱۸/۹ ح ۱۲۳۷۳.

۱ - عن أبي جعفر عليه السلام قال:

□
كان فيما ناجى الله عزّ وجلّ به موسى عليه السلام قال: يا موسى! أكرم السائل ببذلٍ يسير أو بردّ جميل، لأنّه يأتيك من ليس بإنس ولا-جانّ، ملائكه من ملائكه الرحمن يبلونك فيما حوّلتك ويسألونك عمّا نوّلتك، فانظر كيف أنت صانع يا ابن عمران (۱).

۲ - عن الباقر عليه السلام قال: ما سئل [النبيّ صلى الله عليه و آله] شيئاً قطّ فيقول «لا»، إنّ كان أعطى، وإن لم يكن قال «يكون». وما أعطى على الله شيئاً قطّ إلّا سلّم ذلك إليه، حتّى أن كان ليعطى الرجل الجنّه فيسلّم الله ذلك له (۲).

۳ - عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال:

ما سئل [النبيّ صلى الله عليه و آله] شيئاً قطّ ۱ - امام باقر عليه السلام فرمود:

از جمله اسراری که خداوند با موسی در میان گذاشت این بود که فرمود:

ای موسی! سائل را یا با بخشش اندک گرامی بدار یا با برگرداندن زیبا و مهربانانه؛

زیرا [چه بسا] کسانی نزد تو آیند که نه انسان اند و نه جنّ، بلکه فرشته هایی از فرشتگان خدای رحمان هستند که تو را در آنچه به تو واگذارده ام می آزمایند و از آنچه به تو بخشیده ام درخواست می کنند، پس دقت کن چگونه رفتار می کنی ای فرزند عمران!

۲ - امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگز از پیامبر چیزی خواسته نشد که بفرماید نه.

اگر بود عطا می کرد و اگر نبود می فرمود «می رسد». و هرگز بر خدا عطای چیزی را ضمانت نکرد مگر این که خدا آن را به او داد.

حتی اگر بهشت را به شخصی عطا می کرد خدا آن را به او می داد.

۳ - امیرمؤمنان عليه السلام فرمود:

هرگز از [پیامبر صلى الله عليه و آله] تقاضایی نشد

- ١- (١) الكافي: ١٥/٤ ح ٣ والفقيه: ٦٨/٢ ح ١٧٤٦، عنهما الوسائل: ٤١٩/٩ ح ١٢٣٧٧.
- ٢- (٢) الكافي: ١٣٠/٨ ح ١٠٠ وأمالى الطوسى: ٦٩٢ ضمن ح ١٤٧٠، عنهما البحار: ٢٧٧/١٦ ضمن ح ١١٦.

فقال «لا» وما ردّ سائلاً حاجه إلّا بها أو بميسورٍ من القول (۱).

۴ - قال عليّ عليه السلام: يا كميل! لا تردّ سائلاً ولو من شطر حبه عنب أو شقّ تمره، فإنّ الصدقه تنمو عند الله (۲).

۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تردّوا السائل ولو بظلفٍ محترق (۳).

۶ - عن النبيّ صلى الله عليه و آله: إذا طرقكم سائل ذكرّ بليل فلا تردّوه (۴).

۷ - قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: أعط السائل ولو كان على ظهر فرس (۵).

۸ - قال بعضهم: كنّا جلوساً على باب دار أبي عبد الله عليه السلام بكرة، فدنا سائل إلى باب الدار فسأل فردّوه فلامهم لائمٌ شديده وقال: أوّل سائل قام على باب الدار فسأل فردّتموه؟ أطمعوا ثلاثه، ثمّ أنتم بالخيار عليه، إن شئتم أن تزدادوا فازدادوا، وإلّا فقد أدّيتم حقّ يومكم.

که بفرماید «نه».

و هیچ سائلی را ردّ نکرد مگر این که یا حاجت او را برآورده ساخت یا با کلام نرم و آمیخته با لطف او را بازگرداند.

۴ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: ای کمیل! سائل را رد نکن اگر چه به قسمتی از دانه ی انگور یا نصف خرما باشد که همانا صدقه نزد خداوند رشد می یابد.

۵ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سائل را رد نکنید اگر چه به یک سُم سوخته باشد.

۶ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مرد سائلی شبانه درب خانه شما را زد، او را رد نکنید.

۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: به سائل عطا کنید حتی اگر سوار اسب باشد.

۸ - راوی می گوید: صبحگاهی مقابل درب خانه ی امام صادق علیه السلام نشسته بودیم.

سائلی نزدیک درب خانه آمد و کمک خواست. او را رد کردند.

حضرت آنان را شدیداً سرزنش کرد و فرمود:

نخستین سائلی را که به درب خانه آمد و درخواست کرد، رد کردید؟!!

باید سه سائل را غذا دهید و آن گاه اختیار با شماست؛

اگر خواستید، به تعداد بیش تری بدهید، و اگر هم ندادید، تکلیف آن روزتان را انجام داده اید.

-
- ١- ((١)) مكارم الأخلاق: ٦١/١ ح ٥٥.
 - ٢- ((٢)) تحف العقول: ١٧٢.
 - ٣- ((٣)) الكافي: ١٥/٤ ح ٦، عنه الوسائل: ٤١٩/٩ ح ١٢٣٧٦.
 - ٤- ((٤)) عُده الداعي: ١٠١.
 - ٥- ((٥)) الكافي: ١٥/٤ ح ٢، عنه الوسائل: ٤١٧/٩ ح ١٢٣٧١.

وقال عليه السلام : أعطوا الواحد والإثنين والثلاثة، ثم أنتم بالخيار (١).

٩ - عن الثمالي قال: صليت مع علي بن الحسين عليهما السلام الفجر بالمدينة يوم الجمعة، فلما فرغ من صلاته وسبحته نهض إلى منزله وأنا معه، فدعا مولاه له تسمى سكينه فقال لها:

لا يعبر علي بابي سائل إلا أطمعتموه، فإن اليوم يوم الجمعة، قلت له: ليس كل من يسأل مستحقاً؟

فقال: يا ثابت! أخاف أن يكون بعض من يسألنا محقاً فلا نطعمه ونردّه فينزل بنا أهل البيت ما نزل بيعقوب وآله، أطمعهم أطمعهم... (٢).

١٠ - قال عليه السلام : إنا لنعطى غير المستحق حذراً من ردّ المستحق (٣).

و فرمود: به سائل اول و دوم و سوم عطا کنید، سپس اختیار باشما است.

٩ - ابو حمزه ی ثمالی می گوید:

با امام سجاد علیه السلام نماز صبح را روز جمعه در مدینه به جای آوردم.

حضرت چون نماز و تسبیحش را تمام کرد، بلند شد و به سوی منزل رفت و من با ایشان بودم. کنیزش را که سکینه نام داشت صدا کرد و فرمود:

سائلی از در خانه ی من عبور نکند مگر این که او را اطعام کنید [غذا دهید] که امروز روز جمعه است.

عرض کردم: هر سؤال کننده ای مستحق نیست.

فرمود ای ثابت! از آن بیم دارم که کسی مستحق باشد و او را اطعام نکنیم و بر ما اهل بیت، آن [بلایی] فرود آید که بر یعقوب و آل او فرود آمد. آنان را اطعام کنید، آنان را اطعام کنید... .

١٠ - یکی از امامان علیهم السلام فرموده است:

ما غیر مستحق را احسان می کنیم از بیم آن که مستحق رد نشود.

ص: ٥٤

١- ((١)) عُدّه الداعی: ١٠١، عنه البحار: ١٥٩/٩٦ ضمن ح ٣٧.

٢- ((٢)) علل الشرائع: ٤٥/١ ب ٤١ ح ١، عنه البحار: ٢٧١/١٢ ح ٤٨. و آورد صدره الحرّ العاملی فی الوسائل: ٤١٢/٧ ح ٩٧٢٦.

٣- ((٣)) عُدّه الداعی: ١٠١، عنه البحار: ١٥٩/٩٦ ضمن ح ٣٧ و فيه «عنهم علیهم السلام» بدل «قال علیه السلام».

ه) از چه مالی بخشیم؟

۱ - قال الله تبارك وتعالى:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۱).

۲ - وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲).

۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ (۲) قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أمر بالنخل أن يزكى يجيء قوم بألوان من تمر وهو من أردى التمر، يؤدونه من زكاتهم تمرأ يقال له «الجعرور و المعافاره»، قليله اللحم عظيمه النوى ۱ - خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بهترین آنچه به دست آورده اید و از آنچه از زمین برایتان برآورده ایم انفاق کنید، و [چیزهای] پست را که خودتان جز با چشم پوشی نمی پذیرید، برای انفاق منظور نکنید و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است.

۲ - و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو:

مازاد نیازمندی خود را. خدا بدین سان آیات خود را برای شما روشن می سازد تا بیندیشید.

۳ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عز و جلّ که می فرماید «ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین بر آورده ایم، انفاق کنید و در پی ناپاک آن نروید که از آن انفاق کنید» فرمود:

چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می داد که زکات خرما را پردازند گروهی انواعی از خرما را می آوردند که از نا مرغوب ترین خرما بود و زکاتشان را از آن می پرداختند، خرماهایی که به آن ها «جعرور و معافاره» می گفتند که پوست [گوشت] آن ها اندک و هسته هاشان بزرگ بود.

ص: ۵۵

۱- ((۱)) البقره: (۲۶۷). البقره: ۲۱۹.

۲- ((۲)) البقره: (۲۶۷). البقره: ۲۱۹.

۳- ((۳)) البقره: (۲۶۷). البقره: ۲۱۹.

وكان بعضهم يجيء بها عن التمر الجيد، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله :

لا تخرصوا هاتين التمرتين ولا تجيئوا منها بشيء، وفي ذلك نزل ولَا تَيْمَمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ
والإغماض أن تأخذ هاتين التمرتين (١).

٤ - عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (٢) فقال: كان القوم قد كسبوا مكاسب سوء
في الجاهلية فلما أسلموا أرادوا أن يخرجوها من أموالهم ليتصدقوا بها فأبى الله تبارك وتعالى إلا أن يخرجوا من أطيب ما كسبوا
(٣).

٥ - عن عثمان بن عيسى عمّن حدّثه عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت:

آيتان في كتاب الله عز وجل أطلبهما فلا أجدهما قال عليه السلام: ...

وما الآية الأخرى؟ قلت: قول الله عز وجل: وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزُقِينَ (٤) برخي از آنان نیز زکات را از
خرمای خوب می آوردند.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: این دو نوع خرما [جعرور و معافاره] را به حساب نیاورید و چیزی از آن ها برای زکات
نیاورید. و در این باره [این آیه ی شریفه] نازل شده است «و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن
را [اگر به خودتان می دادند] جز با چشم پوشی [و بی میلی] نسبت به آن، نمی گرفتید.

حضرت فرمود: مقصود چشم پوشی از گرفتن این دو نوع خرما است.

٤ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عز و جل، «از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید انفاق کنید»، فرمود:

گروهی در زمان جاهلیت از راه های نادرست اموالی به دست آورده بودند و چون اسلام آوردند خواستند آن ها را از اموالشان
خارج کنند و صدقه دهند. خداوند تبارک و تعالی نپذیرفت مگر این که آنچه می دادند از پاکیزه ترین اموالی بود که به
دست آورده اند.

٥ - عثمان بن عیسی از شخصی نقل می کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم دو آیه در کتاب خدا است که آن دو را
می جویم ولی نمی یابم [به وعده ای که در آن ها داده شده دست نمی یابم] فرمود: ... و آیه ای دیگر کدام است؟ عرض
کردم: این سخن خدای عز و جل که «و هر چیزی را انفاق کنید پس خداوند جایگزینش می کند و او است بهترین روزی
دهندگان».

ص: ٥٦

٢- (٢) البقره: ٢٦٧.

٣- (٣) الكافى: ٤٨/٤ ح ١٠.

٤- (٤) سبأ: ٣٩.

وَأِنِّي أَنْفَقُ وَلَا أَرَى خَلْفًا.

□
قال: أفترى الله عزَّ وجلَّ أخلف وعده؟ قلت: لا.

قال: فمِمَّ ذلك؟ قلت: لا أدري.

قال: لو أن أحدكم اكتسب المال من حِلِّه وأنفقه في حِلِّه لم ينفق درهمًا إلا أخلف عليه (١).

□
٦ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل الصدقة صدقة تكون عن فضل الكف (٢).

و من انفاق می کنم ولی عوضی برای آن نمی بینم.

فرمود: آیا می پنداری که خدای عز و جل در وعده ای خود تخلف می کند؟ عرض کردم: نه .

فرمود: پس چیست؟ عرض کردم:

نمی دانم.

فرمود: اگر یکی از شما مالی را از راه حلالش به دست آورد و آن را در راه حلالش هزینه کند، هیچ درهمی را انفاق نکند مگر این که جایگزینش به او برسد.

٦ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برترین صدقه، صدقه ای است که با گشاده دستی باشد.

ص: ٥٧

١- ((١)) الکافی: ٤٨٦/٢ ح ٨ .

٢- ((٢)) الکافی: ٤٦/٤ ح ٣ .

(۱)

۱ - قال الله تبارك و تعالی:

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرِهُونَ (۲).

۲ - قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعَهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ (۳).

۳ - وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۴).

۴ - الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِقِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَآ أَنفَقُوا مِمَّا وَّلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۵).

۵ - وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶).

۱ - خداوند متعال فرمود: و چیزی مانع قبول انفاق هایشان نشد جز این که آن ها خدا و رسول او را منکر شدند و جز با کسالت نماز نمی گزارند و جز به کراهت انفاق نمی کنند.

۲ - سخن خوش [با نیازمندان] و گذشت، از صدقه ای که آزاری در پی دارد بهتر است و خدا بی نیاز بردبار است.

۳ - و کسانی که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کنند و به خدا و قیامت اعتقاد ندارند [همنشین شیطانند]. و کسی که شیطان همدم وی باشد بد همدمی است.

۴ - کسانی که مالشان را در راه خدا می بخشند و به دنبال بخشش خود منت و آزاری نمی آورند، اجرشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و نه بیمی بر آن ها است و نه اندوهگین شوند.

۵ - و کسانی که هرگاه انفاق کنند نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.

ص: ۵۸

۱- ((۱)) درباره ی آفات انفاق به جز آنچه در این جا آمده است آیات و احادیث دیگری هم در فصل سوم ذکر خواهد شد و در نکوهش درخواست و سؤال نیز احادیثی در فصل دوم خواهد آمد.

۲- ((۲)) التوبه: ۵۴ .

۳- ((۳)) البقره: ۲۶۳.

۴- ((۴)) النساء: ۳۸.

٥- (٥) البقره: ٢٦٢.

٦- (٦) الفرقان: ٦٧.

۶ - عن هشام بن المثنى قال:

سأل رجلُ أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزَّ وجلَّ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُشِرُّوْا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱) فقال: كان فلان بن فلان الأنصاري - سمّاه - وكان له حرثٌ، وكان إذا أخذ يتصدَّق به ويبقى هو وعياله بغير شيءٍ فجعل الله عزَّ وجلَّ ذلك سرفاً (۲).

۷ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يجيء أحدكم بماله كله فيتصدَّق به ويجلس يتكفَّف الناس؛ إنَّما الصدقه عن ظهر غنى (۳).

۸ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا جاد الله تبارك وتعالى عليكم فجدوا، وإذا أمسك عنكم فأمسكوا، ولا تجاودوا الله فهو الأجود (۴).

۶ - هشام بن مثنى می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید که فرمود «و حقّ [بینویان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند؛ خداوند این را اسراف قرار داد.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برخی از شما همه ی اموالی را که به دست می آورند صدقه می دهند، و می نشینند از مردم گدایی می کنند؛ صدقه باید از روی بی نیازی باشد.

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خدای تبارک و تعالی بر شما بخشید شما هم ببخشید، و هرگاه از شما بازداشت، شما نیز بازدارید [و دست بکشید] و در بخشش، با خداوند رقابت نکنید که او بخشنده تر است.

ص: ۵۹

۱- ((۱)) الأنعام: ۱۴۱.

۲- ((۲)) الکافی: ۵۵/۴ ح ۵، عنه الوسائل: ۵۵۸/۲۱ ح ۲۷۸۶۸.

۳- ((۳)) مستدرک الوسائل: ۲۴۰/۷ ح ۸۱۳۸.

۴- ((۴)) الکافی: ۵۴/۴ ح ۱۱.

الف) مفهوم مواسات

مواسات در مال به معنی شریک کردن یا صاحب اختیار کردن دیگری در مال خود، یا به او اجازه ی تصرف دادن است. در مجمع البحرین، مواساه الإخوان (۱) به معنای مشارکت با برادران در رزق و روزی و مخارج و وسایل زندگی، دانسته شده است.

ب) اهمیت و عظمت مواسات

۱ - عن المعلی بن خنیس قال:

قلت لأبی عبدالله علیه السلام: ما حقُّ المؤمن علی المؤمن؟ قال: سبعة حقوق واجبات ما فیها حقٌّ إلّا وهو واجبٌ علیه، وإن خالفه خرج من ولایه الله وترك طاعته ولم یکن لله عزّ وجلّ فیهِ نصیب.

قال قلت: جعلت فداك حدّثنی ماهی؟

قال: ویحكك یا معلی! إنی شفیقٌ علیك أخصی أن تضیع ۱ - معلی بن خنیس می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟

حضرت فرمود: هفت حق واجب که هر یک از آن ها بر او لازم است و اگر ادا نکند از ولایت خدا بیرون رفته و فرمانبری خدا را رها کرده است و خدا را در او بهره ای نیست.

عرض کردم: فدایت شوم! به من بگوئید این حقوق چیست؟

فرمود:

وای ای معلی! من به تو مهربانم، بیم دارم که آن را تباه کنی

ص: ۶۰

ولا تحفظ، وتعلم ولا تعمل.

□
قلت: لا قوه إلا بالله.

قال: أيسر منها أن تحبَّ له ما تحبُّ لنفسك وتكره له ما تكره لنفسك؛

والحقُّ الثاني أن تمشي في حاجته وتبتغي رضاه ولا تخالف قوله؛

والحقُّ الثالث أن تصلِّه بنفسك ومالك ويدك ورجلك ولسانك؛

والحقُّ الرابع أن تكون عينه ودليله ومرآته وقميصه. والحقُّ الخامس أن لا تشبع ويجوع، ولا تلبس ويعرى، ولا تروى ويظمأ؛

والحقُّ السادس أن يكون لك امرأه وخادم وليس لأخيك امرأه ولا خادم، أن تبعث خادمك فتغسل ثيابه وتصنع طعامه وتمهد فراشه، فإنَّ ذلك كله إنما جعل بينك وبينه؛

والحقُّ السابع أن تبرَّ قَسَمَه وتجيب دعوته وتشهد جنازته وتعوده في مرضه وتشخص بدنك في قضاء حاجته ولا تُحوِّجَه إلى أن يسألك ولكن تبادر إلى قضاء حوائجه.

□
فإذا فعلت ذلك به وصلتَ ولايتك بولايتِه وولايتِه بولايتِه الله عزَّ وجلَّ (١).

و نگه نداری، و بدانی و عمل نکنی.

عرض کردم: توانایی جز به وسیله ی خدا نیست.

فرمود: آسان ترین آن ها این است که آنچه را برای خود دوست می داری برای او دوست بداری و آنچه را برای خود خوش نداری برای او خوش نداری؛

حق دوم این است که در بر آوردن حاجتش بکوشی و خشنودی اش را به دست آوری و با سخن او مخالفت نکنی؛

حق سوم این است که با جان، مال، دست، پا و زبان خود به او کمک کنی؛ حق چهارم این است که چشم او، راهنمای او، آینه ی او و پیراهن او باشی؛

حق پنجم این است که سیر نباشی در حالی که او گرسنه است، پوشیده نباشی در حالی که او عریان است، سیراب نباشی در حالی که او تشنه است؛

حق ششم این است که اگر همسر و خدمتکار داری و او نه همسر دارد و نه خدمتکار، خدمتکار خود را بفرستی تا جامه های او را بشوید و خوراکش را بپزد و بسترش [استراحتگاهش] را بگسترده، زیرا همه ی این ها میان تو و او قرار داده شده است؛

حق هفتم این است که به سوگند او وفا کنی و درخواستش را بپذیری و در تشییع جنازه اش حاضر شوی و در بیماریش او را عیادت کنی و بدنت را در برآوردن حاجتش به کار اندازی و منتظر نشوی تا از تو درخواست کند، بلکه پیش از درخواست او حاجت هایش را برآوری. چون چنین کنی دوستی خود را به دوستی او پیوند زده ای و دوستی او را به دوستی خدای عزّ و جَلّ متصل ساخته ای.

ص: ۶۱

۱- ((۱)) الخصال: ۳۵۰ ح ۲۶.

ای ابان آیا تو را می خواهد؟ عرض کردم: آری.

فرمود: او کیست؟ عرض کردم: یکی از یاران ما است.

ص: ۶۲

۱- (۱) مصادقه الإخوان: ۴۰ ح ۳.

قال: هو مثل ما أنت عليه؟ قلت: نعم. قال:

فاذهب إليه فاقطع الطواف.

قلت: وإن كان طواف الفريضة؟

قال: نعم. قال: فذهبت معه. ثم دخلت عليه بعد، فسألته، قلت:

أخبرني عن حقِّ المؤمن على المؤمن. قال: يا أبان! دعه لا تريده.

قلت: جعلت فداك. فلم أزل أردد عليه. قال: يا أبان! تقاسمه شطر مالك. ثم نظر فرأى ما دخلني.

قال: يا أبان! أما تعلم أنّ الله قد ذكر المؤمنين على أنفسهم؟ قلت: بلى جعلت فداك.

قال: إذا أنت قاسمته فلم تؤثره بعد، تؤثره إذا أنت أعطيته من النصف الآخر (١).

٤ - عن المفصل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إختبر شيعتنا في خصلتين، فإن كانتا فيهم، وإلا فاعزب ثم اعزب، قلت: ما هما؟

قال: المحافظه على الصلوات في مواقيتهنّ، والمواساه للإخوان و إن كان الشيء قليلاً (٢).

فرمود: آیا او بر همان عقیده است که تو داری؟ عرض کردم: آری.

فرمود: طواف را قطع کن و به سویش برو.

عرض کردم: گرچه طواف واجب باشد؟

فرمود: آری. پس من همراه او رفتم.

بعد خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به حضرت عرض کردم: از حق مؤمن بر مؤمن آگاهم فرما.

فرمود: ای ابان از این امر در گذر که آن را نمی خواهی. عرض کردم فدایت شوم؛ و مکرر پرسیدم.

حضرت فرمود: ای ابان! آیا مال خود را با او به نصف تقسیم می کنی؟ آن گاه حضرت به من نگرست و نگرانی مرا دید.

فرمود: ای ابان! آیا می دانی که خداوند از کسانی که دیگران را بر خود ترجیح می دهند (ایثار کنندگان) یاد کرده است؟ عرض کردم:

آری، فدایت شوم.

فرمود: چون تو مال خود را با او تقسیم کنی او را بر خود ترجیح نداده‌ای، بلکه هرگاه تو از نیمه‌ی خود به او ببخشی او را بر خود ترجیح داده‌ای.

۴- مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما را به دو ویژگی امتحان کن؛ اگر آن دو را داشتند [کاملند] و اگر نداشتند دوری کن، و باز دوری کن.

عرض کردم: آن دو کدامند؟

فرمود: رعایت وقت نمازها و شریک کردن برادران در اموال، هر چند اندک باشد.

ص: ۶۳

۱- (۱) مصادقه الإخوان: ۳۸ ح ۲.

۲- (۲) مصادقه الإخوان: ۳۶ ح ۲.

۵ - قال أبو عبد الله عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ثلاثه لا تطيقها هذه الأمة: المواساه للأخ في ماله، وإنصاف الناس من نفسه، وذكر الله تعالى على كل حال، وليس هو «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» فقط، ولكن إذا ورد على ما يحرم خاف الله (۱).

۶ - عن إسحاق بن عمار قال:

كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فذكر مواساه الرجل لإخوانه وما يجب لهم عليه، فدخلني من ذلك أمرٌ عظيم عرف ذلك في وجهي، فقال: إنما ذلك إذا قام القائم، وجب عليهم أن يجهّزوا إخوانهم وأن يقوّوهم (۲).

۷ - عن السّجّاد عليه السلام - من دعائه بعد ركعتي الزّوال - :

اللهم... وارزقني مواساه من قُتِرَ عليه من رزقك بما وسّعت عليّ من فضلك (۳).

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرموده است: این امت تحمل سه چیز را ندارند: شریک کردن برادر [دینی] در مال خود، میان خود و مردم منصفانه رفتار کردن، و یاد خدای تعالی در هر حال.

و ذکر و یاد خدا تنها «سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر» نیست، بلکه [این است که] چون با حرام برخورد کرد از خدا بترسد.

۶ - اسحاق بن عمار می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم. آن حضرت درباره ی مواسات با برادران دینی و حقوقی که آنان بر انسان دارند سخن گفت. هراس بزرگی به دلم راه یافت آن چنان که در چهره ام نمایان شد.

حضرت فرمود: این، زمانی خواهد بود که قائم [ما] قیام کند. [در آن زمان] بر آنان واجب است که برادرانشان را مجهّز کنند و آن ها را نیرومند سازند.

۷ - امام سجّاد علیه السلام در ضمن دعای خود بعد از دو رکعت نماز پس از زوال خورشید، می فرمود:

بارالها! ... و با فضل گسترده ای که به من عطا کردی مواسات و کمک به کسی که روزی خود را بر او تنگ و سخت گرفته ای روزی ام فرما.

ص: ۶۴

۱- (۱) مصادقه الإخوان: ۳۸ ح ۵.

۲- (۲) مصادقه الإخوان: ۳۶ ح ۳.

۳- (۳) الصحیفه السّجّادیه الجامعه: ۵۲ ضمن دعاء ۲۰ ونحوه فی ص ۷۱ ضمن دعاء ۲۷ فی الاستعاذه من البلیا.

۸ - عن الوصّافی عن أبي جعفر علیه السلام قال: قال (لی): یا ابا إسماعیل! أ رأیت فیما قبلکم إذا کان الرّجل لیس له رداءٌ و عند بعض إخوانه فضل رداءٍ یطرح علیه حتّی یصیب رداءٌ؟

قال قلت: لا.

قال: فإذا کان لیس عنده إزار یوصل إلیه بعض إخوانه بفضل إزارٍ حتّی یصیب إزاراً؟ قلت: لا.

فضرب بیده علی فخذہ ثمّ قال: ما هؤلاء یاخوه (۱).

۸ - وصّافی می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای ابا اسماعیل! به من بگو آیا در میان شما چنین هست که اگر یکی از شما عبا نداشت و دیگری عبا اضافی داشت، آن را بردوش او افکند تا او از عبا بهره مند شود؟

عرض کردم: نه.

فرمود: چون یکی از شما جامه نداشت، یکی از برادرانش جامه ی اضافی که دارد به او می رساند تا او از داشتن جامه بهره مند شود؟

عرض کردم: نه.

حضرت دست خود را روی رانش زد و فرمود: اینان برادر نیستند.

ص: ۶۵

«۴» هزینه کردن برای خانواده و توسعه در زندگی

۱ - عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً (۱) قال: رضوان الله والجنه في الآخرة، والسعه في الرزق والمعاش، وحسن الخلق في الدنيا (۲).

۲ - عن الرضا عليه السلام قال:

صاحب النعمه يجب عليه التوسعه عن عياله (۳).

۳ - عن علي بن الحسين عليهما السلام قال: أرضاكم عند الله أسبغكم على عياله (۴).

۱ - امام صادق عليه السلام در تفسیر سخن خداوند عز و جل که می فرماید: «پروردگارا ما را [هم] در دنیا نیکی عطا کن و [هم] در آخرت».

فرمود: [این نیکی] خشنودی خداوند و بهشت در آخرت است، و گشایش در رزق و امور زندگی، و اخلاق نیک در دنیا.

۲ - امام رضا علیه السلام فرمود:

بر صاحبان نعمت لازم است که زندگی خانواده ی خود را توسعه بخشند.

۳ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

پسندیده ترین شما نزد خدا کسی است که هزینه ی زندگی خانواده اش را بهتر تأمین کند.

ص: ۶۶

۱- (۱) البقره: ۲۰۱.

۲- (۲) الفقیه: ۱۵۶/۳ ح ۳۵۶۹ والتهذیب: ۳۲۷/۶ ح ۹۰۰ و الکافی: ۷۱/۵ ح ۲ و معانی الأخبار: ۱۷۴ ح ۱، عنها الوسائل: ۹/۱۷ - ۱۰۰ ح ۲۱۸۴۳ و ذیله.

۳- (۳) الکافی: ۱۱/۴ ح ۵.

۴- (۴) الکافی: ۱۱/۴ ح ۱.

۴ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل دينارٍ دينارٌ أنفقهُ الرَّجلُ على عياله، ودينارٌ أنفقهُ على دابته في سبيل الله، ودينارٌ أنفقهُ على أصحابه في سبيل الله.

ثم قال: وأيّ رجلٍ أعظم أجراً من رجلٍ سعى على عياله صغاراً، يعفّهم ويغنيهم الله به (۱).

۵ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال:

تحت ظلّ العرش يوم لا ظلّ إلا ظله رجلٌ خرج ضارباً في الأرض يطلب من فضل الله ما يكفّ به نفسه، ويعود به على عياله (۲).

۶ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ملعون ملعون من ألقى كَلَّهُ على الناس.

ملعون ملعون من ضيّع من يعول (۳).

۷ - عن زراره قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ثلاثة إن يعلمهنّ المؤمن كانت زياده في عمره وبقاء النعمه عليه، فقلت: وما هنّ؟ قال:

...واصطناعه المعروف إلى أهله (۴).

۴ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: برترین دینار دیناری است که شخص آن را برای خانواده ی خود هزینه کند و دیناری است که آن را در راه خدا برای مرکب خود هزینه کند و دیناری است که آن را در راه خدا برای یاران خود هزینه نماید.

آن گاه حضرت فرمود: پاداش کدام مرد بزرگ تر از مردی است که برای [تأمین نیاز] فرزندان صغیر خود بکوشد تا خداوند به وسیله ی او پاکدامن و بی نیازشان کند.

۵ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که به قصد کسب و کار سفر می کند و به اندازه ی کفاف خود و هزینه ی خانواده اش، از فضل خدای عزّ و جلّ می جوید، زیر سایه ی عرش قرار می گیرد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی آن نیست.

۶ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بسیار از رحمت خدا دور است کسی که بار خود را بر دوش مردم بگذارد.

بسیار از رحمت خدا دور است کسی که خانواده ی خود را تبه سازد [و مخارج آنان را نپردازد].

۷ - زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: سه چیز است که اگر شخص مؤمن آن ها را بداند موجب افزایش عمر او و ماندگاری نعمت برای او می شود.

عرض کردم: آن ها چیست؟ فرمود: ... و نیکی کردن به خاندانش.

١- (١) مستدرک الوسائل: ٢٤١/٧ ح ٨١٤٢.

٢- (٢) دعائم الإسلام: ١٥/٢ ح ٨.

٣- (٣) الكافي: ١٢/٤ ح ٩.

٤- (٤) الكافي: ٤٩/٤ ح ١٥.

۹ - عن الباقر عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه نهى أن يُشيع الرجل نفسه ويبيع أهله، وقال: كفى بالمرء هلاكاً أن يضيّع من يعول (۱).

□
۱۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

المؤمن يأكل بشهوه أهله، والمنافق يأكل أهله بشهوته (۲).

۱۱ - قال عليّ بن الحسين عليهما السلام :

لأن أدخل السوق ومعى دراهم أبتاع به لعيالى لحماً - وقد قرموا - أحبّ إليّ من أن اعتق نسمة (۳).

□
۱۲ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

□
إذا كان الرجل معسراً فيعمل بقدر ما يقوت به نفسه وأهله ولا يطلب حراماً فهو كالمجاهد في سبيل الله (۴).

۱۳ - عن عليّ عليه السلام أنه قال:

□
ما غدوه أحدكم في سبيل الله بأعظم من غدوته يطلب لولده وعياله ما يصلحهم (۵).

۹ - امام باقر عليه السلام از نیاکان خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از این که مرد، خود را سیر کند و خاندانش را گرسنه بگذارد، و فرمود:

برای نابودی مرد همین بس که نان خوران خود را تباه سازد [و مخارج شان را نپردازد].

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن مطابق میل خاندانش می خورد و منافق، خاندانش مطابق میل او می خورند.

۱۱ - امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی اگر وارد بازار شوم و با چند درهمی که دارم برای عیالم گوشت بخرم - در حالی که آنان به خوردن گوشت اشتیاق داشته باشند - از آزاد کردن برده ای برایم خوشایندتر است.

۱۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی تنگدست باشد و به اندازه ای کار کند که خود و خانواده اش را خوراک دهد و از پی حرام نرود، همچون پیکارگر در راه خدا است.

۱۳ - امام علی علیه السلام فرمود: حرکت و تلاش هیچ یک از شما در راه خدا، بزرگ تر از آن تلاشی نیست که به جهت فرزند و عیال خود انجام می دهد تا زندگی آنان را سامان بخشد.

ص: ۶۸

٢- (٢) الكافي: ١٢/٤ ح ٦.

٣- (٣) الكافي: ١٢/٤ ح ١٠.

٤- (٤) الكافي: ٨٨/٥ ح ٣، عنه الوسائل: ٦٧/١٧ ح ٢٢٠٠٣.

٥- (٥) دعائم الإسلام: ١٥/٢ ح ٩.

۱۴ - عن محمد بن مسلم قال: قال رجل لأبي جعفر عليه السلام: إن لي ضيعه بالجبل أستغلها في كل سنة ثلاث آلاف درهم، فأنفق على عيالي منها ألفي درهم وأتصدق منها بألف درهم في كل سنة.

فقال أبو جعفر عليه السلام: إن كانت الألفان تكفيهم في جميع ما يحتاجون إليه لستهم فقد نظرت لنفسك ووقفت لرشدك وأجريت نفسك في حياتك بمنزله ما يوصى به الحي عند موته (۱).

۱۴ - محمد بن مسلم می گوید: شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: در ناحیه ی کوهستان ملکی دارم که در هر سال سه هزار درهم از آن بهره می برم که دوهزار درهم آن را برای مخارج عیالم هزینه می کنم و هزار درهم آن را صدقه می دهم.

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر دو هزار درهم، تمام نیازمندی های سال آنان را کفایت می کند پس به راستی درباره ی خود به انصاف دست یافته و هدایت خود را به دست آورده ای و نفس خود را در زمان حیات آن گونه قرار داده ای که شخص زنده هنگام مردنش به آن سفارش می کند.

ص: ۶۹

الف) اهمّیت و پاداش بر آوردن نیازهای دیگران

۱ - عن رجل من حلوان قال:

كنت أطوف بالبیت، فأتانی رجل من أصحابنا فسألني قرض دينارين، وكنت قد طفت خمسة أشواط، فقلت له اتم اسبوعی ثم أخرج، فلمّا دخلت فی السادسة اعتمد علیّ أبو عبد الله علیه السلام ووضع يده علی منكبى. قال: فأتممت سبعی و دخلت فی الآخر لاعتماد أبى عبد الله علیه السلام علیّ، فكنت كلّما جئت إلى الركن أو ما إلى الرّجل.

□
فقال أبو عبد الله علیه السلام: من كان هذا يؤمى إليك؟

قلت: جعلت فداك هذا رجلٌ من مواليك، سألتني قرض دينارين، قلت: اتم اسبوعی وأخرج إليك، قال:

□
فدفعنى أبو عبد الله علیه السلام وقال:

۱ - مردی از اهل حلوان می گوید: دور کعبه طواف می کردم که یکی از یاران ما به نزد آمد و از من دو دینار قرض خواست. این در حالی بود که من پنج دور از طواف را انجام داده بودم. به او گفتم دور هفتم را به پایان می رسانم و بعد می آیم. چون وارد دور ششم شدم امام صادق علیه السلام بر من تکیه داد و دست خود را بر شانه ام گذاشت. من دور هفتم را به پایان بردم، ولی به دلیل تکیه دادن امام صادق علیه السلام بر من، وارد دور بعدی شدم؛ پس هرگاه به رکن می رسیدم آن مرد به من اشاره می کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: آن مرد که به سويت اشاره می کند کیست؟

عرض کردم: فدایت شوم! از دوستداران شما است که دو دینار قرض از من می خواهد و به او گفتم دور هفتم را به پایان می برم و به نزدش می روم. امام صادق علیه السلام مرا هل داد و فرمود:

اذهب فأعطهما إياه. فظننت أنه قال «فأعطهما إياه» لقولي قد أنعمت له (١).

فلما كان من الغد دخلت عليه و عنده عدّه من أصحابنا يحدّثهم، فلما رأني قطع الحديث وقال:

□
لأن أمشي مع أخ لي في حاجه حتّى أقضى له أحبّ إليّ من أن اعتق ألف نسمة و أحمل على ألف فرس في سبيل الله مسرّجه
ملجمه (٢).

□ □
٢ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله تعالى: المؤمنون إخوة، يقضى بعضهم حوائج بعض، و أقضى حوائجهم يوم
القيامة (٣).

□ □
٣ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من قضى لمؤمن حاجه قضى الله له حوائج كثيره أدناهنّ الجنّه (٤).
«برو دو دينار را به او بده».

من گمان بردم این که حضرت فرمود دو دينار را به او بده به جهت آن است که من به او وعده داده بودم.

فردای آن روز خدمت حضرت رسیدم در حالی که عدّه ای از اصحاب ما نزد او بودند و با آنان سخن می گفت.

چون مرا دید سخن خود را قطع کرد و فرمود:

این که همراه برادرم در پی برآوردن حاجت او بروم تا آن را برآورم، نزد من خوش تر است از این که هزار برده آزاد کنم و با
هزار اسب زین دار لگام زده شده، در راه خدا به جهاد روم.

٢ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: خدای متعال فرموده است.

مؤمنان با هم برادرند. برخی از آنان حاجت های برخی دیگر را بر می آورند؛ من هم در روز قیامت حوائج ایشان را برآورده
می کنم.

٣ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر که حاجتی از برادر مؤمن خود برآورد، خداوند حاجت های بسیاری را از او
برآورده کند که کم ترین آن ها بهشت است.

ص: ٧١

١- ((١)) أنعمت له أي قلت له نعم.

٢- ((٢)) المؤمن: ٤٨ ح ١١٣، عنه المستدرک: ٤٠٢/٩ ح ١١١٨٥.

٣- ((٣)) مصادقه الإخوان: ٥٤ ح ٥، عنه الوسائل: ٣٦١/١٦ ح ٢١٧٦٥.

٤- ((٤)) قرب الإسناد: ١١٩ ح ٤١٨، عنه البحار: ٢٨٥/٧٤ ونحوه فی ثواب الأعمال: ١٧٥ ح ١ عن السجّاد علیه السلام ، والكافی:

١٩٣/٢ ضمن ح ١ ومصادقه الإخوان: ٥٢ ح ٢ عن الصادق عليه السلام .

۴ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
ما قضى مسلمٌ لمسلمٍ حاجَةً إلَّا ناداه الله تبارك وتعالى: عليّ ثوابك، ولا أَرْضَى لَكَ بدون الجَنَّة (۱).

□
۵ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

يؤتى بعد يوم القيامة ليست له حسنه، فيقال له:

اذكر تذكر هل لك من حسنه؟ قال: فيذكر فيقول:

يا رب! مالي من حسنه إلَّا أنّ فلاناً عبدك المؤمن مرّ بي فطلب ماءً يتوضأ به ليصلي فأعطيته.

قال: فيُدعى بذلك العبد المؤمن فيذكر ذلك فيقول: نعم يا رب، مررت به فطلبت منه فأعطاني فتوضأت فصليت لك.

فيقول الربّ تبارك وتعالى: قد غفرت لك، أدخلوا عبدی الجنة (۲).

۶ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال:

□
أوحى الله عزّ وجلّ إلى موسى عليه السلام أنّ من عبادى من يتقرّب إلىّ بالحسنه ۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ مسلمانى حاجت مسلمانى را برآورده نسازد جز اين كه خداى تبارك و تعالى او را ندا دهد: ثواب تو بر عهده ی من است و كم تر از بهشت را برايت نمى پسندم.

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند كه هیچ كار نيكي ندارد. به او گفته می شود:

بيندیش آیا حسنه ای را برای خود بیاد می آوری. پس مرور می کند و می گوید:

پروردگارا هیچ كار نيكي ندارم جز اين كه فلانى، بنده ی مؤمن تو، روزی گذرش به من افتاد و از من آب خواست كه وضو بسازد و نماز بگزارد و من به او آب دادم.

آن گاه آن بنده ی مؤمن را فرا می خوانند و [گفته آن شخص را] برايش بازگو می کنند.

او می گوید: آری ای پروردگارا! به او گذر کردم و از او آب خواستم. او به من داد كه با آن وضو ساختم و برای تو نماز گزاردم.

خداوند تبارك و تعالى می گوید: تو را آمرزیدم؛ بنده ام را به بهشت درآورید.

۶ - امام باقر عليه السلام فرمود: خداى عزّ و جلّ به موسى عليه السلام وحى كرد: كسى از بندگانم با كار نيك به من تقرّب

جوید

-
- ١- (١) الكافي: ١٩٤/٢ ح ٧ ومثله في ثواب الأعمال: ٢٢٣ ح ١، عنهما الوسائل: ٣٥٨/١٦ ح ٢١٧٥٦.
- ٢- (٢) مصادقه الإخوان: ٥٤ ح ٦. عنه الوسائل: ١٦ / ٣٦٢ ح ٢١٧٦٦.

فأحكمه في الجنة. فقال موسى:

يا رب! وما تلك الحسنه؟ قال:

يمشي مع أخيه المؤمن في قضاء حاجته قضيت أو لم تُقضى (١).

٧ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إنَّ من أحبِّ الأعمالِ إلى الله عزَّ وجلَّ إدخالُ السرورِ على المؤمن وإشباع جوعته وتنفيس كربته وقضاء دينه (٢).

٨ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

قضاء حاجه المؤمن خيرٌ من حُمْلان ألف فرس في سبيل الله عزَّ وجلَّ وعتق ألف نسمة. وقال:

ما من مؤمنٍ يمشی لأخيه في حاجه إلا كتب الله له بكلِّ خطوه حسنه، وخطَّ بها عنه سيئه، ورفع له بها درجه. وما من مؤمنٍ يفرج عن أخيه المؤمن كربته إلا فرج الله عنه كربته من كرب الآخرة، وما من مؤمنٍ يعين مظلوماً إلا كان ذلك أفضل من صيام شهر واعتكافه في المسجد الحرام (٣).

تا جایی که او را در بهشت فرمانروا قرار دهم [بهشت را در اختیارش گذارم].

موسی عرض کرد: پروردگارا آن کار نیک چیست؟

فرمود: این که همراه برادر مؤمنش در راه برآوردن حاجت او گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود.

٧ - امام صادق علیه السلام فرمود: از خوشایندترین کارها نزد خدای عزَّ و جلَّ شاد کردن مؤمن و سیر نمودن او و برطرف کردن گرفتاری او و ادای دین او است.

٨ - امام صادق علیه السلام فرمود: برآوردن حاجت مؤمن از [فرستادن] بار و بنه ی هزار اسب در راه خدای عزَّ و جلَّ، و آزاد کردن هزار برده بهتر است.

و فرمود: هیچ مؤمنی در راه برآوردن حاجت برادرش گام بر ندارد جز این که خداوند در برابر هر گامی حسنه ای برایش بنویسد و خطایی را از او بریزد و او را درجه ای بالا ببرد؛

و هیچ مؤمنی اندوهی از برادر ایمانی اش را بر طرف نسازد مگر این که خداوند اندوهی از اندوه های آخرتش را بر طرف سازد؛

و هیچ مؤمنی ستم دیده ای را کمک نکند مگر این که این کارش از روزه داری یک ماه همراه با اعتکاف در مسجدالحرام، برتر است.

١- ((١)) الكافي: ١٩٥/٢ ح ١٢، عنه الوسائل: ٣٦٠/١٦ ح ٢١٧٦٠.

٢- ((٢)) مصادقه الإخوان: ٤٤ ح ٢.

٣- ((٣)) المؤمن: ٤٧ ح ١١١.

۹ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
مَنْ ذَهَبَ مَعَ أَخِيهِ فِي حَاجَةٍ، قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا، كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ (۱).

۱۰ - عن النبي صلى الله عليه وآله قال: مَنْ قَضَى حَاجَةَ لِأَخِيهِ كُنْتَ وَاقِفًا عِنْدَ مِيزَانِهِ، فَإِنْ رَجَحَ وَإِلَّا شَفَعْتَ لَهُ (۲).

۱۱ - قال الصادق عليه السلام: لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ حِجَّةٍ وَحِجَّةٍ وَحِجَّةٍ حَتَّىٰ عَدَّ عَشْرَ حِجَجٍ (۳).

□
۱۲ - عن أبي جعفر عليه السلام قال: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَرَدُّ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فِيهِتَمٍ بِهَا قَلْبُهُ، فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِهِمَّةَ الْجَنَّةِ (۴).

□
□
۱۳ - قال الصادق عليه السلام: مَنْ مَشَىٰ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ - حَتَّىٰ تَقْضَىٰ لَهُ، كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حِجَّةٍ وَعَمْرَهُ ۹ - إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودٌ: هُرِّكَ هَمْرًا مَعَ بَرَادِرٍ [إِيمَانِي] خُودِ دَرِ پِي بَرَأوردن حاجت او رود، - چه آن حاجت برآورده شود یا نه، - همچون کسی است که تمام عمر خود بندگان خدا کرده است.

۱۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس حاجت برادر خود را برآورد من روز قیامت کنار ترازوی عملش می ایستم؛ پس اگر حسناش برتری پیدا نکند او را شفاعت می کنم.

۱۱ - امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی برآوردن حاجت شخص مؤمن برتر از حجی است و حجی و حجی.

[راوی می گوید حضرت] تا ده حج شمرد.

۱۲ - امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی مؤمن، نیاز برادر ایمانی اش به او عرضه می شود و او توان برآوردن آن را ندارد و بدین جهت دلش اندوهگین می شود؛ پس خدای تبارک و تعالی او را به سبب اندوهش وارد بهشت می کند.

۱۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که به طلب رضای خدا، در راه برآوردن حاجت برادر مؤمن خود گام بردارد تا جایی که حاجت او برآورده شود، خدای عزّ و جلّ همچون پاداش یک حجّ و عمره ی

ص: ۷۴

۱- (۱) مصادقه الإخوان: ۵۲ ح ۱، عنه الوسائل: ۳۶۸/۱۶ ح ۲۱۷۸۵.

۲- (۲) عوالی اللآلی: ۳۷۴/۱ ح ۸۹، عنه المستدرک: ۴۰۵/۱۲ ح ۱۴۴۳۳.

۳- (۳) أمالی الصدوق: ۳۹۸ م ۷۴ ح ۱۱، عنه الوسائل: ۳۰۵/۱۳ ح ۱۷۸۰۸.

۴- (۴) الکافی: ۱۹۶/۲ ح ۱۴، عنه الوسائل: ۳۵۷/۱۶ ح ۲۱۷۵۵.

مبرورتین، وصوم شهرین من أشهر الحرم و اعتكافهما فی المسجد الحرام.

□
وَمَنْ مَشَى فِيهَا بَيْتَهُ وَلَمْ تُقْضَ كِتَابُ اللَّهِ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ حَجَّةٍ مَبْرُورَةٍ، فَارْغَبُوا فِي الْخَيْرِ (۱).

□
۱۴ - قال أبو عبد الله عليه السلام:

تنافسوا في المعروف لإخوانكم وكونوا من أهله، فَإِنَّ لِلْحَجَّةِ بَاباً يُقَالُ لَهُ «المعروف»، لا يدخله إلا مَنْ اصطنع المعروف في الحياه الدنياه، فَإِنَّ الْعَبْدَ لِيَمْشِيَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَيُوكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكَينَ، واحداً عن يمينه وآخر عن شماله، يستغفران له ربّه ويدعوان بقضاء حاجته.

□ □
ثم قال: واللّه لرسول الله صلى الله عليه وآله أسرّ بقضاء حاجه المؤمن إذا وصلت إليه من صاحب الحاجه (۲).

۱۵ - عن أبي جعفر عليه السلام قال:

مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً يَظِيرُفْتَهُ شَدِيدَةً وَ يَإِدَاشَ رُوزَةَ كَرَفْتَنِ دُو مَاهِ حَرَامٍ وَ اعْتِكَافِ آن دُو مَاهِ دَرِ مَسْجِدِ الْحَرَامِ بِرَإِيشِ ثَبِتَ مِي كُنْد.

و هر که با نیت الهی در این راه گام بردارد ولی آن حاجت برآورده نشود، خداوند برای او مانند ثواب یک حج پذیرفته شده بنویسد؛

پس در انجام کار خیر کوشا باشید.

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: در نیکی کردن به برادرانتان رقابت کنید و اهل نیکی باشید؛ زیرا برای بهشت دری است که آن را «معروف» [نیکی] گویند و از آن در وارد نشود جز کسی که در زندگی دنیا کار نیک کرده باشد.

چون بنده در راه برآوردن حاجت برادر ایمانی خود گام برمی دارد، خداوند عزّ و جلّ دو فرشته را بر او می گمارد؛ یکی طرف راست او و دیگری طرف چپش که برای او از پروردگارش آمرزش می خواهند و برای برآورده شدن حاجت او دعا می کنند.

آن گاه حضرت فرمود: به خدا سوگند وقتی خبر برآورده شدن حاجت مؤمن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رسد، آن حضرت شادتر از آن کسی می شود که به حاجتش دست یافته است.

۱۵ - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

هر که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد خداوند در برابر آن

١- ((١)) الكافي: ١٩٤/٢ ح ٩، عنه الوسائل: ٣٦٤/١٦ ح ٢١٧٧٢.

٢- ((٢)) الكافي: ١٩٥/٢ ح ١٠، عنه الوسائل: ٣٥٩/١٦ ح ٢١٧٥٨.

كتب الله بها عشر حسنات، ومحا عنه عشر سيئات، ورفع له بها عشر درجات، و كان عدل عشر رقاب، و صوم شهر و اعتكافه في المسجد الحرام (۱).

۱۶ - قال الإمام الحسين عليه السلام :

□
اعلموا أنّ حوائج الناس إليكم من نعم الله عليكم، فلا تملّوا النعم فتتحوّل إلى غيركم.

واعلموا أنّ المعروف مكسبٌ حمداً، ومعقبٌ أجراً، فلو رأيتم المعروف رجلاً لرأيتموه حسناً جميلاً يسر الناظرين ويفوق العالمين.

ولو رأيتم اللؤم رأيتموه سمجاً قبيحاً مشوماً تنفر منه القلوب وتغضّ دونه الأبصار... (۲).

□ □
۱۷ - عن النبي صلى الله عليه و آله قال: من أجرى الله على يده فرجاً لمسلم فرّج الله عنه كرب الدنيا والآخرة (۳).

ده حسنه بنويسد،

و ده بدی از او بزدايد،

و او را ده درجه بالا ببرد،

و برايش ثوابی است برابر آزادی ده برده و روزه ی يك ماه به همراه اعتكاف در مسجدالحرام.

۱۶ - امام حسين عليه السلام فرمود:

بدانيد نیازمندی های مردم که به نزد شما می آورند از نعمت های خداوند بر شما است؛

پس نعمت ها را به ستوه نیاورید که به غیر شما منتقل می شوند.

و بدانید که کار نیک موجب ستایش می شود و پاداش به دنبال دارد؛

پس اگر نیکی به صورت انسانی در می آمد او را آنچنان نیکو و زیبا می دیدید که بینندگان را شاد می کرد و بر اهل جهان برتری داشت.

و اگر پستی [و تبهکاری] را می دیدید، او را آنچنان بدترکیب و زشت منظر می دیدید که دل ها از او نفرت پیدا می کرد و دیدگان از دیدن او بسته می شد... .

۱۷ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

هر کس خداوند به دست او گرفتاری مسلمانی را برطرف سازد، خداوند گرفتاری های دنیا و آخرت او را برطرف می سازد.

-
- ١- ((١)) المؤمن: ٥٠ ح ١٢٠، عنه المستدرک: ٤٠٦/١٢ ح ١٤٤٣٨.
 - ٢- ((٢)) أعلام الدين: ٢٩٨، عنه البحار: ١٢٧/٧٨ ح ١١.
 - ٣- ((٣)) أمالی الطوسی: ٥٨٦ ح ١٢١٢، عنه البحار: ٣١٦/٧٤ ح ٧٤.

۱۸ - عن أبي عبد الله عليه السلام [قال]:

□
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اتَّخَبَ قَوْمًا مِنْ خَلْقِهِ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ فَقَرَاءٍ مِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيُثَبِّهَهُمْ بِذَلِكَ الْجَنَّةِ (۱).

۱۹ - قالت عائشه: ... ولا سئل [النبي صلى الله عليه و آله] شيئاً قطّ فمِنَعَهُ إِلَّا أَنْ يُسْأَلَ مَا تُثَمِّمُ فَإِنَّهُ كَانَ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُ (۲).

۲۰ - قال أبو جعفر الباقر عليه السلام:

ثَلَاثَةٌ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ: شَبَعُهُ جُوعُهُ الْمُسْلِمِ وَتَنْفِيسُ كَرْبَتِهِ وَتَكْسُو عَوْرَتَهُ (۳).

□ □ □
۲۱ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَاهُ مِنْ ظَمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَاهُ ثَوْبًا لَمْ يَزَلْ فِي ضِمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ مِنْ ذَلِكَ الثَّوْبِ هَدَبَهُ أَوْ سَلَكَهُ.

□
وَاللَّهُ لِقَضَاءِ حَاجِهِ مُؤْمِنٍ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ (۴).

۱۸ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

خداوند عزّ و جلّ گروهی از بندگان خود را برای برآوردن حاجت های نیازمندان از شیعیان علی علیه السلام برگزیده است تا به سبب آن، بهشت را به آنان پاداش دهد.

۱۹ - عایشه می گوید: ... هرگز از [پیامبر صلی الله علیه و آله] چیزی را نخواستند که خودداری کند مگر این که گناهی خواسته می شد؛ که او دورترین مردم از گناه بود.

۲۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز از با فضیلت ترین کارها است:

سیر کردن مسلمان،

برطرف کردن گرفتاری او، و پوشاندن او از برهنگی.

۲۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند او را از میوه های بهشت اطعام کند،

و هر کس مؤمن تشنه ای را سیراب سازد خداوند او را از شراب خالصِ مهرزده سیراب کند،

و هر که مؤمنی را بپوشاند، تا زمانی که گرگی یا نخعی از آن بر تن او است تحت کفالت خداوند خواهد بود.

سوگند به خدا برآوردن حاجت مؤمن از یک ماه روزه و اعتکاف آن برتر است.

١- ((١)) المؤمن: ٤٦ ح ١٠٨، عنه المستدرک: ٤٠٢/١٢ ح ١٤٤٢١.

٢- ((٢)) مسند أحمد: ١٣٠/٦.

٣- ((٣)) مصادقه الإخوان: ٤٤ ح ٤، عنه المستدرک: ٢٦٤/١٦ ح ١٩٨١٤.

٤- ((٤)) مصادقه الإخوان: ٤٢ ح ١.

۲۲ - عن الرضا عن أبيه عليهما السلام أنّ جعفر بن محمد عليهما السلام كان يقول: إنّ الرجل ليسألني الحاجه فأبادر بقضائها مخافه أن يستغني عنها فلا يجد لها موقعا إذا جاءته (۱).

۲۲ - امام رضا عليه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام می فرمود:

اگر شخصی حاجتی از من بخواهد، به سرعت حاجت او را برآورده می کنم از بیم آن که از آن چیزی که خواسته بود بی نیاز شود و وقتی بدستش رسید به کارش نیاید.

ص: ۷۸

۱- ((۱)) عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۱۷۷/۲ ب ۴۴ ح ۲، عنه البحار: ۲۸۶/۷۴ ح ۹.

ب) جزای کسی که در حال توانمندی، حاجت مؤمن را برآورده نمی کند

۱ - عن إسماعيل بن عمار الصيرفي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك! المؤمن رحمه على المؤمن؟ قال:

نعم. قلت: وكيف ذاك؟ قال: أيما مؤمن أتى أخاه في حاجه فإئما ذلك رحمه من الله ساقها إليه و سببها له، فإن قضى حاجته كان قد قبِلَ الرحمة بقبولها، وإن رده عن حاجته وهو يقدر على قضائها فإئما ردّ عن نفسه رحمه من الله جلّ وعزّ ساقها إليه وسببها له، و ذخر الله عزّ وجلّ تلك الرحمة إلى يوم القيامة حتّى يكون المردود عن حاجته هو الحاكم فيها، إن شاء صرفها إلى نفسه وإن شاء صرفها إلى غيره.

يا إسماعيل! فإذا كان يوم القيامة وهو الحاكم في رحمه من الله قد شرّعت له فإلى من ترى يصرفها؟ قلت: لا أظنّ يصرفها عن نفسه. قال: لا تظنّ ولكن استيقن، فإنّه لن يردها عن نفسه.

۱ - اسماعيل بن عمار صيرفي می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! آیا مؤمن برای مؤمن رحمت است؟ فرمود: آری.

عرض کردم: چگونه؟

فرمود: هر مؤمنی که برای حاجتی نزد برادر ایمانی خود رود، این رحمتی است از جانب خدا که به سوی او رانده است و برای او آماده کرده است.

پس اگر نیازمندی او را برآورده سازد، رحمت الهی را به صورت نیکو پذیرا شده است، و اگر با این که می تواند حاجتش را برآورد، آن را رد کند، در حقیقت رحمت خدای عزّ و جلّ را که به سویی فرستاده و برایش فراهم کرده بود از خود رد کرده است، و خدای عزّ و جلّ تا روز قیامت آن رحمت را ذخیره می کند تا همان کس که حاجتش رد شده است درباره ی آن قضاوت نماید. اگر می خواهد آن را به خود برگرداند و اگر می خواهد به دیگری.

ای اسماعیل! فکر می کنی چون او روز قیامت در مورد رحمتی داور شود که خدا برای او روا داشته است به چه کسی آن را بر می گرداند؟ عرض کردم: گمان نمی برم آن را از خود برگرداند. فرمود:

گمان مدار بلکه یقین بدان که آن را هرگز از خود بر نمی گرداند.

يا إسماعيل! مَنْ أتاه أخوه في حاجه يقدر على قضائها فلم يقضها له سلَّط الله عليه شجاعاً (١) ينهش إبهامه في قبره إلى يوم القيامة، مغفوراً له أو معدباً (٢).

٢ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَنْ مشى لامرئٍ مسلمٍ في حاجته فنصحه فيها، كتب الله له بكلِّ خطوهٍ حسنه ومحا عنه سيئه، قضيت الحاجه أولم تُقض، فإن لم ينصحه فقد خان الله ورسوله، وكان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خصمه (٣).

٣ - عن عقبه بن خالد قال:

دخلت أنا والمعلّى وعثمان بن عمران على أبي عبد الله عليه السلام فلما رأنا قال: مرحباً مرحباً بكم، وجوهٌ تحبنا ونحبها، جعلكم الله معنا في الدنيا والآخرة.

فقال له عثمان: جعلت فداك! فقال له أبو عبد الله عليه السلام: نعم، مه.

قال: إنني رجل موسر.

ای اسماعیل! هر که برادرش برای حاجتی نزد او آید و او با این که می تواند حاجتش را برآورد آن را برآورده نسازد، خداوند در قبرش ماری را بر او بگمارد که تا روز قیامت انگشت ابهامش را بگذرد، خواه آمرزیده باشد و خواه معدب [و مورد سخط خداوند].

٢ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که در راه برآوردن حاجت شخص مسلمان گام بردارد و او را در آن راهنمایی کند، خداوند در برابر هر گام او حسنه ای برایش بنویسد و گناهی از او بزدايد، چه حاجتش برآورده شود یا نشود؟

اما اگر او را راهنمایی نکند به خداوند و پیامبر او خیانت کرده است و رسول خدا صلى الله عليه وآله دشمن او است.

٣ - عقبه بن خالد می گوید: من و معلّى و عثمان بن عمران خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدیم.

چون حضرت ما را دید فرمود: خوش آمدید، خوش آمدید. چهره هایی [هستید] که ما را دوست می دارند و ما آنان را دوست می داریم. خدا شما را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد.

عثمان به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! امام صادق علیه السلام فرمود: بله چه می خواهی؟ عرض کرد: من مرد توانگری هستم.

ص: ٨٠

٢- (٢) الكافي: ١٩٣/٢ ح ٥.

٣- (٣) المؤمن: ٤٦ ح ١٠٧، عنه المستدرک: ٤٣١/١٢ ح ١٤٥٣٥.

فقال له: بارک الله لك في يسارك.

قال: ويجيء الزجل فيسألني الشيء وليس هو إبان زكاتي.

□
فقال له أبو عبد الله عليه السلام: القرض عندنا بثمانية عشر والصدقه بعشره، وماذا عليك إذا كنت كما تقول موسراً أعطيته فإذا كان إبان زكاتك احتسبت بها من الزكاه.

□
يا عثمان! لا تردّه فإنّ ردّه عند الله عظيم.

□
يا عثمان! إنك لو علمت ما منزله المؤمن من ربّه ما توانيت في حاجته، ومن أدخل على مؤمن سروراً فقد أدخل على رسول الله صلى الله عليه وآله، وقضاء حاجه المؤمن يدفع الجنون والجذام والبرص (۱).

فرمود: خداوند به توانگری ات برکت دهد.

عرض کرد: کسی نزد من می آید و چیزی از من درخواست می کند، ولی زمان دادن زکات مالم نیست.

امام صادق علیه السلام به او فرمود: ثواب قرض نزد ما هیچده برابر است و ثواب صدقه ده برابر؛ چه اشکالی دارد که چون توانگر هستی - چنان که می گویی - به او چیزی عطا کنی و چون زمان دادن زکات مالت فرا رسید آن را جزء زکات حساب کنی؟

ای عثمان! او را رد نکن، زیرا ردّ او نزد خداوند [گناهی] بزرگ است.

ای عثمان! اگر بدانی که جایگاه مؤمن نزد خدا چه اندازه است، در برآوردن حاجتش سستی نمی کنی. هر که مؤمنی را شادمان سازد رسول خدا را شادمان ساخته است، و برآوردن حاجت مؤمن، دیوانگی و جذام و پیسی را از انسان برطرف می کند.

ص: ۸۱

اشاره

یکی از راه های مورد تأکید در برآوردن نیاز دیگران، قرض دادن است که در اسلام سفارش ها و فضایل زیادی در مورد آن وارد شده است. در اسلام از یک سو درباره ی قرض دادن و نیز مهلت دادن به مقروض یا بخشیدن قرض، سفارش شده است و از سوی دیگر، پرداخت قرض و ادای دینی که برگردن انسان است، مورد تأکید قرار گرفته است: در اینجا آیات و روایاتی درباره ی هر دو موضوع (قرض دادن و پرداخت دین) ذکر خواهد شد. یادآوری می شود که مفهوم دین اعم از مفهوم قرض است. دین شامل هر بدهی که برگردن انسان است نیز می شود؛ چه آن را قرض کرده باشد یا به شکل دیگری بدهکار شده باشد، مانند این که چیزی را غصب کرده باشد یا در معامله ای بدهکار شده باشد یا مال کسی را از بین برده باشد و

الف) اهمیت و پاداش قرض دادن و جزای ترک آن

۱ - قال الله سبحانه: مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ [□] وَ لَهُ أضعافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱).

۱ - خداوند متعال فرمود: کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خدا است که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد، و به سوی او بازگردانده می شوید.

ص: ۸۲

۲ - إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱).

۳ - وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲).

۴ - إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَعْفُهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۳).

۵ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال:

مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانْ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزَنَ جِبِلَّ أَحَدٍ [وَحِرًا وَثَبِيرًا] وَجِبَالَ رَضْوَى وَطُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ، فَإِنْ رَفَقَ بِهِ فِي طَلَبِهِ بَعْدَ أَجَلِهِ جَازَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بَغَيْرِ حِسَابٍ وَلا عَذَابٍ، وَمَنْ شَكَاَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمَ فَلَمْ يَقْرَضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ يَوْمَ يَجْزَى الْمُحْسِنِينَ (۴).

۲ - در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت.

۳ - و نماز را بر پا دارید و زکات را پردازید، و وام نیکو به خدا دهید، و هر کار خوبی برای خویش از پیش به فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیش تر باز خواهید یافت، و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده ی مهربان است.

۴ - اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می گرداند و بر شما می بخشاید، و خدا [است که] سپاس پذیر بر دبار است.

۵ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر درهمی که قرض داده است، به اندازه ی کوه احد و حرا و ثبیر و کوه های رضوی و طور سینا، حسنات پاداش گیرد،

و اگر پس از فرا رسیدن وقت پرداخت، در طلب آن مدارا کند، همچون برق جهنده ی درخشان، بدون حساب و کيفر از صراط بگذرد.

و هر کس برادر مسلمانش به او اظهار نیاز کند و قرضش ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش دهد بهشت را بر او حرام کند.

ص: ۸۳

۱- (۱) الحديد: ۱۸.

۲- (۲) المزمل: ۲۰.

۳- (۳) التغابن: ۱۷.

٤- (٤) ثواب الأعمال: ٣٤١ ضمن ح ١، عنه الوسائل: ٣٣١/١٨ ح ٢٣٧٨٧.

۶ - قال النبي صلى الله عليه و سلم : رأيت على باب الجنة مكتوباً: القرض بثمانية عشر والصدقة بعشر، فقلت:

يا جبريل! ما بال القرض أعظم أجراً؟ قال: لأنَّ صاحب القرض لا يأتيك إلا وهو محتاج، وربما وقعت الصدقة في غنى (۱).

۷ - قال النبي صلى الله عليه و آله : ألف درهم اقترضها مرتين أحب إلي من أن أتصدق بها مرّة، وكما لا يحل لغريمك أن يملكك وهو موسر فكذلك لا يحل لك أن تعسره إذا علمت أنه معسر (۲).

۸ - عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى لا خير في كثير من نجولهم إلا من أمر بصدقه أو معروف أو إصلاح بين الناس (۳) قال: يعني بالمعروف، القرض (۴).

۹ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : من أقرض مؤمناً قرضاً ينتظر به ميسوره ۶ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: ديدم بر درب بهشت نوشته است:

ثواب قرض هيجهه برابر و ثواب صدقه ده برابر است.

گفتم: ای جبرئیل چرا پاداش قرض بیش تر است؟

گفت: زیرا قرض گیرنده نزد تو نمی آید مگر آن که نیازمند است ولی صدقه چه بسا به بی نیاز داده می شود.

۷ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: اگر هزار درهم را دوبار قرض دهم خوش تر است برای من از این که آن را یک بار صدقه دهم.

و همان طور که بر بدهکارت جایز نیست در صورت توان، دادن حقت را به تأخیر اندازد، بر تو نیز جایز نیست که اگر می دانی او توانایی ندارد، در فشار قرارش دهی.

۸ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که می فرماید:

«در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازش میان مردم، فرمان دهد».

فرمود: مقصود از معروف، قرض دادن است.

۹ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر کس به مؤمنی قرض دهد و تا زمانی که بتواند برگرداند به او مهلت دهد،

ص: ۸۴

٢- (٢) ثواب الأعمال: ١٦٧ ح ٥ والتهذيب: ١٩٢/٦ ح ٤١٨، عنهما الوسائل: ٣٣٤/١٨ ح ٢٣٧٩٣ وص ٣٦٦ ح ٢٣٨٤١.

٣- (٣) النساء: ١١٤.

٤- (٤) الكافي: ٣٤/٤ ح ٣، الفقيه: ٥٨/٢ ح ١٧٠٠، عنهما الوسائل: ٣١٧/١٦ ح ٢١٦٤٩.

كان ماله في زكاه، وكان هو في صلاه من الملائكة حتى يؤدّيه إليه (١).

□
١١ - قال النبي صلى الله عليه وآله: مَنْ احتاج إليه أخوه المسلم في قرض وهو يقدر عليه فلم يفعل، حرّم الله عليه ربح الجنّة (٢).

مال او [در حساب] زکات است و خود او غرق در درود فرشتگان است تا زمانی که قرض را به او برگرداند.

١٠ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر که برادر مسلمانش برای قرض به او محتاج شود و او بتواند قرض دهد ولی ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام کند.

ص: ٨٥

١- ((١)) ثواب الأعمال: ١٦٦ ح ١، عنه الوسائل: ٣٣٠/١٨ ح ٢٣٧٨٥.

٢- ((٢)) أمالی الصدوق: ٣٥٠ م ٦٦ ضمن ح ١.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ □ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلِكَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَثِيَّةً بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رَجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى □ وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَاحِبًا أَوْ كَتِيبًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشُّهَدَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا □ إِن تَكُون تَجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ ۱ - خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه به وامی تا سررسید معین، بایکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت میان شما بنویسد و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه ی آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او [نویسنده] بنویسد و از خدا که پروردگار او است پروا نماند و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه ی او است، سفیه یا ناتوان است یا خود نمی تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید] تا [اگر] یکی از آن دو فراموش کرد، دیگری وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند نباید خودداری ورزند. و از نوشتن بدهی چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سر رسیدش [فرارسد]. این [نوشتن] شما، نزد خدا عادلانه تر، و برای شهادت استوارتر، و برای این که دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیک تر است، مگر آن که داد و ستد نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را بنویسید. و [در هر حال] هرگاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند،

وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١) وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْتَبُهُنَّ مِنْ بَعْضِكُمْ بَعْضًا فَلَئِنَّ الَّذِي أُوْتِمِنَ أَمْنَتُهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَمَّا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢).

۲ - قال أمير المؤمنين عليه السلام :

سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ثلاثة لا يستجيب الله لهم بل يعدّ بهم ويوبّخهم،... والثالث رجلٌ أوصاه الله تعالى أن يحتاط لدينه بشهودٍ وكتاب فلم يفعل ذلك ودفع ماله إلى غير ثقة بغير وثيقه فجحده أو بخسه، فهو يقول «اللهم يا ربّ ردّ عليّ مالي»، يقول الله عزّ وجلّ له «يا عبدي! قد علمتكم كيف تستوثق لمالك ليكون محفوظاً لئلا يتعرّض للتلف فأبيت، فأنت الآن تدعوني، وقد ضيّعت مالك وأتلفته وخالفت وصيتي، فلا أستجيب لك...» (٣).

و اگر چنین کنید از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدين گونه] به شما آموزش می دهد و خدا به هر چیزی دانا است. و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید وثیقه ای بگیرید، و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده باید سپرده ی وی را بازپس دهد و باید از خداوند که پروردگار او است، پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می دهید دانا است.

۲ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود از رسول خدا شنیدم که می فرمود: خداوند دعای سه کس را مستجاب نمی کند بلکه آنان را کیفر می دهد و توبیخ می نماید... سوّمی شخصی است که خداوند متعال او را سفارش کرده است که برای طلب خود، با گرفتن گواهان و نوشتن، محکم کاری کند، ولی او این کار را نکرده و مال خود را بدون وثیقه به شخص غیر مطمئن داده و او آن را منکر شده یا ناقص پرداخت کرده است و آن وقت شخص طلبکار می گوید «بارها! مالم را به من برگردان».

خداوند عزّ و جلّ به او می گوید «ای بنده ی من! به تو آموختم که چگونه برای مال خود وثیقه بگیری تا مالت محفوظ بماند و در معرض نابودی قرار نگیرد و تو امتناع کردی، اکنون مرا می خوانی در حالی که مال خود را تباہ ساخته و نابود کرده ای و با سفارش من مخالفت نموده ای. من دعایت را متسجّاب نمی کنم...».

ص: ۸۷

۱- (١) البقره: ۲۸۲.

۲- (٢) البقره: ۲۸۳.

۳- (٣) التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ۶۵۳ ضمن ح ۳۷۲، عنه البحار: ۳۰۵/۱۰۴ ضمن ح ۱۰.

۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

مَنْ ذَهَبَ حَقَّهُ عَلَى غَيْرِ بَيْنِهِ لَمْ يُؤْجَرْ (۱).

۴ - عن عامر بن جذاعة قال:

دخَلَ عَلِيٌّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! قَرْضًا إِلَى مَيْسِرِهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَى غَلَّةِ تَدْرِكْ؟

فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، فَقَالَ: إِلَى تِجَارِهِ تُوَدِّي؟

فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، قَالَ: فَإِلَى عَقْدِهِ تَبَاع؟

فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، فَقَالَ: أَنْتَ إِذَا مَنَّ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ فِي أَمْوَالِنَا حَقًّا.

فَدَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكِيْسٍ فِيهِ دِرَاهِمٌ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَنَاولَهُ قَبْضَهُ ثُمَّ قَالَ: اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تَسْرِفْ وَلَا تَقْتَرْ، وَكُنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا، إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ، قَالَ اللَّهُ وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا (۲). وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَعْذِبُ عَلَى الْقَصْدِ (۳).

- امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس حَقِّش را از روی نداشتن شاهد از دست دهد، به پاداشی نمی رسد.

۴ - عامر بن جذاعة می گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام وارد شد و گفت: ای اباعبدالله! تا زمان گشایش قرض می خواهم.

حضرت فرمود: تا هنگام به دست آمدن محصول؟

گفت: نه به خدا سوگند.

فرمود: تا موقع انجام تجارتی؟

گفت: نه به خدا سوگند.

فرمود: تا وقت فروش ملکی؟

عرض کرد: نه به خدا سوگند.

فرمود: پس در این صورت تو از کسانی هستی که خداوند در اموال ما برای او حَقِّی قرار داده است.

آن گاه حضرت کیسه ی درهمی خواست و دست خود را داخل آن کرد و یک مشت به او داد و فرمود: از خدا پروا کن و اسراف مکن و سخت نگیر و میان آن دو، معتدل باش.

ولخرجی از اسراف است و خداوند متعال می فرماید «و لخرجی و اسراف مکن».

سپس امام فرمود: خداوند متعال کسی را بر میانه روی کیفر ندهد.

ص: ۸۸

۱- ((۱)) الکافی: ۲۹۸/۵ ح ۳، عنه الوسائل: ۳۳۹/۱۸ ح ۲۳۸۰۰.

۲- ((۲)) الإسرائاء: ۲۶.

۳- ((۳)) تفسیر العیاشی: ۲۸۸/۲ ح ۵۶، عنه المستدرک: ۵۱/۱۳ ح ۱۴۷۱۶ ونحوه فی ح ۱۴۷۱۷ وفیه «علی بن جذاعه».

۱ - قال الله تبارك وتعالى وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرِهِ فَنظِرَةٌ إِلَيْهِ مَيْسَرَةٌ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱).

۲ - عن الرضا عليه السلام - وقد سأله رجل عن النظره في قوله تعالى فَنظِرَةٌ إِلَيْهِ مَيْسَرَةٌ (۲) هل لها حدٌ يُعرف إذا صار هذا المعسر لا بد له من أن ينظر وقد أخذ مال هذا الرجل وأنفق على عياله وليس له غلّه ينتظر إدراكها ولا دين ينتظر محله ولا مال غائب ينتظر قدومه؟ - قال: نعم، ينتظر بقدر ما ينتهي خبره إلى الإمام فيقضى عنه ما عليه من سهم الغارمين إذا كان أنفقه في طاعة الله، فإن كان أنفقه في معصية الله فلا شيء له على الإمام... (۳).

۱ - خداوند تعالی فرمود: «واگر [بدهکار] تنگدست بود پس مهلتی باید تا گشایشی یابد و این که صدقه بدهید برایتان بهتر است اگر بدانید».

۲ - شخصی از امام رضا علیه السلام درباره ی «مهلت» در آیه ی شریفه ی «پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او بدهید]» پرسید: آیا برای آن زمان و مهلت، حد و مرزی وجود دارد که معلوم شود باید به این تنگدست [تا آن زمان] مهلت داد، در حالی که مال این شخص را گرفته و برای خانواده ی خود هزینه کرده است و نه محصولات کشاورزی دارد که برداشت آن را انتظار کشد و نه طلبی از دیگران دارد که برای فرا رسیدن پایان مدت آن منتظر بماند و نه مال غایبی که منتظر به دست آمدن آن باشد؟

حضرت فرمود: آری، به اندازه ای که گزارش حال او به حاکم (شرع) برسد منتظر می ماند. در آن صورت حاکم (شرع) بدهی او را از سهمیه ی بدهکاران [تنگدست در بیت المال] پرداخت می کند. البته این در صورتی است که آن دین را در راه فرمانبری خدا هزینه کرده باشد؛ ولی اگر دین را در راه نافرمانی خدا خرج کرده باشد چیزی به عهده ی حاکم (شرع) نیست...

ص: ۸۹

۱- (۱) البقره: ۲۸۰.

۲- (۲) البقره: ۲۸۰.

۳- (۳) تفسیر العیاشی: ۱۵۵/۱ ح ۵۲۰، عنه البحار: ۱۵۲/۱۰۳ ح ۱۸ وراجع فقه الرضا علیه السلام: ۲۶۸.

۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
مَنْ أَرَادَ أَنْ يَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ - قَالَهَا ثَلَاثًا فَهَابَهُ النَّاسُ أَنْ يَسْأَلُوهُ، فَقَالَ: - فليُنظر معسراً أو ليدع له من حقه (۱).

۴ - قال الصادق عليه السلام في وصيته طويله لأصحابه:

□
... و إياكم و إعسار أحدٍ من إخوانكم المسلمين أن تعسروه بالشئ يَكُونُ لَكُمْ قَبْلَهُ وَهُوَ مَعْسَرٌ، فَإِنَّ أَبَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَعْسَرَ مُسْلِمًا، وَمَنْ أَنْظَرَ مَعْسَرًا أَظْلَهُ اللَّهُ بِظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ (۲).

۵ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: يُبعث يوم القيامة قومٌ تحت ظلّ العرش و وجوههم من نور و ريشهم من نور، جلوس على كراسي من نور، قال: فتشرف لهم الخلائق فيقولون: ... هؤلاء شهداء؟

۳ - از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود:

هر که می خواهد زیر سایه ی [حمایت] خداوند باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی او نیست - این را سه بار فرمود و مردم به سبب احترام و بزرگی آن حضرت چیزی پرسیدند، پس ادامه داد: - باید [بدهکار] تنگدست را مهلت دهد، یا برای او از حقّ خود بگذرد.

۴ - امام صادق عليه السلام در ضمن سفارشی طولانی به اصحابش، فرمود:

...از سخت گیری بر هر یک از برادران مسلمانان پرهیزید؛ از این که او را - که تنگدست است - برای طلبتان در تنگنا قرار دهید؛ زیرا جدّ ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

شایسته نیست مسلمانی مسلمان دیگری را در تنگنا قرار دهد، و هر که تنگدستی را مهلت دهد سایه ی رحمت خدا او را فرا می گیرد در روزی که هیچ سایه ی جز سایه او نیست.

۵ - از امام باقر عليه السلام نقل شده که فرمود:

روز قیامت گروهی زیر سایه ی عرش خدا برانگیخته می شوند در حالی که چهره هاشان از نور و لباس های فاخرشان از نور است و بر صندلی هایی از نور نشسته اند.

آن گاه مردم آنان را می بینند و می گویند:

...اینان شهیدانند؟

- ١- ((١)) الكافي: ٣٥ / ٤ ح ١ والفقيه: ٥٩ / ٢ ح ١٧٠٥، عنهما الوسائل: ٣١٩ / ١٦ ح ٢١٦٥٤ ورواه العياشي في تفسيره: ١٥٣ / ١ ح ٥١٣
عن رسول الله صلى الله عليه وآله .
- ٢- ((٢)) الكافي: ٩ / ٨ ضمن ح ١، عنه الوسائل: ٣٦٦ / ١٨ ح ٢٣٨٦٠.

فینادی منادی من تحت العرش أن لیس هؤلاء شهداء، ولكن هؤلاء قومٌ كانوا ییسرون علی المؤمنین، وینظرون المعسر حتی ییسر (۱).

۶ - قال: رسول الله صلی الله علیه و سلم: یؤتی برجلٍ یوم القیامه فیقول الله: انظروا فی عمله، فیقول: رب ما کنت أعمل خیراً غیر أنه کان لی مال و کنت اخالط الناس، فَمَنْ کان موسراً یسیرت علیه و مَنْ کان معسراً أنظرته إلی میسره، قال الله عزّ و جلّ: أنا أحقّ من یسرّ فغفر له (۲).

۷ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله - فی ذکر منزله علیّ علیه السلام - :

... فَإِنَّ اللَّهَ یبعث یوم القیامه أقواماً تمتلئ من جهه السيئات موازینهم فیقال لهم: هذه السيئات فأین الحسنات؟ وإلّا فقد عطبتم.

پس منادی از زیر عرش ندا می دهد:

اینان شهیدان نیستند، بلکه گروهی هستند که بر مؤمنان آسان می گرفتند و بدهکار تنگدست را تا زمان گشایش یافتن، مهلت می دادند.

۶ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

روز قیامت مردی را می آورند.

خداوند می فرماید:

در عمل او بنگرید.

پس او می گوید:

پروردگارا کار خیری انجام نداده ام جز این که مالی داشتم و با مردم معاشرت می کردم، پس هر که توانایی داشت در پرداخت دین بر او آسان می گرفتم و هر که تنگدست بود به او تا زمان توانایی مهلت می دادم.

خداوند عزّ و جلّ می فرماید:

«من سزاوارترین کسی هستم که آسان بگیرد»، پس او را می آمرزد.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ی منزلت علی علیه السلام فرمود:

... خداوند روز قیامت اقوامی را محشور می کند که ترازوهای اعمالشان پر از گناه است.

به آنان گفته می شود این ها گناهان شماست پس حسنات شما کجاست و گرنه هلاک خواهید شد.

-
- ١- (١) ثواب الأعمال: ١٧٤ ح ١ وتفسير العياشي: ١٥٤/١ ح ٥١٨، عنهما الوسائل: ٣٦٦/١٨ ح ٢٣٨٦٢ و رواه المجلسي في البحار: ١٥١/١٠٣ ح ١٦ عن تفسير العياشي.
- ٢- (٢) مسند أحمد: ٤٠٧/٥ و بمعناه في تفسير أبي الفتوح الرّازي: ٤٠٤/٢، عنه المستدرک: ٤١٢/١٣ ح ١٥٧٥٧.

فبقولون: يا ربنا! ما نعرف لنا حسنات. فإذا النداء من قِبَلِ الله عزّ وجلّ:

لئن لم تعرفوا لأنفسكم عبادى حسنات فإنّى اعرفها لكم، وأوفرها عليكم.

ثمّ تأتي الريح برقعته صغيره وتطرحها فى كفه حسناتهم، فترجح بسينّاتهم بأكثر ممّا بين السماء والأرض، فيقال لأحدهم: خذ بيد أيبك وأمّك وإخوانك وأخواتك وخاصّتك وقراباتك وأخذانك ومعارفك فأدخلهم الجنّه.

□
فيقول أهل المحشر: يا ربنا! أمّا الذنوب فقد عرفناها، فماذا كانت حسناتهم؟ فيقول الله عزّ وجلّ:

يا عبادى! مشى أحدهم ببقية دين عليه لأخيه إلى أخيه فقال:

خذها فإنّى احبّك بحبّك لعلىّ بن أبى طالب عليه السلام، فقال له الآخر: قد تركتها لك بحبّك لعلىّ بن أبى طالب عليه السلام ولك من مالى ما شئت.

□
فشكر الله تعالى ذلك لهما فحطّ به خطاياهما، وجعل ذلك فى حشو صحائفهما وموازينهما، وأوجب لهما ولوالديهما ولدزيّتهما الجنّه... (١).

مى گویند: پروردگارا! ما برای خود حسناتی سراغ نداریم. در آن هنگام از جانب خداوند عزّ و جلّ ندا مى رسد: ای بندگان من! اگر شما برای خودتان حسناتی سراغ ندارید من شما را به آن آگاه مى کنم و آن را برای شما فراوان مى سازم.

آن گاه باد کاغذ کوچکی را مى آورد و آن را در ترازوی حسناتشان مى اندازد؛ پس بر گناهانشان ترجیح مى یابد به اندازه ی بیش از فاصله میان آسمان و زمین.

آن گاه به یکی از آنان گفته مى شود: دست پدر و مادر و برادران و خواهران و خاصّان و نزدیکان و دوستان و آشنایان خود را بگیر و وارد بهشت کن.

اهل محشر مى گویند: ای پروردگارا! گناهانشان را دانستیم، حسناتشان چه بود؟ خداوند عزّ و جلّ مى فرماید: ای بندگان من! یکی از آنان که به دیگری مدیون بود سراغ آن یکی دیگر رفت و گفت: باقی مانده ی طلب خود را بگیر، من تو را به سبب محبت تو به علی بن ابی طالب علیه السلام، دوست دارم. پس دیگری گفت: من نیز آن را به دلیل محبتت به علی بن ابی طالب علیه السلام به تو بخشیدم و هرچه از اموالم مى خواهی نیز بردار.

خداوند متعال از آن دو به جهت این کارشان سپاس گزاری کرد و خطاهایشان را فرو ریخت، و آن را در میان نامه های اعمال و در ترازوی اعمالشان قرار داد، و برای آن دو و پدر و مادر و فرزندانسان بهشت را واجب کرد.

١- (١) التفسير المنسوب الى الامام العسكري (ع) ١٣٨ ضمن ح ٧٠ عنه البحار ٦٨/٣٨ ضمن ح ٦.

۸ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

لئن اقرض قرضاً أحبَّ إليَّ من أن أصل بمثله... مَنْ أقرض قرضاً فُضرب له أجلاً فلم يؤت به عند ذلك الأجل فإنَّ له من الثواب في كلِّ يوم يتأخَّر عن ذلك الأجل مثل صدقه دينار واحد في كلِّ يوم (۱).

۹ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال: مَنْ يَسِّر على مؤمن وهو معسر يَسِّر الله له حوائجه في الدُّنيا والآخرة (۲).

۱۰ - عن الحسن بن خنيس قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: إنَّ لعبدالرحمن بن سيابه ديناً على رجل قد مات وقد كَلَّمناه أن يحلِّله فأبى، فقال: ويحه! أما يعلم أنَّ له بكلِّ درهم عشره إذا حلَّله، فإذا لم يحلِّله فإنَّما له درهم بدل درهم (۳).

۸ - امام صادق عليه السلام فرمود: اگر مالی قرض دهم برایم خوشایندتر است از این که مانند آن مال را ببخشم...

کسی که قرض دهد و برای باز پرداخت آن زمانی تعیین کند و در آن هنگام باز پرداخت نشود، برای او در برابر تأخیر هر روز ثوابی برابر با ثواب صدقه دادن یک دینار [سکه زر] در هر روز خواهد بود.

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که بر مؤمن تنگدست آسان گیرد، خداوند حاجت هایش را در دنیا و آخرت آسان کند.

۱۰ - حسن بن خنيس می گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم:

عبدالرحمان بن سيابه بر مردی که از دنیا رفته است دینی دارد.

با او صحبت کردیم آن را حلال کند ولی او خودداری ورزید.

امام عليه السلام فرمود: وای بر او! آیا نمی داند که چون آن را حلال کند در برابر هر دره‌می [ثواب] ده درهم را می برد، ولی اگر آن را حلال نکند تنها یک درهم طلبکار است.

ص: ۹۳

۱- (۱) ثواب الأعمال: ۱۶۷ ح ۴، عنه الوسائل: ۳۳۰/۱۸ ح ۲۳۷۸۳.

۲- (۲) ثواب الأعمال: ۱۶۳ ح ۱، عنه الوسائل: ۳۷۱/۱۶ ح ۲۱۷۹۱. نحوه فی الکافی: ۲۰۰/۲ ح ۵، عنه الوسائل: ۳۷۱/۱۶ ح ۲۱۷۹۰.

۳- (۳) الکافی: ۳۶/۴ ح ۱ و ثواب الأعمال: ۱۷۴ ح ۱ و الفقیه: ۵۹/۲ ح ۱۷۰۶، وج ۱۸۹/۳ ح ۳۷۱۵ و التهذیب: ۱۹۵/۶ ح ۴۲۷.

۱۱ - عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما للرجل أن يبلغ من غريمه؟ قال:

لا يبلغ به شيئاً، الله أنظره (۱).

۱۲ - عن جابر قال: سمعته [جعفراً عليه السلام] يقول: إن نبي الله أطلع ذات يوم من غرفه له فإذا هو برجل يلزم رجلاً، ثم أطلع من العشي فإذا هو ملازمه، ثم إن النبي صلى الله عليه وآله نزل إليهما فقال:

ما يقعد كما هاهنا؟ قال أحدهما: يا رسول الله! إن لي قبل هذا حقاً قد غلبني عليه،

فقال الآخر: يا نبي الله! له علي حق وأنا معسر ولا والله ما عندي،

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أراد أن يظله الله من فوح جهنم يوم لا ظل إلا ظله فلينظر معسراً وليدع له،

فقال الرجل عند ذلك: قد وهبت لك ثلثاً وأخرتك بثلث إلى سنة وتعطيني ثلثاً، فقال النبي صلى الله عليه وآله: ما أحسن هذا (۲).

۱۱ - اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

شخص با بدهکار خود [که بدهی اش را نداده است] چه کند؟

فرمود: با او کاری نداشته باشد، خدا به او مهلت داده است.

۱۲ - جابر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی سر از منزل خود بیرون کرد. دید مردی مرد دیگری را رها نمی کند.

شب نیز سر بیرون کرد دید همان مرد از او جدا نمی شود.

نزد آن دو رفت و پرسید: چه چیزی شما دو تا را این جا نشانده است؟

یکی از آن دو گفت: ای رسول خدا! من بر او حقی دارم که نمی دهد.

دیگری گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! او بر من حقی دارد، ولی من در تنگنا هستم و سوگند به خدا چیزی ندارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که بخواهد خدا او را از حرارت سوزان جهنم - در روزی که هیچ سایه ای جز سایه ی او نیست - زیر سایه ی خود درآورد، باید به شخص تنگدست مهلت دهد و او را واگذارد.

در این هنگام مرد طلبکار گفت: یک سوم طلبم را بخشیدم و دریافت یک سوم را تا یک سال به تأخیر می اندازم و یک سوم

دیگر را به من بده.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه نیکو است این کار!

ص: ۹۴

۱- ((۱)) تفسیر العیاشی: ۱۵۴/۱ ح ۵۱۶، عنه الوسائل: ۳۶۷/۱۸ ح ۲۳۸۶۵.

۲- ((۲)) کتاب جعفر بن محمد بن شریح الحضرمی (ضمن الأُصول الستَّه عشر): ۲۳۰ ح ۵۵، عنه المستدرک: ۴۱۱/۱۳

ح ۱۵۷۵۳.

۱۳ - عن بریده قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول: مَنْ أَنْظَرَ مَعْسِراً فَلَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ مِثْلَهُ صَدَقَةٌ.

قال ثُمَّ سَمِعْتَهُ يَقُولُ: مَنْ أَنْظَرَ مَعْسِراً فَلَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ مِثْلِيهِ صَدَقَةٌ.

فسأله بریده عن مثله ومثليته، فأجاب صلى الله عليه و سلم: له بكلِّ يوم صدقه قبل أن يحلَّ الدين، فإذا حلَّ الدين فأنظره فله بكلِّ يوم مثليه صدقه (۱).

۱۴ - قال الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ إِنْظَارَ الْمَعْسِرِ، وَمَنْ كَانَ غَرِيمَةً مَعْسِراً فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْظُرَهُ إِلَى مَيْسَرِهِ إِنْ كَانَ أَنْفَقَ مَا أَخَذَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَ أَنْفَقَ ذَلِكَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يَنْظُرَهُ إِلَى مَيْسَرِهِ، وَلَيْسَ هُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَنَظَرُهُ إِلَى مَيْسَرِهِ (۲)(۳).

۱۳ - بریده می گوید: از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنیدم که می فرمود: هر که بدهکار تنگدستی را مهلت دهد، برایش در هر روز ثواب صدقه ی برابر آن مال است.

سپس شنیدم که می فرمود: هر کس بدهکار تنگدستی را مهلت دهد برایش در هر روزی ثواب صدقه ی دو برابر آن مال است.

بریده درباره ی «برابر مال و دو برابر مال» از حضرت پرسید.

آن حضرت پاسخ داد: پیش از این که زمان پرداخت دین فرا برسد برای هر روزی ثواب صدقه ی برابر آن مال است، و چون زمان پرداخت وام فرا رسد و طلبکار او را مهلت دهد، برای او در هر روزی ثواب صدقه ی دو برابر آن است.

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل مهلت دادن بدهکار تنگدست را دوست دارد.

هر که بدهکارش تنگدست باشد، اگر آنچه را قرض کرده است در راه فرمانبری از خدا هزینه کرده باشد، بر شخص لازم است که تا زمان گشایش به او مهلت دهد و اگر در راه نافرمانی خدا هزینه کرده باشد، بر طلبکار لازم نیست تا زمان گشایش به او مهلت دهد؛ در این صورت او مصداق سخن خدای متعال نیست که فرمود: «پس تا [هنگام] گشایش مهلتی [به او بدهید]».

ص: ۹۵

۱- (۱) مسند أحمد: ۳۶۰/۵.

۲- (۲) البقره: ۲۸۰.

۳- (۳) الهدایه: ۳۱۷ ونحوه فی المقنع: ۳۷۶، عنهما المستدرک: ۱۳ / ۴۱۲ ح ۱۵۷۵۵ ورواه المجلسی فی البحار: ۱۵۳/۱۰۳ ح ۲۴ عن الهدایه.

۱۵ - عن معتب قال: دخل محمد بن بشر الوشاء على أبي عبد الله عليه السلام يسأله أن يكلم شهاباً أن يخفف عنه حتى ينقضي الموسم، وكان له عليه ألف دينار، فأرسل إليه فاتاه فقال له:

قد عرفت حال محمد وانقطاعه إلينا، وقد ذكر أنّ لك عليه ألف دينار لم تذهب في بطن ولا فرج وإتّما ذهبت دينا على الرجال ووضايح وضعها، وأنا أحب أن تجعله في حلّ، فقال: لعلك ممّن يزعم أنّه يقبض من حسناته فتعطاها، فقال:

كذلك في أيدينا، فقال أبو عبد الله عليه السلام: الله أكرم وأعدل من أن يتقرّب إليه عبده فيقوم في الليله القرّه (۱)، أو يصوم في اليوم الحارّ، أو يطوف بهذا البيت ثمّ يسلبه ذلك فيعطاه، ولكن لله فضل كثير يكافى المؤمن، فقال:

فهو في حلّ (۲).

۱۵ - معتب گوید: محمد بن بشر و شاء خدمت امام صادق عليه السلام رسید و از حضرت درخواست کرد با شهاب صحبت کند تا در مورد پرداخت هزار دیناری که به او بدهکار است آسان بگیرد تا زمان [تنگدستی] بگذرد.

حضرت سراغ شهاب فرستاد و او خدمت حضرت رسید.

حضرت فرمود: از حال محمد که به ما پناه آورده بود آگاه شدم. می گفت هزار دینار به تو بدهکار است که آن را برای شکم و ازدواج به کار نگرفته، بلکه برای دیون و ودیعه های خود استفاده کرده است. دوست دارم او را حلال کنی.

آن گاه ادامه داد: شاید تو از کسانی هستی که گمان می برند در برابر این کارش حسنات بدهکار را می گیرند و به او می دهند؟

شهاب گفت: چنین به ما خبر رسیده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند بخشنده تر و عادل تر از آن است که بنده اش در شب سرد به عبادت پردازد یا روز داغ را روزه بگیرد یا خانه ی خدا را طواف کند تا به او تقرّب جوید، سپس ثوابش را از او بگیرد و به دیگری عطا کند؛ بلکه خداوند دارای فضل بسیار است که به مؤمن می بخشد. شهاب گفت: او را حلال کردم.

ص: ۹۶

۱- (۱) ليله قرّه: بارده. (النهاية: ۳۸/۴).

۲- (۲) الكافي: ۳۶/۴ ح ۲، عنه الوسائل: ۳۲۲/۱۶ ح ۲۱۶۵۹ والبحار: ۳۶۴/۴۷ ح ۸۰.

۱۶ - عن سلمه بن محمد بیاع القلانس قال: مرّ أبو عبد الله عليه السلام على رجلٍ قد ارتفع صوته على رجلٍ يقتضيه شيئاً يسيراً، فقال: بكم تطالبه؟ قال: بكذا وكذا،

□
فقال أبو عبد الله عليه السلام: أما بلغك أنه كان يقال لا دين لمن لا مروءة له؟! (۱) ۱۶ - سلمه بن محمد می گوید: امام صادق علیه السلام بر مردی گذر کرد که با صدای بلند چیز اندکی را از شخصی مطالبه می کرد.

حضرت فرمود: چه مقدار از او مطالبه می کنی؟ گفت: فلان مقدار.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نشنیده ای که گفته اند هر که جوانمردی ندارد دین ندارد؟!

ص: ۹۷

۱- ((۱)) الکافی: ۴۳۸/۶ ح ۳، عنه الوسائل: ۱۳/۵ ح ۵۷۶۰.

الف) سفارش اسلام به بازگرداندن دین و قرض و قصد آن را داشتن

۱ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: كلّ ذنب يكفّره القتل في سبيل الله عزّ و جلّ إلّا الدّین، لا كفّاره له إلّا أداؤه، أو يقضی صاحبه أو يعفو الذی له الحقّ (۱).

۲ - عن بشار عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: أول قطره من دم الشهيد كفّاره لذنوبه إلّا الدّین، فإنّ كفّارته قضاؤه (۲).

۳ - عن أبي ثمامه قال: قلت لأبي جعفر الثّانی علیه السلام: إني أريد أن الزم مكّه أو المدينه وعلیّ دین فما تقول؟ فقال: ارجع فأدّه إلى مؤدّی دینک، ۱ - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

کشته شدن در راه خدا هر گناهی را می پوشاند جز بدهکاری را که هیچ راه پوششی ندارد جز پرداخت آن؛ مگر آن که یار او [ولی او یا وارث او یا امام یا دیگری] آن را بپردازد یا طلبکار، آن را ببخشد.

۲ - بشار از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

نخستین قطره ی خون شهید، کفاره ی گناهان او است جز بدهکاری که کفاره ی آن پرداخت آن است.

۳ - ابو ثمامه می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم:

می خواهم ساکن مکّه یا مدينه شوم ولی بدهکارم؛

چه می فرمایید؟

فرمود:

برگرد و دینت را به طلبکارت بپرداز

ص: ۹۸

۱- ((۱)) الکافی: ۹۴/۵ ح ۶، عنه الوسائل: ۳۲۴/۱۸ ح ۲۳۷۷۱.

۲- ((۲)) الفقیه: ۱۸۳/۳ ح ۳۶۹۱، عنه الوسائل: ۳۲۶/۱۸ ح ۲۳۷۷۵.

وانظر أن تلقى الله تعالى وليس عليك دين، إن المؤمن لا يخون (١).

□
٤ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله - لما مرّ بشاب يسوق أبعره سمناً ليرتزق بها على عياله ويقضى دينه - قال: إن له لأجراً مثل أجر الغازي وأجر الحاج وأجر المعتمر (٢).

□
٥ - عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل منا يكون عنده الشيء يتبّخ به وعليه دين، أيطعمه عياله حتى يأتي الله عزّ وجلّ بميسره فيقضى دينه أو يستقرض على ظهره في خبث الزّمان وشده المكاسب أو يقبل الصدقة؟

□
قال: يقضى بما عنده دينه ولا يأكل أموال الناس إلّا وعنده ما يؤدى إليهم حقوقهم، إن الله عزّ وجلّ يقول: لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل، إلّا أن تكون تجارة عن تراضٍ منكم (٣) ولا - يستقرض على ظهره إلّا وعنده وفاء ولو طاف على أبواب الناس و مواظب باش در حالی خدا را ملاقات کنی که بدهکار نباشی. مؤمن خیانت نمی کند.

٤ - رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به جوانی گذر کرد که شتران فربه‌ی را می چرانید تا با آن ها روزی عیال خود را فراهم آورد و دین خود را پردازد، فرمود:

برای او پاداشی همچون پاداش جهادگر در راه خدا و پاداش انجام دهنده ی حجّ و پاداش عمره گزار است.

٥ - سماعه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی از ما اموالی دارد که به آن قناعت می کند [و زندگی می گذراند] و از طرفی بدهکار است. آیا آن را برای مصرف عیال خود هزینه کند تا زمانی که خداوند عزّ وجلّ به او وسعت دهد و آن گاه دین خود را پردازد؛ یا با آن بدهی خود را بدهد و در زمان پستی و سختی کسب درآمد، [برای تأمین هزینه های زندگی خود] قرض کند و بار سنگین آن را بر دوش کشد؛ یا صدقه ی دیگران را بپذیرد؟

حضرت فرمود: با آن بدهی خود را پردازد، و اموال مردم را مصرف نکند [خود را مدیون آن ها نکند] مگر زمانی که چیزی داشته باشد که حقوق آنان را پردازد؛ خداوند عزّ وجلّ می فرماید:

«اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آن که داد و ستدی با رضایت یکدیگر، از طرف شما [انجام گرفته] باشد»، و بار قرض را بر دوش خود نهد مگر زمانی که توان باز پرداخت آن را داشته باشد، گرچه به قیمت این باشد که درب خانه های مردم

ص: ٩٩

١- (١) الكافي: ٩٤/٥ ح ٩ والتهديب: ١٨٤/٦ ح ٣٨٢ وعلل الشرائع: ٥٢٨ ب ٣١٢ ح ٧، عنها الوسائل: ٣٢٤/١٨ ح ٢٣٧٧٢.

٢- (٢) دعائم الإسلام: ١٥/٢ ح ٧.

٣- (٣) النساء: ٢٩.

فردوه باللقمه واللقمتين والتمره والتمرتین، إلا أن يكون له ولي يقضى دينه من بعده، ليس منا من میت إلا جعل الله عز وجل له ولياً يقوم في عده ودينه فيقضى عده ودينه (۱).

۶ - عن أسباط بن سالم قال:

دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فساء لنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت: صالح ولكنه قد ترك التجاره، فقال أبو عبد الله عليه السلام:

عمل الشيطان - ثلاثاً - أما علم أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اشترى عيراً أتت من الشام فاستفضل فيها ما قضى دينه وقسم في قرابته، يقول الله عز وجل رجالاً لاتلهمهم تجره ولمابيع عن ذكر الله وإقام الصلوه وإيتاء الزكوه يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب والأبصار (۲) - إلى آخر الآيه - يقول القصة اص «إن القوم لم يكونوا يتجرون» كذبوا، ولكنهم لم يكونوا يدعون الصلاه برود تا يك لقمه و دو لقمه غذا يا يك دانه و دو دانه خرما به او صدقه بدهند.

مگر [در صورتی می تواند قرض کند] که ولیی داشته باشد که پس از او دینش را ادا کند.

کسی از ما [اهل بیت] از دنیا نمی رود جز این که خدای عز وجل برایش ولیی قرار می دهد تا وعده اش را عملی کند و دینش را بپردازد.

۶ - اسباط بن سالم می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم.

حضرت از ما پرسید عمر بن مسلم چه کار می کند؟ عرض کردم خوب است، ولی تجارت را کنار گذاشته است.

فرمود: شغل شیطان را پیشه کرده است. - این را سه بار فرمود. - آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بار و متاعی را که از شام آورده بودند فروخت و در آن سود کرد و از آن سود دین خود را پرداخت و میان خویشاوندانش نیز تقسیم کرد.

خداوند عزوجل می فرماید «مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات باز نمی دارد [و] از روزی که در آن دل ها و دیدگان دگرگون شود، بیمناکند.»

قصه گویان و دروغ پردازان آیه را این گونه معنا می کنند: «قومی که تجارت نمی کنند» آنان دروغ گفته اند؛ بلکه آن ها نماز

ص: ۱۰۰

۱- ((۱)) الکافی: ۹۵/۵ ح ۲ والفقیه: ۱۸۴/۳ ح ۳۶۹۳ والتهذیب: ۱۸۵/۶ ح ۳۸۳، عنها الوسائل: ۳۲۵/۱۸ ح ۲۳۷۷۳

۲- ((۲)) النور: ۳۷.

فی میقاتها، وهو أفضل ممّن حضر الصلاه و لم يتجر (۱).

۷- روى: من كان عليه دين ينوى قضاءه يُنصر من الله، حافظاه يعينانه على الأداء، فإن قصرت نيته نقصوا عنه من المعونه بمقدار ما يقصر منه من نيته (۲).

۸- قال النبي صلى الله عليه و آله: الدين دينان: فمن مات وهو ينوى قضاءه فأنا وليه، ومن مات ولا ينوى قضاءه فذاك الذى يؤخذ من حسناته، ليس يومئذ دينار ولا درهم (۳).

۹- عن الباقر عليه السلام قال: إن الله عزوجل مع صاحب الدين حتى يؤديه ما لم يأخذه مما يحرم عليه (۴).

۱۰- عن الوليد بن صبيح قال: جاء رجل إلى أبي عبدالله عليه السلام را در وقت خودش رها نمی کنند، و این برتر است از کسی که در نماز حاضر شود و تجارت نکند.

۷- از معصوم عليه السلام نقل شده است که فرمود:

هر که دینی برگردنش باشد که قصد ادای آن را داشته باشد، از جانب خدا یاری می شود، دو فرشته ی نگهبانش او را بر ادای آن یاری و کمک می کنند؛

پس اگر تصمیمش در پرداخت آن، ضعیف شود، به همان اندازه کمک آنان نیز کم می شود.

۸- رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بدهی دو گونه است:

هر که از دنیا برود و قصد پرداخت آن را داشته باشد من سرپرست [و یاری کننده] او هستم.

و هر که از دنیا برود و قصد پرداخت آن را نداشته باشد، این همان است که از حسناتش بر می دارند، [زیرا] در آن روز دینار و درهمی نیست.

۹- از امام باقر عليه السلام نقل شده که فرمود:

خداوند عزوجل تا زمانی که بدهکار دینش را بپردازد همراه او است، به شرطی که آن را برای کار حرام نگرفته باشد.

۱۰- ولید بن صبیح می گوید:

مردی خدمت امام صادق عليه السلام

ص: ۱۰۱

- ٢- (٢) فقه الرضا عليه السلام : ٢٥٧، عنه البحار: ١٠٣/١٤٧ ح ٨ وفيه «يُنصب من الله حافظان».
- ٣- (٣) الجامع الصغير: ٢٦٢ ح ٤٣٠٥ و كنز العمال: ٢٣١/٦ ح ١٥٤٧٧.
- ٤- (٤) الفقيه: ١٨٤/٣ ح ٣٦٩٥، عنه الوسائل: ٣٢٢/١٨ ح ٢٣٧٦٥.

يَدْعَى عَلَى الْمَعْلَى بْنِ خَنِيْسٍ دَيْنًا عَلَيْهِ. قَالَ فَقَالَ: ذَهَبَ بِحَقِّي.

قال: فقال له: ذهب بحقك العدي قتله. ثم قال للوليد: قم إلى الرجل فاقضه من حقه فإني أريد أن أبرد عليه جلده وإن كان بارداً
(١).

آمد و ادعا کرد که معلی بن خنیس به او بدهکار است و گفت: او حق مرا برده است.

امام فرمود: حق تو را آن کس برد که معلی بن خنیس را کشت. آن گاه به ولید فرمود:

برخیز به سوی این مرد برو و حقش را ادا کن، من می خواهم پوست معلی را خنک کنم، گرچه خنک است.

ص: ١٠٢

١- ((١)) علل الشرائع: ٥٢٩ ب ٣١٢ ح ٨، عنه البحار: ١٠٣/١٤٣ ح ١١.

ب) نکوهش عدم پرداخت دین و قرض یا قصد پرداخت نداشتن

۱ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا فَلَمْ يَنْوِ قِضَاءَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ (۱).

۲ - عن أحدهم عليهم السلام قال:

يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَاحِبِ الدَّيْنِ يَشْكُو الْوَحْشَةَ، فَإِنْ كَانَتْ لَهُ حَسَنَاتٌ اخْتَذَتْ مِنْهُ لِصَاحِبِ الدَّيْنِ. قَالَ: وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ الْقَى عَلَيْهِ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِ الدَّيْنِ، إِنَّ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَاتَ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ دِينَارَانِ فَأُخْبِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَبَى أَنْ يَصَلَّى عَلَيْهِ، وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِكَيْلَا يَجْتَرُّوا عَلَى الدَّيْنِ... (۲).

۳ - عن يونس بن ظبيان قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام: يا يونس! مَنْ حَبَسَ حَقَّ الْمُؤْمِنِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَمْسَمِائَةَ عَامٍ عَلَى رَجُلِيهِ

۱ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

هر که قرض کند و قصد بازپرداخت آن را نداشته باشد همانند دزد است.

- از یکی از معصومین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

روز قیامت، مدیون را که از وحشت می نالد می آورند، پس اگر حسنات داشته باشد آن ها را از او می گیرند و به طلبکار می دهند، و اگر حسنات نداشته باشد از گناهان صاحب دین بر او می افکنند.

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از دنیا رفت که دو دینار بدهکار بود.

به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند؛ حضرت از نماز گزاردن بر او خودداری کرد و این کار را برای آن انجام داد که کسی بر [تأخیر] دین جرأت نکند....

۳ - یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

ای یونس! کسی که حق مؤمنی را از او باز دارد، خداوند روز قیامت پانصد سال او را سرپا نگه می دارد

ص: ۱۰۳

۱- (۱) الکافی: ۹۹/۵ ح ۲، عنه الوسائل: ۳۲۸/۱۸ ح ۲۳۷۷۹.

۲- (۲) علل الشرائع: ۵۲۸ ب ۳۱۲ ح ۶، عنه البحار: ۱۴۲/۱۰۳ ح ۹.

حَتَّى يَسِيلَ مِنْ عَرَقِهِ أَوْ دِيهِ، وَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ: هَذَا الظَّالِمُ الَّذِي حَبَسَ عَنِ الْمُؤْمِنِ حَقَّهُ. قَالَ: فَيُؤَيِّخُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ (۱).

۴ - عن أبي حمزه قال:

سمعت أبا جعفر الباقر عليه السلام يقول:

مَنْ حَبَسَ مَالَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُعْطِيَهُ إِتْيَاهَ مَخَافَهُ إِنْ خَرَجَ ذَلِكَ الْحَقُّ مِنْ يَدِهِ أَنْ يَفْتَقِرَ، كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَقْدَرَ عَلَى أَنْ يَفْقِرَهُ مِنْهُ عَلَى أَنْ يَفْنَى نَفْسَهُ بِحَبْسِهِ ذَلِكَ الْحَقَّ (۲).

۵ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَبَسَ مُؤْمِنًا عَنْ مَالِهِ وَهُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ لَمْ يَذُقْ وَاللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَلَا يَشْرَبُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ (۳).

۶ - عن النبي صلى الله عليه وآله - في حديث المناهي - أنه قال: وَمَنْ يَمْطَلْ عَلَى ذِي حَقِّ حَقَّهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى أَدَاءِ حَقِّهِ فَعَلِيهِ تَأْنِجَا كَمَا عَرِقَ أَوْ دَرَّهَا رَوَانٌ مِى شُود، وَ مُنَادَى مِنْ جَانِبِ خَدَا نَدَا مِى كَنْد

«این همان ستمگری است که حق فلان مؤمن را باز داشته است».

پس چهل روز توبیخ می شود، سپس دستور می رسد او را به جهنم برند.

۴ - ابو حمزه می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

هر که از ترس فقیر شدن، مال مسلمانی را با وجود توانایی بازپرداخت آن، نزد خود نگه دارد و به او ندهد، خداوند از او تواناتر است که او را به دلیل نپرداختن آن حق، با گرفتن جانش نیازمند کند.

۵ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

سوگند به خدا هر مؤمنی که مال مؤمنی را - که به آن نیاز دارد - نزد خود نگه دارد، غذای بهشتی را نمی چشد و از نوشیدنی سربسته ی بهشتی نخواهد نوشید.

۶ - از رسول خدا صلى الله عليه وآله در ضمن حدیث مناهى نقل شده است که فرمود:

هر که ادای حق صاحب حقی را به تأخیر اندازد در حالی که بر پرداخت آن قادر است،

ص: ۱۰۴

٢- (٢) الكافي: ١٠١/٥ ح ٦، عنه الوسائل: ٣٣٢/١٨ ح ٢٣٧٨٨.

٣- (٣) ثواب الأعمال: ٢٨٦ ح ٢، عنه البحار: ١٤٧/١٠٣ ح ٧.

كُلَّ يَوْمٍ خَطِيئَةٌ عَشْرًا (۱).

۷- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لِي الْوَاجِدُ بِالذَّيْنِ يُحَلِّ عِرْضَهُ وَعَقُوبَتَهُ مَا لَمْ يَكُنْ دَيْنَهُ فِيمَا يَكْرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۲).

۸- عن رسول الله صلى الله عليه وآله أنه قال: ليس ذنب أعظم عند الله بعد الكبائر من رجل يموت وعليه دين لرجال وليس له ما يقضى عنه (۳).

برای هر روز برگردن او گناه مالیات بگیران ظالم است.

۷- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شخص دارایی که در پرداخت دین خود سر بدواند، [بردن] آبرو و کیفر دادنش روا است، به شرطی که دادن دین به او در راهی نبوده باشد که خدای عز و جل دوست ندارد.

۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس از گناهان کبیره گناهی بزرگ تر از این نیست که مردی از دنیا برود و برگردن او دین دیگران باشد و چیزی نداشته باشد که با آن دینش پرداخت شود.

ص: ۱۰۵

۱- ((۱)) الفقیه: ۱۶/۴ ضمن ح ۴۹۷۱ (حدیث المناهی) عنه الوسائل: ۳۳۳/۱۸ ح ۲۳۷۹۰.

۲- ((۲)) أمالی الطوسی: ۵۲۰ ح ۱۱۴۶، عنه الوسائل: ۳۳۳/۱۸ ح ۲۳۷۹۳.

۳- ((۳)) مستدرک الوسائل: ۳۹۳/۱۳ ح ۱۵۶۹۹ عن تفسیر أبی الفتوح.

۱ - قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: إنَّ الدَّينَ يَقْضَى مِنْ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا مَاتَ إِيْمَانٌ يَدِينُ فِي ثَلَاثَ خِلَالَ:

الرَّجُلُ تَضَعُ قُوَّتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَسْتَدِينُ يَتَّقُوهُ بِه لِعَدْوِ اللَّهِ وَعَدْوِهِ، وَرَجُلٌ يَمُوتُ عِنْدَهُ مُسْلِمٌ لَا يَجِدُ مَا يَكْفُنُهُ وَيُؤَارِيهِ إِلَّا بَدَنًا، وَرَجُلٌ خَافَ اللَّهَ عَلَى نَفْسِهِ الْعُرْبَةَ فَيَنْكَحُ خَشِيَةً عَلَى دِينِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقْضِي عَنْ هَؤُلَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱) ۲ - عن عثمان بن زياد قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إنَّ لي على رجل ديناً وقد أراد أن يبيع داره فيقضيني.

قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: اعِذْكَ بِاللَّهِ أَنْ تَخْرُجَهُ مِنْ ظِلِّ رَأْسِهِ (۲).

۳ - عن عبد الله بن المغيرة عن بريد العجلي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إنَّ عليَّ ديناً - وأظنُّه ۱ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: مديون که از دنیا برود، روز قیامت دین را از او می گیرند، جز در سه مورد:

مردی که توان خود را در راه خدا از دست می دهد، پس قرض می کند تا با آن در برابر دشمن خدا و خود، قدرت یابد؛ و مردی که مسلمانی نزد او از دنیا می رود و جز با قرض کردن نمی تواند چیزی فراهم کند که او را کفن و دفن نماید؛ و مرد مجزودی که بر خود از ازدواج نکردن بترسد و از بیم به خطر افتادن دینش، با قرض کردن ازدواج کند. خداوند دین این ها را روز قیامت ادا می کند.

۲ - عثمان بن زیاد می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من از شخصی طلبی دارم و او می خواهد منزل خود را بفروشد تا طلب مرا بدهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

پناه بر خدا که او را از سایبانش بیرون کشی.

۳ - عبد الله بن مغیره از بريد عجلي نقل کرده است که گفت به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

بر ذمه ی من دینی است - و فکر می کنم که

ص: ۱۰۶

۱- (۱) سنن ابن ماجه: ۸۱۴/۲ ح ۲۴۳۵.

۲- (۲) الكافي: ۹۷/۵ ح ۸ والتهديب: ۱۸۷/۶ ح ۳۹۰، عنهما الوسائل: ۳۴۰/۱۸ ح ۲۳۸۰۳.

قال: لأيتام - وأخاف إن بعث ضيعتي بقيت وما لي شيء، فقال:

لا تبع ضيعتك ولكن أعطه بعضاً وأمسك بعضاً (١).

□
٤ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

لا تباع الدار ولا الجارية في الدين، وذلك لأنه لا بد للرجل من ظل يسكنه وخادم يخدمه (٢).

گفت: مال یتیم ها است - و بیم آن دارم که اگر ملک و زمینم را بفروشم چیزی برایم باقی نماند.

حضرت فرمود: زمین خود را نفروش، بلکه مقداری [از آن] را به او بده و برخی را [برای خود] نگهدار.

٤ - امام صادق علیه السلام فرمود: برای باز پرداخت دین، منزل و کنیز فروخته نمی شود؛ زیرا شخص ناچار است سرپناهی داشته باشد تا در آن سکونت کند، و خادمی داشته باشد که به او خدمت نماید.

ص: ١٠٧

١- (١) الكافي: ٩٦/٥ ح ٤ والفقیه: ١٨٤/٣ ح ٣٦٩٦ والتهذيب: ١٨٦/٦ ح ٣٨٨، عنها الوسائل: ٣٤٠/١٨ ح ٢٣٨٠٢.

٢- (٢) الكافي: ٩٦/٥ ح ٣ وعلل الشرائع: ٥٢٩ ب ٣١٣ ح ١ والتهذيب: ١٨٦/٦ ح ٣٨٧، عنها الوسائل: ٣٣٩/١٨ ح ٢٣٨٠١.

۱ - عن أبي جعفر عليه السلام قال: [□]والله لأن أحج حجّه أحبّ إليّ من أن اعتق رقبة و رقبة و مثلها و مثلها حتّى بلغ عشرّاً و مثلها و مثلها حتّى بلغ السبعين، ولأنّ أعول أهل بيت من المسلمين أسدّ جوعتهم و أكسو عورتهم فأكفّ وجوههم عن الناس أحبّ إليّ من أن أحج حجّه و حجّه و مثلها و مثلها حتّى بلغ عشرّاً و مثلها و مثلها حتّى بلغ السبعين (۱).

۲ - عن النبيّ صلى الله عليه و آله قال:

مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ فَأَدَّبَهُنَّ وَزَوَّجَهُنَّ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ (۲).

۱ - از امام باقر عليه السلام نقل شده که فرمود:

به خدا سوگند اگر حجّی بگزارم برایم محبوب تر است از این که بنده ای را آزاد کنم و باز هم بنده ای و بنده ای و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده نفر، و برابر آن و برابر آن تا برسد به هفتاد؛

و اگر خاندان مسلمانی را سرپرستی کنم [و مخارج آن ها را بدهم] و آنان را سیر نمایم و بر آنان لباس بپوشانم تا آبروی آنان را از مردم حفظ کنم، برایم محبوب تر است از این که حجّی بگزارم و باز هم حجّی و حجّی و مانند آن و مانند آن تا برسد به ده حج و مانند آن و مانند آن تا برسد به هفتاد حجّ.

۲ - از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل شده است که فرمود:

هر که سه دختر را سرپرستی کند و آنان را تربیت نماید و به ازدواج درآورد و به آنان نیکی نماید، بهشت از آن اوست.

ص: ۱۰۸

۱- ((۱)) الکافی: ۱۹۵/۲ ح ۱۱ و نحوه فی ج ۲/۴ ح ۳، عنه الوسائل: ۳۷۳/۹ ح ۱۲۲۷۳.

۲- ((۲)) مسند أحمد: ۹۷/۳ و نحوه فی الجامع الصغیر: ۵۳۴ ح ۸۸۴۷.

۳ - عن النبي صلى الله عليه وآله قال: مَنْ عال جاريتين حتى تدركا دخلت أنا و هو في الجنة كهاتين.

(۱) الأدب المفرد: ۲۴۲ ح ۹۱۸ ونحوه في الجامع الصغير: ۵۳۴ ح ۸۸۴۵.

۳ - از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده است که فرمود:

هر که دو دختر بچه را سرپرستی کند تا به سن بلوغ برسند، من و او وارد بهشت می شویم همانند این دو انگشت [سیاه و وسطی].

ص: ۱۰۹

۱ - قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱).

۱ - ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به هر مسجدی با خود بگیرید و [از نعمت های الهی] بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.

بگو چه کسی زینت الهی که خداوند برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه و مطبوع را حرام کرده است؟ بگو این نعمت ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [هرچند دیگران هم استفاده می کنند] ولی روز قیامت مخصوص مؤمنان است. به این گونه، آیات را برای مردمی که می فهمند شرح می دهیم.

بگو پروردگار من فقط زشتکاری را چه آشکار و پنهان و گناهکاری و تجاوز به ناحق را حرام کرده و این که چیزی را شریک خدا قرار دهید که دلیلی درباره ی آن نازل نکرده است و این که چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید.

ص: ۱۱۰

۲ - قال الصِّادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ، وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نَعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا. قِيلَ:

وَكَيْفَ ذَلِكَ. قَالَ: يَنْظِفُ ثَوْبَهُ، وَيَطْيِبُ رِيحَهُ، وَيَجْصِصُ دَارَهُ، وَيَكْنَسُ أَفْنِيَتَهُ، حَتَّى أَنْ السَّرَاحَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفَى الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۱).

□
۳ - عن يوسف بن إبراهيم قال: دخلت على أبي عبدالله عليه السلام وعليّ جبه خزّ وطيلسان خزّ، فنظر إليّ فقلت: جعلت فداك عليّ جبه خزّ وطيلسان خزّ فما تقول فيه؟ فقال: وما بأس بالخزّ.

قلت: وسداه إبراهيم. قال:

وما بأس بإبريسم، فقد أصيب الحسين عليه السلام وعليه جبه خزّ.

□
ثمّ قال: إنّ عبدالله بن عباس لما بعثه أمير المؤمنين عليه السلام إلى الخوارج فواقفهم لبس أفضل ثيابه وتطيّب بأفضل طيبه ۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال زیبایی و آراستن را دوست دارد و بی نوایی و تظاهر به بینوایی را خوش ندارد؛ زیرا خدای مقتدر و شکوهمند هرگاه نعمتی را بر بنده ای عنایت می کند دوست دارد اثر آن در او دیده شود.

پرسیده شد: چگونه؟

حضرت فرمود: جامه اش را پاکیزه سازد و بوی خوش استفاده نماید و خانه اش را گچ کاری کند و جلو خانه اش را جارو کند؛ [و اهمّیت این امر] تا جایی [است] که روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید، فقر و نیازمندی را از بین می برد و روزی را می افزاید.

۳ - يوسف بن إبراهيم نقل کرده است:

بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عبا و لباده ی خزّ پوشیده بودم. حضرت نگاهی به من کرد.

عرض کردم: لباس خزّ پوشیده ام، نظر شما چیست؟ فرمود: خزّ اشکالی ندارد.

عرض کردم: تار آن از ابریشم است.

فرمود: ابریشم [به طور مخلوط] هم اشکالی ندارد، هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید عبا ی خزّ پوشیده بود.

□
سپس فرمود: هنگامی که عبدالله بن عباس را امیر مؤمنان علیه السلام به سوی خوارج گسیل داشت او بهترین لباسش را به تن کرد، بهترین عطرش را به کار برد

١- ((١)) أمالى الطوسى: ٢٧٥ ح ٥٢٦، عنه مكارم الأخلاق: ١٠٠/١ ح ١٩٠ و الوسائل: ٧/٥ ح ٥٧٤٦ و البحار: ١٤١/٧٦ ح ٥.

وركب أفضل مراکبه فخرج فواقفهم، فقالوا: يا ابن عباس! بينا أنت أفضل الناس إذا أتيتنا في لباس الجبابره ومراکبهم! فتلا عليهم هذه الآيه قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ فالبس وتجمّل فإنّ الله جميل يحبّ الجمال وليكن من حلال (۱).

۴ - عن بُريد بن معاويه قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام لعُبَيد بن زياد:

إظهار النعمه أحبّ إلى الله من صيانتها، فإنّك أن تتزيّن إلّافي أحسن زيّ قومك. قال: فما رُئي عُبيد إلّافي أحسن زيّ قومه حتّى مات (۲).

۵ - قال أمير المؤمنين عليه السلام:

ليتزيّن أحدكم لأخيه المسلم كما يتزيّن للغريب الذي يحبّ أن يراه في أحسن الهيئه (۳).

و نيكوترين مرکبش را سوار شد. هنگامی که با آنان روبرو گردید گفتند:

ای ابن عباس! تو که در میان ما برترین مردم هستی با لباس و مرکب جباران نزد ما آمده ای؟!

ابن عباس این آیه را برای آنان خواند.

«بگو چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش آفریده و پاکیزه های رزق را حرام کرده است».

پس بپوش و زیبا باش که خدا زیبا است و زیبایی را دوست دارد؛ ولی باید از حلال باشد.

۴ - برید ابن معاویه می گوید امام صادق علیه السلام به عبید بن زیاد فرمود:

اظهار نعمت، نزد خدا خوشایندتر است از حفظ و نگهداری آن؛ پس پرهیز از این که خود را جز با نیکوترین لباس قومت بیارایی.

برید ابن معاویه می گوید: [پس از سفارش حضرت] عبید تا زمان مرگش جز به نیکوترین لباس قوم خود دیده نشد.

۵ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

باید هر یک از شما خود را برای دیدار برادر مسلمان خود بیاراید، چنان که خود را برای شخص ناآشنایی می آراید که دوست دارد او را در نیکوترین شکل ببیند.

١- ((١)) الكافي: ٤٤٢/٦ ح ٧.

٢- ((٢)) الكافي: ٤٤٠/٦ ح ١٥، عنه الوسائل: ٨/٥ ح ٥٧٤٧.

٣- ((٣)) الكافي: ٤٣٩/٦ ح ١٠ والخصال: ٦١٢، عنهما الوسائل: ١١/٥ ح ٥٧٥٥ ونحوه في مكارم الأخلاق: ٢٢٠/١ ح ٦٤٦.

۶ - قال أمير المؤمنين عليه السلام :

التَّظْفِيرُ مِنَ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَهُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ (۱).

۷ - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال:

□ البسوا ثياب القطن فإنها لباس رسول الله صلى الله عليه وآله وهو لباسنا، ولم تكن نلبس الشعر والصوف إلّا من علّه. وقال: إنّ الله عزّ وجلّ جميل يحبّ الجمال، ويحبّ أن يرى أثر نعمته على عبده (۲). □

۸ - عن أبي خدّاش المهري قال: مرّ بنا بالبصره مولیّ للرّضا عليه السلام يقال له: عبید، فقال:

دخل قوم من أهل خراسان على أبي الحسن عليه السلام فقالوا له: إنّ الناس قد أنكروا عليك هذا اللباس الذي تلبسه، قال فقال لهم:

إنّ يوسف بن يعقوب عليه السلام كان نبياً ابن نبیّ، ابن نبیّ وكان يلبس الدیباچ ویتزرّر بالذهب ويجلس مجالس آل فرعون، فلم يضعه ذلك، وإنّما یذمّ لو احتیج منه إلى قسطه، وإنّما على الإمام أنّه إذا حکم عدل ۶ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: لباس پاکیزه، غم و غصه را بر طرف می کند و برای نماز پاکیزه تر است.

۷ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: جامه از جنس پنبه بپوشید؛ زیرا آن، لباس رسول خدا و جامه ی ما می باشد، و ما هیچ گاه لباس از جنس مو و پشم نمی پوشیم مگر به خاطر بیماری.

و فرمود: خداوند متعال زیبا است و آراستگی را دوست دارد، و دوست دارد که اثر نعمت او در بنده اش دیده شود.

۸ - از ابی خدّاش مهري نقل شده است که گفت: در بصره، یکی از غلامان امام رضا علیه السلام که به او عبید می گفتند با ما برخورد کرد.

او گفت: گروهی از اهل خراسان بر امام رضا علیه السلام وارد شدند و به او عرض کردند:

مردم این لباس را که شما پوشیده اید مناسب نمی دانند.

حضرت به آنان فرمود: یوسف فرزند یعقوب علیهما السلام که پیامبر و فرزند پیامبر و نوه ی پیامبر بود لباس دیبا می پوشید و دگمه ی طلا به کار می برد و در مجالس آل فرعون [حاکمان آن زمان] می نشست و این از شأن او نمی کاست؛ بلی، در جایی که عدالت آن [پیشوا] مورد نیاز باشد [و او کوتاهی کند] نکوهش می شود.

وظیفه ی امام این است که اگر داوری کند به عدل حکم کند

١- (١) الكافي: ٤٤٤/٦ ح ١٤.

٢- (٢) الخصال: ٦١٣ ضمن حديث الأربعمائه.

وإذا وعدَ وفياً وإذا حدّثَ صدقاً، وإِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الْحَرَامَ بِعَيْنِهِ مَا قَلَّ مِنْهُ وَمَا كَثُرَ، وَأَحَلَّ اللَّهُ الْحَلَالَ بِعَيْنِهِ مَا قَلَّ مِنْهُ وَمَا كَثُرَ (۱).

و هنگامی که وعده کرد وفا کند و اگر سخن گفت راست بگویند؛ و خداوند حرام را حرام کرده است، چه کم باشد چه زیاد، و حلال را حلال شمرده است، چه کم باشد چه زیاد.

ص: ۱۱۴

۱- ((۱)) مکارم الأخلاق: ۲۲۰/۱ ح ۶۴۷.

(فصل دوّم): کیفیت مصرف و بایسته های آن (چگونه مصرف کنیم)

اشاره

ص: ۱۱۵

«اهمیت مدیریت صحیح و آینده نگری در مصرف

- ۱ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: الكمال كل الكمال: التفقه في الدين، والصبر على النائبه، والتقدير في المعيشه (۱).
- ۲ - قال علي عليه السلام: إذا أراد الله بعد خيراً ألهمه الإقتصاد وحسن التدبير، وجنبه سوء التدبير والإسراف (۲).
- ۳ - قال الصادق عليه السلام: إذا أراد الله بقوم خيراً... زين فيهم حسن النظر في تدبير معاشهم، والرفق بالإقتصاد في نفقاتهم... (۳).

۴ - قال علي أمير المؤمنين عليه السلام:

يستدل على الإدبار بأربع:

سوء التدبير، وقبح التبذير، وقلة الإعتبار، وكثرة الإغترار (۴).

۱ - از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده که فرمود:

همه ی کمالات در ژرف نگری در دین،

شکیبایی بر گرفتاری ها،

و سنجش و محاسبه گری در امور زندگی است.

۲ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر گاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد، میانه روی و نیکو تدبیر کردن را به او الهام کند، و او را از بدتدبیری و زیاده روی دور سازد.

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه خداوند خیر گروهی را بخواهد...

آنان را به نیک اندیشی در اداره ی زندگیشان و به مدارا در هزینه هاشان به وسیله ی میانه روی، می آراید.

۴ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دلیل پشت کردن دنیا چهار چیز است:

تدبیر و مدیریت نادرست، زیاده روی ناپسند، عبرت گرفتن کم، و فریب خوردن بسیار.

- ١- (١) مستدرک الوسائل: ٥٣/١٣ ح ١٤٧٢٣.
- ٢- (٢) مستدرک الوسائل: ٢٦٦/١٥ ضمن ح ١٨٢٠٣.
- ٣- (٣) مستدرک الوسائل: ١٩٠/١١ ح ١٢٧١٢.
- ٤- (٤) عیون الحکم والمواظ: ٥٥٢ ح ١٠١٧٦.

۵ - عن الحسين قال: سمعت رجلاً يقول لأبي عبدالله عليه السلام:

بلغني أنّ الإقتصاد والتدبير في المعيشه نصف الكسب.

□

فقال أبو عبدالله عليه السلام: لا، بل هو الكسب كله ومن الدين، التدبير في المعيشه (۱).

۶ - عن السّجّاد عليه السلام - دعاؤه في المعونه على قضاء الدّين - :

اللّهم صلّ على محمّد وآله، واحببني عن السيّر و الإزدياد، وقومني بالبذل والإقتصاد، و علمني حُسن التّقدير، واقبضني بلطفك عن التّبذير، وأجر من أسباب الحلال أرزاقى، و وجه في أبواب البرّ إنفاقى، و ازو عني من المال ما يحدث لي مخيله أو تأدياً إلى بغي، أو ما أتعب منه طغياناً (۲).

۷ - قال عليّ أمير المؤمنين لابنه الحسن عليهما السلام: حُسن التّدبير مع الكفاف أكفى لك من الكثير مع الإسراف (۳).

۵ - حسين گوید شنیدم مردی به امام صادق علیه السلام می گفت: شنیده ام که میانه روی و سنجش و مدیریت در امور زندگی نیمی از کسب است؟

حضرت فرمود: نه، بلکه تمام کسب است، و سنجش و مدیریت در امور زندگی، جزئی از دین است.

۶ - امام سجّاد علیه السلام در دعای خود برای کمک خواستن بر ادای دین فرمود:

□

بارالها! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار، و بر بخشش و میانه روی پایدار بدار، و به من محاسبه گری درست [در امور زندگی] بیاموز و با لطف خود مرا از هدر دادن [مال] نگه دار، و روزی هایم را از راه های حلال به سویم روان ساز، و انفاقم را در راه های خیر قرار بده، و آن اموالی را که خود بر تربینی برایم پدید می آورد یا مرا به ستمگری و ا می دارد یا از آن به سرکشی می افتم از من بازدار.

۷ - امیر مؤمنان علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود:

تدبیر نیکو همراه با داشتن روزی به اندازه ی کافی، کفایت کننده تر است برای تو از داشتن اموال فراوان همراه با زیاده روی.

ص: ۱۱۸

۱- (۱) أمالی الطوسی: ۲/۲۸۳.

۲- (۲) الصحیفه السّجّادیه الجامعه: ۱۵۱ دعاء ۷۹.

۳- (۳) تحف العقول: ۷۹.

۸ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام :

القليل مع التدبير أبقى من الكثير مع التبذير (۱).

۹ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : من المروءه استصلاح المال (۲).

۱۰ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام :

ذر الإسراف مقتصدًا، واذكر في اليوم غداً (۳).

۱۱ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام :

الحازم من تجبّب التبذير وعاف السرف (۴).

۱۲ - عن الوليد بن صبيح قال:

كنت عند أبي عبدالله عليه السلام فجاءه سائل فأعطاه، ثم جاءه آخر فأعطاه، ثم جاءه آخر فأعطاه، ثم جاءه آخر فقال: وسع الله عليك.

ثم قال: إن رجلاً لو كان له مال يبلغ ثلاثين أو أربعين ألف درهم ثم شاء أن لا يبقى منها شيئاً إلا وضعه في حقّ لفعل فيبقى لا مال له، فيكون من الثلاثة الذين يردّ دعاؤهم.

۸ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

[مال] اندک با تدبیر و سنجش. ماندگارتر از [مال] بسیار با ولخرجی است.

۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سامان بخشیدن به مال و ثروت نشانه ی جوانمردی است.

۱۰ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

با میانه روی از اسراف کردن پرهیز، و از امروز در اندیشه ی فردا باش.

۱۱ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دوراندیش کسی است که از ولخرجی دوری کند و از زیاده روی پرهیزد.

۱۲ - ولید بن صبیح می گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، سائلی نزد او آمد و حضرت عطایش فرمود،

سپس سائل دیگری آمد و حضرت چیزی به او بخشید،

سپس سائل سوّم آمد و حضرت عطایش فرمود،

سپس چهارمی آمد و حضرت فرمود:

خدا توانگرت کند.

سپس فرمود:

اگر کسی سی یا چهل هزار درهم داشته باشد و بخواهد همه را در [راه] حقی مصرف کند و خودش بی مال بماند، از آن سه نفری خواهد بود که دعایشان مستجاب نمی شود.

ص: ۱۱۹

۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۵۸ ح ۱۴۸۶.

۲- (۲) الفقیه: ۱۶۶/۳ ح ۳۶۱۹، عنه الوسائل: ۶۴/۱۷ ح ۲۱۹۹۰.

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۲۵۶ ح ۴۷۵۱.

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۴۸ ح ۱۲۲۰.

قال قلت: مَنْ هم؟

قال: أحدهم رجلٌ كان له مال فأنفقه في [غير] وجهه، ثم قال:

يا ربِّ ارزقني، فيقول الربُّ عزَّوجلَّ: ألم أرزقك؟

ورجلٌ جلس في بيته ولا- يسعى في طلب الرزق ويقول: يا ربِّ ارزقني، فيقول الربُّ عزَّوجلَّ: ألم أجعل لك سبيلاً إلى طلب الرزق.

ورجلٌ له امرأة تؤذيه فيقول:

يا ربِّ خلّصني منها، فيقول الله عزَّوجلَّ: ألم أجعل أمرها بيدك (١).

١٣ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ المؤمن يأخذ بأدب الله عزَّوجلَّ، إذا وسَّع عليه اتَّسع وإذا أمسك عليه أمسك (٢).

١٤ - قال عليُّ أميرالمؤمنين عليه السلام:

من لم يُحسن الإقتصاد أهلَّكه الإسراف (٣).

١٥ - قال السَّجَّاد عليه السلام - في الإستعاذه من المكاره -:

عرض کردم: آنان چه کسانی هستند؟

فرمود: یکی کسی است که مال دارد و آن را در غیر موردش مصرف کند، سپس بگوید «پروردگارا! روزی ام ده»، پروردگار سبحان می فرماید «آیا روزیت ندادم؟»

و دیگری کسی است که در خانه ی خود بنشیند و در طلب رزق نکوشد و بگوید «پروردگارا! روزی ام ده»، پروردگار سبحان می فرماید «آیا برایت راهی به سوی کسب روزی قرار نداده ام؟»

و سوّمی مردی است که همسری دارد که او را آزار می دهد، پس می گوید «پروردگارا! مرا از دست او برهان»، خدای سبحان می فرماید «آیا طلاق او را در اختیار تو قرار نداده ام؟»

١٣ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: همانا مؤمن با ادب خدای عزَّ و جلَّ رفتار می کند: هر وقت بر او گشایش دهد او نیز [در زندگی] توسعه دهد و هنگامی که در دادن روزی بر او تنگ گیرد، او نیز [در مصرف کردن] سخت می گیرد.

١٤ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: هر کس میانه روی را نیک ندارد اسراف او را نابود می کند.

١٥ - امام سجّاد علیه السلام در دعایی - که در مورد پناه بردن به خدا از زشتی ها است - فرمود:

-
- ١- ((١)) الفقيه: ٦٩/٢ ح ١٧٤٩.
 - ٢- ((٢)) الكافي: ١٢/٤ ح ١٢.
 - ٣- ((٣)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٤٥ ح ٧٨٠٩ ونحوه في غرر الحكم: ٦٤١/٢ ح ٥٥١، عنه المستدرک: ٥٤/١٣ ضمن ح ١٤٧٢٤.

...ونعوذ بك من تناول الإسراف، ومن فقدان الكفاف، ونعوذ بك من شماته الأعداء، ومن الفقر إلى الأكفاء، ومن معيشه في شدة، وميته على غير عيده، ونعوذ بك من الحسره العظمى، والمصيبة الكبرى، وأشقى الشقاء، وسوء المآب، وحرمان الثواب، وحلول العقاب (۱).

۱۶ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: لقي رجل أمير المؤمنين عليه السلام وتحتة وسق من نوى، فقال له:

ما هذا يا أبا الحسن تحتك؟ فقال:

□
مائة ألف عذق إن شاء الله.

قال: فغرسه فلم يغادر منه نواه واحده (۲).

... و به تو پناه می بریم از دست یازیدن به اسراف، و از نیافتن کفاف؛ و به تو پناه می بریم از شاد شدن دشمنان در گرفتاری های ما، و از نیازمندی به امثال خود، و از زیستن در سختی و از مردن بر تهی دستی؛ و به تو پناه می بریم از عظیم ترین حسرت و بزرگ ترین گرفتاری، و از بدترین بدبختی ها، و از بدی بازگشتگاه و از محروم شدن از ثواب، و از فرود آمدن عذاب...

۱۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: مردی امیرمؤمنان علیه السلام را ملاقات کرد در حالی که زیر حضرت یک بار شتر از هسته ی خرما بود. به حضرت گفت: ای ابالحسن! این که رویش نشسته ای چیست؟ ایشان فرمود: صد هزار شاخه نخل إن شاء الله.

امام باقر علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام آن هسته ها را کاشت و هیچ هسته ای را دور نریخت و رها نکرد.

ص: ۱۲۱

۱- ((۱)) الصحیفه السجادیة الجامعه: ۶۹ دعاء ۲۶.

۲- ((۲)) الکافی: ۷۴/۵ ح ۶، عنه الوسائل: ۴۱/۱۷ ح ۲۱۹۳۱.

الف - مفهوم اقتصاد

اقتصاد به معنی میانه روی و رفتار بینابینی است. یکی از معانی قَصَد هم همین است، به طوری که گفته اند «قصد در امور» یعنی حد اعتدال بین افراط و تفریط. (۱) در قرآن کریم آمده است: مِنْهُمْ أُمَّهٌ مُّقْتَصِدَةٌ (۲) که گفته شده است یعنی اُمَّت معتدل در امر دین و تسلیم در برابر امر خدا (۳). در آیه ی دیگری از قول لقمان خطاب به فرزندش آمده است: وَ أَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ (۴) یعنی در راه رفتن (وروش زندگی) خود میانه رو باش.

مرحوم طبرسی ذیل آیه ی مِنْهُمْ أُمَّهٌ مُّقْتَصِدَةٌ درباره ی معنای اقتصاد گفته است: اقتصاد یعنی استواء (تعادل و درستی) در عمل که به هدف خود منجر می شود. دلیل اشتقاق اقتصاد از ماده ی قَصَد (وارتباط آن با این لفظ) این است که اگر کسی قصد چیزی را دارد که جای آن را می داند، در راه مستقیم و درست به سوی آن حرکت می کند، برخلاف کسی که در جستجوی چیزی، متحیر و سرگردان است (وقصد مکان معلومی ندارد).

اقتصاد در موارد مختلفی به کار می رود که یکی از موارد رایج آن، اقتصاد در خرج کردن و مصرف کردن است که به معنی اعتدال و حد وسط بین زیاده روی

ص: ۱۲۲

۱- (۱) ر. ک. مجمع البحرین: ۳ / ۱۴۸۳..

۲- (۲) المائده: ۶۶..

۳- (۳) المیزان: ۳۸/۶..

۴- (۴) لقمان: ۱۹..

و سخت گیری است.

گفتنی است، میانه روی در بیش تر موارد، نیکو و پسندیده است و حدّ بین افراط و تفریط است، مانند شجاعت که حدّ بین تهوّر و ترس است وجود و بخشش که حدّ بین بخل و اسراف است؛ اما در برخی موارد هم لزوماً دارای بار معنایی مثبت نیست بلکه گاهی حدّ بین ممدوح و مذموم است، چنان که راغب در کتاب مفردات، در آیه ی شریفه ی **فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ (۱)** مقتصد را به همین معنا (بین ممدوح و مذموم) می داند و در آیه ی **وَ سَيَفْرَأُ قَاصِدًا (۲)** سفر قاصد را به معنی سفر متوسط و غیر دور معنی می کند **(۳)**.

نکته:

با توجه به این که اقتصاد، ضد اسراف و اقتار است، برخی احادیثی که در فصل سوم آمده است، به اقتصاد هم مرتبط است که به دلیل رعایت اختصار و عدم تکرار، در این جا بیان نشده است.

ص: ۱۲۳

۱- ((۱)) فاطر: ۳۲..

۲- ((۲)) التّوبه: ۴۲..

۳- ((۳)) المفردات للراغب: ۴۰۴..

ب - سفارش دین به میانه روی در ابعاد مختلف زندگی (خوراک، پوشاک، انفاق و...)

□
۱ - قال الله تبارک و تعالی:

وَ الَّذِينَ إِذْ أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَتْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۱).

۲- وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (۲).

□ □
۳- عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزّ و جلّ وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ (۳) قال: العفو الوسط (۴).

□ □
۴ - عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث ذكر فيه أنّ النبي صلى الله عليه و آله أعطى قميصه السائل - قال: فأدبه الله على القصد، فقال: وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (۵)(۶).

۱ - خداوند متعال در ضمن توصیف عباد الرحمن می فرماید:

و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می کنند و نه سخت گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.

۲ - هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن [و ترک انفاق و بخشش منما] و بیش از حدّ [نیز] دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.

۳ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که درباره ی این سخن خدای عزّ و جلّ که «و از تو می پرسند چه چیزی را انفاق کنند، بگو مازاد [بر نیامندی خود] را» فرمود:

عفو یعنی حد وسط و میانه.

۴ - امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله جامه ی خود را به نیازمند داد.

خداوند او را بر میانه روی واداشت و فرمود:

«و دستت را بر گردنت زنجیر مکن [و ترک انفاق و بخشش منما] و بیش از حدّ [نیز] دست خود را مگشای که مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی».

ص: ۱۲۴

۱- ((۱)) الفرقان: ۶۷.

۲- ((۲)) الإسراء: ۲۹.

٣- (٣) البقره: ٢١٩.

٤- (٤) الكافى: ٥٢/٤ ح ٣.

٥- (٥) الإسراء: ٢٩.

٦- (٦) مستدرک الوسائل: ٥١/١٣ ح ١٤٧١٥ وجاء فى ج ٢٦٨/١٥ ح ١٨٢٠٩ تمام الخبر عن تفسير العياشى: ٢٨٩/٢ ح ٥٩.

۵ - قال الصادق عليه السلام: المال مال الله، جعله ودائع عند خلقه، وأمرهم أن يأكلوا منه قصداً ويشربوا منه قصداً ويلبسوا منه قصداً وينكحوا منه قصداً ويركبوا منه قصداً ويعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين، فمن تعدى ذلك كان ما أكله حراماً وما شرب منه حراماً وما لبسه منه حراماً وما نكحه منه حراماً وما ركب منه حراماً (۱).

۶ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ القصد أمرٌ يحبُّه الله عزَّ وجلَّ وإنَّ السِّيرف أمرٌ يبغضه الله، حتَّى طرحت النواه فإنَّها تصلح للشئ، وحتَّى صبكت فضل شرابك (۲).

۷ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أراد الله بأهل بيتٍ خيراً فقَّههم في الدِّين ورزقهم الرِّفق في معاشهم و القصد في شأنهم (۳).

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: مال از آن خدا است، آن را نزد آفریدگان خود امانت قرار داده و به آنان دستور داده است که از آن بخورند با میانه روی، و از آن بیاشامند با میانه روی، و برای پوشیدن از آن بهره ببرند با میانه روی، و برای ازدواج از آن بهره گیرند با میانه روی، و برای سواری از آن استفاده کنند با میانه روی، و باقی مانده ی آن را به مؤمنان نیازمند بدهند؛

پس هر که از این حدود تجاوز کند آنچه را می خورد حرام است، و آنچه را می آشامد حرام است، و آنچه را می پوشد حرام است، و آنچه را برای ازدواج استفاده می کند حرام است، و آنچه را برای سوار شدن بهره می گیرد حرام است.

۶ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

میانه روی کاری است که خداوند متعال آن را دوست دارد و زیاده روی کاری است که خداوند آن را دشمن دارد؛ حتی دور انداختن هسته، چرا که به کار می آید (فایده دارد)؛ و حتی ریختن باقی مانده نوشیدنی.

۷ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هرگاه خداوند خیر خاندانی را بخواهد آنان را در دین ژرف نگر سازد و به آنان مدارا در زندگانی و میانه روی در کارهای [زندگی]شان روزی فرماید.

ص: ۱۲۵

۱- (۱) مستدرک الوسائل: ۵۲/۱۳ ح ۱۴۷۲۰.

۲- (۲) الکافی: ۵۲/۴ ح ۲، عنه الوسائل: ۵۵۱/۲۱ ح ۲۷۸۴۲.

۳- (۳) مستدرک الوسائل: ۳۹۲/۸ ح ۹۷۷۰ و ۲۹۲/۱۱ ح ۱۳۰۶۲ و ج ۱۳ / ۵۰ ح ۱۴۷۱۳ و ج ۲۶۳/۱۵ ح ۱۸۱۹۲.

۸ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام في ذكر المنجيات قال:

خوف الله في السرّ و العلانيه، والقصد في الغنى والفقير، و كلمه العدل في الرضا والسخط (۱).

۹ - عن عليّ بن الحسين عليهما السلام قال: كان آخر ما أوصى به الخضر موسى بن عمران عليهما السلام أن قال له:

...إن أحبّ الأمور إلى الله عزّ وجلّ ثلاثه: القصد في الجده، والعفو في المقدره، والرّفق بعباد الله (۲).

۱۰ - عن رسول الله صلى الله عليه و آله قال:

إنّ المؤمن أخذ من الله أدباً، إذا وسّع عليه اقتصد، وإذا أقرّ عليه اقتصر (۳).

۱۱ - عن أمير المؤمنين عليه السلام:

لا يرى الجاهل إلّا مفرطاً أو مفرطاً (۴).

۱۲ - عن العباسي قال: استأذنت الرضا عليه السلام في التفقه على العيال فقال: بين المكروهين. قال فقلت: جعلت فداك لا والله ما أعرف المكروهين.

۸ - امام باقر عليه السلام در ضمن فرمایشی، در بیان سبب های نجات فرمود:

سه چیز موجب نجات انسان می شود:

بیم از خدا در نهان و آشکار،

میانه روی در حال بی نیازی و نیازمندی،

وسخن عادلانه در حال خشنودی و خشم.

۹ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

آخرین سفارش خضر به موسی بن عمران علیهما السلام این بود:

...دوست داشتنی ترین امور نزد خدای عزّ و جلّ سه چیز است:

میانه روی در هنگام توانگری،

گذشت در حال قدرت،

و نرمی و مدارا با بندگان خدا.

۱۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن از خداوند ادبی را فرا گرفته است: چون خدا بر او گشایش بخشد میانه روی کند، و چون بر او تنگ و سخت گیرد به آن بسنده کند.

۱۱ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: نادان یا زیاده روی می کند یا کوتاهی.

۱۲ - عباسی می گوید: از امام رضا علیه السلام درباره ی [مقدار] هزینه و خرجی دادن بر عیال اجازه خواستم.

فرمود: بین آن دو امر ناپسند.

عرض کردم: فدایت شوم! به خدا سوگند آن دو امر ناپسند را نمی شناسم.

ص: ۱۲۶

۱- ((۱)) الخصال: ۸۴ ذیل ح ۱۰ ونحوه فی الکافی: ۵۳/۴ ح ۵ عن النبی صلی الله علیه و آله .

۲- ((۲)) الخصال: ۱۱۱ ح ۸۳.

۳- ((۳)) مستدرک الوسائل: ۵۲/۱۳ ح ۱۴۷۱۸.

۴- ((۴)) بحار الأنوار: ۲۱۷ / ۷۱.

قال فقال لي: يرحمك الله أما تعرف أن الله عزوجل كره الإسراف وكره الإقتار؟

فقال: وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (١). (٢) ١٣ - في وصيته على عليه السلام لابنه:

اقتصد يا بني في معيشتك و اقتصد في عبادتك (٣).

□
١٤ - عن أبي عبد الله عليه السلام - لما سئل عن الإقتار - قلت فما الإقتار.

قال: أكل الخبز و الملح و أنت تقدر على غيره. و سئل عن القصد؟ قال: الخبز و اللحم و اللبن و النخل و السمن مرّة هذا و مرّة هذا (٤).

□ □
١٥ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ما من نفقه أحبّ إلى الله من نفقه قصد، و يبغض الإسراف إلّا في حجّ و عمره (٥) حضرت فرمود: خدا تو را رحمت کند! آیا نمی دانی که خدای عزّ و جلّ زیادی روی و خست (سخت گیری) را خوش ندارد؟

پس فرمود: «و کسانی اند که چون انفاق و هزینه کنند، نه زیاده روی می کنند و نه خست می ورزند و میان این دو به راه اعتدال هستند.»

١٣ - در وصیت امیرمؤمنان علی علیه السلام به فرزندش آمده است:

فرزندم! در زندگانی و در عبادت خود میانه رو باش.

١٤ - از امام صادق علیه السلام سؤال شد: اقتار چیست؟

فرمود: خوردن نان و نمک در صورتی که بر غیر آن توانایی داری.

سؤال شد: میانه روی چیست؟

فرمود: خوردن نان و گوشت و شیر و سرکه و روغن، یک بار این و یک بار آن.

١٥ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هزینه ی میانه و معتدل محبوب ترین هزینه نزد خدا است، و خداوند زیاده روی را دشمن می دارد جز در انجام دادن حجّ و عمره.

ص: ١٢٧

١- ((١)) الفرقان: ٦٧.

٢- ((٢)) بحار الأنوار: ٣٤٧/٧١ ح ١١ عن الخصال: ٥٤-٧٤.

٣- (٣) بحار الأنوار: ٢١٤/٧١ ح ٩ عن أمالي الطوسي: ٨ م ١ ح ٨.

٤- (٤) الكافي: ٥٤/٤ ضمن ح ١٠.

٥- (٥) المحاسن: ٣٥٩ ح ٧٧ والفتاوى: ٢٧٩/٢ ح ٢٤٤٨، عنهما الوسائل: ١١/١٧١ ح ١٥١٤٦.

۱۶ - قال أبو محمّد العسكري عليه السلام :

إِنَّ لِلسَّيِّئِ مَقْدَاراً فَإِن زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ وَ لِلحَزْمِ مَقْدَاراً فَإِن زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ حَيْثٌ وَ لِلإِقْتِصَادِ مَقْدَاراً فَإِن زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بَخْلٌ، وَ لِلشَّجَاعَةِ مَقْدَاراً فَإِن زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ... (۱).

۱۷ - عن الإمام الصادق عليه السلام في قوله عزّ و جلّ إِنَّهُ لَأَيُّحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۲) قال: نهامهم عن الإسراف و نهامهم عن التقتير، ولكن أمرّ بين أمرين، لا يعطى جميع ما عنده ثم يدعو الله أن يرزقه فلا يستجيب له (۳).

۱۸ - عن عليّ بن جداعة قال:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام في قوله لَأُتَبَدَّرُ تَبَدِّيراً (۴) يقول: اتق الله ولا تسرف و لا تقتروا و كن بين ذلك قواماً (۵).

۱۹ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : ...طوبى لمن أنفق القصد و بذل الفضل (۶).

۲۰ - قال عليّ عليه السلام : غايه الاقتصاد القناعه (۷).

۱۶ - امام عسكري عليه السلام فرمود:

سَخَاوَتٌ رَا حُدَى اسْتِ كِه اِگَر از آن بگذرد اسراف است و دور اندیشی را اندازه ای است که چون از آن بگذرد رنج و محنت است و اقتصاد (احتیاط در مصرف) را حدی است که چون زیادتراً از آن شود بخل است و شجاعت را اندازه ای است که اگر از آن تجاوز کند تهوّر (بی باکی) است.

۱۷ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّو جلّ که فرمود: «خداوند اسراف گران را دوست نمی دارد» گفت:

آنان را از زیاده روی بازداشت و [نیز] آنان را از خست (سخت گیری) بازداشت، و [فرمود که] باید میان این دو امر باشد، و طوری نباشد که همه ی آنچه را دارد ببخشد آن گاه از خدا بخواهد روزی اش دهد که خداوند دعایش را اجابت نمی کند.

۱۸ - علی بن جداعة می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم درباره ی سخن خدای تعالی که فرمود «ولخرجی مکن» می گفت: از خدا پروا کن، زیاده روی مکن، و تنگ (و سخت) مگیر، و میان آن دو، روش میانه را برگزین.

۱۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ...خوشا به حال کسی که در انفاق میانه روی کند و زیاده را ببخشد.

۲۰ - امام علی علیه السلام فرمود: آخرین درجه ی میانه روی قناعت است.

ص: ۱۲۸

- ٢- ((٢)) الأنعام: ١٤١.
- ٣- ((٣)) الكافي: ٦٧/٥ ضمن ح ١.
- ٤- ((٤)) الإسراء: ٢٩.
- ٥- ((٥)) تفسير العياشي: ٢/ ٢٨٨ ح ٥٥.
- ٦- ((٦)) الكافي: ١٦٩/٨ ذيل ح ١٩٠.
- ٧- ((٧)) عيون الحكم والمواعظ: ٣٤٩ ح ٥٩٣٣.

ج - پیامدهای رعایت و عدم رعایت اقتصاد

۱ - عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: الاقتصاد ينمي القليل.

وقال عليه السلام: الاقتصاد ينمي اليسير.

وقال عليه السلام: الاقتصاد نصف المؤمنه.

وقال عليه السلام: لمن يهلك من اقتصد.

وقال عليه السلام: ليس في الاقتصاد تلف.

وقال عليه السلام: من لم يُحسن الاقتصاد أهلكه الإسراف.

وقال عليه السلام: من اقتصد خفت عليه المؤمن.

وقال عليه السلام: من اقتصد في الغنى والفقر فقد استعدّ لنواب الدهر.

وقال عليه السلام: من صحب الاقتصاد دامت صحبه الغنى له، و جبر الاقتصاد فقره و خلله.

وقال عليه السلام: من المروء أن تقتصد فلا تسرف (۱).

□

۲ - قال أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - : القصد مثره، والسرف متواه (۲).

۱ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: تعادل و میانه روی [اموال] کم را افزایش می دهد.

و نیز فرمود: اعتدال و میانه روی اندک را می افزاید.

و نیز فرمود: میانه روی و تعادل نیمی از خرجی و آذوقه است.

و نیز فرمود: هر که میانه روی پیشه کند هرگز هلاک نشود.

و نیز فرمود: در میانه روی نابودی نیست.

و نیز فرمود: هر کس به شکلی نیکو میانه روی و تعادل را پیشه ی خود نسازد اسراف و زیاده روی او را تباه کند.

و نیز فرمود: هر که میانه روی کند هزینه ها [ی زندگی] بر او سبک می شود.

و نیز فرمود: هر که در حال بی نیازی و فقر میانه روی کرد، خود را در برابر گرفتاری های روزگار آماده نموده است.

و نیز فرمود: هر که با اعتدال و میانه روی همراه شد، همیشه بی نیازی همنشین او خواهد بود و میانه روی، فقر و کاستی های او را جبران می کند.

و نیز فرمود: از جوانمردی است که میانه رو باشی و اسراف نکنی.

۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: میانه روی ثروت است و اسراف زیان و خسارت.

ص: ۱۲۹

۱- ((۱)) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۴ عن غررالحکم.

۲- ((۲)) الکافی: ۵۲/۴ ح ۴.

۳ - عن أبي جعفر عليه السلام قال: ما خَيْرَ في رجلٍ لا يقتصد في معيشته، ما يصلح لا لدنياه ولا لآخِرته (۱).

۴ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أربعه لا تستجاب لهم دعوه: ... ورجلٌ كان له مالٌ فأفسده فيقول: اللهم ارزقني، فيقال له: ألم آمرك بالاعتقاد؟ ألم آمرك بالإصلاح؟ ثم قال: وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۲). (۳) ۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ... من اقتصد في معيشته رزقه الله، و من بذر حرمة الله (۴).

۶ - قال الصادق عليه السلام: ضمنتُ لمن اقتصد أن لا يفقر (۵).

۷ - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال:

من تحزى القصد خفت عليه المؤمن (۶).

۸ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام:

عليكم بالقصد في المطاعم، فإنه أبعد من السرف وأصح للبدن وأعون على العبادة (۷).

۳ - امام باقر عليه السلام فرمود: هیچ خیری نیست در مردی که در زندگی خود میانه روی نکند؛ نه دنیایش سامان می یابد و نه آخرتش.

۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: چهار کس دعاشان مستجاب نشود:

... و مردی که مالی دارد و آن را تباه ساخته و می گوید: بارالها! روزی ام ده.

به او گفته می شود: آیا تو را به میانه روی دستور ندادم؟ آیا به تو دستور سامان بخشی [مالت] را ندادم؟ آن گاه حضرت صادق علیه السلام این آیه را قرائت فرمود:

«و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] حدّ وسط را بر می گزینند.»...

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در زندگی خود میانه روی کند خداوند روزی اش بخشد و هر که ولخرجی کند خداوند او را محروم نماید.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: ضمانت می کنم که هر که میانه روی کند نیازمند نشود.

۷ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر که میانه روی را برگزید، هزینه ها بر او سبک گشت.

۸ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: در خوردنی ها میانه رو باشید که این کار از اسراف دورتر و برای صحت بدن مفیدتر و بر عبادت کمک کننده تر است.

-
- ١- ((١)) التهذيب: ٢٣٦/٧ ح ١٠٢٨.
 - ٢- ((٢)) الفرقان: ٦٧.
 - ٣- ((٣)) الكافي: ٥١١/٢ ح ٢ ونحوه في ج ٥٦/٤ ح ١١.
 - ٤- ((٤)) الكافي: ١٢٢/٢ ح ٣.
 - ٥- ((٥)) الكافي: ٥٣/٤ ح ٦.
 - ٦- ((٦)) الفقيه: ٣٩١/٤ ضمن ح ٥٨٣٧.
 - ٧- ((٧)) عيون الحكم و المواعظ: ٣٤١ ح ٥٨٣٣.

الف) مفهوم قناعت

قناعت یعنی راضی بودن انسان به آنچه دارد و به آنچه سهم او است، اگر چه کم باشد، و «قانع» کسی است که به آنچه دارد راضی است و از کم بودن آن خشم و غضب نمی کند و چهره درهم نمی کشد، بلکه شکرگزار است (۱).

۱ - عن النبي صلى الله عليه و آله قال: جاء جبرئيل: ... قلت: وما تفسير القناعة؟ قال: يقنع بما يصيب من الدنيا، يقنع بالقليل ويشكر اليسير (۲).

۲ - قال علي عليه السلام: لم يتحلَّ بالقناعة من لم يكتف بيسير ما وجد (۳).

۱ - پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسید: معنای قناعت چیست؟ پاسخ داد:

[یعنی آدمی] به آنچه از دنیا به او می رسد بسنده کند، به کم قانع باشد و اندک را سپاس گوید.

۲ - امام علی علیه السلام فرمود: به زیور قناعت خود را نیاراست آن کس که به [روزی] اندکی که یافت بسنده نکرد.

ص: ۱۳۱

۱- (۱) ر.ک. مجمع البحرين و تهذیب اللغه والمنجد، ذیل ماده ی قَنَع.

۲- (۲) معانی الأخبار: ۲۶۱ ضمن ح ۱، عنه الوسائل: ۱۹۴/۱۵ ضمن ح ۲۰۲۵۷

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۴۱۳ ح ۷۰۱۵.

۱ - دعاء أمير المؤمنين عليه السلام في ليله النصف من شعبان (دعاء كميل): اللهم إني أسألك سؤال خاضع متذلل خاشع أن تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضياً قانعاً وفي جميع الأحوال متواضعاً (۱).

۲ - عن ابن مسعود أنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لما أسرى بي إلى السماء... رأيت الجنة وما فيها من النعيم، و رأيت النار وما فيها من عذاب أليم. و الجنة لها ثمانية أبواب، على كل باب منها أربع كلمات، كل كلمة منها خير من الدنيا و ما فيها لمن يعرفها ويعمل بها... أمّا أبواب الجنة فعلى الباب الأول مكتوب: لا إله إلا الله، محمد رسول الله، على ولي الله، لكل شيء حيله وحيله العيش أربع خصال: القناعة، ونبد الحقد، وترك الحسد، ومجالسه أهل الخير... (۲).

۱ - دعای امیر مؤمنان علیه السلام در شب نیمه ی شعبان (دعای کمیل): بار خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست انسان فروتن و خوار و زبون، که از من در گذری و مرا مورد رحمت قرار دهی و به عطای خود خشنود و قانع سازی و در همه ی حالات فروتنم گردانی.

۲ - از ابن مسعود نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن شبی که به آسمان برده شدم... بهشت و نعمت های موجود در آن را دیدم و آتش [جهنم] و عذاب دردناک آن را نگریستم. بهشت هشت در دارد که بر هر دری از آن چهار کلمه نوشته شده است که هر کلمه از آن ها، برای کسی که آن را بفهمد و به آن عمل کند، از دنیا و هر چه در آن است بهتر است.

...بر در اول نوشته شده است: معبودی جز خدا نیست؛ محمد فرستاده ی خدا است؛ علی ولی خدا است؛ هر چیزی را چاره و تدبیری است و چاره و تدبیر زندگانی دنیا [داشتن] چهار خصلت است: قناعت، دورافکندن کینه، وانهادن حسد و همنشینی با نیکان... .

ص: ۱۳۲

۱- (۱) مصباح المتهجد: ۸۴۵.

۲- (۲) الفضائل لشاذان بن جبرئیل القمی: ۱۵۲.

۳ - قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : ابن آدم! عندك ما يكفيك وأنت تطلب ما يطغيك. ابن آدم! لا بقليل تقنع ولا بكثير تشبع. ابن آدم! إذا أصبحت معافى في جسدك، آمناً في سربك عندك قوت يومك فعلى الدنيا العفاء (۱).

□
۴ - قال علي عليه السلام : إذا أراد الله بعبد خيراً ألهمه القناعة و أصلح له زوجه (۲).

۵ - قال أمير المؤمنين عليه السلام لهمام في صفه المؤمن: ... خاشعاً قلبه، ذا كراً ربّه، قانع نفسه، منفيّاً جهله، سهلاً أمره، حزيناً لذنبه... قانعاً بالذی قُدر له، متيناً صبره... (۳).

۶ - قال علي عليه السلام : اقنعوا بالقليل من دنياكم مع سلامه دينكم، فإن المؤمن البلغه اليسيره من الدنيا تقنعه (۴).

۳ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: ای فرزند آدم! نزد تو است آنچه که کفایت می کند با این حال تو آن چیزی را می طلبی که سرکشت می سازد.

ای فرزند آدم! نه به کم قانع می شوی و نه از زیاد سیر.

ای فرزند آدم! هرگاه عافیت بدن داشتی و در گروه خود [یا در راه خود] آسوده بودی و خوراک مورد نیاز روزت را داشتی پس بر [مابقی] دنیا خاک [بپوشان].

۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد قناعت را به او الهام می کند و همسرش را برایش شایسته می سازد.

۵ - امیر مؤمنان علیه السلام درباره ی ویژگی های مؤمن به همّام فرمود:

... دلش خاشع است؛ به یاد پروردگارش می باشد؛ روحی قانع دارد؛ نادانی در او نیست؛ آسانگیر است؛ برای گناهانش اندوهگین است

... به آنچه برایش مقدر شده قانع می باشد؛ از صبری محکم برخوردار است... .

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

به [روزی] اندک از دنیایان در کنار سلامت دینتان، قانع باشید؛ زیرا مؤمن از دنیا به گذران اندک زندگی قانع است.

ص: ۱۳۳

۱- ((۱)) الکامل فی ضعفاء الرجال: ۱۴۰/۴ ضمن ح ۹۷۵. و راجع الجامع الصغير: ۱ / ۲۱ ح ۶۵.

۲- ((۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۳۱ ح ۲۹۵۰.

٣- (٣) الكافي: ٢/٢٣٠ ضمن ح ١، عنه المستدرک: ١١/١٨٢ ضمن ح ١٢٦٨٧.

٤- (٤) عيون الحكم والمواعظ: ٨٧ ح ٢٠٨٤.

۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

ينبغي للمؤمن أن يكون فيه ثمانى خصال:

وقوراً عند الهزاهر، صبوراً عند البلاء، شكوراً عند الرّخاء، قانعاً بما رزقه الله، لا يظلم الأعداء ولا يتحامل للأصدقاء، بدنه منه فى تعب، والنّاس منه فى راحه (۱).

۸ - عن عبد الله بن بكير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

...إنّ الله عزّ وجلّ خصّ الأنبياء بمكارم الأخلاق، فمن كانت فيه فليحمد الله على ذلك، ومن لم تكن فيه فليتضرّع إلى الله عزّ وجلّ وليسأله إياها. قال قلت: جعلت فداك وما هنّ؟ قال:

هنّ: الورع، والقناعة، والصبر... (۲).

۹ - قال علىّ عليه السلام: إذا رغبت فى صلاح نفسك فعليك بالاعتقاد والقنوع والتقلّل (۳).

۷ - امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن را سزد که دارای هشت خصلت باشد:

در گرفتاری ها سنگین و آرام باشد،

در سختی شکيبا باشد،

در آسایش و خوشی شکرگزار باشد،

به آنچه خدا به او داده قانع و سازگار باشد.

به دشمنان ستم نکند،

بار خود را بر دوش دوستان نیفکند،

بدنش از او در رنج باشد و مردم از او در آسایش باشند.

۸ - عبد الله بن بكير گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

...همانا خدای عزّ وجلّ پیامبران را با اخلاق پسندیده ممتاز گردانید پس هر کس این خصلت ها در او بود خدا را بر آن سپاس گزارد و آن کس که این صفات در او نیست در پیشگاه خدای عزّ وجلّ تضرّع و زاری کند و آن ها را از او بخواهد.

عبد الله بن بكير می پرسد: فدایت شوم آن صفات چیست؟

امام علیه السلام فرمود: پارسایی، قناعت و صبر ...

۹- امام علی علیه السلام فرمود: هرگاه میلی به اصلاح کردن نفس خود پیدا کردی، پس بر تو باد به میانه روی و قناعت و کم خرجی.

ص: ۱۳۴

۱- ((۱)) الکافی: ۴۷/۲ ح ۱، عنه الوسائل: ۱۸۵/۱۵ ح ۲۰۲۳۵.

۲- ((۲)) الکافی: ۵۶/۲ ح ۳، عنه الوسائل: ۱۹۸/۱۵ ح ۲۰۲۶۷.

۳- ((۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۳۷ ح ۳۱۲۴.

۱۰ - قال علی علیه السلام: کیف یستطیع صلاح نفسه من لا یقنع بالقلیل؟ (۱) ۱۱ - عن الرضا علیه السلام وقد سئل عن القناعه فقال: القناعه تجمع إلى صیانه النفس... ولا یسلک طریق القناعه إلا رجلاً: إما متعللاً یرید أجر الآخره، أو کریم یتنزّه عن لثام الناس. (۲) ۱۲ - قال علی علیه السلام: القناعه سیف لا ینو (۳).

۱۳ - قال الصادق علیه السلام لرجل:

□
اقنع بما قسم الله لك ولا تنظر إلى ما عند غیرك ولا تتمن ما لست نائله، فإنه من قنع شبع ومن لم یقنع لم یشبع؛ وخذ حظك من آخرتك (۴).

۱۴ - قال الباقر علیه السلام لجابر الجعفی:

... وانزل ساحه القناعه بآتقاء الحرص، وادفع عظیم الحرص بإیثار القناعه، واستجلب حلاوه الزّهاده بقصر الأمل، واقطع أسباب الطمع ببرد الیأس (۵).

۱۰ - امام علی علیه السلام فرمود: کسی که به کم قانع نیست چگونه می تواند خود را اصلاح کند؟

۱۱ - از امام رضا علیه السلام درباره ی قناعت سؤال شد.

آن حضرت در پاسخ فرمود: قناعت با نگهداشتن نفس از گناه همراه است...

و راه قناعت را جز دو تن نمیایند:

یا [انسان] بی اعتنا به دنیا که در پی پاداش آخرت است،

یا بزرگمردی که از مردمان پست دوری می گزیند.

۱۲ - امام علی علیه السلام فرمود: قناعت شمشیری است که کند نمی شود.

۱۳ - از سفارش های امام صادق علیه السلام به ابن جنذب: به آنچه خدا به تو داده قانع باش و به آنچه نزد دیگری است چشم مدوز و به چیزی که به آن نمی رسی دل مبنده؛ زیرا آن کس که قناعت دارد سیر است و آن کس که قناعت ندارد سیری ندارد.

و بهره ی خود را از آخرت برگیر.

۱۴ - امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود: ...

با پرهیز از آزمندی به میدان قناعت فرود آی، و با گزینش قناعت آزمندی شدید را از خود دور کن، و با کوتاه کردن آرزو شیرینی زهد را به دست آور، و با سردی نومی [از دیگران]، ریشه های طمع را بخشکان.

-
- ١- (١) عيون الحكم والمواعظ: ٣٨٤ ح ٦٤٨٤.
 - ٢- (٢) نزمه الناظر و تنبيه خاطر: ١٢٨ ح ٩.
 - ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ٣١ ح ٥١٢.
 - ٤- (٤) الكافي: ٢٤٣/٨ ح ٣٣٧، المستدرک: ٢٢٣/١٥ ح ١٨٠٦٤.
 - ٥- (٥) تحف العقول: ٢٨٥، عنه البحار: ١٦٤/٧٨ ضمن ح ١.

۱۵ - قال عليّ عليه السلام : من شرف الهمة لزوم القناعه (۱).

۱۶ - قال عليّ عليه السلام : آفه الورع قلبه القناعه (۲).

۱۷ - قال عليّ عليه السلام : ثمره العفة القناعه (۳).

۱۸ - قال عليّ عليه السلام : لن توجد القناعه حتى يُفقد الحرص (۴).

۱۹ - قال عليّ عليه السلام : من تقنّع قنع (۵).

۲۰ - عن أبي عبدالله عليه السلام - من دعائه في الطواف عند الركن - :
□

اللهم قنّعي بما رزقتني و بارك لي فيما آتيتني (۶).

۱۵ - امام علي عليه السلام فرمود: از بلندی همت، همراه بودن با قناعت است.

۱۶ - امام علي عليه السلام فرمود: آفت پارسایی کمی قناعت است.

۱۷ - امام علي عليه السلام فرمود: میوه ی پاکدامنی [خود داری از حرام] قناعت است.

۱۸ - امام علي عليه السلام فرمود: تا حرص ناپدید نشود قناعت پدیدار نگردد.

۱۹ - امام علي عليه السلام فرمود: هر کس که خود را به قناعت وادارد خوی قناعت یابد.

۲۰ - امام صادق عليه السلام در دعای خود هنگام طواف، در کنار حجر الأسود می گفت: خدایا! مرا به آنچه روزی ام کرده ای قانع ساز و آنچه را به من داده ای برابم با برکت گردان.

ص: ۱۳۶

۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۱ ح ۸۶۱۷.

۲- (۲) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۲ ح ۳۷۴۱.

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۶۱.

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ ح ۶۸۹۶.

۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۴۵۱ ح ۸۰۵۵.

۶- (۶) التهذیب: ۱۰۵/۵ ضمن ح ۱۱.

۱ - قال علی علیه السلام : کفی بالقناعه مُلکاً، وْبِحْسَنِ الْخُلُقِ نَعِیْماً.

وَسئَلُ عَلِيَةَ السَّلَامِ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً (۱) فَقَالَ: هِيَ الْقِنَاعَةُ (۲).

۲ - قال علی علیه السلام : الحرّ عبدٌ ما طمع، والعبد حرٌّ ما قنع (۳).

۳ - قال الصادق علیه السلام : لو حلف القانع بتملكه على الدارين لصدقه الله عزّ وجلّ بذلك ولأبّره لعظم شأن مرتبه القناعه.

ثمّ كيف لا يقنع العبد بما قسم الله له و هو يقول نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا (۴) فمن أذعن و صدّقه بما شاء و لما شاء بلا غفله و أيقن بربوبيّته، ۱ - امام علی علیه السلام فرمود:

پادشاهی قناعت، و نعمتِ خوش خلقی، [انسان را] بس است.

و از آن حضرت درباره ی فرموده ی خدای متعال که «به او زندگانی پاکیزه می دهیم» سؤال شد.

حضرت فرمود:

آن، قناعت است.

۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

آزادِ طمع کار، برده است، و برده ی قانع، آزاد است.

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر انسان قانع سوگند بخورد که مالک دنیا و آخرت است خدای عزّ وجلّ او را تصدیق می کند و به جهت بزرگی جایگاه قناعت، قسم او را راست می گرداند.

چگونه بنده به سهمی که خداوند عزّ وجلّ برایش مقدر کرده است قانع نباشد با آن که او می فرماید «ما روزی آنان در زندگی دنیا را میانشان تقسیم کردیم»؟ پس کسی که اقرار کند و بی هیچ غفلتی خدا را به آنچه خواسته و برای آنچه خواسته، تصدیق کند و به ربوبیتش یقین داشته باشد،

ص: ۱۳۷

۱- (۱) النحل: ۹۷.

۲- (۲) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۰۸ الحکمه ۲۲۹، عنه البحار: ۳۴۵/۷۱ ضمن ح ۲.

٣- (٣) شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ٢٩٣/٢٠ الحكمه ٣٥٨ و عيون الحكم والمواعظ: ٣٣ ح ٥٩٠ و ٥٩١.

٤- (٤) الزخرف: ٣٢.

أضف توليه الأقسام إلى نفسه بلا سبب. و مَنْ قنع بالمقسوم استراح من الهمّ و الكرب و التعب، و كلّما أنقص من القناعه زاد في الرّغبه.

و الطمع في الدّنيا أصل كلّ شرّ و صاحبها لا ينجو من النّار إلّا أن يتوب، و لذلك قال صلى الله عليه و آله و سلم «القناعه ملك لا يزول» و هي مركب رضا الله تعالى تحمّل صاحبها إلى داره، فأحسن التوكّل فيما لم تعطه و الرّضا بما اعطيت، و اصبر على ما أصابك، فإنّ ذلك من عزم الأمور (١).

٤ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: من أصبح و أمسى و الآخره أكبر همّ جعل الله له الغنى في قلبه و جمع له أمره و لم يخرج من الدّنيا حتّى يستكمل رزقه. و من أصبح و أمسى و الدّنيا أكبر همّ جعل الله الفقر بين عينيه و شتت عليه أمره، و لم ينل من الدّنيا إلّا ما قسم له (٢).

خدا را بی هیچ رابطه ای دست اندر کار قسمت ها می داند. و کسی که به روزی مقدر قانع است از اندوه و گرفتاری و رنج آسوده است، و هر چه از قناعت کاسته شود به رغبت (و گرایش به دنیا) افزوده گردد؛ طمع (و چشم داشت) به دنیا ریشه ی هر بدی است و دارنده ی این خصلت از آتش رهایی نخواهد یافت مگر آن که توبه کند. از این رو است که پیامبر گرامی اسلام فرمود «قناعت، پادشاهی بی زوال است». و آن وسیله ی خشنودی خدا است که صاحبش را به خانه ی او می برد؛ پس در آنچه به تو داده نشده است بر خدا توکلی نیکو کن، و به آنچه به تو داده شده است، خشنود باش و بر سختی هایی که به تو رسد شکیبایی کن که این ها از امور مهم است.

٤ - پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که صبح و شام، بزرگ ترین دغدغه اش آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در جانش نهد و کار او را سامان بخشد و از دنیا نرود تا روزی خود را کامل به دست آورد. و کسی که در صبح و شام بزرگ ترین هدفش دنیا باشد، خداوند احساس فقر و نگرانی از نداری به او دهد و کارش را پریشان سازد و از دنیا به بیش از آنچه برایش مقرر شده است، دست نیابد.

(شاید معنای جمله «فمن أذعن و صدقه... بلا سبب» این باشد که «پس کسی که اقرار کند و بی هیچ غفلتی خدا را به آنچه خواسته و برای آنچه خواسته است، تصدیق کند و به ربوبیتش یقین داشته باشد، آیا بدون سبب (و علتی چون خدای متعال) خود را عامل روزی دهنده ی خویش می داند؟»)

ص: ۱۳۸

١- (١) مصباح الشریعه: ٢٠٢، عنه البحار: ٧١ / ٣٤٩ ح ١٨ مع اختلافٍ یسیر.

٢- (٢) ثواب الأعمال: ٢٠١ ح ١ و نحوه فی تحف العقول: ٤٨، عنه البحار: ١٥٣/٧٧ ح ١٠٤.

۵ - قال علی علیه السلام : القناعه أهنا عیش (۱).

۶ - قال علی علیه السلام : أعوّنُ شیءٍ علی صلاح النفس القناعه (۲).

۷ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الدّنيا دول، فما كان لک منها أتاک علی ضعفک، وما كان منها علیک لم تدفعه بقوّتک، و من انقطع رجاؤه ممّا فاته استراحت نفسه، و من قنع بما رزقه الله تعالی قرّت عیناه (۳).

۸ - قال علی علیه السلام : حُکم علی مکثری أهل الدّنيا بالفاقره، وأعیّن من غنی عنها بالقناعه بالراحه (۴).

۹ - قال علی علیه السلام : ثمره القناعه الرّاحه (۵).

۱۰ - قال علی علیه السلام : ثمره القناعه العزّ (۶).

۱۱ - قال علی علیه السلام : خرج العزّ ۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

[زندگی با] قناعت گواراترین زندگی است.

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

برترین مددکار برای اصلاح نفس، قناعت است.

۷ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

دنیا در گردش است [فراز و نشیب دارد]؛ آنچه از دنیا برای تو است، با وجود ناتوانی ات به تو می رسد و آنچه به ضرر تو است، با قدرت خود نمی توانی آن را از خود دور کنی.

و کسی که از آنچه از دستش رفته است دل برکند، آسوده خاطر است و کسی که به آنچه خدا روزی اش کرده قناعت کند، شاد و خرسند می باشد.

۸ - امام علی علیه السلام فرمود:

بر ثروتمندانِ اهل دنیا حکم به نیازمندی شده است و آن کس که به وسیله ی قناعت، از دنیا بی نیاز شود، با آسایش یاری شده است.

۹ - امام علی علیه السلام فرمود:

نتیجه ی قناعت آسودگی است.

١٠ - امام علي عليه السلام فرمود:

ميوه ي قناعت عزتمندی (سربلندی) است.

١١ - امام علي عليه السلام فرمود: عزت

ص: ١٣٩

-
- ١- ((١)) عيون الحكم والمواعظ: ٢٣ ح ١٩٣.
 - ٢- ((٢)) عيون الحكم والمواعظ: ١١٢ ح ٢٤٢٤.
 - ٣- ((٣)) مشكاه الأنوار: ٢٣٣ ح ٦٥٩ و في البحار: ٣٦/١٠٣ ح ٧٤ عن التمحيص: ٥٣ ح ١٠٦.
 - ٤- ((٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٢٣٣ ح ٤٤٧١.
 - ٥- ((٥)) شرح نهج البلاغه (لابن أبي الحديد): ٢٠/٢٩٦ الحكمه ٣٨٩.
 - ٦- ((٦)) عيون الحكم والمواعظ: ٢٠٨ ح ٤١٦٣.

والغنى يجولان فلقيا القناعه فاستقرّا (۱).

۱۲ - قال عليّ عليه السلام : ثمره القناعه الإجمال فى المكتسب و العزوف عن الطلب (۲).

۱۳ - عن الصادق عليه السلام قال: ...مَنْ لم يستحى من طلب الحلال وقع به خفّت مؤونته، و نَعَم أهله... (۳).

۱۴ - قال عليّ عليه السلام : كلّ قانعٍ عفيف (۴).

۱۵ - قال عليّ عليه السلام : مَنْ قنع حُسنت عبادته (۵).

۱۶ - قال عليّ عليه السلام : مَنْ لم يقنع بما قُدّر له تعنّى (۶).

۱۷ - عن أبى الحسن الرضا عليه السلام قال: مَنْ لم يقنعه من الرّزق إلّا الكثير لم يكفه من العمل إلّا الكثير، و مَنْ كفاه من الرّزق القليل فإنّه يكفيه من العمل القليل (۷).

و بی نیازی به گردش در آمدند، چون به قناعت رسیدند قرار گرفتند.

۱۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

میوه ی قناعت، میانه روی در کسب و کار [نداشتن حرص و طمع در آن] و بی میلی به درخواست کردن [از مردم] است.

۱۳ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... کسی که از طلب حلال شرم نکند و به آن قانع باشد، هزینه ی زندگی اش سبک شود و خانواده اش در رفاه باشند...

۱۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

هر قناعت کننده ای، [از آلودگی به حرام] پاک است.

۱۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

آن کس که قانع است عبادتش نیکو است.

۱۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

هر کس به آن چه برایش مقدّر شده است قانع نباشد، گرفتار رنج شود.

۱۷ - از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود:

کسی که جز درآمد زیاد او را راضی نکند، جز کار زیاد کفایتش نکند و کسی که به روزی اندک بسازد، کار کم او را بس است.

ص: ۱۴۰

-
- ۱- (۱) شرح نهج البلاغه (لابن أبی الحدید): ۳۰۰/۲۰ الحکمه ۴۲۸.
 - ۲- (۲) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۶۸.
 - ۳- (۳) أعلام الدین: ۱۲۰ ونحوه فی أمالی الطوسی: ۷۲۱ ح ۱۵۲۱، عنه البحار: ۲۸۹/۷۰ ح ۲۲.
 - ۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۵ ح ۶۳۱۵.
 - ۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۴۵۲ ح ۸۰۹۱.
 - ۶- (۶) عیون الحکم و المواعظ: ۴۳۲ ح ۷۴۴۱.
 - ۷- (۷) الکافی: ۱۳۸/۲ ح ۵، عنه الوسائل: ۵۳۱/۲۱ ح ۲۷۷۷۶.

۱۸ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ رَضِيَ وَقِنَعَ وَتَوَكَّلَ كَفَى الْبَلْبَ (۱).

۱۹ - قال عليّ عليه السلام: رأس القناعه الرضا (۲).

۱۸ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: هر که راضی باشد و قناعت پیشه کند و بر خدا توکل نماید از طلب [و جستجو بیش از اندازه] معاف است.

۱۹ - امام علی علیه السلام فرمود: اوج قناعت خشنودی [به روزی مقدر] است.

ص: ۱۴۱

۱- ((۱)) الدرّ المنثور: ۲۳۴/۶.

۲- ((۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۶۳ ح ۴۷۹۴.

□

۱ - قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم : أوحی الله تعالی إلى موسی علیه السلام : إئتی وضعت خمسة أشياء فی خمسة أشياء والناس یطلبون فی خمسة أخرى، فمتی یجدون؟ إئتی وضعت عزَّ عبادی فی طاعتی فهم یطلبون من باب السلطان، فمتی یجدون؟ وإئتی وضعت العلم والحکمه فی الجوع وهم یطلبون فی الشَّبع، فمتی یجدون؟ وإئتی وضعت الغنی فی القناعه وهم یطلبون فی المال، فمتی یجدون؟ وإئتی وضعت الزَّاحه فی الآخره وهم یطلبون فی الدنیا، فمتی یجدون؟ وإئتی وضعت رضای فی مخالفه هواهم وهم یطلبون فی موافقه هواهم، فمتی یجدون؟ (۱) ۲ - قال الصادق علیه السلام : مطلوبات الناس فی الدنیا الفانیه أربعه:

۱ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند متعال به موسی وحی کرد که من پنج چیز را در پنج چیز نهاده ام و مردم آن را در پنج چیز دیگر جستجو می کنند؛ اما کی آن ها را خواهند یافت؟

من عزت بندگانم را در فرمانبری از خود قرار داده ام و آنان آن را از درگاه پادشاه می جویند؛ کی به آن خواهند رسید؟ و من دانش و حکمت را در گرسنگی جای داده ام و آنان آن را در سیری می جویند؛ کی به آن دست می یابند؟

و من بی نیازی را در قناعت قرار داده ام و آنان آن را در داشتن ثروت و مال می طلبند؛ کی به آن خواهند رسید؟

و من آسایش را در آخرت قرار داده ام و آنان آن را در دنیا می جویند؛ کی به آن می رسند؟

و من خشنودی خود را در مخالفت با هوای نفسشان قرار داده ام و آنان آن را در پیروی از هوای نفس می جویند؛ کی به آن دست می یابند؟

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: خواسته های مردم در دنیای فانی چهار چیز است:

ص: ۱۴۲

۱- ((۱)) مشکاه الأنوار: ۵۶۵ ح ۱۹۰۳ و نحوه فی عوالی اللالی: ۶۱/۴ ح ۱۱، عنه البحار: ۴۵۳/۷۸ ح ۲۱، والمستدرک: ۱۷۳/۱۲ ح ۱۳۸۰۹.

الغنى و الدعه و قلّه الاهتمام، و العزّ. فأما الغنى فموجود فى القناعه، فمن طلبه فى كثره المال لم يجده؛ وأما الدعه فموجوده فى خفّه المحمل، فمن طلبها فى ثقله لم يجدها؛ وأما قلّه الاهتمام فموجوده فى قلّه الشغل، فمن طلبها مع كثرته لم يجدها؛ وأما العزّ فموجود فى خدمه الخالق، فمن طلبه فى خدمه المخلوق لم يجده (١).

□
٣ - قال أبو عبد الله عليه السلام: أغنى القناعه (٢).

٤ - قال الإمام الكاظم عليه السلام:

□
يا هشام! من أراد الغنى بلا مال وراحه القلب من الحسد والسلامه فى الدين فليتصرّع إلى الله عزّ و جلّ فى مسأله بأن يكمل عقله، فمن عقل قنع بما يكفيه و من قنع بما يكفيه استغنى و من لم يقنع بما يكفيه بى نیازى (توانگرى)، آسایش و راحتى، کم بودن غم و اندوه، و عزّت.

بى نیازى در قناعت است و كسى كه آن را در فراوانى مال مى جوید به آن نمى رسد؛

خوشى و آسایش نیز در سبکبارى است و هر كس آن را در سنگین بارى بجوید به آن نمى رسد؛

همچنین کم شدن اندوه، به کم تر شدن اشتغال به کارهاى دنیا است و آن كس كه با مشغله ی زیاد آن را مى جوید آن را نمى یابد؛

عزّت و سربلندى نیز در بندگى خدا است و هر كس كه آن را در چاكرى مخلوق مى جوید به آن نخواهد رسید.

٣ - امام صادق عليه السلام فرمود: بالاترين بى نیازى قناعت است.

٤ - امام كاظم عليه السلام فرمود:

ای هشام! هر كس بى نیازى بدون مال، و آسودگى دل از رنج حسد، و سلامت دینش را مى خواهد، از درگاه خدای عزّ و جلّ خاضعانه خواهد كه عقلش را كامل كند كه هر كس خردمند شد، به آن مقدارى كه نیازش را بر مى آورد قناعت مى كند و هر كه به آنچه نیازش را بر مى آورد قناعت كند، [از دیگران] بى نیاز خواهد شد و كسى كه به آنچه نیازش را بر آورد قناعت نکند

ص: ١٤٣

١- ((١)) الخصال: ١٩٨ ح ٧ و معانى الأخبار: ٢٣ ح ١ و علل الشرائع: ٤٦٨ باب ٢٢٢ ح ٢٩، عنها البحار: ٩٣/٧٣ ح ٧٠.

٢- ((٢)) مشكاه الأنوار: ٢٣١ ح ٦٥٢، عنه المستدرک: ٢٢٣/١٥ ح ١٨٠٦٤.

لم يدرك الغنى أبداً (۱).

۵ - قال عليّ عليه السلام : ثمره القناعة الغناء (۲).

۶ - عن الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام قال: ...خمسٌ من لم تكن فيه لم يتهنّ بالعيش:

الصحة، والأمن، والغنى، والقناعة، والأنيس الموافق (۳).

۷ - قال عليّ عليه السلام : من قنع باليسير استغنى عن الكثير، ومن لم يستغن بالكثير افتقر إلى الحقير (۴).

هرگز به بی نیازی نمی رسد.

۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

میوه ی قناعت، بی نیازی است.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

پنج چیز است که در هر کس نباشد زندگی خوشی ندارد: تندرستی، امنیت، بی نیازی، قناعت، و همدم سازگار.

۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که به کم قانع شود، از بسیار بی نیاز گردد و کسی که با بسیار، بی نیاز نشود به [چیز] پست نیازمند گردد.

ص: ۱۴۴

۱- (۱) الكافي: ۱/۱۸۱ ضمن ح ۱۲، عنه المستدرک: ۲۲۴/۱۵ ح ۱۸۰۶۹.

۲- (۲) عیون الحکم والمواعظ: ۲۰۸ ح ۴۱۷۹.

۳- (۳) أمالی الصدوق: ۲۴۰ م ۴۸ ح ۱۵، عنه البحار: ۳۶۹/۶۹ ح ۸، وج ۶۲/۷۲ ح ۱۲ وج ۱۷۲/۸۱ ح ۱۵.

۴- (۴) الإرشاد: ۳۰۱/۱، عنه البحار: ۴۲۲/۷۷ ضمن ح ۴۰.

(۴) بسنده کردن به مقدار مورد نیاز (کفاف) و بی نیازی جستن از دیگران

الف) مفهوم کفاف

کفاف یعنی رزق و روزی به اندازه ی کافی و در حدّ نیاز، به گونه ی که انسان از درخواست و گدایی کردن از دیگران بی نیاز است (۱).

ب) اهمّیت بسنده کردن به مقدار کفاف و بی نیازی جستن از مردم، و آثار آن

۱ - من دعاء الإمام السّجّاد علیه السلام فی الوتر: اللَّهُمَّ إِنَّ الْغِنَى مَن اسْتَغْنَى عَن خَلْقِكَ بَكَ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِنِي يَا رَبَّ عَن خَلْقِكَ، وَاجْعَلْنِي مَمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفَّهُ إِلَّا إِلَيْكَ (۲).

۲ - من وصیّه النّبیّ صلی الله علیه و آله و سلم لأبی ذرّ: يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ ۱ - در دعای امام سجّاد علیه السلام - که در نماز وتر می خواند - آمده است:

بارالها بی نیاز کسی است که به وسیله ی تو از آفریدگانت بی نیازی جوید؛ پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا ای پروردگار از آفریدگانت بی نیاز کن و از کسانی قرار ده که دستان خود را جز به سوی تو نمی گشایند.

۲ - از سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر است که فرمود:

ای ابوذر! من از خداوند - که ثنایش شکوهمند است - خواسته ام که روزی کسی که

ص: ۱۴۵

۱- (۱) ر. ک. مجمع البحرین والمصباح المنیر، ذیل ماده ی - کفف - .

۲- (۲) الصحیفه السّجّادیه الجامعه: ۱۶۷ ضمن دعاء ۸۷. البحار: ۲۸۵/۸۷ ضمن ح ۷۷.

يحبّني كفافاً، وأن يعطى من يبغضني كثره المال والولد (١).

□
٣ - قال الصادق عليه السلام: إذا أحبّ الله تعالى عبداً ألهمه الطاعة، وألزمه القناعة، وفقّهه في الدين، وقوّاه باليقين، فاكتفى بالكفاف، و اكتسى بالعفاف (٢).

□ □
٤ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ! إنّ الله جعل الفقر أمانه عند خلقه، فمن ستره كان كالصائم القائم، ومن أفشاه إلى من يقدر على قضاء حاجته فلم يفعل فقد قتله، أما إنّ ما قتله بسيف ولا رمح، ولكن بما أنكى من قلبه (٣).

□
٥ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

طوبى لمن أسلم وكان عيشه كفافاً وقواه سداداً (٤).

وليس فيهما ذيله.

مرا دوست دارد به اندازه ی نیاز قرار دهد و به کسی که مرا دشمن دارد زیادی مال و فرزند عطا کند.

٣ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه خداوند متعال بنده ای را دوست بدارد، فرمانبری از خود را به او الهام می کند و او را همدم قناعت می سازد و ژرف نگری در دین می بخشد و با یقین نیرومندش می سازد؛ پس او به اندازه ی رفع نیاز بسنده می کند و جامه ی پاکدامنی می پوشد.

٤ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

ای علی! خداوند فقر را امانتی نزد بندگانش قرار داد؛ پس کسی که آن را پنهان کند همچون روزه دار شب زنده دار خواهد بود، و اگر کسی آن را در نزد شخصی اظهار کند که با وجود توان نیازش را برآورده نسازد، گویی آن شخص او را کشته است، اما بدان که این کشتن نه کشتنی است با شمشیر یا نیزه، بلکه با زخمی است که بر قلب و روان او وارد ساخته است.

٥ - رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

خوشا به حال مسلمانی که زندگی اش به اندازه ی نیاز و نیرویش [یا عقل و خردش] استوار باشد.

ص: ١٤٦

١- (١) مکارم الأخلاق: ٣٦٩/٢ ضمن ح ٢٦٦١ ونحوه فی أمالی الطوسی: ٥٣٢ضمن ح ١١٦٢.

٢- (٢) أعلام الدّین: ٢٧٨، عنه البحار: ٢٦/١٠٣ ح ٣٤.

٣- (٣) ثواب الأعمال: ٢١٧ ح ١، عنه الوسائل: ٤٤٦/٩ ح ١٢٤٦٠.

٤- (٤) النوادر للزاوندى: ٩٠ ح ٢٣، عنه البحار: ٦٧/٧٢ ضمن ح ٢٧ ونحوه فى الكافى: ١٤٠/٢ ح ٢ وتنبيه الخواطر: ١٩٥/٢،

۶ - عن علی بن الحسین علیهما السلام قال: مرّ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم براعی إبل فبعث یتسقیه، فقال: أمّا ما فی ضروعها فصباح الحیّ، وأمّا ما فی آئتنا فغبوقهم (۱)، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اللهم أكثر ماله و ولده. ثمّ مرّ براعی غنم فبعث إليه یتسقیه، فحلب له ما فی ضروعها وأکفأ ما فی إنائه فی إناء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بعث إليه بشاه و قال: هذا ما عندنا وإن أحببت أن نزیدک زدناک. قال: فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: اللهم ارزقه الکفاف.

فقال له بعض أصحابه:

يا رسول الله! دعوت للذی ردّک بدعاء عامتنا نجبه، ودعوت للذی أسعفک بحاجتک بدعاء کلنا نکرهه!

فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إن ما قلّ و کفی خیر ممّا کثر و ألهی، اللهم ارزق محمّداً و آل محمّد الکفاف (۲).

۶ - امام سجاد علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برشتر چرانی گذر کرد. شخصی را فرستاد تا از او شیر بگیرد.

او در پاسخ گفت: آنچه در پستان شتران است برای صبحانه قبیله است و آنچه در ظرف ها است برای شام آنان است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بارالها! مال و فرزندانش را زیاد کن».

آن گاه به چوپانی دیگر گذر کرد و کسی را برای گرفتن شیر نزد او فرستاد.

چوپان، گوسفندها را دوشید و هر آنچه در ظرف خود داشت در ظرف رسول خدا صلی الله علیه و آله ریخت و گوسفندی هم برای حضرت فرستاد و عرض کرد: «این اندازه نزد ما بود و اگر بخواهید بیشتر می دهیم».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایا به مقداری که او را بس باشد روزی اش کن».

یکی از اصحاب گفت: «ای رسول خدا! برای آن شخصی که تو را ردّ کرد دعایی کردی که همه دوست داریم و برای آن که خواسته ات را برآورد دعایی کردی که هیچ یک نمی پسندیم!»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اندکی که کفایت کند بهتر است از بسیاری که دل را مشغول کند».

بارالها محمّد و آل محمّد را به اندازه ی کفاف روزی فرما».

ص: ۱۴۷

۱- (۱) ((العَبُوق: شرب [اللبن] آخرالنهار مقابل الصبوح، (النهاية: ۳/۳۴۱)).

۲- (۲) ((الکافی: ۲/۱۴۰ ح ۴.

۷- عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال:

سخاء المرء عمّا في أيدي النَّاسِ أكثر من سخاء النفس والبذل، و مرّوه الصبر في حال الفاقة والحاجه والتعفف والغنى أكثر من مرّوه الإعطاء، وخير المال التّقه بالله واليأس عمّا في أيدي الناس (۱).

۸- قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا كان غروب الشمس وكلّ الله تعالى ملكاً بالشّمس يقول - أو ينادى - : أيها الناس! أقبلوا على ربّكم، فإنّ ما قلّ و كفى خيراً ممّا كثر و ألهي... (۲).

۹- عن الصادق عليه السلام قال:

اتخذ الله عزّوجلّ إبراهيم خليلاً لأنّه لم يردّ أحداً و لم يسأل أحداً غير الله عزّ و جلّ (۳).

۷- امام باقر عليه السلام فرمود:

دل کندن شخص از آنچه در دست مردم است نیکوتر از بذل و بخشش مال خودش است؛

و جوانمردی که در صبر بر تنگدستی و نیازمندی و خودداری [از درخواست] و بی نیازی وجود دارد، بزرگ تر از جوانمردی در بخشیدن اموال است.

برترین سرمایه، اعتماد به خداوند و ناامیدی از آن چیزی است که در دستان مردم است.

۸- امام صادق علیه السلام فرمود:

چون خورشید غروب کند خداوند تعالی فرشته ای را بر خورشید می گمارد که می گوید:

ای مردمان! بر پروردگارتان روی آورید که همانا چیزی که اندک باشد و به اندازه ی نیاز، بهتر است از چیز بسیاری که دل را مشغول کند...

۹- امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند ابراهیم را دوست صمیمی خود گرفت چون درخواست کسی را ردّ نکرد و جز از خدای عزّ و جلّ از کسی درخواست ننمود.

ص: ۱۴۸

۱- (۱) تهذیب الأحکام: ۳۸۷/۶ ح ۱۱۵۲، عنه الوسائل: ۴۵۱/۹ ح ۱۲۴۷۶. و جاء صدره فی مشکاه الأنوار: ۴۰۵ ح ۱۳۴۳.

۲- (۲) قرب الإسناد: ۳۹ ح ۱۲۵ ونحوه فی الاختصاص: ۲۳۴.

٣- (٣) علل الشرائع: ٣٤ ب ٣٢ ح ٢ و عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٧٥/٢ ب ٣٢ ح ٤، عنهما الوسائل: ٤٤١/٩ ح ١٢٤٤٢.

۱۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ثلاث خصالٍ من صفه أولياء الله تعالى:

□
الثقة بالله في كل شيء، والغنى به عن كل شيء، والافتقار إليه في كل شيء (۱).

□
۱۱ - عن عبدالله بن سنان قال:

□
سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: ثلاث هنّ فخر المؤمن وزينه في الدنيا والآخرة:

□
الصلاة في آخر الليل، ويأسه ممّا في أيدي الناس، و ولايته الإمام من آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم (۲).

□
۱۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ أراد أن يكون أغنى الناس فليكن بما في يد الله أوثق منه بما في يد غيره (۳).

□
۱۳ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال: كان أمير المؤمنين - صلوات الله عليه - يقول:

□
ليجتمع في قلبك الافتقار إلى الناس والاستغناء عنهم، فيكون افتقارك إليهم في لين كلامك وحسن بشرتك، ويكون استغناؤك عنهم في نزاهه عرضك وبقاء عزك (۴).

۱۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: سه ویژگی از صفات اولیای خدای متعال است:

اعتماد به خدا در هر چیز، بی نیازی به وسیله ی او از هر چیز، و نیازمند بودن به او در هر چیز.

□
۱۱ - عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سه چیز مایه ی فخر و زینت مؤمن در دنیا و آخرت است: نماز در آخر شب [نماز شب]، ناامیدی او از آنچه در دستان مردم است و پذیرفتن ولایت امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله .

۱۲ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که می خواهد بی نیازترین مردم باشد، باید پشت گرمی او به آنچه در دست خدا است بیش از آن چیزی باشد که در دست غیر او است.

۱۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان - که درودهای خدا بر او باد - می فرمود:

باید در دلت احتیاج به مردم و بی نیازی از آنان جمع شود؛ [به این صورت که] احتیاج تو به آنان در نرم زبانی و خوش رویی ات باشد و بی نیازی تو از آنان در حفظ آبرو و نگهداری عزت باشد (۵).

ص: ۱۴۹

۲- ((۲)) الکافی: ۲۳۴/۸ ح ۳۱۱ و أمالی الصدوق: ۴۳۷ م ۸۱ ح ۷.

۳- ((۳)) الکافی: ۱۳۹/۲ ح ۸.

۴- ((۴)) الکافی: ۱۴۹/۲ ح ۷.

۵- ((۵)) انسان باید در دل خود به دو چیز معتقد باشد: ۱ - معتقد باشد که در معاشرت و زندگی دنیا به هم نوع خود محتاج است، چون انسان فطرتاً اجتماعی است لذا باید در معاشرت با دیگران نرم گفتار و خوش رفتار باشد. ۲ - معتقد باشد که روزی دهنده ی او خداوند است و او سبب همه اسباب می باشد، لذا خود را بی نیاز از مردم بداند و نباید چاپلوسی کند و خود را ذلیل و زبون سازد، بلکه در عین خوش رویی و شیرین سخنی، عزت نفس و مناعت طبع خود را حفظ کند. (برگرفته از ترجمه ی اصول کافی، ج ۳/۲۲۰).

۱۴ - قال علیّ علیه السلام : الدّنيا دار مُنی لها الفناء... فارتحلوا منها بأحسن ما بحضرتکم من الزّاد، ولا تسألوا فيها فوق الکفاف، ولا تطلبوا منها أكثر من البلاغ (۱).

۱۵ - قال الإمام الهادی علیه السلام : الغنی قله تمّیک، والرّضا بما یکفیک (۲).

۱۶ - قال علیّ علیه السلام : نال الغنی من رُزق الیأس عمّافی أیدی الناس والقناعه بما اوتی والرّضا بالقضاء (۳).

۱۷ - عن أبی جعفر الباقر علیه السلام قال:

□
أتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رجلاً فقال:

□
علّمني یا رسول الله، فقال: عليك بالیأس عمّا فی أیدی الناس فإنّه الغنی الحاضر... (۴).

□
۱۸ - عن أبی عبد الله علیه السلام قال:

□
اشتدّت حال رجلٍ من أصحاب النبی صلی الله علیه و آله و سلم ، فقالت له امرأته: لو أتیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فسألته.

۱۴ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

دنیا خانه ی آرزوهاست که نابود می شود... پس با بهترین زاد و توشه ای که در اختیار دارید از آن کوچ کنید و در آن، بیش از اندازه ی نیاز خود درخواست نکنید و بیش از آن مقدار که شما را به مقصد رساند نطلبید.

۱۵ - امام هادی علیه السلام فرمود:

بی نیازی، در آرزوهای اندک و خشنود بودن به آنچه برایت کافی است، نهفته است.

۱۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

کسی که "نامیدی از آنچه در دستان مردم است" و "فناخت به آنچه دارد" و "خشنودی به قضای الهی" روزی اش شود، به بی نیازی دست یافته است.

۱۷ - امام باقر علیه السلام فرمود: شخصی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! به من [چیزی] بیاموز.

حضرت فرمود: بر تو باد به نامیدی از آنچه در دستان مردم است که همانا این توانگری نقد است ...

۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وضعیت زندگی اش سخت شد.

همسرش به او گفت:

کاش خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفتی و از او چیزی می خواستی.

ص: ۱۵۰

۱- ((۱)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۸۵ الخطبه ۴۵.

۲- ((۲)) الدرّ الباهره من الأصداف الطّاهره: ۴۲ ح ۱۳۱، عنه البحار: ۳۶۸/۷۸ ضمن ح ۳ و نحوه فی نزهه الناظر: ۱۳۸ ح ۷.

۳- ((۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۹۸ ح ۹۱۸۹.

۴- ((۴)) المحاسن: ۱۵ ح ۴۶، عنه البحار: ۱۳۱/۷۷ ح ۳۶.

فَجَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ، فَقَالَ الرَّجُلُ: مَا يَعْنِي غَيْرِي. فَرَجَعَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَعْلَمَهَا، فَقَالَتْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَشَّرَ فَأَعْلَمَهُ.

فَأَتَاهُ، فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ. حَتَّى فَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ ثَلَاثًا. ثُمَّ ذَهَبَ الرَّجُلُ فَاسْتَعَارَ مِعْوَلًا، ثُمَّ أَتَى الْجَبَلَ فَصَعَدَهُ فَقَطَعَ حَطْبًا، ثُمَّ جَاءَ بِهِ فَبَاعَهُ بِنِصْفِ مَدٍّ مِنْ دَقِيقٍ، فَرَجَعَ بِهِ فَأَكَلَهُ. ثُمَّ ذَهَبَ مِنَ الْعَدِّ فَبِئْسَ مَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ فَبَاعَهُ، فَلَمْ يَزَلْ يَعْمَلُ وَيَجْمَعُ حَتَّى اشْتَرَى مِعْوَلًا، ثُمَّ جَمَعَ حَتَّى اشْتَرَى بَكْرَيْنَ (١) وَغَلَامًا، ثُمَّ أَثْرَى حَتَّى أَيْسَرَ، فَبِئْسَ مَا كَانَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَعْلَمَهُ كَيْفَ جَاءَ يُسْأَلُهُ وَ كَيْفَ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

قُلْتُ لَكَ: مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَغْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ (٢).

آن مرد خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما درخواست کند به او عطا می کنیم و هر که بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز سازد. مرد با خود گفت: مقصود حضرت کسی جز من نیست. پس نزد همسر خود بازگشت و به او گزارش داد.

زن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله هم بشر است [و از حال تو خبر ندارد]، او را از حال خود آگاه ساز. مرد دوباره خدمت حضرت آمد و چون حضرت او را دید فرمود: هر که از ما درخواست کند عطایش می کنیم و هر که بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز می کند.

تا سه بار آن مرد چنین کرد. سپس بازگشت و کلنگی را عاریه گرفت و به جانب کوهستان رفت. بالای کوه رفته قدری همیزم برید و آورد و به نیم مُید [کم تر از چهارصد گرم] آرد آن را فروخت. آرد را به خانه برد و خورد. فردا هم رفت و همیزم بیش تری آورد و فروخت و همواره کاری می کرد و می اندوخت تا خودش کلنگی خرید. باز هم اندوخت تا دو شترویک غلام خرید و ثروتمند و بی نیاز شد.

آن گاه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گزارش داد که چگونه برای درخواست آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله چه شنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به تو گفتم؛ هر که از ما درخواست کند به او عطا می کنیم و هر که بی نیازی جوید خداوند او را بی نیاز می کند.

ص: ۱۵۱

۱- (۱) البکر: الفتی من الایل، بمنزله الغلام من الناس. والانتی بکره، النهایه: ۱۴۹/۱.

۲- (۲) الکافی: ۱۳۹/۲ ح ۷، عنه البحار: ۱۲۸/۲۲ ح ۱۰۲.

۱۹ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

ليس الغنى عن كثره العرض ولكن الغنى غنى النفس (۱).

۲۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : يا أباذر! استغن بغناء الله يغنك الله. فقلت: وما هو يا رسول الله؟ فقال: غداء يوم وعشاء ليله، فمن قنع بما رزقه الله فهو أغنى الناس (۲).

۲۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : قال الله عز وجل: إن من أغبط أوليائي عندي رجلاً خفيف الحال، ذا حظ من صلاة، أحسن عباده ربّه بالغيب، وكان غامضاً في الناس، جعل رزقه كفافاً فصبر عليه، عجلت ميتته فقلّ تراثه وقلّت بواكيه (۳).

۲۲ - قال عليّ عليه السلام : من قنع برزق الله استغنى عن الخلق (۴).

۱۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بی نیازی در داشتن اموال فراوان نیست، بلکه بی نیازی، بی نیازی نفس است.

۲۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله به ابوذر فرمود: ای ابوذر! به وسیله ی غنای الهی بی نیازی بجوی تا خداوند بی نیازت کند.

[ابوذر گوید] پرسیدم: ای رسول خدا! آن چیست؟

فرمود: غذای یک روز و شام یک شب؛ پس هر کس به آنچه خدا روزی اش کرده است قانع باشد غنی ترین مردم است.

۲۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله می فرماید: خدای عزّ و جلّ فرمود:

از میان دوستانم نزد من کسی بیش از دیگران مورد غبطه [هدف آرزوی دیگران] است که سبک بال است؛ از نماز بهره می برد؛ پروردگارش را در نهان، نیکو می پرستد و در میان مردم گمنام است؛ روزی خود را به اندازه ی کفاف قرار داده است و بر آن شکینا است؛ مرگش زودرس و میراثش ناچیز است و گریه کنندگانش اندکند.

۲۲ - امام علی علیه السلام فرمود: هر کس به روزی خدا قانع باشد از مردم بی نیاز است.

ص: ۱۵۲

۱- (۱) تحف العقول: ۵۷، عنه البحار: ۱۶۲/۷۷ ح ۱۶۷ و نحوه فی کنزالفوائد للکراچکی: ۲۸۸، عنه البحار: ۲۰/۱۰۳ ح ۱.

۲- (۲) أمالی الطوسی: ۵۳۶ ضمن ح ۱۱۶۲، عنه المستدرک: ۲۲۷/۱۵ ح ۱۸۰۷۴.

۳- (۳) الکافی: ۱۴۰/۲ ح ۱ و نحوه فی ص ۱۴۱ ح ۶ و تحف العقول: ۳۸.

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۴۴۹ ح ۷۹۵۸.

۲۳ - قال عليّ عليه السلام: الرّضا بالكفاف خيرٌ من السعي في الإسراف (۱).

۲۴ - قال عليّ عليه السلام: الرّضا بالكفاف يؤدّي إلى العفاف (۲).

۲۵ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

قال رجلٌ للنبيّ صلى الله عليه وآله وسلم:

يا رسول الله! علّمني شيئاً إذا أنا فعلته أحبّني الله من السماء وأحبّني أهل الأرض، قال:

ارغب فيما عند الله يحبّك الله، وازهد فيما عند الناس يحبّك الناس (۳).

۲۶ - قال عليّ بن الحسين عليهما السلام للزهري: اعلم أنّ أكرم الناس على الناس من كان خيره عليهم فائضاً، وكان عنهم مستغنياً متعففاً.

وأكرم الناس بعده عليهم من كان مستعففاً وإن كان إليهم محتاجاً، فإنّما أهل الدّنيا يتعقّبون الأموال فمن لم يزاحمهم فيما يتبقّونه كرم عليهم، ومن لم يزاحمهم فيها ومكّنهم من بعضها كان أعزّ وأكرم (۴).

۲۳ - امام علي عليه السلام فرمود: راضی بودن به اندازه ی مورد نیاز، بهتر است از کوششی که در آن اسراف باشد.

۲۴ - امام علی علیه السلام فرمود: راضی بودن به مقدار مورد نیاز، به پاکدامنی می انجامد.

۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد:

ای رسول خدا! چیزی را به من بیاموز که چون آن را انجام دهم خداوند مرا در آسمان ها دوست بدارد و اهل زمین نیز مرا دوست بدارند.

فرمود: به آنچه نزد خدا است مشتاق باش که در این صورت خداوند تو را دوست می دارد، و از آنچه نزد مردم است کناره گیر که در این صورت مردم تو را دوست می دارند.

۲۶ - امام سجّاد علیه السلام به زهري فرمود: بدان که گرامی ترین مردم در نزد مردم کسی است که خیرش بر آنان جاری باشد و خود از آنان بی نیاز و خوددار باشد. پس از او، گرامی ترین مردم در نزد آن ها کسی است که از درخواست کردن از آن ها خودداری کند، هرچند به آنان محتاج باشد. مردم به دنبال اموال هستند، پس هر که در آنچه جمع کرده اند مزاحمشان نباشد، نزد آنان گرامی است و هر که در آن مزاحمشان نباشد و مقداری از اموال نیز در اختیارشان بگذارد، [در نزد آن ها] عزیزتر و گرامی تر است.

- ١- (١) عيون الحكم والمواعظ: ٢١ ح ١٢٤.
- ٢- (٢) عيون الحكم والمواعظ: ٢٧ ح ٣٤٣.
- ٣- (٣) تهذيب الأحكام: ٣٧٧/٦ ح ١١٠٢، عنه الوسائل: ٤٥١/٩ ح ١٢٤٧٥.
- ٤- (٤) الاحتجاج: ٣٢٠، عنه البحار: ١٥٦/٧٤ ضمن ح ١.

۲۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

شرف المؤمن قيام الليل، وعزّه استغناؤه عن الناس (۱).

۲۸ - عن العالم عليه السلام قال: اليأس ممّا في أيدي الناس عزّ المؤمن في دينه، ومرّوته في نفسه، وشرفه في دنياه، وعظمته في أعين الناس، وجلالته في عشيرته، ومهابته عند عياله، وهو أغنى الناس عند نفسه وعند جميع الناس (۲).

۲۹ - عن عامر الشعبي قال:

تكلّم أمير المؤمنين عليه السلام بتسع كلمات ارتجلهنّ ارتجالاً... ثلاث منها في المناجاة، وثلاث منها في الحكمة، وثلاث منها في الأدب...

وأما اللّاتي في الأدب فقال:

امنن على من شئت تكن أميره، واحتج إلى من شئت تكن أسيره، واستغن عن من شئت تكن نظيره (۳).

۳۰ - عن أبي الحسن الكاظم عليه السلام قال: كان لقمان عليه السلام يقول لابنه:

يا بُنَيّ! خذ من الدّنيا بلغه ولا تدخل فيها دخولاً يضرّ بآخرتك، ۲۷ - امام صادق عليه السلام فرمود:

شرافت مؤمن به شب زنده داری و عزّتش در بی نیازی او از مردم است.

۲۸ - امام رضا عليه السلام فرمود:

ناامیدی از آنچه در دستان مردم است موجب عزّت مؤمن در دینش، جوانمردی او در درونش، شرافت او در دنیایش، بزرگی او در دیدگان مردم، شکوهمندی او در میان قبیله و خاندانش، و ابهت او نزد خانواده اش می شود.

چنین شخصی بی نیازترین مردم نزد خود و نزد همه ی مردم است.

۲۹ - عامر شعبي می گوید:

امیرمؤمنان عليه السلام بدون مقدّمه ی قبلی نه جمله فرمود... که سه تا درباره ی مناجات و سه تا درباره ی حکمت و سه تا درباره ی ادب بود....

اما درباره ی ادب فرمود:

بر هر که می خواهی احسان کن تا امیرش باشی، و از هر که می خواهی درخواست نیازمندی کن تا اسیرش باشی،

و از هر که می خواهی بی نیاز باش تا همانندش باشی.

۳۰- امام کاظم علیه السلام فرمود: لقمان علیه السلام به فرزندش می گفت:

فرزندم! تنها به مقدار مورد نیاز از دنیا برگیر و در دنیا چنان فرو نرو که به آخرت ضرر برساند

ص: ۱۵۴

۱- ((۱)) الکافی: ۱۴۸/۲ ح ۱.

۲- ((۲)) فقه الرضا علیه السلام: ۳۶۷.

۳- ((۳)) الخصال: ۴۲۰ ح ۱۴، عنه البحار: ۴۰۲/۷۷ ح ۲۳.

ولا ترفضها فتكون عيالاً على الناس (۱).

۳۱ - عن عبدالأعلى مولى آل سام قال: استقبلت أبا عبد الله عليه السلام في بعض طرق المدينة في يوم صايف شديد الحر، فقلت: جعلت فداك حالك عند الله عز وجل وقرابتك من رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و أنت تجهد لنفسك في مثل هذا اليوم! فقال: يا عبدالأعلى! خرجت في طلب الرزق لأستغنى عن مثلك (۲).

۳۲ - قال الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام: إذا كان يوم القيامة وقف عبدان مؤمنان للحساب، كلاهما من أهل الجنة:

فقير في الدنيا وغني في الدنيا. فيقول الفقير:

يا رب! على ما اوقف؟ فوعزتك إنك لتعلم أنك لم تولني ولاية فأعدل فيها أو أجور، ولم ترزقني مالا فأؤدى منه حقاً أو أمنع، ولا كان رزقي يأتيني منها إلا كفافاً على ما علمت وقدرت لي.
و آن را چنان ترك نكن كه هزينه ات بر دوش مردم بيافتد.

۳۱ - عبدالأعلى مولى آل سام می گوید:

در یکی از راه های مدینه، در گرمای شدید روز، با امام صادق علیه السلام روبه رو شدم.

عرض کردم: فدایت شوم! منزلت تو در پیشگاه خداوند عز و جل و خویشاوندی تو با رسول خدا صلی الله علیه و آله [معلوم است] و با این وجود تو در مثل چنین روزی خود را به سختی می اندازی؟

حضرت فرمود:

در پی طلب روزی برآمدم تا از مانند تو بی نیاز باشم.

۳۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:

روز قیامت دو بنده ی مؤمن برای حسابرسی حاضر می شوند که هر دو اهل بهشتند:

بی نوا در دنیا و توانگر در دنیا.

فقیر می گوید: پروردگارا! برای چه نگه داشته شده ام؟

سوگند به عزت تو خوب می دانی که به من حکومتی را نسپردی تا در آن داد بستانم یا ستم نمایم و مالی ارزانی ام نداشته باشی تا از آن حقی ادا کنم یا نکنم و روزی ام جز به اندازه ی کفاف نمی رسد چنان که خودت می دانستی و برایم مقدر می فرمودی.

١- (١) قصص الأنبياء للراوندى : ١٩٠ ضمن ح ٢٣٨.

٢- (٢) الكافى : ٧٤/٥ ح ٣، التهذيب : ٣٢٤/٦ ح ٨٩٣، عنهما الوسائل : ٢٠/١٧ ح ٢١٨٧٣.

فيقول الله جلّ جلاله: صدق عبدی خلّوا عنه يدخل الجنّه.

ويبقى الآخر حتّى يسيل منه العرق ما لو شربه أربعون بعيراً لكفاه ثمّ يدخل الجنّه فيقول الفقير له: ما حبسك؟ فيقول: طول الحساب، ما زال الشىء يجيئني بعد الشىء يغفر لي ثمّ أسأل عن شىء آخر حتّى تغمّ دني الله عزّ وجلّ منه برحمه وألحقني بالتائبين، فمن أنت؟ فيقول: أنا الفقير الذي كنت معك آنفاً.

فيقول: لقد غيرك النعيم بعدى (١).

٣٣ - عن الهيثم بن واقد قال:

سمعت الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام يقول:

مَنْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِّ الْمَعَاصِي إِلَى عَزِّ التَّقْوَى أَغْنَاهُ اللَّهُ بِمَا لَمْ يَأْتِهِ وَأَعَزَّهُ بِمَا لَمْ يَأْتِهِ... وَمَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ... (٢).

خدای جلّ جلاله می فرماید: بنده ام راست می گوید، رهائش کنید تا به بهشت در آید.

آن شخص دیگر باقی می ماند [نگه داشته می شود] تا جایی که به اندازه ای عرق می ریزد که اگر چهل شتر از آن بنوشند سیراب می شوند.

سپس وارد بهشت می شود. فقیر به او می گوید: برای چه نگهت داشتند؟

می گوید: به جهت طول حساب؛ پیوسته چیزهایی را یکی پس از دیگری از من می پرسیدند و من بخشیده می شدم تا این که خداوند عزّ وجلّ مرا با رحمتی از جانب خود فرا گرفت و مرا به توبه کاران ملحق کرد.

تو کیستی؟ فقیر می گوید: من همان بی نوایی هستم که با تو بودم. ثروتمند به او می گوید:

پس از من، نعمت های بهشتی تو را دگرگون ساخته است.

٣٣ - هيثم بن واقد می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند هر که را از خواری گناه به عزّت و سرافرازی تقوا در آورد، او را بدون سرمایه، بی نیاز می کند و بدون قبیله و خویشاوند، عزیز می سازد، و بدون مونس، آرامش می دهد...

هر که به روزی اندک خداوند عزّ وجلّ راضی باشد خداوند به کردار اندک او خشنود می شود....

١- (١) روضه الواعظين: ٤٥٥.

٢- (٢) الفقيه: ٤١٠/٤ ح ٥٨٩٣ ونحوه فى مستطرفات السرائر: ٨٢ ح ٢٠، عنه البحار: ٢٧٠/٧٨ ح ١١٠.

۳۴ - عن الصادق عليه السلام قال: في الإنجيل أنّ عيسى عليه السلام قال: اللهمّ ارزقني غدوةً رغيفاً من شعير، وعشيّةً رغيفاً من شعير، ولا ترزقني فوق ذلك فأطغي، وكما أنّ الخائض في الماء يجد بللاً لامحاله كذلك صاحب الدنيا يجد على قلبه ريناً وقسوةً لامحاله (۱).

□
۳۵ - عن زراره قال: إنّ رجلاً أتى أبا عبد الله عليه السلام فقال: إني لا أحسن أن أعمل عملاً بيدي ولا أحسن أن أتجر وأنا محارّف محتاج. (۲) فقال: اعمل فاحمل على رأسك واستغن عن الناس، فإنّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قد حمل حجراً على عاتقه فوضعه في حائط له من حيّطانه وإنّ الحجر لفي مكانه ولا يدرى كم عمقه، إلّا أنّه ثمّ (۳) [بمعجزته] (۴).

۳۴ - امام صادق عليه السلام فرمود: در انجيل آمده است كه عيسى عليه السلام مي گفت:

بارالها! در صبح يك گرده نان جو و در شامگاه يك گرده نان جو روزي ام فرما و بيش از آن روزي ام مفرما كه طغيان كنم.

وهمان طور كه فرو رونده در آب، به ناچار تری را [در خود] می یابد [تر می شود] صاحب دنیا نیز به ناچار بر قلب خود زنگار و قساوت می یابد.

۳۵ - زراره می گوید: مردی خدمت امام صادق عليه السلام رسید و عرض کرد:

من با این كه محروم و نیازمندم، دوست ندارم با دستانم كار كنم و دوست ندارم تجارت نمایم.

حضرت فرمود: كار كن و در مقابل حمل اشيا برای دیگران، اجرت بگیر و از مردم بی نیاز باش.

رسول خدا صلى الله عليه وآله سنگ بزرگی را بر دوش خود حمل کرد و آن را در باغی از باغ هایش گذاشت.

آن سنگ در جای خودش هست و کسی نمی داند عمق آن سنگ چه اندازه است و هنوز آن جا است.

[این از معجزه ی آن حضرت می باشد].

ص: ۱۵۷

۱- ((۱)) عُدّه الداعي: ۱۱۵.

۲- ((۲)) المحارّف: المحروم الذي إذا طلب لا يُرزق، أويكون لا يسعى في الكسب، (مجمع البحرين: ۱/۴۹۱).

۳- ((۳)) أي كونه ثمّة إلى الآن يدلّ على كثره عمقه فيدلّ على كبر الحجر، (مرآة العقول: ۲۱/۱۹).

۴- ((۴)) الكافي: ۵ / ۷۶ ح ۱۴، عنه الوسائل: ۳۸/۱۷ ح ۲۱۹۲۲.

۳۶ - قال النبي صلى الله عليه وآله : استغنوا عن الناس ولو بشووص السواك (۱).

۳۷ - عن الإمام السجّاد عليه السلام من دعائه في المعونه على قضاء الدين قال:

اللهم صلّ على محمّد وآله، وهب لي العافيه من دينٍ تخلق به وجهي، ويحار فيه ذهني، ويتشعب له فكري، ويطول بممارسته شغلي، وأعوذ بك يا ربّ من همّ الدين وفكره، وشغل الدين وسهره، فصلّ على محمّد وآله، وأعدني منه، وأستجير بك يا ربّ من ذلّته في الحياه، ومن تبعته بعد الوفاء، فصلّ على محمّد وآله، وأجرني منه بوسعٍ فاضل، أو كفافٍ واصل (۲).

□
۳۸ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

...خففوا الدين، فإنّ في خفّه الدين زياده العمر (۳).

□
۳۹ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

□
تعوّذوا بالله من غلبه الدين (۴).

۳۶ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

از مردم بی نیازی بجویید حتی [در چیزی که] به ارزش آب دهان پس از مسواک زدن باشد.

۳۷ - از دعاهای امام سجّاد علیه السلام در یاری از خداوند بر ادای دین است که گفت:

بارالها بر محمّد و آل او درود فرست و مرا معاف دار از بدهکاری که با آن آبرویم را ببری و خردم در آن سرگردان شود و اندیشه ام آشفته گردد و گرفتاری ام در چاره ی آن به طول انجامد، و به تو پناه می برم ای پروردگار از اندوه بدهکاری و اندیشه ی آن، و از گرفتاری و بی خوابی آن، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از آن پناه ده، و به تو پناه می جویم ای پروردگار از خواری دنیوی آن و از گرفتاری پس از مرگ آن، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا با توانگری بسیار یا روزی به اندازه ی نیاز که برسد، از آن برهان.

۳۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

بدهکاری را سبک کنید که کم بودن بدهکاری موجب افزایش عمر است.

۳۹ - امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا پناه ببرید از غلبه بدهکاری.

- ١- ((١)) الفقيه: ٧١/٢ ح ١٧٦١، عنه الوسائل: ٤٤١/٩ ح ١٢٤٤٠.
- ٢- ((٢)) الصحيفة السجادية الجامعة: ١٥٠ الدعاء ٧٩.
- ٣- ((٣)) أمالي الطوسي: ٦٦٧ ح ١٣٩٦.
- ٤- ((٤)) الكافي: ٩٢/٥ ح ١ والفقيه: ١٨١/٣ ح ٣٦٨٢ و التهذيب: ١٨٣/٦ ح ٣٧٧، عنها الوسائل: ٣١٥/١٨ ح ٢٣٧٤٨.

۴۰ - عن الإمام السَّجَّاد عليه السلام - من دعائه في اليوم الثامن والعشرين من شهر رمضان - قال:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْكَسَلِ وَغَلْبَةِ الدِّينِ وَغَلْبَةِ بَنِي آدَمَ... (۱).

۴۰ - از دعای امام سجّاد علیه السلام در روز هیجدهم ماه رمضان است که گفت:

بارالها! به تو پناه می برم از غم و اندوه و تنبلی و غلبه ی بدهکاری و غلبه ی آدمیان... .

ص: ۱۵۹

۱- (۱) الصحیفه السَّجَّادیه الجامعه: ۲۸۰ ضمن الدعاء ۱۳۸.

ج) نهي از اظهار فقر و درخواست از مردم، و نکوهش چشم داشتن به مال آن ها

۱ - قال أبو عبد الله عليه السلام: ما من عبدٍ يسأل من غير حاجة فيموت حتّى يُحوّجه الله إليها ويثبت الله له بها النار (۱).

۲ - قال علي بن الحسين عليهما السلام:

ضمنت على ربّي أنّه لا يسأل أحدٌ من غير حاجة إلّا اضطرّته المسأله يوماً إلى أن يسأل من حاجة (۲).

۳ - قال النّبىّ صلى الله عليه وآله: مَنْ سأل عن ظهر غنى فصداع فى الرأس و داء فى البطن (۳).

۴ - قال النّبىّ صلى الله عليه وآله: مَنْ سأل الناس أموالهم تكثرًا فإنّما هى جمره فليستقلّ منه أو ليستكثر (۴).

۱ - امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ بنده ای نیست که بدون نیاز [چیزی را] گدایی کند، مگر این که خداوند پیش از مرگ، او را به آن نیازمند کند و به سبب آن، آتش را برایش پایدار سازد.

۲ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

از جانب پروردگارم متعهد می شوم که کسی بدون نیاز درخواست نمی کند مگر این که یک روز فقر او را مجبور می کند که از روی نیازمندی بخواهد.

۳ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که از روی بی نیازی درخواست کند، دردی در سر و بیماری در شکم دارد.

۴ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که برای افزایش [ثروت خود]، اموال مردم را درخواست کند، این درخواست، آتشی است برافروخته، چه کم بخواهد چه زیاد.

ص: ۱۶۰

۱- ((۱)) الکافی: ۱۹/۴ ح ۳ و ثواب الأعمال: ۳۲۵ ح ۱، عنهما الوسائل: ۴۳۶/۹ ح ۱۲۴۲۴.

۲- ((۲)) الکافی: ۱۹/۴ ح ۱ و الفقیه: ۷۰/۲ ح ۱۷۵۴، عنهما الوسائل: ۴۳۶/۹ ح ۱۲۴۲۵.

۳- ((۳)) جامع الأخبار: ۳۷۹ ح ۱۰۶۵، عنه البحار: ۱۵۶/۹۶ ضمن ح ۲۹.

۴- ((۴)) جامع الأخبار: ۳۸۰ ح ۱۰۶۶، عنه البحار: ۱۵۶/۹۶ ضمن ح ۲۹.

۵ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
مَنْ سَأَلَ النَّاسَ وَعِنْدَهُ قُوَّةٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ يَلْقَاهُ وَلَيْسَ فِي وَجْهِهِ لَحْمٌ (۱).

□
۶ - قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَأَلَ النَّاسَ شَيْئاً وَعِنْدَهُ مَا يَقُوْتُهُ يَوْمَهُ فَهُوَ مِنَ الْمُسْرِفِينَ (۲).

□
۷ - قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ الْمَسْأَلَةِ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّ أَدْنَاهَا شَيْءٌ (۳).

۸ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ [الْبَاقِر] عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُحَمَّدُ! لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا، وَلَوْ يَعْلَمُ الْمَعْطَى مَا فِي الْعَطِيَةِ مَارَدٌ أَحَدٌ أَحَدًا (۴).

۹ - مِنْ وَصَايَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ! لَنْ ادْخُلَ عَنِ الْمُسْتَطْرَفَاتِ.

۵ - امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که غذای سه روز را داشته باشد و با این حال از مردم درخواست کند، خدا را در روز ملاقات در حالی دیدار می کند که در صورتش گوشتی نباشد.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که چیزی را در خواست کند در حالی که غذای روز خود را دارد، از اسراف گران است.

۷ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که در گدایی را بر خود بگشاید خداوند هفتاد در فقر را بر او بگشاید که هیچ چیزی نزدیک ترين آن ها را [نیز] نمی بندد.

۸ - محمد بن مسلم نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

ای محمد!

اگر درخواست کننده می دانست که در درخواست کردن، چه [زشتی هایی] وجود دارد، هرگز کسی از دیگری درخواست نمی کرد؛

و اگر بخشنده می دانست که در بخشیدن چه [حسناتی] وجود دارد هرگز کسی، دیگری را رد نمی کرد.

۹ - از سفارش های رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: ای علی!

ص: ۱۶۱

٢- (٢) تفسير العياشي: ١٤/٢ ح ٢٨، عنه الوسائل: ٤٣٨/٩ ح ١٢٤٣٢.

٣- (٣) عُدّه الداعي: ١٠٠، عنه الوسائل: ٤٣٨/٩ ح ١٢٤٣١.

٤- (٤) الكافي: ٢٠/٤ ح ٢ و مستطرفات السرائر: ١٤٤ ح ١٤ وفي الوسائل: ٤٣٧/٩ ح ١٢٤٢٧

یدی فی فم التّین (۱) إلى المرفق أحبّ إلى من أن أسأل من لم يكن ثمّ كان (۲).

□
۱۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

□
الأيدي ثلاث: يد الله العليا، ويد المعطى التي تليها، ويد المعطى أسفل الأيدي، فاستعفوا عن السؤال ما استطعتم، إنّ الأرزاق دونها حجب، فمن شاء قنى حياؤه (۳) وأخذ رزقه، ومن شاء هتك الحجاب وأخذ رزقه، والذي نفسى بيده لأن يأخذ أحدكم جبلاً ثم يدخل عرض هذا الوادى فيحتطب حتى لا يلتقى طرفاه ثم يدخل به السوق فيبيعه بمدّ من تمر ويأخذ ثلثه ويتصدّق بثلثيه، خير له من أن يسأل الناس، أعطوه أو حرّموه (۴).

□
۱۱ - عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال:

□
إنّ الله يرضى لكم ثلاثاً اگر دستم را تا مرفق در دهان مار بزرگ فرو برم برایم خوش تر است از این که درخواست کنم از کسی که نداشت و دارا شد.

۱۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دست ها سه گونه اند:

دست خدا که برترین است، دست بخشنده که پس از آن است، و دست گیرنده که پایین ترین دست ها است؛

پس تا می توانید از درخواست کردن خودداری کنید.

همانا روزی ها پشت پرده ای است؛ پس هر که خواهد، حیا پیشه کند و روزی خود را دریافت کند و هر که خواهد پرده دری کند و روزی خود را بگیرد.

سوگند به آن که جانم در دست او است اگر یکی از شما طنابی بردارد و در پهنای این صحرا برود و هیزم گرد آورد - به اندازه ای که دو طرف طناب به هم نرسد - ، سپس به بازار آورد و آن را در برابر یک مد خرما بفروشد و یک سوم آن را برای خود بردارد و دو سومش را صدقه دهد، برایش بهتر است از این که از مردم درخواست کند، چه آنان به او ببخشند یا نبخشند.

۱۱ - از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل شده است که فرمود:

خداوند از سه ویژگی شما خرسند می شود

ص: ۱۶۲

۱- ((التّين: الحيه العظيمة، (مجمع البحرين: ۱/۲۹۷)).

۲- ((الفقيه: ۳۷۳/۴ ضمن ح ۳۵۷۶۵، عنه الوسائل: ۹/۴۴۰ صدر ح ۱۲۴۳۹.

٣- (٣) فنيت الحياء: لزمته، (مجمع البحرين: ٥٥٥/٣).

٤- (٤) الكافي: ٢٠/٤ ح ٣، عنه الوسائل: ٤٣٩/٩ ح ١٢٤٣٦.

و یسخطکم ثلاثاً: یرضی لکم أن تعبدوه ولا تشرکوا به شیئاً، وأن تعتصموا بحبل الله جميعاً، وأن تناصحوا من ولّاه الله أمرکم؛ ویکره لکم قیل وقال، وکثره السؤال، وإضاعه المال (۱).

۱۲ - عن أبي الحسن الأحمسی عن أبي عبد الله علیه السلام قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفْوُضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۲) فالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا.

ثم قال: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ؛ إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقِلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقِلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ (۳).

۱۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ شَيْئًا لِنَفْسِهِ وَأَبْغَضُهُ لَخَلْقِهِ، أَبْغَضَ لَخَلْقِهِ الْمَسْأَلَةَ وَأَحَبُّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ وَازْ سَهٍ وَبِزْغِي شَمَا بِهِ خَشَمَ مِي آيِد:

خداوند می پسندد که او را بپرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید، و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید، و در مورد کسی که خداوند سرپرستی امور شما را به او سپرده است خیرخواهی کنید؛ و سه و بیزگی را که خوش ندارد عبارتند از:

بگو مگو و نزاع، درخواست بسیار [از مردم]، و از بین بردن مال.

۱۲ - أبو الحسن أحمسی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

خداوند عزّ و جلّ همه ی کارهای مؤمن را به خودش واگذار کرده است جز این که به او اجازه نداده است که خوار باشد؛ آیا نمی شنوی سخن خدای عزّ و جلّ را که می فرماید «عزّت از آن خدا و پیامبر او و مؤمنان است»؟ پس مؤمن باید عزیز باشد و نباید خوار باشد.

مؤمن محکم تر از کوه است؛ زیرا کوه با کندن به وسیله ی کلنگ ها، فرسایش می یابد، ولی مؤمن از دینش چیزی کاسته نمی شود.

۱۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خداوند تبارک و تعالی در مورد خود چیزی را دوست دارد که آن را در مورد بندگانش نمی پسندد:

درخواست بندگان از خلق را نمی پسندد و درخواست از خود را دوست دارد و چیزی نزد خداوند محبوب تر از آن نیست

ص: ۱۶۳

۱- (۱) ((الأدب المفرد: ۱۳۰ ح ۴۴۷.

۲- (۲) ((المنافقون: ۸.

۳- (۳) ((الكافي: ۵/۶۳ ح ۱ و نحوه فی ح ۶ و التهذيب: ۱۷۹/۶ ح ۳۶۷، عنهما الوسائل: ۱۵۶/۱۶ ح ۲۱۲۳۲ و ۲۱۲۳۳.

عز و جل من أن يُسأل، فلا يستحيي أحدكم أن يسأل الله من فضله ولو شسع نعل (١).

□
١٤ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
جاءت فخذ (٢) من الأنصار إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فسلموا عليه فردّ عليهم السلام، فقالوا: يا رسول الله! لنا إليك حاجة، فقال: هاتوا حاجتكم، قالوا:

□
إنها حاجة عظيمه، فقال: هاتوها ما هي؟ قالوا: تضمن لنا على ربك الجنة، قال: فنكس رسول الله صلى الله عليه وآله رأسه ثم نكت في الأرض ثم رفع رأسه فقال: أفعل ذلك بكم على أن لا تسألوا أحداً شيئاً.

□
قال: فكان الرجل منهم يكون في السفر فيسقط سوطه فيكره أن يقول لإنسان «ناولني» فراراً من المسأله، فينزل فيأخذه، ويكون على المائدة فيكون بعض الجلساء أقرب إلى الماء منه فلا يقول: «ناولني»، حتى يقوم فيشرب (٣).

□
که مورد درخواست قرار گیرد، پس هیچ یک از شما حیا نکنند که از فضل خدا طلب کند، گرچه بند کفشی باشد.

□
١٤ - امام صادق عليه السلام فرمود:

□
قبيله ای از انصار خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله آمدند. بر حضرت سلام کردند و آن حضرت پاسخ داد. سپس گفتند: ای رسول خدا! ما از تو درخواستی داریم. فرمود: بفرمایید؟ عرض کردند: خواسته ی ما بزرگ است. فرمود: بگوئید، چیست؟

□
گفتند: از جانب پروردگارت بهشت را برای ما ضمانت کن.

□
حضرت سربارکش را پایین انداخت، سپس با نوک انگشت به زمین کوئید، آن گاه سر خود را بلند کرد و فرمود:

□
این کار را برای شما انجام می دهم به این شرط که چیزی را از کسی نخواهید.

□
امام صادق عليه السلام فرمود: بسا یکی از آنان در سفر بود و تازیانه اش می افتاد؛ ولی خوش نداشت به کسی بگوید «آن را به من بده» تا درخواستی از کسی نکرده باشد؛ بلکه خود [از مرکب] پایین می آمد و آن را بر می داشت.

□
گاهی نیز یکی که از آن ها که بر سر سفره بود به کسی که به آب نزدیک تر بود نمی گفت «آن را به من بده»، بلکه خود بر می خاست و می نوشید.

□
ص: ١٦٤

٢- (٢) الفخذ: دون القبيله و فوق البطن، (مجمع البحرين: ٣/٣٦٩).

٣- (٣) الكافي: ٢١/٤ ح ٥ و الفقيه: ٧١/٢ ح ١٧٦٠، عنهما الوسائل: ٩/٤٣٩ ح ١٢٤٣٧.

۱۵ - قال النبي صلى الله عليه و آله يوماً لأصحابه: ألا تبايعوني؟ فقالوا:

□
قد بايعناك يا رسول الله، قال:

تبايعوني على أن لا تسألوا الناس شيئاً. فكان بعد ذلك تقع المِخْصَرَه (۱) من يد أحدهم فينزل لها ولا يقول لأحد «ناولنيها» (۲).

□
۱۶ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما كان في شيعتنا فلا يكون فيهم ثلاثة أشياء: لا يكون فيهم من يسأل بكفّه، ولا يكون فيهم بخيل... (۳).

□
۱۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

شيعتنا من لا يسأل الناس شيئاً ولو مات جوعاً (۴).

□
۱۸ - قال أبو عبد الله عليه السلام: لا تسألوا إخوانكم الحوائج فيمنعوكم فتغضبون و تكفرون (۵).

۱۵ - روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

آیا با من بیعت نمی کنید؟

گفتند: ای رسول خدا! ما با تو بیعت کردیم.

فرمود: با من بیعت کنید که از مردم چیزی را نخواهید.

پس از آن چنین بودند که هرگاه [چیزی همچون] عصا از دست یکی شان می افتاد، خودش برای برداشتن آن خم می شد و به دیگری نمی گفت «آن را به من بده».

۱۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه در شیعیان ما باشد سه چیز در آن ها نیست:

در میان آن ها گدای سائل به کفّ [کسی که دست گدایی جلوی دیگران دراز می کند] نیست، و در میانشان بخیل نیست... .

۱۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

شیعه ی ما کسی است که چیزی را از مردم درخواست نمی کند، گرچه از گرسنگی بمیرد.

۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

حاجت ها را از برادرانتان نخواهید که امتناع می ورزند و آن گاه شما خشم می گیرید و [نسبت به یکدیگر] ناسپاس می شوید.

- ١- ((١)) المِخْصَرُه: كَلَّ ما أَمْسَكَه الإنسان بيده من عَصاً ونحوها (مجمع البحرين: ١/٦٥٤).
- ٢- ((٢)) عُدَّه الداعى: ٩٩، عنه الوسائل: ٩/٤٤٣ ح ١٢٤٥١ والبحار: ١٥٨/٩٦ ضمن ح ٣٧.
- ٣- ((٣)) الخِصَال: ١٣١ ح ١٣٧، عنه البحار: ٦٣/٧٩ ح ١.
- ٤- ((٤)) عُدَّه الداعى: ٩٩، عنه الوسائل: ٩/٤٤٣ ح ١٢٤٤٨ والبحار: ١٥٩/٩٦ ضمن ح ٣٧.
- ٥- ((٥)) مِصَادِقُه الإِخْوَان: ٥٤ ح ١، عنه الوسائل: ٩/٤٤٢ ح ١٢٤٤٤.

۱۹ - قال النبي صلى الله عليه وآله : إِنَّ المسأله لا تحلّ إلّلفقر مدقع، أو غرم مفتح (۱).

□
۲۰ - قال أبو عبدالله عليه السلام : لا تصلح المسأله إلّافی ثلاث: فی دم منقطع، أو غرم منقل، أو حاجه مدقعه (۲).

۲۱ - قال علی لابنه الحسن علیهما السلام :

اعلم یقیناً أنّک لن تبلغ أملك، و لن تعدو أجلک، و أنّک فی سبیل من کان قبلک، فحفّض فی الطلب، و أجمل فی المكتسب، فإنّه ربّ طلب قد جرّ إلى حرب (۳) فلیس کلّ طالب بمرزوق، و لا کلّ مجمل بمحروم.

و أكرم نفسک عن کلّ دئیه و إن ساقطک إلى الرغائب، فإنّک لن تعترض بما تبذل من نفسک عوضاً، و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّاً. و ما خیر خیر لائینال إلّا بشرّ، و یسرّ لائینال إلّا بعسر (۴).

۱۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

درخواست کردن [از دیگران] جز برای نیاز سخت و زمین گیر کننده یا بدهی غیرقابل تحمل، روا نیست.

۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: درخواست از دیگران جز در سه مورد شایسته نیست:

خون بهایی که گردن گیر شده است، بدهی سنگین، یا نیاز سخت و ذلت بار.

۲۱ - امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود:

یقین بدان که تو هرگز به آرزوی خود نخواهی رسید و از مرگ خود نخواهی رست و تو در راه کسانی هستی که پیش از تو بودند، پس در تلاش خود [برای مال و دارایی] مدارا کن و آسان گیر و در آنچه به دست می آید به نیکویی و میانه روی رفتار کن؛ زیرا بسا تلاشی که به نابودی بینجامد؛ که هر تلاش کننده ای کامیاب و هر میانه رویی محروم نیست.

و نفس خود را از هر زبونی گرمی دار هر چند تو را به خواسته هایت برساند؛ زیرا هرگز به اندازه ی آنچه از نفس خود هزینه می کنی عوض نخواهی گرفت.

و بنده دیگری مباش که خداتو را آزاد آفریده است. و آن نیکویی که جز با بدی بدست نیاید چه خیری دارد؟ و آن آسانی که جز با دشواری به آن نرسند، چه آسانی ی دارد؟

ص: ۱۶۶

۱- (۱) جامع الأخبار: ۳۷۹ ح ۱۰۶۲، عنه البحار: ۱۵۶/۹۶ ضمن ح ۲۹ ونحوه فی المصنّف لابن أبی شیبّه: ۱۰۰/۳ ح ۳.

۲- (۲) الخصال: ۱۳۵ ح ۱۴۸، عنه الوسائل: ۴۴۷/۹ ح ۱۲۴۶۴.

۳- (۳) الحرب، نهب مال الإنسان و ترکه لاشیء له، (النهایه: ۳۵۸/۱).

٤- (٤) نهج البلاغه (صباحي الصالح): ٤٠١ ضمن كتاب ٣١، عنه البحار: ٣٩/١٠٣ ضمن ح ٨٨.

۲۲ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله لأبى ذرّ - رحمه الله عليه - : يا أباذر! إياك والسؤال فإنه ذلّ حاضر، وفقر تتعجّله، وفيه حسابٌ طويلٌ يوم القيامة... يا أباذر! لا تسأل بكفّك، وإن أتاك شيء فاقبله (۱).

۲۳ - عن عبدالأعلى بن أعين قال:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: طلب الحوائج إلى الناس استلاب للعزّ ومذهبه للحياء، واليأس ممّا فى أيدي الناس عزّ للمؤمن فى دينه، والطمع هو الفقر الحاضر (۲).

۲۴ - قال علىّ لابنه الحسن عليهما السلام :

اعلم يا بُنَيَّ أنّ الرزق رزقان: رزق تطلبه، و رزق يطلبك فإن أنت لم تأته أتاك. ما أقبح الخضوع عند الحاجة والجفاء عند الغنى؟ إنّما لك من دنياك ما أصلحت به مثواك، وإن كنت جازعاً على ما تفلّت من يديك فاجزع على كلّ ما لم يصل إليك (۳).

۲۲ - رسول خدا صلى الله عليه و آله به ابوذر - که رحمت خدا بر او باد - فرمود:

ای ابوذر! از سؤال کردن بپرهیز که ذلّمتی است حاضر و آماده، و فقری است که به سویس می شتابی، و حساب آن در روز قیامت طولانی است. ...

ای ابوذر! دست به درخواست دراز مکن و اگر چیزی به تو دادند بپذیر.

۲۳ - عبدالأعلى بن اعین می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزّت و از بین رفتن حیا می گردد و ناامیدی از آنچه در دستان مردم است سبب عزّت مؤمن در دینش می شود، و طمع فقری است حاضر و آماده.

۲۴ - امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: ای پسر! بدان که روزی دو قسم است:

یکی آن که تو آن را می جویی، و دیگری آن که او تو را می جوید و اگر تو به سوی آن نروی خودش به تو خواهد رسید.

چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز و ستمکاری به هنگام بی نیازی. همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت خود را اصلاح کنی. اگر برای چیزی که از دست می دهی بی تابی می کنی، پس برای هر چیزی که به دست تو نرسیده نیز بی تابی کن.

ص: ۱۶۷

٢- ((٢)) الكافي: ١٤٨/٢ ح ٤، عنه الوسائل: ٤٤٩/٩ ح ١٢٤٧٠.

٣- ((٣)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٤٠٤ ضمن كتاب ٣١، عنه البحار: ٤٠/١٠٣ ضمن ح ٨٨ أورد صدره، وأورد ذيله فى ج: ١٢/٧٧ ضمن ح ١.

۲۵ - قال لقمان لابنه: يا بُنَيَّ! ذقت الصبر وأكلت لحاء الشجر فلم أجد شيئاً هو أَمْرٌ من الفقر، فإن بليتَ به يوماً فلا تظهر الناس عليه فيستهينوك ولا ينفعوك بشيء، ارجع إلى الذي ابتلاك به فهو أقدر على فِجْجِكَ، و سلّه، مَنْ ذا الذي سأله فلم يعطه أو وثق به فلم ينجّه؟ (۱) ۲۶ - عن مفضل بن قيس بن رمانة قال: دخلت على أبي عبدالله عليه السلام فذكرت له بعض حالي، فقال: يا جاريه! هاتي ذلك الكيس.

هذه أربعمائه دينار وصلني بها أبو جعفر فخذها وتفرّج بها.

قال فقلت: لا والله جعلت فداك ما هذا دهري ولكن أحببت أن تدعو الله عزّ وجلّ لي. قال: فقال:

إني سأفعل، ولكن إياك أن تخبر الناس بكلّ حالك فتَهون عليهم (۲).

۲۷ - قال أبو عبدالله عليه السلام ثلاثه من عازهم ذلّ: الوالد، والسلطان، والغريم (۳).

۲۵ - لقمان به فرزندش گفت: ای پسر! طعم گیاه صبر [گیاهی است تلخ] را چشیدم و پوست درخت را خوردم، ولی چیزی را تلخ تر از فقر نیافتم.

اگر روزی به آن گرفتار شدی مردم را بر آن آگاه نکن که تو را خوار می شمردند و سودی به تو نمی رسانند؛ به سوی خدا که تو را به آن مبتلا ساخت بازگرد که او بر گشایش تو تواناتر است، و از او بخواه. چه کسی از او خواست که عطایش نکرد یا به او اطمینان کرد که نجاتش نداد؟

۲۶ - مفضل بن رمانة می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و حالم را برایش بازگو کردم.

آن حضرت [به کنیزش] فرمود: ای کنیز آن کیسه را به من بده.

[آن گاه روبه من کرد و فرمود:] این چهارصد دينار است که ابو جعفر آن را به من داده است.

بگیر و با آن کار خود را گشایش بخش.

عرض کردم: نه سوگند به خدا، فدایت شوم! هدفم این نیست؛ ولی دوست دارم برایم از خدا بخواهی.

حضرت فرمود: این کار را می کنم، ولی پرهیز از این که مردم را از همه ی احوالت با خبر کنی که نزد آنان خوار و سبک می شوی.

۲۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس با سه نفر [در عزّتشان] هموردی کند خوار می شود: پدر، فرمانروا و طلبکار.

١- ((١)) الكافي: ٢٢ / ٤ ح ٨، عنه الوسائل: ٤٤٥/٩ ح ١٢٤٥٩.

٢- ((٢)) الكافي: ٢١/٤ ح ٧.

٣- ((٣)) الخصال: ١٩٥ ح ٢٧٠، عنه الوسائل: ٣٢٧/١٨ ح ٢٣٧٧٧ والبحار: ١٠٣/١٤٦ ح ٢ وفيه «عاداهم» بدل «عازهم».

۲۸ - عن عليّ عليه السلام قال: إياكم و الدين، فإنّه مدله بالنهار ومهمه بالليل، وقضاء في الدنيا وقضاء في الآخرة (۱).

۲۹ - قال النبيّ صلى الله عليه و آله : الدين ينقص من الدين والحسب (۲).

۳۰ - قال عليّ عليه السلام : خير الغنى ترك السؤال، وشرّ الفقر لزوم الخضوع (۳).

۳۱ - روى: من أبدى ضرّه إلى الناس فضح نفسه عندهم (۴).

۳۲ - عن العالم عليه السلام قال: وقوا دينكم بالاستغناء بالله عن طلب الحوائج، واعلموا أنّه من خضع لصاحب سلطان جائر أو لمخالف طلباً لما في يديه من دنياه أهمله الله و مقت عليه و وكله إليه، فإن هو غلب على شيء من دنياه نزع الله منه البركه و لم ينفعه بشيء في حجّته ولاغيره من أفعال البرّ (۵).

۲۸ - امير مؤمنان على عليه السلام فرمود:

از قرض کردن بهره‌زید که آن سبب خواری روز و اندوه شب است،

و ادای آن در دنیا واجب و گرنه در آخرت لازم است.

۲۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

بدهکاری از دین و شرافت می کاهد.

۳۰ - امام علی علیه السلام فرمود:

برترین بی نیازی درخواست نکردن است و بدترین نیازمندی، فروتنی پیوسته [در برابر ناهلان] است.

۳۱ - روایت شده است که هر کس تنگنا و ناخوشی خود را برای مردم فاش کند، خود را نزد آنان رسوا ساخته است.

۳۲ - امام رضا علیه السلام فرمود:

با بی نیازی جستن از حاجت طلبی [از مردم] با کمک خداوند، دین خود را محافظت کنید و بدانید هر که در برابر سلطان ستمگر یا شخص مخالف حق، برای به دست آوردن دنیای آنان خضوع کند، خداوند به او توجه نمی کند و بر او خشم می گیرد و او را به آنان وا می گذارد.

پس اگر او به چیزی از دنیای آنان دست یابد، خداوند برکت را از آن می گیرد و آن مال به او در حجّ و در افعال نیک دیگرش سودی نمی بخشد.

- ١- ((١)) الكافي: ٩٥/٥ ح ١١ والفقيه: ١٨٢/٣ ح ٣٦٨٥.
- ٢- ((٢)) الفردوس للديلمي: ٢٢٨/٢ ح ٣١٠١، عنه الجامع الصغير: ٢٦٢ ح ٤٣٠٧.
- ٣- ((٣)) الإرشاد: ٣٠٤/١، عنه البحار: ٤٢٣/٧٧ ضمن ح ٤٠.
- ٤- ((٤)) فقه الرضا عليه السلام: ٣٦٧، عنه المستدرک: ٢٣١/٧ ضمن ح ٨١١٥.
- ٥- ((٥)) فقه الرضا عليه السلام: ٣٦٧، عنه البحار: ١٠٨/٧٥ ضمن ح ١١.

۳۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزِّ اللَّهِ (۱) تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا، وَمَنْ أَتْبَعَ بَصْرَهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ كَثُرَ هَمُّهُ وَلَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ، وَمَنْ لَمْ يَرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فَيَ مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصَرَ عَمَلُهُ وَدَنَا عَذَابَهُ (۲).

۳۴ - عن الهيثم قال: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَمَوْسَى بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ يُوصِيهِ بِهَذِهِ الْوَصِيَّةِ، فَكَانَ مِمَّا حَفِظْتُ مِنْهَا أَنْ قَالَ:

يَا بُنَيَّ! اقْبَلْ وَصِيَّتِي وَاحْفَظْ مَقَالَتِي، فَإِنَّكَ إِنْ حَفِظْتَهَا تَعِيشَ سَعِيداً وَتَمُوتَ حَمِيداً. يَا بُنَيَّ! مَنْ قَنَعَ بِمَا قُسِمَ لَهُ اسْتَغْنَى، وَمَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ مَاتَ فَقِيراً، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِمَا قُسِمَ اللَّهُ لَهُ اتَّهَمَ اللَّهُ فِي قَضَائِهِ... (۳).

۳۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر که با تسلیت و دلجویی خداوند تسلی نجوید [و در مقابل ناملايمات بردباری نکنند] نفسش از حسرت های پی در پی بر دنیا بند آید، و هر کس به آنچه در دست مردمان است چشم داشته باشد اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان نپذیرد، و هر که برای خدای عزّ و جلّ در خودش جز در خوردن یا نوشیدن یا جامه پوشیدن نعمتی نبیند، یقیناً کردارش کم و عذابش نزدیک است.

۳۴ - هیثم نقل می کند:

یکی از یاران امام صادق علیه السلام برایم گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که فرزندش موسی نزد او بود و به او سفارشی می فرمود.

بخش هایی از آن سفارش که به ذهن سپرده ام این است:

پسرم! سفارشم را بپذیر و گفته ام را حفظ کن که اگر آن را پاس داشتی خوشبخت خواهی زیست و خوشنام و ستوده خواهی مرد. فرزندم! هر کس به آنچه خدا به او داده قانع شود، بی نیاز است، و هر کس به آنچه در دست دیگری است چشم بدوزد تهی دست می میرد، و آن کس که به روزی خدا راضی نباشد خدا را در قضایش متهم ساخته است....

ص: ۱۷۰

۱- ((۱)) أَيْ: مَنْ لَمْ يَصْبِرْ وَ لَمْ يَسْلُ أَوْ لَمْ يَحْسَنْ الصَّبْرَ وَ السَّلْوَةَ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا ... تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ مَتَحَسِّراً حَسْرَةً بَعْدَ حَسْرَةٍ عَلَى مَا يَرَاهُ فِي يَدَيْ غَيْرِهِ مَمَّنْ فَاقَ عَلَيْهِ فِي الْعَيْشِ، (الوفاي: ۵/۸۹۰).

۲- ((۲)) الكافي: ۲/۳۱۵ ح ۵، عنه البحار: ۷۳/۷ ح ۲.

۳- ((۳)) تهذيب الكمال: ۳/۴۲۷ ضمن ح ۹۳۳ و نحوه في كشف الغمّة: ۲/۳۶۹، عنه البحار: ۷۸/۲۰۱ ح ۳۳.

۱ - عن حمّاد بن عثمان قال:

□ □
كنت حاضراً عند أبي عبد الله عليه السلام إذ قال له رجل: أصلحك الله، ذكرت أنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس الخشن، يلبس القميص بأربعة دراهم، وما أشبه ذلك، ونرى عليك اللباس الجيّد؟! قال فقال له: إنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس ذلك في زمان لا ينكر، ولو لبس مثل ذلك اليوم لشهر به، فخير لباس كلّ زمان لباس أهله، غير أنّ قائمنا إذا قام، لبس لباس عليّ عليه السلام وسار بسيرته. (۱) ۲ - عن محمّد بن عليّ رفعه قال:

□
مرّ سفیان الثوری فی المسجد الحرام فرأى أبا عبد الله عليه السلام وعليه ثياب كثيره القيمه حسان، ۱ - حمّاد بن عثمان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام حاضر بودم که مردی به او گفت:

خداوند امورت را اصلاح کند! خود فرمودی که امیرمؤمنان علیه السلام لباس خشن می پوشید، پیراهن چهاردرهمی و مشابه آن می پوشید، و اکنون بر تن تو لباس فاخر می بینیم؟!

امام به او فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید که ناپسند دانسته نه می شد و اگر امروز کسی آن را بپوشد انگشت نما می شود.

بهترین لباس برای هر زمان لباس اهل آن زمان است، جز این که وقتی قائم ما قیام کند لباس علی علیه السلام را می پوشد و به روش او عمل می کند.

۲ - از محمد بن علی نقل شده است که گفت: سفیان ثوری از مسجد الحرام می گذشت. امام صادق علیه السلام را دید که لباس های قیمتی زیبایی به تن دارد.

ص: ۱۷۱

فقال: واللّه لآتيته ولأوبخته، فدنا منه فقال: يا ابن رسول الله! ما لبس رسول الله صلى الله عليه وآله مثل هذا اللباس ولا عليّ عليه السلام ولا أحد من آبائك! فقال له أبو عبد الله عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله في زمانٍ قتر مقتراً، وكان يأخذ لقتره و اقتداره، وإنّ الدنيا بعد ذلك أرخت عزاليها (١) فأحقّ أهلها بها أبارها. ثمّ تلاقى من حرّم زينته الله التي أخرج لعباده والطيب من الرزق (٢) ونحن أحقّ من أخذ منها ما أعطاه الله، غير أنّي يا ثوري ماترى عليّ من ثوب إنّما ألبسه للناس.

ثمّ اجتذب يد سفيان فجرها إليه ثمّ رفع الثوب الأعلى و أخرج ثوباً تحت ذلك على جلده غليظاً فقال: هذا ألبسه لنفسى وما رأيت له للناس.

ثمّ جذب ثوباً على سفيان أعلاه غليظ خشن و داخل ذلك ثوب لئین، فقال: لبست هذا الأعلى گفت: به خدا نزد او می روم و او را توییخ می کنم. به حضرت نزدیک شد و گفت:

ای فرزند رسول خدا! نه رسول خدا صلى الله عليه وآله چنین لباسی می پوشید و نه امیرمؤمنان عليه السلام و نه هیچ یک از پدران.

امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در روزگار سختی و فقر بود؛ از این رو از دنیا به اندازه ی مناسب همان زمان بهره می گرفت و بعد از آن دوران، دنیا گشایش یافت [زندگی دنیا آسان تر و مرفه تر شد]، پس سزاوارترین مردم دنیا به [استفاده از نعمت های] آن نیکان آن هستند.

آن گاه حضرت این آیه را قراءت کرد: «بگو چه کسی زینت خدا که برای بندگانش آفریده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است».

[سپس فرمود:] و ما سزاوارترین کسی هستیم که از آنچه خدا عطا کرده بهره گیریم؛ جز این که ای ثوری! این لباسی را که می بینی، برای مردم پوشیده ام.

آن گاه دست سفيان را گرفت و لباس رو را کنار زد و لباس زیر را که با پوست بدن تماس داشت و زبر و خشن بود، نمایان کرد و دست سفيان را بر آن گذاشت و فرمود: این لباسی است که برای خود پوشیده ام و آن را که دیدی، برای مردم.

سپس لباس سفيان را کشید که لباس روی او زبر و خشن و لباس زیرش نرم بود؛ پس فرمود: این لباس رو (خشن) را

ص: ۱۷۲

۱- ((۱)) - العزالي: و هو فم المّزاده، (مجمع البحرين: ۱۷۴/۳) و المّزاده: القربه.

۲- ((۲)) - الأعراف: ۳۲.

للناس ولبست هذا لنفسك تسرها (۱).

□

۳ - عن عبدالله بن سنان قال:

□

سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول: بينا أنا في الطواف وإذا برجلٍ يجذب ثوبى وإذا هو عبّاد بن كثير البصرى فقال:

يا جعفر بن محمد! تلبس مثل هذه الثياب وأنت في هذا الموضع مع المكان الذى أنت فيه من على عليه السلام!؟

فقلت: ثوب فرقى (۲) اشتريته بدینار، وكان على عليه السلام فى زمان يستقيم له ما لبس فيه، ولو لبست مثل ذلك اللباس فى زماننا لقال الناس: هذا مرائى مثل عبّاد (۳).

۴ - عن محمد بن عيسى قال:

أخبرنى من أخبر عنه - يعنى الرضا عليه السلام - أنه قال: إنّ أهل الضعف من موالىي يحبّون أن أجلس على اللبّود (۴) وألبس الخشن، وليس يتحمّل الزّمان ذلك (۵).

برای مردم پوشیده ای و آن لباس زیر (نرم) را که پنهان کرده ای، برای خود به تن کرده ای.

□

۳ - عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود:

در طواف بودم که مردی لباس را کشید.

دیدم عبّاد بن كثير بصرى است.

گفت ای جعفر بن محمد! در چنین مکانی با نسبتی که با علی علیه السلام داری چنین لباسی می پوشی!؟

گفتم این لباس کتان سفید مصری است که به یک دینار خریده ام، و امیرمؤمنان علیه السلام لباس مناسب زمان خود را می پوشید و اگر آن لباس را من در این زمان بپوشم، مردم می گویند این نیز مثل عبّاد، ریاکار است.

۴ - محمد بن عيسى می گوید از امام رضا روایت شده است که فرمود:

دوستان کوتاه فکر من دوست دارند که من بر روی نمذ بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که زمانه آن را نمی پذیرد.

ص: ۱۷۳

۱- (۱) الكافي: ۴۴۲/۶ ح ۸.

۲- (۲) هو ثوبٌ مصرى أبيض من كتان، (النهاية: ۴۴۰/۳).

۳- (۳) الكافي: ۴۴۳/۶ ح ۹.

٤- (٤) اللبء: الصوف، (الصءاح: ٥٣٣/٢).

٥- (٥) مءارم الأءلاق: ٢٢٠/١ ح ٦٤٨.

۵ - عن عبدالله بن سليمان قال: سمعت أبا عبدالله عليه السلام يقول:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ رَجُلًا صَرَدًا (۱) وَكَانَ يَشْتَرِي الثَّوْبَ الْخَزَّ بِأَلْفِ دِرْهَمٍ أَوْ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ، فَإِذَا خَرَجَ الشِّتَاءَ بَاعَهُ وَتَصَدَّقَ بِثَمَنِهِ وَلَمْ يَكُنْ يَصْنَعُ ذَلِكَ بِشَيْءٍ مِنْ ثِيَابِهِ غَيْرِ الْخَزِّ (۲).

۶ - عن الرضا عليه السلام قال: ينبغي للمؤمن أن ينقص من قوت عياله في الشتاء ويزيد في وقوده (۳).

□
۵ - عبدالله بن سليمان می گوید: از امام صادق شنیدم که می فرمود:

امام سجاد علیه السلام تحمل سرما را نداشت.

لباس خز به پانصد یا هزار درهم می خرید و وقتی زمستان تمام می شد می فروخت و بهای آن را صدقه می داد؛ ولی این کار را با سایر لباس هایش انجام نمی داد.

۶ - امام رضا علیه السلام فرمود: برای مؤمن شایسته است که در زمستان از خوراک خانواده اش کم کند و بر وسیله ی گرمایی آنان بیفزاید.

ص: ۱۷۴

۱- (۱) رجلٌ مصراد: لا یصبر علی البرد، (لسان العرب: ۲۴۸/۳).

۲- (۲) مکارم الأخلاق: ۲۳۷/۱ ح ۶۹۹.

۳- (۳) الکافی: ۱۳/۴ ح ۱۴.

الف) اهمیت شکر و تأکید دین بر آن

۱ - قال الله تبارك وتعالى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱).

۲ - فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (۲).

۳ - كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳).

۴ - قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: الإيمان نصفان: نصف في الصبر، ونصف في الشكر (۴).

۵ - عن علي عليه السلام قال: شر الناس من لا يشكر النعمه ولا يرضى الحرمة (۵).

۱ - خداوند متعالی فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمت های پاکیزه که روزیتان کرده ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید اگر تنها او را می پرستید.

۲ - پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من سپاس گزاری کنید و ناسپاسی ام نکنید.

۳ - خداوند بدین گونه آیات خود را برای شما روشن می سازد، باشد که سپاس دارید.

۴ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان دو نیمه دارد:

نیم آن در صبر نهفته است و نیم آن در سپاس گزاری.

۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

بدترین مردم کسی است که از نعمت سپاس گزاری نکند. و حرمت را رعایت ننماید.

ص: ۱۷۵

۱- (۱) البقره: ۱۷۲.

۲- (۲) البقره: ۱۵۲.

۳- (۳) المائده: ۸۹.

۴- (۴) تحف العقول: ۴۸.

۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۲۹۳ ح ۵۲۱۹.

۶ - عن أبي حمزه الثمالي قال: سمعت أبا جعفر [الباقر] عليه السلام يقول: العبد بين ثلاثة: بلاء وقضاء ونعمة. فعليه في البلاء من الله الصبر فريضة، وعليه في القضاء من الله التسليم فريضة، وعليه في النعمة من الله عزّ وجلّ الشكر فريضة (۱).

۷ - قال عليّ عليه السلام في وصف المتّقين: ... يعمل الأعمال الصالحة وهو على وجل، يمسي وهمّ الشكر، يصبح وهمّ الذّكر (۲).

۸ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عند عائشه ليلتها، فقالت: يا رسول الله! لم تُتعب نفسك وقد غفر الله لك ما تقدّم من ذنبك وما تأخّر؟ فقال: يا عائشه! ألا أكون عبداً شكوراً (۳).

۹ - قال عليّ عليه السلام: مصيبةٌ يُرجى أجرها خيرٌ من نعمةٍ لا يؤدّي شكرها (۴).

۶ - ابو حمزه ی ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

بنده میان سه چیز است: بلا، قضا و نعمت؛

پس در برابر بلا از جانب خدا، شکیبایی بر او واجب است.

و در برابر قضای الهی، تسلیم شدن بر او لازم است،

و در برابر نعمت خدای عزّ و جلّ، سپاس گزاری بر او واجب است.

۷ - امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیف پارسایان فرمود:

... کارهای شایسته انجام می دهد در حالی که بیمناک است؛ شب می کند در حالی که دغدغه اش سپاس گزاری است؛ صبح می کند در حالی که دغدغه اش یاد خدا است.

۸ - امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد عایشه بود در شبی که نوبتش بود.

عایشه عرض کرد:

ای رسول خدا! چرا خودت را به رنج و خستگی می اندازی در حالی که خداوند گناه گذشته و آینده ی تو را آمرزیده است؟

فرمود: ای عایشه! آیا بنده ی سپاس گزار خدا نباشم؟

۹ - امام علی علیه السلام فرمود: مصیبتی که امید به پاداش آن باشد بهتر است از نعمتی که سپاسش ادا نشود.

- ١- ((١)) الخصال: ٨٦ ح ١٧.
- ٢- ((٢)) تحف العقول: ١٦١.
- ٣- ((٣)) الكافي: ٩٥/٢ ح ٦.
- ٤- ((٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٨٩ ح ٩٠٧٥.

۱۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

الطاعم الشاكر له من الأجر كأجر الصائم المحتسب، والمعافى الشاكر له من الأجر كأجر المبتلى الصابر، والمعطى الشاكر له من الأجر كأجر المحروم القانع (۱).

۱۱ - قال عليّ عليه السلام : الخير الذي لاشرّ فيه الشكر مع النعمة والصبر على النازله (۲).

۱۲ - قال اميرالمؤمنين عليه السلام : العفاف زينه الفقر، والشكر زينه الغنى (۳).

۱۳ - عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال: ... أكثرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْغَوْا، فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ، يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ، أَحْسَنُوا صُحْبَةَ النِّعَمِ قَبْلَ فَوَاتِهَا، فَإِنَّهَا تَزُولُ وَتَشْهَدُ عَلَى صَاحِبِهَا بِمَا عَمِلَ فِيهَا.

مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْيَسِيرِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ.

۱۰ - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که با سپاس گزاری غذا می خورد پاداشی همانند پاداش روزه دار با اخلاص دارد؛

و اجر انسان تندرست شکرگزار، همانند اجر بیمار شکیبا است؛

و شخص بر خوردار شکرگزار، پاداشش بسان پاداش تهی دست قانع است.

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود: سپاس گزاری با نعمت، و شکیبایی بر بلا، خیر محض است.

۱۲ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

پاکی و درستی زینت فقر است و سپاس گزاری زینت بی نیازی است.

۱۳ - امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

... به هنگام طعام خدا را بسیار یاد کنید و سرکشی نکنید؛ زیرا این، نعمتی است از نعمت های خداوند و رزقی است از روزی های او که سپاس و ستایش خداوند برای آن، بر شما واجب است.

با نعمت ها خوب همراهی کنید پیش از آن که آن ها را از دست بدهید؛ چرا که آن ها از بین می روند و بر ضد صاحب خود به دلیل رفتاری که با آن ها کرده است گواهی می دهند.

هر که به روزی اندک از جانب خدا خشنود شود، خداوند به کردار اندک او خشنود می گردد.

-
- ١- ((١)) الكافي: ٩٤/٢ ح ١، عنه الوسائل: ٣١٠/١٦ ح ٢١٦٢٧.
 - ٢- ((٢)) تحف العقول: ٢٣٤.
 - ٣- ((٣)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٤٧٩ الحكمه ٦٨.

إياكم والتفريط فتقع الحسره حين لا تنفع الحسره... (۱).

۱۴ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: إنَّ نوحاً إنّما سمى عبداً شكوراً لأنه كان يقول إذا أمسى وأصبح:

اللّهُمَّ إِنِّي اشهدك أنّهُ ما أمسى وأصبح بي من نعمه أو عافيه في دينٍ أو دنيا فمَنك وحدك لا شريك لك، لك الحمد ولك الشكر بها علىّ حتّى ترضى، وبعد الرضا إلهنا (۲).

□
۱۵ - قال أبو عبدالله عليه السلام: ما أقلّ من شكر المعروف (۳).

از کوتاهی کردن بهره‌یزید که دچار حسرت می شوید در زمانی که حسرت خوردن سودی ندارد ...

۱۴ - امام باقر علیه السلام فرمود: نوح بنده ای بسیار سپاس گزار نامیده شد، زیرا او در هر صبح و شام می گفت:

بارها! من تو را گواه می گیرم که در این صبح و شام هر نعمت یا عافیتی که در دین یا دنیا دارم از جانب تو است؛ تو یکتایی هستی که هیچ شریکی نداری؛ بر من است که تو را برای این نعمت‌ها ستایش و سپاس‌گزاری کنم تا خشنود شوی، و پس از خشنودی نیز [سپاس‌گزاری بر من لازم است] ای معبود ما!

۱۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: سپاس‌گزار نیکی‌ها چقدر کم است.

ص: ۱۷۸

۱- ((۱)) الکافی: ۹۴/۲ ح ۱، عنه الوسائل: ۳۱۰/۱۶ ح ۲۱۶۲۷.

۲- ((۲)) تحف العقول: ۲۳۴.

۳- ((۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۹ الحکمه ۶۸.

ب) ثواب شکر و آثار آن

- ۱ - قال الله تبارك وتعالى: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَلْـلَّـمَّ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَلْـلَّـمَّ لَأَكْفُرَنَّكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۱).
- ۲ - إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يُرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ (۲).
- ۳ - وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۳).
- ۴ - وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (۴).
- ۵ - أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۵).

- ۱ - خداوند تعالی فرمود: و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاس گزاری کنید البته نعمت شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی کنید عذاب من بسیار سخت است.
- ۲ - اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی نیاز است و کفر را برای بندگانش نمی پسندد و اگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد.
- ۳ - و البته لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس دار و هر که سپاس دارد تنها به سود خود سپاس می دارد و هر کس کفران کند البته خدا بی نیاز ستوده است.
- ۴ - و هر که پاداش دنیا خواهد از آن به او می دهیم و هر که پاداش آخرت خواهد [نیز] از آن به او می دهیم و به زودی شاکران را پاداش خواهیم داد.
- ۵ - آیا ندیدی که کشتی ها به نعمت خدا در دریا حرکت می کنند تا برخی از نشانه های خود را به شما نشان دهد؟ قطعاً در این [قدرت نمایی] برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه ها است.

ص: ۱۷۹

- ۱- (۱) ابراهیم: ۷.
- ۲- (۲) الزمر: ۷.
- ۳- (۳) لقمان: ۱۲.
- ۴- (۴) آل عمران: ۱۴۵.
- ۵- (۵) لقمان: ۳۱.

۶ - قال أمير المؤمنين عليه السلام : إذا وصلت إليكم أطراف النعم فلا - تنفروا أقصاها بقله الشكر. يابن آدم! إذا رأيت ربك سبحانه يتابع عليك نعمه فاحذره، و من اعطى الشكر لم يحرم الزيادة، قال الله تعالى لئن شكرتم لأزيدنكم (۱) احذروا نفار النعم فما كل شارد بمردود (۲).

۷ - قال الصادق عليه السلام : لم يستزد في محبوب بمثل الشكر ولم يستنقص من مكروه بمثل الصبر (۳).

۸ - قال علي عليه السلام : ما كان الله ليفتح على عبد باب الشكر ويغلق عنه باب الزيادة (۴).

۹ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

مكتوب في التوراه: اشكر من أنعم عليك، وأنعم على من شكرك، ۶ - امير مؤمنان عليه السلام فرمود:

چون نشانه های نعمت ها برای شما آشکار شد، با سپاس اندک آن ها را از خود دور مسازید.

ای فرزند آدم! چون دیدی پروردگارت - که منزه است - نعمتی را بر تو پیوسته می دارد از او بهره‌یز.

و هر که را [توفیق] سپاس دادند از افزایش نعمت محروم نماند؛ خداوند فرمود «اگر واقعاً سپاس گزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد».

از گریختن نعمت ها بهره‌یز زیرا هر گریخته ای باز نمی گردد.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ چیزی همچون سپاس گزاری، امر مورد پسند را نمی افزاید، و هیچ چیزی مانند شکیبایی، از ناخوشی نمی کاهد.

۸ - امام علی علیه السلام فرمود:

خداوند چنین نیست که درب سپاس گزاری را بر بنده ای بگشاید و درب فزونی نعمت ها را بر او ببندد.

۹ - امام صادق علیه السلام فرمود:

در تورات ثبت است که هر که به تو نعمت داد سپاس گزارش باش و هر که از تو سپاس گزاری کرد نعمتش ده؛

ص: ۱۸۰

۱- (۱) ابراهیم: ۷.

۲- (۲) روضه الواعظین: ۴۷۳ و مثل صدره فی نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۰ الحکمه ۱۳، و ذیله فی ص ۵۱۱ الحکمه ۲۴۶.

۳- (۳) تحف العقول: ۳۶۳.

٤- (٤) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٥٥٣ الحكمة ٤٣٥ و نحوه فى الكافى: ٩٤/٢ ح ٢ عن رسول الله صلى الله عليه و آله .

فإنه لا زوال للنعماء إذا شكرت، ولا بقاء لها إذا كفرت، الشكر زيادة في النعم وأمان من الغير (١).

١٠ - عن الباقر عليه السلام قال:

□
لا ينقطع المزيد من الله حتى ينقطع الشكر من العباد (٢).

١١ - قال علي عليه السلام: لن يقدر أحد أن يستديم النعم بمثل شكرها، ولا يزيناها بمثل بذلها (٣).

١٢ - قال الإمام الهادي عليه السلام:

ألقوا النعم بحسن مجاورتها، والتمسوا الزيادة منها بالشكر عليها، واعلموا أن النفس أقبل شيء لما أعطيت، وأمنع شيء لما سئلت، فاحملوها على مطية لا تبطئ إذا ركبت، ولا تسبق إذا تقدمت... (٤).

زیرا با سپاس گزاری، نعمت ها نابود نشود، و با ناسپاسی پایدار نماند.

سپاس گزاری موجب افزایش نعمت ها و ایمنی از دگرگونی ها است.

١٠ - امام باقر عليه السلام فرمود:

افزایش [نعمت ها] از جانب خدا قطع نمی شود تا زمانی که سپاس از جانب بندگان قطع شود.

١١ - امام علی عليه السلام فرمود:

هیچ کس نمی تواند نعمت ها را به چیزی مانند سپاس از آن ها، مانند گار کند و نمی تواند آن ها را به چیزی مانند بخشیدن آن ها، نیکو سازد.

١٢ - امام هادی عليه السلام فرمود:

نعمت ها را دریابید با خوش همسایگی با آن ها،

و افزایش آن ها را بخواهید با سپاس گزاری بر آن ها، و بدانید که نفس آدمی وقتی مورد عطا قرار می گیرد روی آورترین چیز است و وقتی مورد درخواست واقع می شود خودداری کننده ترین چیز است؛

پس آن را بر مرکب راهواری سوار کنید که چون سوار شود کندی نکند، و چون پیش افتد سبقت نگیرد... .

ص: ١٨١

- ٢- (٢) مشكاه الأنوار: ٧١ ح ١٢٥، عنه البحار: ٥٤/٧١ ضمن ح ٨٦ و نحوه فى تحف العقول: ٤٥٧.
- ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ٤٠٧ ح ٦٩٠٣.
- ٤- (٤) نزهه الناظر وتنبيه الخاطر: ١٤٣ ح ٣١.

۱۳ - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: استتموا نعم الله بالتسليم لقضائه والشكر على نعمائه، فمن لم يرض بهذا فليس منا ولا إلينا (۱).

۱۴ - من دعاء الإمام السجاد عليه السلام في الشكر: يا مَنْ فَضَّلَ إنعامه إنعام المنعمين، وعجز عن شكره شكر الشاكرين... يا مَنْ جعل الصبر عوناً على بلائه، وجعل الشكر مادّةً لنعمائه، قد جَلَّتْ نعمتك عن شكرى، فتفضّل على إقرارى بعجزى بعفو أنت أقدر عليه وأوسع له منى... (۲).

۱۵ - قال على عليه السلام: في شكر النعم دوائها (۳).

۱۶ - قال الرضا عليه السلام: اتقوا الله، وعليكم بالتواضع والشكر والحمد، إنّه كان في بنى إسرائيل رجلاً فأتاه في منامه من قال له:

۱۳ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

نعمت های خدا را با تسلیم بودن در برابر قضای او و سپاس بر نعمت هایش کامل کنید، پس هر که این را نپسندد از ما و به سوی ما نیست.

۱۴ - از دعای امام سجاد علیه السلام است درباره ی شکر که گفت:

ای کسی که احسان او بر احسان همه ی احسان کنندگان برتری دارد و از سپاس او سپاس همه ی سپاس گزاران ناتوان است...

ای کسی که شکیبایی را یاری گر بلاهایش قرار داد و سپاس را وسیله ی جذب نعمت هایش!

نعمت تو از سپاس من برتر است، پس با اقراری که به ناتوانی ام دارم، به عفو خود بر من تفضّل کن که تو بر آن قادرتر و به آن تواناتر از من هستی....

۱۵ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

سپاس گزاری از نعمت ها دوام آن ها را با خود دارد.

۱۶ - امام رضا علیه السلام فرمود:

از خدا پروا کنید، و بر شما باد به فروتنی و سپاس و ستایش.

در میان بنی اسرائیل مردی بود که کسی به خواب او آمد و گفت:

- ١- (١) مشكاه الأنوار: ٧٢ ح ١٣٢، عنه البحار: ٣٦٦/٧٧ ضمن ح ٣٣.
- ٢- (٢) الصحيفة السجادية الجامعه: ١٨٦ دعاء ٩٩.
- ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ٣٥٤ ح ٦٠٠٨ ونحوه في ص ٣٩٧ ح ٦٧٣٦.

إِنَّ لَكَ نِصْفَ عَمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرِ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ؟

فَقَالَ: إِنَّ لِي شَرِيكًا. فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِرُجُوتِهِ:

قَدْ أَتَانِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ نِصْفَ عَمْرِي لِي سَعَةً فَاخْتَرِ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ، فَقَالَتْ لَهُ رُجُوتُهُ:

اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ، فَقَالَ: لَكَ ذَاكَ. فَأَقْبَلْتَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا، فَكَانَ كَلَّمَا كَانَتْ نِعْمَةٌ قَالَتْ رُجُوتُهُ:

جَارِكَ فَلَانَ مُحْتَاجٌ فَصَلِّ لِمَهُ، وَتَقُولُ: قَرَابَتُكَ فَلَانَ فَتُعْطِيهِ. وَكَانُوا كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَتْهُمْ نِعْمَةٌ أُعْطُوا وَتَصَدَّقُوا وَشَكَرُوا. فَلَمَّا كَانَ لَيْلَهُ مِنَ اللَّيَالِي أَتَاهُ الرَّجُلُ فَقَالَ: يَا هَذَا! إِنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَمَا رَأَيْكَ؟ قَالَ: لِي شَرِيكٌ.

فَلَمَّا أَصْبَحَ الصَّبِيحُ قَالَ لِرُجُوتِهِ: أَتَانِي الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِي أَنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى، فَقَالَتْ لَهُ رُجُوتُهُ: قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَاللَّهِ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ. قَالَ: فَإِنَّ لَكَ تَمَامَ عَمْرِكَ (1).

نیمی از عمرت را می توانی در گشایش باشی، هر کدام از دو نیمه را می خواهی برگزین.

آن مرد گفت: من همکار و شریکی دارم [و باید با او مشورت کنم]. چون شب سرآمد و صبح فرا رسید به همسر خود گفت:

امشب مردی به خوابم آمد و به من خبر داد که نیمی از عمرم را در گشایش هستم و هر کدام از دو نیمه را بخواهم، می توانم برگزینم.

همسرش به او گفت نیمه ی اول را برگزین و او پذیرفت.

پس دنیا به او روی آورد. هرگاه نعمتی به دست می آورد همسرش می گفت: فلان همسایه ی تو نیازمند است به او رسیدگی کن، فلانی خویشاوند تو است به او ببخش، و این چنین بود که هرگاه نعمتی به آن ها می رسید آن را می بخشیدند و صدقه می دادند و سپاس می گفتند.

شبی از شب ها آن شخصی که در خواب دیده بود، نزد او آمد و گفت:

ای مرد! نصف عمرت به پایان رسید، نظرت چیست؟

گفت: من شریک و همکاری دارم. چون صبح فرارسیده به همسرش گفت: آن مرد نزد من آمد و مرا آگاه ساخت که نیمه ی عمر تو به پایان رسیده است.

همسرش به او گفت: خداوند بر ما نعمت داد و ما سپاس خدا را به جا آوردیم و خداوند سزاوارتر به وفا کردن است. خطاب رسید:

نعمت برای تو است در تمام عمرت.

١- ((١)) مشكاه الأنوار: ٦٩ ح ١١٢، عنه البحار: ٥٤/٧١ ضمن ح ٨٦.

۱۷ - قال عليّ عليه السلام : زوال النعم بمنع حقوق الله منها وإهمال شكرها (۱).

□
۱۸ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

ليكن طلبك للمعيشه فوق كسب المضيع ودون طلب الحريص الراضى بدنياه المطمئن إليها، ولكن أنزل نفسك من ذلك بمنزله المنصف المتعفف، ترفع نفسك عن منزله الواهن الضعيف و تكتسب ما لا بد منه، إنّ الذين اعطوا المال ثم لم يشكروا لا مال لهم (۲).

۱۹ - عن الصادق عليه السلام قال:

□ □
من شكر الله على ما افيد فقد استوجب على الله المزيد، ومن أضاع الشكر فقد خاطر بالنعم ولم يأمن التغير والنقم (۳).

۲۰ - قال الصادق عليه السلام : النعمه وحشيّه فاشكلوها بالشكر (۴).

۱۷ - امام علی علیه السلام فرمود: نابودی نعمت ها به سبب ادا نکردن حقوق خدا از آن ها و کوتاهی در شکر آن ها است.

۱۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: تلاش تو برای به دست آوردن نیازهای زندگی باید بیش تر از تلاش شخص تباه گر [عمر و مال] و کم تر از تلاش شخص حریص باشد که به دنیای خود خشنود و مطمئن است؛ بلکه خود را از این جهت در جایگاه شخص با انصاف پرهیزگر قرار ده تا وجودت از جایگاه انسان سست نهاد ناتوان ترقی کند و آنچه را چاره از آن نداری به دست آوری.

آنانی که اموالی به آن ها عطا شد و سپاس گزارى نکردند، هیچ مالی ندارند.

۱۹ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که خدا را بر آنچه عطا شده است سپاس گوید، همانا از جانب خداوند مستحق فرونی شده است

و هر که سپاس را تباه سازد، نعمت ها را به خطر انداخته است و از دگرگونی و کیفر ایمن نیست.

۲۰ - امام صادق علیه السلام فرمود:

نعمت، گریزان است پس آن را با طناب شکر ببندید.

ص: ۱۸۴

۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۲۷۶ ح ۵۰۲۷.

۲- (۲) الکافی: ۸۱/۵ ح ۸، عنه الوسائل: ۴۸/۱۷ ح ۲۱۹۵۰.

٣- (٣) مشكاه الأنوار: ٧٠ ح ١١٥، عنه البحار: ٥٥/٧١ ضمن ح ٨٦.

٤- (٤) روضه الواعظين: ٤٧٣.

۲۱ - قال علی بن شعیب:

دخلت علی أبا الحسن الرضا علیه السلام فقال لی: یا علی!

...أحسنوا جوار النعم فإنها وحشيته ما نأت عن قوم فعادت إليهم (۱).

۲۲ - قال الإمام الهادی علیه السلام:

الشاکر أسعد بالشکر منه بالنعمة التي أوجبت الشکر، لأن النعم متاع، والشکر نعم و عقیبی (۲).

□
۲۳ - قال أبو عبد الله علیه السلام: ثلاثة لا یضّر معهنّ شیء:

الدعاء عند الكرب و الاستغفار عند الذنب و الشکر عند النعمة (۳).

۲۴ - قال علی علیه السلام: أحقّ الناس بزیاده العمر أشکرهم لما أعطی منها (۴).

۲۵ - عن أبي بصیر عن أبي جعفر الباقر علیه السلام قال:

تقول ثلاث مرّات إذا نظرت إلى المبتلى من غیر أن تُسمعه:

۲۱ - علی بن شعیب می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و به من فرمود: ای علی!

... با نعمت ها خوش همسایگی کنید که گریز پابند؛ از قومی فرار نکردند که دوباره به سویشان باز گردند.

۲۲ - امام هادی علیه السلام فرمود:

خوشبختی ناشی از شکر که نصیب سپاس گزار می شود، از خوشبختی ناشی از نعمتی که موجب شکر شده، بیش تر است؛ زیرا نعمت، متاع [دنیا] است و شکر، نعمت است و پاداش.

۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که با وجود آن ها هیچ چیزی زیان نرساند:

دعا به هنگام گرفتاری،

درخواست آمرزش به هنگام گناه،

و سپاس گذاری به هنگام نعمت.

۲۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

سزاوارترین مردم به افزایش عمر، سپاس گزارترین آنان است بر آنچه عطا شده است.

۲۵ - أبوبصیر نقل کرده است که امام باقر علیه السلام فرمود:

چون نگاهت به شخص گرفتار افتاد، بی آن که او بشنود سه بار بگو

ص: ۱۸۵

۱- (۱) تحف العقول: ۴۴۸، عنه البحار: ۳۴۱/۷۸ ح ۴۱.

۲- (۲) تحف العقول: ۴۸۳.

۳- (۳) مشکاه الأنوار: ۶۹ ح ۱۱۳، عنه البحار: ۵۵/۷۱ ضمن ح ۸۶ و نحوه فی الکافی: ۹۵/۲ ح ۷ و فی «ثلاث».

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۱۱۴ ح ۲۵۱۴.

الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به، ولو شاء فعل. قال: من قال ذلك لم يصبه ذلك البلاء أبداً (١).

□
٢٦ - عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

□
إن الرجل منكم ليشرب الشر به من الماء فيوجب الله له بها الجنة.

□ □
ثم قال: إنه ليأخذ الإناء فيضعه على فيه فيسمى ثم يشرب فينحيه وهو يشتهي فيحمد الله، ثم يعود فيشرب ثم ينحيه فيحمد الله، ثم يعود فيشرب ثم ينحيه فيحمد الله، فيوجب الله عز وجل بها له الجنة (٢).

□
٢٧ - عن أبي عبد الله عليه السلام:

□
من سجد سجدة ليشكر نعمه وهو متوضئ كتب الله له عشر حسنات، ومحا عنه عشر خطيئات عظام (٣).

«ستایش خدا را که مرا از بلائی که به آن گرفتارت کرد معاف و سالم داشت و اگر می خواست، گرفتار می کرد». سپس حضرت فرمود:

هر که این را بگوید هیچ گاه آن بلا و گرفتاری به او نرسد.

٢٦ - ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی از شما جرعه ای آب می نوشد که خداوند به سبب آن، بهشت را برایش واجب می کند.

□
[به این صورت که] او ظرف را بر دهان خود می گذارد و «بسم الله الرحمن الرحيم» می گوید؛ سپس می نوشد و آن گاه با این که هنوز میل دارد، آن را کنار می گیرد و [الحمد لله می گوید]؛ بعد دوباره می نوشد و سپس دوباره آن را دور می برد و [الحمد لله می گوید]؛ آن گاه بر می گرداند و می نوشد و باز دور می برد و [الحمد لله می گوید]. بدین سبب خدای عز و جلّ بهشت را برای او واجب می کند.

٢٧ - امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که برای سپاس گزاری از نعمتی سجده ی با وضو انجام دهد خدا برایش ده حسنه بنویسد، و ده خطای بزرگ را از او بزداید.

ص: ١٨٦

١- (١) الكافي: ٩٧/٢ ح ٢٠.

٢- (٢) الكافي: ٩٦/٢ ح ١٦.

٣- (٣) مشكاة الأنوار: ٦٧ ح ١٠٤، عنه البحار: ٢١٩/٨٦ ح ٣٨.

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني سألت الله عزَّ وجلَّ أن يرزقني مالا فرزقني، وإني سألت الله أن يرزقني ولداً فرزقني ولداً، وسألته أن يرزقني داراً فرزقني، وقد خفت أن يكون ذلك استدراجاً (۱)، فقال: أما والله مع الحمد فلا (۲).

۲۸ - عمر بن یزید می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

من از خدای عزَّ و جلَّ خواستم مالی روزی ام فرماید و آن را روزی ام کرد، و از او خواستم که فرزندی روزی ام کند و چنین کرد، و از او خواستم خانه ای روزی ام کند و او روزی ام فرمود؛ بیم دارم که این استدراج باشد.

حضرت فرمود: به هوش باش سوگند به خدا اگر با ستایش او [همراه باشد] استدراج نیست (۳).

ص: ۱۸۷

۱- ((۱)) استدراج الله تعالى العبد أنه كلما جدّد خطيئته جدّد له نعمه وأنساه الاستغفار، أو أن يأخذه قليلاً قليلاً ولا يباغته، (القاموس: ۳۹۵/۱).

۲- ((۲)) الكافي: ۹۷/۲ ح ۱۷، عنه البحار: ۳۲/۷۱ ح ۱۲ ونحوه في مشكاة الأنوار: ۱۱۶/۷۰ مع اختلافٍ يسير.

۳- ((۳)) اشاره به آیه ی شریفه ی «سنستدرجهم من حيث لا يعلمون» است. مجمع البحرين در معنای آیه گوید: یعنی آن ها را اندک اندک می گیریم و ناگهان گرفتارشان می کنیم. بنده هرگاه گناهی انجام دهد خدا به او نعمت دهد و توبه و استغفار را از یاد او ببرد.

ج) تشکر از واسطه ی نعمت (مخلوق) و جبران لطف او

۱ - الإمام الكاظم عليه السلام في وصيته لهشام: يا هشام! قول الله هل جزاء الإحسن إلا الإحسن (۱) جرت في المؤمن والكافر والبرّ والفاجر. من صنّع إليه معروف فعليه أن يكافئ به، وليست المكافأة أن تصنع كما صنع حتى ترى فضلک، فإن صنعت كما صنع فله الفضل بالابتداء (۲).

۲ - عن عمّار الدهني قال:

سمعت عليّ بن الحسين عليهما السلام يقول:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَيُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَشْكُرْتِ فُلَانًا؟ فَيَقُولُ: بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ، فَيَقُولُ:

لم تشكرني إذ لم تشكره. ثم قال:

أشكركم لله أشكركم للناس (۳).

۱ - امام کاظم علیه السلام در سفارش خود به هشام بن حکم فرمود:

ای هشام! سخن خدای متعال که فرمود «آیا پاداش نیکی جز نیکی است» درباره ی مؤمن و کافر و نیکوکار و بدکار، همه، جاری است؛ به هر که احسانی شود، بر او است که آن را جبران کند، و جبران به این نیست که هر آنچه او انجام داده است تو انجام دهی مگر این که فضل و برتری خود را نشان دهی، و اگر همان کنی که او برای تو انجام داد، او به سبب آغاز کردن، بر تو برتری دارد.

۲ - عمّار دهنی می گوید از امام سجاد علیه السلام شنیدم می فرمود:

خداوند هر دل غمگین و هر بنده ی سپاس گزار را دوست دارد.

خداوند تبارک و تعالی روز قیامت به بنده ای از بندگان خود می فرماید «آیا از فلانی سپاس گزاری کردی؟» بنده می گوید «پروردگارا! من از تو سپاس گزاری کردم». خداوند می فرماید «از من سپاس گزاری نکردی چون از او سپاس گزاری نمودی». سپس امام علیه السلام فرمود:

سپاس گزارترین شما از خداوند کسی است که از مردم بیش تر سپاس گزاری کند.

ص: ۱۸۸

٢- (٢) تحف العقول: ٣٩٥.

٣- (٣) الكافي: ٩٩/٢ ح ٣٠.

۳ - قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ! أَمَرْتُ بِى إِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ! فَيَقُولُ اللَّهُ:

أى عبدى! إني أنعمت عليك فلم تشكر نعمتى، فيقول: أى رب! أنعمت عليّ بكذا فشكرتك بكذا، وأنعمت عليّ بكذا وشكرتك بكذا. فلا يزال يحصى النعمه ويعدّد الشكر. فيقول الله تعالى:

صدقت عبدى، إلا أنّك لم تشكر من أجريت لك نعمتى على يديه، وإني قد آليت على نفسى أن لا أقبل شكر عبدٍ لنعمه أنعمتها عليه حتى يشكر من ساقها من خلقى إليه (۱).

۴ - عن الإمام زين العابدين عليه السلام فى رساله الحقوق:

...أما حقّ من سَيَّرَكَ اللهُ به و على يديه، فإن كان تعمّدها لك حمدتّ اللهُ أوْلاً ثمّ شكرته ۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند و در پیشگاه خدای عزّ و جلّ نگه می دارند، پس دستور می دهد او را به سوی آتش ببرند.

آن بنده می گوید: پروردگارا! دستور دادی مرا به سوی آتش ببرند در حالی که من قرآن تلاوت کرده ام! خداوند می فرماید:

ای بنده ی من! من بر تو نعمت دادم ولی نعمتم را سپاس گزاری نکردی. بنده می گوید:

پروردگارا! فلان نعمت را بر من عطا کردی و من در برابر آن، شکر تو را به جا آوردم، و فلان نعمت را به من دادی و من در برابر آن شکر تو را به جا آوردم.

به این ترتیب بنده پیوسته نعمت و شکر آن را می شمارد. آن گاه خداوند می فرماید:

بنده ی من! راست گفتمی، اما تو از کسی که نعمتم را به وسیله ی او به تو رساندم سپاس گزاری نکردی، و من با خود پیمان بسته ام که سپاس بنده ای از نعمتی که به او داده ام را نپذیرم مگر این که از کسی که آن نعمت را به او رسانده است سپاس گزاری کند.

۴ - امام سجاد علیه السلام در رساله ی حقوق خود می فرماید:

...اما حقّ کسی که خداوند تو را به وسیله ی او و با دستان او خشنود ساخته این است که اگر قصدش خشنودی تو بوده است نخست خدا را ستایش کنی، آن گاه برای پاداش او،

ص: ۱۸۹

علی ذلك بقدره فی موضع الجزاء وکافأته علی فضل الابتداء وأرصدت له المكافأه، وإن لم یکن تعمدها حمدت الله و شكرته و علمت أنه منه... (۱).

۵ - قال علی بن الحسین علیهما السلام : ...أما حقّ ذی المعروف علیک فأن تشکره و تذكر معروفه، و تکسبه مقاله الحسنه، و تخلص له الدعاء فیما بینک و بین الله عزّ و جلّ، فإذا فعلت ذلك کنت قد شکرته سرّاً و علانیه، ثمّ إن قدرت علی مکافأته يوماً کافأته (۲).

۶ - قال علی علیه السلام : المكافأه عتق (۳).

۷ - قال علی علیه السلام : المعروف غلّ لا یفکّه إلا شکرٌ و مکافأه (۴).

۸ - عن أبی عبدالله علیه السلام قال: کان أمير المؤمنين - صلوات الله علیه - یقول:

به همان اندازه از او سپاس گزاری کنی، و او را بر مزیت پیشقدم شدن جزا دهی و درصدد جبران آن باشی.

و اگر او در کار خود چنین قصدی نداشته است خدا را ستایش کنی و او را سپاس بگزاری و بدانی که این شادی از جانب او است.

۵ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

... اما حقّ نیکی کننده بر تو آن است که او را سپاس گویی و نیکی اش را بیان کنی و نام نیکی را برایش به دست آوری و میان خود و خدای عزّ و جلّ خالصانه برایش دعا کنی.

چون این ها را انجام دادی، در نهان و آشکار سپاسش گفته ای؛

آن گاه اگر روزی بر جبران کار او توانایی یافتی، آن را جبران کنی.

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

جبران، نوعی آزادی است.

۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

احسان و نیکی زنجیری است، که آن را نمی گشاید جز سپاس گزاری و جبران.

۸ - امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان - که صلوات خدا بر او باد - می فرمود:

١- ((١)) تحف العقول: ٢٧١ عنه البحار: ٢٠/٧٤ ح ٦٢.

٢- ((٢)) الفقيه: ٦٢٢/٢ ضمن ح ٣٢١٧ والخصال: ٥٦٨ ضمن ح ١ وأمالى الصدوق: ٤٥٤ م ٥٩ ح ٦١، عنها الوسائل: ١٧٦/١٥ ضمن ح ٢٠٢٢٦.

٣- ((٣)) عيون الحكم والمواعظ: ٣٥ ح ٦٧٥.

٤- ((٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٥٣ ح ١٣٧٦، عنه المستدرک: ٣٥٦/١٢ ضمن ح ١٤٢٨١.

مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ، وَمَنْ أضعفه كَانَ شَكُورًا، وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا، وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ يَسْتَرْدِهِمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ، فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَوَقِيتَ بِهِ عَرْضَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَهُ لَمْ يَكْرَمْ وَجْهَهُ عَنِ وَجْهِكَ، فَأَكْرَمْ وَجْهَكَ عَنِ رَدِّهِ (۱).

۹ - عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: مَنْ استعَاذَ بِاللَّهِ فَأَعِيذُوه، وَمَنْ سَأَلَكَم بِاللَّهِ فَأَعْطُوهُ، وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ، وَمَنْ أَتَى عَلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافَتْوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَا تَكْفَتْوهُ فَادْعُوا لَهُ حَتَّى تَعْلَمُوا أَنْ قَدْ كَافَأْتُمُوهُ (۲).

۱۰ - عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال: مَنْ اعطى عطاءً فوجد فليجز به، وَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيُثْنِ، فَإِنْ مَنَّ أَثْنَى فَقَدْ شَكَرَ، وَمَنْ كَتَمَ فَقَدْ كَفَرَ، هَرَكَةُ نِيكِي كُنْدَ بِهِ مَانِدٌ أَنِجَهَ بِهِ أَوْ نِيكِي شُدِه، آن را جبران کرده است، و هر که دو برابر آن انجام دهد سپاس گزار است و هر که سپاس گزار باشد کریم است. و هر که بداند آنچه انجام داده، برای خود کرده است، مردم را در سپاس گزاری کند نمی شمارد و افزایش محبت آنان را به خود خواستار نمی شود؛

پس سپاس گزاری از کاری که برای خود انجام داده ای و با آن آبروی خود را نگهداشته ای از دیگری مخواه و بدان هر که از تو حاجتی خواهد، آبروی خود را در برابر آبروی تو ارج نهاده است، پس به آبرومندی خود احترام کن و ردش مکن.

۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر که به خدا پناه برد پناهش دهید و هر کس با واسطه قرار دادن خدا، از شما درخواست کرد عطایش کنید و هر که شما را خواند اجابتش کنید و هر که بر شما احسان کرد جبرانش کنید و اگر چیزی برای جبران نیافتید برایش دعا کنید تا بفهمانید که جبرانش کرده اید.

۱۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس عطایی دریافت کرد پس اگر می تواند آن را جبران کند و اگر نتوانست مدح و ثنایش گوید؛ زیرا هر که ثنا گوید سپاس گزاری کرده است و هر که کتمان کند [و هیچ نگوید] ناسپاسی نموده است

ص: ۱۹۱

۱- ((۱)) الكافي: ۲۸/۴ ح ۱، عنه الوسائل: ۱۶/ ۳۰۵ ح ۲۱۶۱۲ ونحوه في معاني الأخبار: ۱۴۱ ح ۱ عنه البحار: ۲۸۶/۷۴ ح ۱۰.

۲- ((۲)) مسند أحمد: ۶۸/۲.

وَمَنْ تَحَلَّى بِمَا لَمْ يَعْطَهُ كَانَ كَلَابِسِ ثَوْبِي زُورٍ (۱).

۱۱ - عن أنس قال: قال المهاجرون:

يا رسول الله! ما رأينا مثل قوم قدمنا عليهم المدينة أحسن بديلاً من كثير ولا أحسن مواساةً من قليل، قد كفونا المؤمنه وأشركونا في المهنة، فقد خشينا أن يكونوا يذهبون بالأجر كله، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: كلاً، ما أثبتتم به عليهم ودعوتهم الله لهم (۲).

۱۲ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: كفاك بثنائك على أخيك إذا أسدى إليك معروفاً أن تقول له «جزاك الله خيراً» وإذا ذكر وليس هو في المجلس أن تقول «جزاه الله خيراً» فإذا أنت كافأته (۳).

و کسی که خود را به چیزی که ندارد [از او نیست] بیاراید، همچون کسی است که جامه ی نیرنگ پوشیده است.

۱۱ - انس می گوید مهاجرین به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردند:

ای رسول خدا! ما میزبانی همچون گروه انصار ندیده ایم که در مال زیاد این گونه بخشنده و در مال اندک این گونه مواساتگر (شریک کننده در مال خود) باشند.

آنان هزینه های ما را عهده دار شده اند و در خوشی های ما شریک گشته اند، و ما بیم داریم که همه ی ثواب ها را آنان ببرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگز چنین نخواهد بود تا زمانی که شما آنان را بر این امر ثنا و سپاس گوید و برایشان در پیشگاه خدا دعا کنید.

۱۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون برادرت کار نیکی برایت انجام داد، در ستایش و ثنای او کافی است که به او بگویی.

«خدا تو را پاداش خیر دهد» و اگر از او یاد شد و او در آن جا حاضر نبود بگویی «خدا او را پاداش خیر دهد»؛ اگر چنین کنی کار نیک او را جبران کرده ای.

ص: ۱۹۲

۱- (۱) سنن الترمذی: ۳۷۹/۴ ح ۲۰۳۴ و نحوه فی مسند أحمد: ۹۰/۶.

۲- (۲) السنن الکبری للبیهقی: ۱۸۴/۹ ح ۱۲۲۶۵ و نحوه فی ح ۱۲۲۶۶، و مسند أحمد: ۲۰۰/۳.

۳- (۳) کتاب الزهد: ۳۳ ح ۸۵، عنه الوسائل: ۳۰۷/۱۶ ح ۲۱۶۱۸.

□
۱ - قال الله تبارك وتعالى:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱).

□
۲ - عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: هل للشكر حدٌ إذا فعله العبد كان شاكراً؟ قال:

□
نعم، قلت: ما هو؟ قال: يحمد الله على كلِّ نعمه عليه في أهلٍ ومال، وإن كان فيما أنعم عليه في ماله حقُّ أداه، ومنه قوله عزَّ وجلَّ:

□
سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۲)،

□
ومنه قوله تعالى رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۳)،

□
وقوله: رَبِّ أَذْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَصِيْرًا (۴)(۵) ۱ - خداوند متعال فرمود:
و به راستی خدا شما را در بدر یاری داد در حالی که ناتوان بودید.

پس از خدا بترسید، باشد که شکر او را به جا آورید.

۲ - ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا برای سپاس حدی است که چون بنده آن را انجام دهد سپاس گزار باشد؟

فرمود: آری. عرض کردم آن چیست؟

فرمود: خداوند را بر هر نعمتی که در اهل و مال به او داده است بستاید، و اگر در اموالش که به او عطا کرده است حقی باشد، آن را ادا کند.

در همین باره است این سخن خداوند عزَّ و جلَّ

«پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و گرنه ما را یارای [رام ساختن] آن نبود»

و نیز این سخن خداوند متعال «پروردگارا! مرا در جایی پر برکت فرود آور [که] تو نیک ترین مهمان نوازانی»

و همچنین سخن او که فرمود: «پروردگارا! مرا [در هر کاری] به درستی داخل کن و به درستی خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش [بر دشمن] قرار ده».

-
- ١- ((١)) آل عمران: ١٢٣.
 - ٢- ((٢)) الزخرف: ١٣.
 - ٣- ((٣)) المؤمنون: ٢٩.
 - ٤- ((٤)) الإسراء: ٨٠.
 - ٥- ((٥)) الكافي: ٩٦/٢ ح ١٢.

۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

شكر النعمة اجتناب المحارم، و تمام الشكر قول الرجل: الحمد لله رب العالمين (۱).

۴ - من مواعظ النبي صلى الله عليه و آله :

...أما علامه الشاكر فأربعه:

الشكر في النعماء، والصبر في البلاء، والقنوع بقشم الله، ولا يحمد ولا يعظم إلا الله (۲).

۵ - قال علي عليه السلام : حَقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ أَنْ يُحْسِنَ مَكَافَأَهُ الْمُنْعَمَ، فَإِنْ قَصَرَ عَنْ ذَلِكَ وَسَعَهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يُحْسِنَ الثَّنَاءَ، فَإِنْ كَلَّ عَنْ ذَلِكَ لِسَانَهُ فَعَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ النِّعْمَةِ وَ مَحَبَّةِ الْمُنْعَمِ بِهَا، فَإِنْ قَصَرَ عَنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ لِلنِّعْمَةِ بِأَهْلٍ. (۳) ۶ - من وصية الإمام الصادق عليه السلام لبعض أصحابه:

...لا يفقدك الله من حيث أمرك، ولا يراك من حيث نهاك.

ما أنعم الله على عبدٍ بنعمته ۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: سپاس گزاری نعمت، دوری از محرمات است، و کامل کردن سپاس، گفتن «الحمد لله رب العالمين» است.

۴ - از اندرزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود:

... نشانه‌ی شخص سپاس گزار چهار چیز است:

سپاس گزاری در نعمت‌ها،

شکیبایی در گرفتاری‌ها،

قناعت به سهم تعیین شده از جانب خدا،

و این که جز خدا را نستاید و بزرگ ندارد.

۵ - امام علی علیه السلام فرمود: سزاوار است هر کس به او نعمت داده شده است، نعمت دهنده را به خوبی جزا دهد و اگر توانایی آن را ندارد، بر او لازم است به خوبی مدح و ثنایش گوید و اگر زبانش از آن ناتوان است بر او است که نعمت را بشناسد و به عطاکننده‌ی آن محبت کند، اگر از آن هم ناتوان است پس شایسته‌ی نعمت نیست.

۶ - از سفارش امام صادق علیه السلام به برخی اصحاب خود:

... خداوند تو را از جایی که دستور داده است، غایب نبیند، و در جایی که تو را از آن بازداشته است حاضر نبیند.

-
- ۱- ((۱)) الكافی: ۹۵/۲ ح ۱۰.
 - ۲- ((۲)) تحف العقول: ۲۰.
 - ۳- ((۳)) أمالی الطوسی: ۵۰۱ ح ۱۰۹۷، عنه الوسائل: ۳۰۹/۱۶ ح ۲۱۶۲۳ و بحار الأنوار: ۵۰/۷۱ ح ۶۷.

فشکرها بقلبه إلاًستوجب المزید بها قبل أن يظهر شکرها علی لسانه.

□
مَنْ قَصِيرَت يَدُهُ عَنِ الْمَكَافَأِ فَلْيَطْلُ لِسَانَهُ بِالشُّكْرِ، وَمَنْ حَقَّ شُكْرُ نِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَشْكُرَ - بَعْدَ شُكْرِهِ - مَنْ جَرَتْ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَلَى يَدِهِ (۱).

□
۷ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَحْسِنُوا جِوَارَ النِّعَمِ، قُلْتُ: وَمَا حُسْنُ جِوَارِ النِّعَمِ؟

قال: الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَأَدَاءُ حَقُوقِهَا (۲).

□ □ □
۸ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمَدَ اللَّهُ ظَاهِرًا بِلِسَانِهِ فَتَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ (۳).

□
۹ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

□
مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا (۴).

که او شکرش را در دل خود به جا آورد مگر آن که پیش از به زبان آوردن شکر، مستحق افزایش آن نعمت شد.
هر که دستش از جبران کوتاه است باید زبانش به سپاس باز باشد.

از حقوق شکر نعمت خداوند این است که پس از سپاس گزاری از خداوند، از کسی که آن نعمت بر دست او جاری شده است نیز سپاسگزاری کند.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ عَجَلَانَ مِي گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم مي فرمود: قدر نعمت ها را بدانيد.

عرض کردم: قدردانی از نعمت ها چیست؟

فرمود: سپاس گزاری از کسی که آن ها را به شما بخشید، و ادا کردن حقوق آن ها.

۸ - امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند نعمتی به بنده ای نداد که آن را با دل بشناسد و در ظاهر با زبان خود ستایش خدا را گوید، مگر این که وقتی سخنش تمام شد دستور داده شد که بر نعمت او بیفزایند.

۹ - امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که را خداوند نعمتی داد و او آن نعمت را از دل شناخت، شکر آن را ادا کرده است.

ص: ۱۹۵

۱- (۱) بشاره المصطفی: ۳۴۲ ضمن ح ۳۵

۲- (۲) الکافی: ۳۸/۴ ح ۲ و التهذیب: ۱۰۹/۴ ح ۳۱۵، عنهما الوسائل: ۳۲۷/۱۶ ح ۲۱۶۷۴.

۳- (۳) الکافی: ۹۵/۲ ح ۹.

۴- (۴) الکافی: ۹۶/۲ ح ۱۵.

۱۰ - عن النعمان بن بشير قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم على المنبر:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ، وَمَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ، التَّحَدُّثُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ شُكْرٌ وَتَرْكُهَا كُفْرٌ، وَالْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفَرْقَةُ عَذَابٌ (۱).

۱۱ - قال الباقر عليه السلام في وصيته لجابر الجعفي: تخلّص إلى عظيم الشكر باستكثار قليل الرزق واستقلال كثير الطاعة.

واستجلب زياده النعم بعظيم الشكر، والتوسّل إلى عظيم الشكر بخوف زوال النعم (۲).

۱۲ - قال عليّ عليه السلام: لن يستطيع أحدٌ أن يشكر النعم بمثل الإنعام بها (۳).

۱۳ - عن عمر بن يزيد قال:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: شكر كلّ نعمه وإن عظمت أن تحمد الله عزّ وجلّ عليها (۴).

۱۰ - نعمان بن بشير می گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله بالای منبر فرمود:

هر کس نعمت اندک را سپاس نکوید از نعمت بسیار نیز سپاس گزاری نمی کند

و هر کس، از مردم سپاس گزاری نکند از خدا نیز سپاس گزاری نمی کند.

یادآوری نعمت سپاس گزاری است و ترک آن کفران است.

با هم بودن رحمت است و پراکندگی عذاب.

۱۱ - امام باقر علیه السلام در سفارش خود به جابر جعفی فرمود:

با زیاد شمردن روزی اندک و کم شمردن طاعت بسیار به شکر فراوان دست یاب،

و با شکر و سپاس بسیار افزایش نعمت را به دست آور،

و با بیم از زوال نعمت ها به شکر بسیار برس.

۱۲ - امام علی علیه السلام فرمود: هیچ کسی نمی تواند شکر نعمت ها را با چیزی همچون بخشیدن آن ها ادا کند.

۱۳ - عمر بن یزید می گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

سپاس هر نعمتی گرچه بزرگ باشد این است که خدای عزّ وجلّ را بر آن ستایش کنی.

١- ((١)) مسند أحمد: ٢٧٨/٤.

٢- ((٢)) تحف العقول: ٢٨٦.

٣- ((٣)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٠٨ ح ٦٩٢٠.

٤- ((٤)) الكافي: ٩٥/٢ ح ١١.

۱۴ - عن معمر بن خلاد قال:

سمعت أبا الحسن [الرضا] - صلوات الله عليه - يقول:

من حمد الله على النعمة فقد شكره، وكان الحمد أفضل من تلك النعمة (۱).

۱۵ - عن حماد بن عثمان قال: خرج أبو عبد الله عليه السلام من المسجد وقد ضاعت دابته، فقال:

لئن ردها الله علي لأشكرن الله حق شكره. قال: فما لبث أن أتى بها، فقال: الحمد لله، فقال له قائل:

جعلت فداك أليس قلت لأشكرن الله حق شكره؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام:

ألم تسمعي قلت الحمد لله؟ (۲) ۱۶ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إذا أتاه ما يحب قال

«الحمد لله المحسن المجمل» وإذا أتاه ما يكرهه قال «الحمد لله علي كل حال، والحمد لله على هذه الحال» (۳).

۱۴ - معمر بن خلاد می گوید: از امام رضا - که صلوات خدا بر او باد - شنیدم می فرمود:

هر که خدا را بر نعمتی بستاید او را سپاس گفته است، و حمد و ستایش، برتر از آن نعمت است.

۱۵ - حماد بن عثمان می گوید: امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون آمد و مرکبش گم شده بود.

فرمود: اگر خداوند آن را به من برگرداند حق سپاس گزاری او را به جای می آورم.

اندکی نگذشت که آن را آوردند.

فرمود: «الحمد لله».

کسی به حضرت عرض کرد: فدایت شوم! مگر نفرمودی «حق سپاس گزاری و شکر خدا را به جای می آورم»؟

امام صادق علیه السلام فرمود: مگر نشنیدی که گفتم «الحمد لله»؟

۱۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله چنین بود که هر گاه امری خوشایند برایش پیش می آمد

می گفت «ستایش از آن خدای نیکوکار زیباگر است»

و چون امری ناخوشایند برایش پیش می آمد می گفت

«ستایش از آن خدا است در هر حال، و ستایش مخصوص خدا است در این حال».

ص: ۱۹۷

۱- ((۱)) الكافی: ۹۶/۲ ح ۱۳.

۲- ((۲)) الكافی: ۹۷/۲ ح ۱۸.

۳- ((۳)) (مشکاه الأنوار: ۷۰ ح ۱۱۹، عنه البحار: ۲۱۴/۹۳ ضمن ح ۱۷)

۱۷ - عن الصادق عليه السلام قال:

□
إِنِّي لِأَحَبِّ أَنْ لَا تَجِدَّ لِي نِعْمَةً إِلَّا حَمَدتَ اللَّهَ عَلَيْهَا مائه مَرَّةً (۱).

۱۸ - قال السَّجَّاد عليه السلام: سبحان مَنْ جعل الاعتراف بالنعمة له حمداً، سبحان مَنْ جعل الاعتراف بالعجز عن الشكر شكراً (۲).

□
۱۹ - أوحى اللَّهُ إلى داود:

يا داود! اشكرني،

قال: وكيف أشكرك يا ربَّ والشكر من نعمك تستحقُّ عليه شكراً، قال: يا داود! رضيت بهذا الاعتراف منك شكراً (۳).

□
۲۰ - عن إسماعيل بن الفضل قال: قال أبو عبد الله عليه السلام:

إذا أصبحت وأمسيت فقل عشر مرَّات «اللَّهُمَّ ما أصبحت بي من نعمةٍ أو عافيةٍ من دينٍ أو دنيا فمَنك وحدك لا شريك لك، لك الحمد ولك الشكر بها علىَّ يا ربَّ حتَّى ترضى وبعد الرضا» ۱۷ - امام صادق عليه السلام فرمود:

من دوست دارم نعمت تازه ای به من نرسد مگر این که خدا را بر آن صدبار بستایم.

۱۸ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

منزه است خدایی که اعتراف به نعمت را ستایش قرار داد.

منزه است خدایی که اقرار به ناتوانی از سپاس گزاری را شکر قرار داد.

۱۹ - خداوند به داود علیه السلام وحی کرد:

ای داود! مرا سپاس گزار.

او گفت: پروردگارا چگونه تو را سپاس گزارم در حالی که سپاس و شکر، خود از نعمت های تو است و برای آن باز مستحق سپاس می شوی.

خداوند فرمود: ای داود! این اعتراف تو را به عنوان سپاس پسندیدم.

۲۰ - اسماعیل بن فضل نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: چون صبح و شام کردی ده بار بگو:

«بارها! در این صبح هر نعمتی یا عافیت و سلامتی که در دین یا دنیا دارم از جانب تو است، تو یکتایی هستی که هیچ شریکی

نداری، پروردگارا! ستایش تو و سپاس گزاری از تو در برابر آن نعمت ها بر من بایسته است تا آن گاه که خشنود شوی و پس از خشنودی [نیز]».ص: ۱۹۸

ص: ۱۹۸

۱- (۱) مشکاه الأنوار: ۷۰ ح ۱۱۷، عنه البحار: ۲۱۴/۹۳ ضمن ح ۱۷.

۲- (۲) تحف العقول: ۲۸۳.

۳- (۳) عُدّه الداعی: ۲۳۹.

فإنك إذا قلت ذلك كنت قد أدت شكر ما أنعم الله به عليك في ذلك اليوم وفي تلك الليلة (۱).

[پس حضرت فرمود:] اگر تو این را بگویی، سپاس آنچه را که خداوند در آن شب و روز به تو بخشیده است، ادا کرده ای.

ص: ۱۹۹

۱- (۱) الکافی: ۹۹/۲ ح ۲۸.

۱ - استعدی زیاد بن شداد الحارثی (صاحب رسول الله صلی الله علیه و آله) علی أخیه عبیدالله بن شداد فقال:

یا امیرالمؤمنین! ذهب أخی فی العباده وامتنع أن یساکننی فی داری ولبس أدنی ما یكون من اللباس، قال: یا امیرالمؤمنین! تزینت بزینتک ولبست لباسک، قال: لیس لک ذلك، إن إمام المسلمین إذا ولی امورهم لبس لباس أدنی فقیرهم لئلا یتبیغ بالفقیر فقره فیقتله، فلاعلمن ما لبست إلمان أحسن زی قومک و أمّا بنعمه ربّیک فَحَدِّثْ (۱) فالعمل بالنعمة أحبّ إلّی من الحدیث بها (۲).

۱ - زیاد بن شداد حارثی (از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله) از دست برادرش عبیدالله بن شداد، امیرمؤمنان علیه السلام را به یاری طلبید و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! برادرم به عبادت روی آورده است و از این که با من در خانه ام زندگی کند پرهیز می کند و بی ارزش ترین جامه را پوشیده است. عبیدالله بن شداد عرض کرد: ای امیرمؤمنان! من هم چون شما خود را آراسته ام و مانند شما لباس پوشیده ام. حضرت فرمود: این کار برای تو روا نیست؛ زیرا پیشوای مسلمانان چون امور آنان را عهده دار شود پست ترین لباس نیازمندان آنان را می پوشد تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا بدر نبرد که او را بکشد؛ پس همانا به تو می گویم که پوششی مگر از نیکوترین لباس مناسب در میان نزدیکان و آشنایان [و این آیه را قراءت فرمود] «و اما نعمت پروردگارت را بازگویی» [و ادامه داد:] پس به کار بستن نعمت، نزد من محبوب تر است از یاد آن.

ص: ۲۰۰

۱- ((۱)) الضّحی: ۱۱.

۲- ((۲)) الاختصاص: ۱۵۲، عنه المستدرک: ۲۳۷/۳ ح ۳۴۷۱.

۲ - قال أبو عبد الله عليه السلام: إنني لأكره للرجل أن يكون عليه نعمة من الله فلا يظهرها (۱).

۳ - قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: قال كلوا واشربوا وتصدقوا في غير سرف ولا مخيله، إن الله تعالى يحب أن يرى أثر نعمته على عبده (۲).

۴ - عن الصادق عليه السلام أن سفیان الثوری دخل عليه فرأى عليه ثياباً رفيعة فقال:

يا ابن رسول الله! أنت تحدّثنا عن عليّ أنه كان يلبس الخشن من الثياب والكرايس وأنت تلبس القوهي والمروي، فقال: ويحك يا سفیان! إن عليّاً عليه السلام كان في زمن ضيق، وإن الله قد وسّع علينا، ويستحبّ لمن وسّع الله عليه أن يرى أثر ذلك عليه (۳).

۵ - عن جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عليهم السلام أن عليّاً كان يقول:

ينبغي للرجل إذا أنعم الله عليه بنعمه ۲ - امام صادق عليه السلام فرمود:

من دوست ندارم کسی نعمتی از جانب خدا داشته باشد و آن را اظهار نکند.

۳ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

بخورید و بیاشامید و بدون اسراف و خود برترینی صدقه دهید؛ زیرا خداوند متعال دوست دارد که اثر نعمت او در بنده اش دیده شود.

۴ - درباره ی امام صادق علیه السلام نقل شده است که روزی سفیان ثوری خدمت حضرت رسید و او را در جامه ی شکوهمندی دید و گفت:

ای فرزند رسول خدا! شما برای ما نقل کردید که علی علیه السلام لباس خشن و کرباس می پوشید در حالی که شما لباس قوهی [جامه ای سفید رنگ] و مروی می پوشید.

حضرت فرمود: وای بر تو ای سفیان، علی علیه السلام در وضعیت و زمانی سخت بود و خداوند امروز بر ما توسعه داده است، و برای کسی که خدا بر او توسعه داده است خوب است اثر آن در او دیده شود.

۵ - امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خود، از نیاکانش نقل کرده است که حضرت علی علیه السلام می فرمود:

برای انسان شایسته است که چون خداوند نعمتی به او ارزانی داشت،

١- ((١)) الكافي: ٤٣٩/٦ ح ٩، عنه الوسائل: ٨/٥ ح ٥٧٥٠.

٢- ((٢)) المستدرک علی الصحیحین: ١٥٠/٤ ح ٧١٨٨.

٣- ((٣)) دعائم الإسلام: ١٥٥/٢ ضمن ح ٥٥٠، عنه المستدرک: ٢٤٠/٣ ضمن ح ٣٤٨٠.

أن يُرى أثرها عليه في ملبسه ما لم يكن شهره (۱).

۶ - عن أبي الأحوص عن أبيه أنه أتى النبي صلى الله عليه و سلم في ثوب دون، فقال له النبي صلى الله عليه و سلم: ألك مالك؟ قال:

نعم، قد آتاني الله من كل المال، قال: من أي المال؟ قال: آتاني الله من الخيل والرقيق، فقال له النبي صلى الله عليه و سلم: إذا آتاك الله مالاً فليُر عليك أثر نعمته وكرامته (۲).

۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

إذا أنعم الله على عبده بنعمه فظهرت عليه سمى حبيب الله محدثاً بنعمه الله، وإذا أنعم الله على عبد بنعمه فلم تظهر عليه سمى بغيض الله مكذباً بنعمه الله (۳).

۸ - عن أبي بصير قال: بلغ أمير المؤمنين عليه السلام أن طلحه والزيبر يقولان: ليس لعلی مال.

قال: فشق ذلك عليه، فأمر وكلاءه أن يجمعوا غلته اثر آن در لباس پوشیدنش نمایان باشد، به اندازه ای که لباس شهرت نباشد.

۶ - ابوالاحوص از پدر خود نقل می کند که روزی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید در حالی که جامه ای حقیر و پست بر تن داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا مال داری؟

عرض کرد: آری، خداوند هر نوع مالی به من بخشیده است.

حضرت فرمود: چه نوع مالی؟

عرض کرد: خداوند اسب و غلام به من بخشیده است.

حضرت فرمود: هرگاه خداوند مالی را به تو داد باید اثر نعمت و کرامت او در تو دیده شود.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند نعمتی به بنده ی خود عنایت کند و آن نعمت بر او نمایان باشد، آن بنده چنین نامیده می شود:

دوستدار خدا و آشکار کننده ی نعمت خدا؛ و هرگاه خداوند نعمتی به بنده ای عطا کند و آن بر او آشکار نباشد، بنده چنین نام می گیرد:

منفور خدا و تکذیب کننده ی نعمت خدا.

۸- ابوبصیر می گوید: امیرمؤمنان علیه السلام اطلاع یافت که طلحه و زبیر می گویند: «علی مالی ندارد».

این بر حضرت گران آمد و به وکلای خود دستور داد که عایدات و درآمدهای او را جمع آوری کنند.

ص: ۲۰۲

۱- ((۱)) دعائم الإسلام: ۱۵۳/۲ ح ۵۴۳، عنه المستدرک: ۲۳۶/۳ ح ۳۴۶۹.

۲- ((۲)) المعجم الكبير: ۲۷۸/۱۹ صدر ح ۶۱۰.

۳- ((۳)) الکافی: ۴۳۸/۶ ح ۲، عنه الوسائل: ۸/۵ ح ۵۷۴۹.

حَتَّى إِذَا حَالَ الْحَوْلَ أُتُوهُ وَقَدْ جَمَعُوا مِنْ ثَمَنِ الْغَلَّةِ مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ فَنَشَرْتُمْ (فَنَثَرْتُمْ - خ ل) بَيْنَ يَدَيْهِ، فَأَرْسَلْنَا إِلَى طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ فَأَتِيَاهُ فَقَالَ لَهُمَا: هَذَا الْمَالُ وَاللَّهُ لِي لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ شَيْءٌ - وَكَانَ عِنْدَهُمَا مِصَدَّقًا - . قَالَ: فَخَرَجَا مِنْ عِنْدِهِ وَهُمَا يَقُولَانِ: إِنَّ لَهُ لِمَالًا (۱).

۹ - عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدَّهْنُ يَظْهَرُ الْغَنَى، وَالثِّيَابُ تَظْهَرُ الْجَمَالَ، وَحُسْنُ الْمَلِكَةِ يَكْتَبُ الْأَعْدَاءَ (۲).

چون یک سال گذشت خدمت حضرت رسیدند در حالی که از قیمت عایدات صد هزار درهم گرد آورده بودند و آن ها مقابل حضرت ریخته بود.

حضرت دنبال طلحه و زبیر فرستاد و آنان آمدند.

حضرت به آن دو فرمود: «سوگند به خدا این اموال از آن من است و هیچ کس حقی در آن ندارد» - و حضرت نزد آن دو مورد تصدیق بود - آن دو از نزد حضرت بیرون رفتند در حالی که می گفتند «او چه اموال زیادی دارد!»

۹ - امام علی علیه السلام فرمود: روغن (عطر) مالیدن بی نیازی را آشکار می نماید، و پوشیدن لباس، آراستگی را نمایان می کند، و نیکویی حکومت، دشمنان را خوار می سازد.

ص: ۲۰۳

۱- ((۱)) الکافی: ۴۴۰/۶ ح ۱۱، عنه الوسائل: ۹/۵ ح ۵۷۵۲.

۲- ((۲)) الخصال: ۹۱ ح ۳۳، عنه الوسائل: ۱۵۷/۲ ح ۱۷۹۹.

(فصل سوم): پرهیزها و نبایسته های عملی و اخلاقی مرتبط با مصرف

اشاره

ص: ۲۰۵

الف) نکوهش کفران نعمت و جزای آن

۱ - قال الله تبارك وتعالى:

وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا - قَزِيَّةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنِّينَ يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذُفَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱) ۲ - عن أبي عمرو الزبيري عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له:

أخبرني عن وجوه الكفر في كتاب الله عزّ و جلّ قال: الكفر في كتاب الله على خمسة أوجه:

... والوجه الثالث من الكفر كفر النعم، وذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان عليه السلام: هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ ۱ - خداوند متعال فرمود: و خداوند شهری را مثال زده است که امن و آرام بود و رزقش به وفور از هر طرف به آن می رسید، اما کفران نعمت خدا کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

۲ - ابو عمرو زبیری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

مرا آگاه ساز که کفر در کتاب خدای عزّ و جلّ چند صورت دارد؟

فرمود: کفر در کتاب خدا پنج قسم است:

...قسم سوم کفر، کفر و ناسپاسی نعمت است و گفتار خدای متعال در این باره است، آن جا که سخن سلیمان را حکایت می کند

«این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزار می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هر که سپاس گزاری کند به راستی برای خود سپاس گزاری می کند و هر که ناسپاسی کند

ص: ۲۰۷

فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۱).

وقال: لَلَّ-نَ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَلَّ-نَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۲) وقال: فَادْكُرُونِي أذكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَأَتَكْفُرُونَ (۳)(۴) ۳
- عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

□
ويْلٌ لمن يبدل نعمه الله كفوًّا... (۵).

۴ - قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم: أسرع الذنوب عقوبه كفران النعمه (۶).

□
۵ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها ولا تؤخر إلى الآخرة: عقوق الوالدين و البغى على الناس و كفر الإحسان (۷).

۶ - قال علي عليه السلام: كافر النعمه مذمومٌ عند الخالق و الخلاق (۸).

به راستی پروردگارم بی نیاز و کریم است»

و نیز می فرماید:

«اگر واقعاً سپاس گزاری کنید، همانا [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود»

و می فرماید: «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرم را به جای آرید و مرا ناسپاسی نکنید».

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

وای به حال کسی که ناسپاسی را جایگزین نعمت خدا کند.

۴ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

گناهی که کیفرش زودتر از همه ی گناهان دامن انسان را می گیرد ناسپاسی نعمت است.

۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

سه گناه است که کیفر آن ها در دنیا داده می شود و به روز قیامت نمی افتد:

عاق والدین، ستم بر مردم و ناسپاسی احسان.

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

-
- ۱- ((۱)) النمل: ۴۰.
 - ۲- ((۲)) إبراهيم: ۷.
 - ۳- ((۳)) البقره: ۱۵۲.
 - ۴- ((۴)) الكافی: ۳۸۹/۲ ح ۱.
 - ۵- ((۵)) المحاسن: ۲۶۵ ح ۳۴۰.
 - ۶- ((۶)) الأمالی الطوسی: ۴۵۰ ضمن ح ۱۰۰۵، عنه الوسائل: ۳۱۲/۱۶ ح ۲۱۶۳۴ والبحار: ۷۰/۶۶ ح ۲۵.
 - ۷- ((۷)) أمالی المفید: ۲۳۷ ح ۱ و نحوه فی أمالی الطوسی: ۱۳ ح ۱۷، عنه الوسائل: ۳۱۲/۱۶ ح ۲۱۶۳۳.
 - ۸- ((۸)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۹۷ ح ۶۷۲۶.

۷ - قال عليّ عليه السلام : كافر النعمه كافر فضل الله (۱).

۸ - قال عليّ عليه السلام : إنّ كفر النعم لئوم، ومصاحبه الجاهل شؤم (۲).

۹ - قال عليّ عليه السلام لابنه محمّد بن الحنفية: كفر النعم موق، ومجالسه الأحمق شؤم (۳) ۱۰ - قال عليّ عليه السلام : ليس من التوفيق كفران النعم (۴).

۱۱ - قال عليّ عليه السلام : كفران النعم يزلّ القدم ويسلب النعم (۵).

۱۲ - قال عليّ عليه السلام : النعم يسلبها الكفران (۶).

۱۳ - قال عليّ عليه السلام : آفه النعم الكفران (۷).

۱۴ - قال عليّ عليه السلام : من أنعم على الكفور طال غيظه (۸).

۱۵ - عن محمّد بن عرفه قال:

۷ - امير مؤمنان عليّ عليه السلام فرمود:

كفران كنده ی نعمت، كفران كنده ی احسان خدا است.

۸ - امام عليّ عليه السلام فرمود:

به راستی ناسپاسی نعمت ها، پستی است

و همراهی نادان، نحس است.

۹ - امير مؤمنان عليّ عليه السلام به پسرش محمد بن حنفیه فرمود:

ناسپاسی نعمت ها حماقت است

و همنشینی با كودن نحس است.

۱۰ - امام عليّ عليه السلام فرمود:

كفران نعمت ها راه كاميابی نیست.

۱۱ - امام عليّ عليه السلام فرمود:

کفران نعمت ها قدم را می لغزاند و نعمت ها را [از انسان] می گیرد.

۱۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

کفران و ناسپاسی، نعمت ها را می رباید.

۱۳ - امام علی علیه السلام فرمود:

ناسپاسی، بلای نعمت ها است.

۱۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

هر کس بر ناسپاس نعمت بخشد، خشمش به درازا کشد.

۱۵ - محمد بن عرفه نقل می کند که

ص: ۲۰۹

۱- ((۱)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۹۷ ح ۶۷۲۱.

۲- ((۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۴۲ ح ۳۱۷۰.

۳- ((۳)) الفقیه: ۳۹۰/۴ ضمن ح ۵۸۳۷.

۴- ((۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۹ ح ۶۹۴۲.

۵- ((۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۹۶ ح ۶۷۰۹.

۶- ((۶)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۱ ح ۱۳۱۷.

۷- ((۷)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۲ ح ۳۷۲۵.

۸- ((۸)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۲۵ ح ۷۲۰۹.

قال أبو الحسن الرضا عليه السلام: يا ابن عرفه! إنَّ النِّعم كالإبل المعتقله في عَطَنها على القوم ما أحسنوا جوارها، فإذا أسأؤوا معاملتها وإنالتهما نفرت عنهم (١).

١٦ - قال أمير المؤمنين عليه السلام:

أحسنوا صحبه النِّعم قبل فراقها، فإنَّها تزول وتشهد على صاحبها بما عمل فيها (٢).

١٧ - قال عليّ عليه السلام: اضرب بطرفك حيث شئت من الناس، فهل تبصر إلفاقيراً يكابد فقراً، أو غتياً بدّل نعمه الله كفراً... (٣)

١٨ - عن الصادق عليه السلام في كيفية زياره الحسين عليه السلام: اللهم اجعلني ممن له مع الحسين بن عليّ قدم ثابت، وأثبتني فيمن استشهد معه، اللهم العن الذين بدّلوا نعمتك كفراً، سبحانك يا حلیم عمّا يعمل الظالمون في الأرض (٤).

امام رضا عليه السلام فرمود:

ای فرزند عرفه! به راستی که نعمت ها نسبت به مردم همچون شتران بسته شده در استراحتگاه هستند تا زمانی که همسایگی آن ها را نیکو دارند؛ پس هرگاه در رفتار با آن ها و رسیدگی به آن ها بد کنند از آنان کوچ خواهند کرد.

١٦ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

با نعمت ها خوب رفاقت کنید پیش از آن که جدا شوند؛ چرا که آن ها از دست می روند و بر ضد صاحب خود به دلیل رفتارش با آن ها، گواهی می دهند.

١٧ - امام علی علیه السلام فرمود:

در هر سو می خواهی به مردم نگاه کن، آیا جز فقیری که با فقر دست و پنجه نرم می کند یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده است می بینی؟...

١٨ - امام صادق علیه السلام در سخنی درباره ی چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام فرمود:

بارالها! مرا از کسانی قرار ده که همراه حسین بن علی علیه السلام قدم استوار دارد، و مرا در زمره ی کسانی که همراه او به شهادت رسیدند ثبت فرما. بارالها! آنانی که نعمت را به کفران تبدیل کردند از رحمت خود دور بدار. تو منزّهی ای خدای بردبار از آنچه ستمگران در روی زمین انجام می دهند.

ص: ٢١٠

٢- (٢) علل الشرائع: ٤٦٤ ب ٢٢٢ ح ١٢.

٣- (٣) نهج البلاغه (صباحى الصالح): ١٨٧ ضمن الخطبه ١٢٩.

٤- (٤) كامل الزيارات: ٢٤٠ ب ٧٩ ضمن ح ١٨.

ب) نمونه هایی از کفران نعمت

۱ - قال الصادق عليه السلام : أنزل الله تعالى فيهم [بنی امیه]؛ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا وَيَبْسُ الْقَرَارُ (۱) ونعمه الله محمّد وأهل بيته، حبّهم إيمان يُدخل الجنّة، وبغضهم كفر ونفاق يُدخل النار. فأسرّ رسولُ الله صلى الله عليه وآله وسلم ذلك إلى عليّ وأهل بيته (۲).

۲ - عن الحارث النصرى قال:

سألت أبا جعفر [الباقر] عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ الَّذِينَ يَدُلُّونَ نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا (۳) قال: ما تقولون في ذلك؟ قلت: نقول: هم الأفجران من قريش بنو اميّه وبنو المغيره. قال: ثمّ قال: هي والله قريش قاطبه، إنّ الله تبارك وتعالى خاطب نبيّه صلى الله عليه وآله وسلم فقال:

۱ - امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تعالى درباره ی آنان [بنی امیه] این آیه را نازل فرمود:

«آیا ندیدی کسانی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند؟ [به همان] جهنمی که در آن وارد می شوند، و بد قرارگاهی است» نعمت خدا، محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان او است.

دوستی آنان ایمانی است که موجب ورود به بهشت می شود و دشمنی آنان کفر و نفاق است که سبب ورود در آتش می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را پنهانی به علی و خاندانش فرمود.

۲ - حارث نصری می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ که فرمود «آنانی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند» پرسیدم.

حضرت فرمود: شما چه می اندیشید؟

عرض کردم:

ما می گوییم آنان دو گروه تبهکار از قریش یعنی قبیله بنی امیه و بنی مغیره هستند.

حضرت فرمود: سوگند به خدا آنان همه ی قریش اند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی به پیامبر خود صلی الله علیه و آله خطاب فرمود

١- (١) ابراهيم: ٢٨ و ٢٩.

٢- (٢) الصحيفه السجّاديه الجامعه: ٦٢٢.

٣- (٣) ابراهيم: ٢٨.

إِنِّي فَضَّلْتُ قَرِيشًا عَلَى الْعَرَبِ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِمْ نِعْمَتِي وَبَعَثْتُ إِلَيْهِمْ رَسُولِي، فَبَدَّلُوا نِعْمَتِي كَفْرًا وَأَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ (۱).

۳- عن سدير قال: سأل رجلٌ أبا جعفر [الباقر] عليه السلام عن قول الله عزَّ وجلَّ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِنَا أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ (۲) فقال: هؤلاء قومٌ كان لهم قرى متصلة ينظر بعضهم إلى بعض، وأنهار جارية، وأموال ظاهرة، فكفروا بأنعم الله وغيروا ما بأنفسهم، فأرسل الله عزَّ وجلَّ عليهم سيل العرم فعزَّق قراهم وأخرب ديارهم وأذهب بأموالهم وأبدلهم مكان جناتهم جنتين ذواتي اكلٍ خميٍّ وأثلٍ وشيءٍ من سدرٍ قليل،

ثم قال الله عزَّ وجلَّ: ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا الْكٰفِرِينَ (۳). (۴) «من قريش را بر همه ی عرب برتری دادم، و نعمت خودم را بر آنان کامل کردم و رسولم را به سویشان برانگیختم پس نعمتم را به ناسپاسی تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند».

۳- سدير گوید: مردی از امام باقر عليه السلام در باره ی این سخن خدای عزَّ وجلَّ پرسید که می فرماید

«پس گفتند "پروردگارا میان سفرهای ما دوری بیفکن" و بر خویشان ستم کردند».

امام فرمود: اینان مردمی بودند که آبادی های متصل به هم - که در چشم انداز یکدیگر بودند - و رودخانه های روان و دارایی های فراوان داشتند؛ پس نعمت های الهی را ناسپاسی کردند و آنچه را در [دل های] خود داشتند دگرگون ساختند.

در پی آن، خدای عزَّ وجلَّ سیل بنیان کن را به سوی آن ها روان ساخت که آبادی هاشان را غرق و خانه هاشان را ویران و دارایی هاشان را نابود کرد و باغ های [پر برکت] آنان را به دو باغ [بی ارزش] با میوه های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر تبدیل نمود.

و خداوند فرمود: «برای ناسپاسی شان آنان را این گونه کیفر دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر می دهیم؟»

ص: ۲۱۲

۱- ((۱)) الکافی: ۱۰۳/۸ ح ۱۷۷.

۲- ((۲)) سبأ: ۱۹.

۳- ((۳)) سبأ: ۱۶.

۴- ((۴)) الکافی: ۳۹۵/۸ ح ۵۹۶، عنه البحار: ۱۴۵/۱۴ ح ۳.

۴ - عن جعفر بن محمد عليهما السلام أنه سئل عن الصلاة على كدس الحنطة، فنهى عن ذلك، فقيل له:

فإذا افترش فكان كالسطح؟ فقال: لا - يصلى على شىء من الطعام، فإنما هو رزق الله لخلقه ونعمته عليهم، فعظموه ولا تطأوه ولا تستهينوا به، فإن قوماً فيمن كان قبلكم وسع الله عليهم في أرزاقهم، فاتخذوا من الخبز النقي مثل الأفهار (۱) فجعلوا يستنجون به، فابتلاهم الله عزّ وجلّ بالسنين (۲) والجوع، فجعلوا يتتبعون ما كانوا يستنجون به فيأكلونه، ففيهم نزلت هذه الآية:

وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَزِيهً كَانَتْ ءَامِنَهُ مُمْطَل - نَهَ يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمَ اللَّهُ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۳). (۴) - از امام صادق عليه السلام از حکم نماز خواندن بر خرمن گندم سؤال شد.

آن حضرت از این کار نهی فرمود.

گفته شد: هر گاه پهن شود و همچون سطحی هموار گردد چطور؟

فرمود: بر چیز خوراکی نماز نمی خوانند؛ زیرا آن چیز، روزی خدا برای مردم و نعمت او بر آنان است، پس آن را بزرگ شمارید و پا روی آن نگذارید و آن را خوار نشمارید که از پیشینیان مردمانی بودند که خداوند روزی فراوان به آن ها داده بود و آنان به جای تکه های سنگ با نان پاکیزه مدفوع خود را پاک می کردند؛ از این رو خدای عزّ و جلّ آنان را به قحطی و گرسنگی گرفتار ساخت و چنان شد که نان هایی را که با آن خود را پاک کرده بودند، می جستند و می خوردند، و درباره ی آنان این آیه نازل شد:

«و خدا شهری را مثل زده است که امن و آرام بود و روزی آن به خوبی و فراوانی از هر جا می آمد تا آن که [مردمان آن] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، پس خداوند هم به سزای کارهایی که می کردند گرسنگی گسترده و ترس فراگیر را به آنان چشانید.»

ص: ۲۱۳

۱- (۱) الفهر: الحجر مل الكف، وقيل: هو الحجر مطلقاً. (النهاية: ۴۸۱/۳).

۲- (۲) أي بالجذب و قله الأمطار و المياه. (مجمع البحرين: ۴۳۸/۲).

۳- (۳) النحل: ۱۱۲.

۴- (۴) دعائم الإسلام: ۱۷۹/۱ ونحوه في تفسير العياشي: ۲۷۳/۲ ح ۷۹.

۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ ازلفت إليه يد كان عليه من الحق أن يجزى بها، فإن لم يفعل فليُظهر الثناء، فإن لم يفعل فقد كفر النعمة (۱).

۶ - قال عليّ عليه السلام : مَنْ استعان بالنعمة على المعصية فهو الكفور (۲).

۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

لعن الله قاطعي سبيل المعروف، قيل: وما قاطعو سبيل المعروف؟ قال: الرجل يُصنع إليه المعروف فيكفره فيمتنع صاحبه من أن يصنع ذلك إلى غيره (۳).

۸ - حدّثني شهر [بن حوشب] قال: سمعت أسماء بنت يزيد الأنصارية تحدّث: زعمت أنّ رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم مرّ في المسجد يوماً و عصبه من النساء قعود، فألوى بيده إليهنّ بالسلام قال: إياكنّ و كفران المنعمين، إياكنّ و كفران المنعمين.

۵ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

کسی که خیری از کسی ببیند باید آن را جبران کند.

اگر نتوانست باید آشکارا ثنايش گوید و اگر این را انجام ندهد نعمت را ناسپاسی کرده است.

۶ - امام علی عليه السلام فرمود:

هر کس از نعمت [خدا] بر نافرمانی [او] کمک گیرد بسیار ناسپاس است.

۷ - امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند قطع کنندگان راه های خیر را از رحمت خود دور بدارد.

عرض شد: قطع کنندگان راه های خیر چه کسانی اند؟

فرمود:

شخصی که کار نیکی در حقش انجام می گیرد و آن را ناسپاسی می کند، از این رو شخص نیکی کننده از این که آن را در حق دیگری انجام دهد، خودداری می کند.

۸ - از شهر بن حوشب نقل شده است که أسماء بنت یزید انصاری گفت:

روزی پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در مسجد گذر کرد در حالی که گروهی از زنان نشسته بودند.

آن حضرت با اشاره ی دست به آنان سلام کرد و فرمود:

مبادا ولی نعمتان را ناسپاسی کنید! مبادا ولی نعمتان را ناسپاسی کنید!

ص: ۲۱۴

۱- ((۱)) الإصابه: ۶۷۹/۳ رقم ۹۴۲۹ و كنز العمال: ۲۶۵/۳ ح ۶۴۷۴.

۲- ((۲)) عيون الحكم والمواعظ: ۴۵۶ ح ۸۲۳۲.

۳- ((۳)) الكافي: ۳۳/۴ ح ۱ و نحوه فی الفقیه: ۵۷/۲ ح ۱۶۹۸.

قالت إحداهن: يا رسول الله! أعود بالله يا نبي الله من كفران الله. قال:

بلبي، إن إحدائكم تطول أيمتها (١) ويطول تعيسها (٢). ثم يزوجه الله البعل و يفيدها الولد و قره العين، ثم تغضب الغضب فتقسم بالله ما رأته منه ساعة خير قط، فذلك من كفران نعم الله عز و جل، و ذلك من كفران المنعمين (٣).

٩ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : إنه ليؤتى بعد يوم القيامة فيقال له:

اوتيت ذلك على يديه، فيقول: بل يكون جعلت شكر ذلك كله لله، فيقال له: لم تشكر الله إذ لم تشكر من أجرى الله ذلك على يديه، ثم قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : فمن أوتى خيراً على يدى أخيه أو صنع إليه صنائع معروفاً فليذكره، فإذا ذكره فقد شكره، وإذا كتمه فقد كفره (٤).

يکی از آنان عرضه داشت: پناه می بریم به خدا ای پیامبر خدا از ناسپاسی خدا.

آن حضرت فرمود: آری، یکی از شما مدت ها بی شوهر می ماند و سنی از او می گذرد تا این که خداوند او را به شوهر می رساند و فرزند و روشنایی چشم به او عطا می کند.

روزی او را خشمی می گیرد و به خدا قسم می خورد که هیچ گاه لحظه ای از او خیر و خوشی ندیده است.

این کار ناسپاسی نعمت های خدا است و این رفتار ناسپاسی ولی نعمتان است.

٩ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: روز قیامت بنده ای را می آورند و به او می گویند:

این [نعمت ها] از طریق فلانی به تو داده شد.

او می گوید: سپاس همه ی آن ها را برای خدا به جا آوردم.

به او گفته می شود: تو از خدا سپاس گزاری نکردی چون از کسی که این [نعمت] را از طریق او به تو رسانید سپاس گزاری نکردی.

آن گاه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: پس هر که از طریق برادرش خیری به او رسد یا کسی کار نیکی در حقش انجام دهد، باید آن را یاد کند؛ چون آن را یاد کرد از او سپاس گزاری کرده است و چون کتمان کرد او را ناسپاسی کرده است.

ص: ٢١٥

١- (١) الأیمة: طول التعزب.

٢- (٢) عَنَسَتِ الْمَرْأَةُ: إِذَا كَبُرَتْ وَ عَجَزَتْ فِي بَيْتِ أَبَوَيْهَا (النهاية: ٣٠٨/٣).

٣- (٣) مسند أحمد: ٤٥٧/٦ ونحوه في ص ٤٥٢ و مجمع الزوائد: ٣١١/٤.

٤- (٤) مستدرک الوسائل: ٣٥٧/١٢ ح ١٤٢٨٥ عن کتاب الأخلاق لأبی القاسم الکوئی (مخطوط).

الف) مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن ها

اسراف: زیاده روی ناپسند در هرکاری است که انسان انجام می دهد، چه در امور مالی باشد یا غیر مالی؛ البته کاربرد آن در امور مالی بیش تر است. بنابراین اسراف در امور مالی به معنی هزینه کردن و صرف کردن مال بیش از مقدار لازم است.

تبذیر: در اصل لغت به معنای انداختن بذر است، ولی به اصطلاحی تبدیل شده است برای ضایع کردن هر مالی. به عبارت دیگر تبذیر یعنی صرف کردن مال درجایی که سزاوار نیست. (مانند آن که بذری را در زمین غیرمساعدا بکارند.)

تفاوت این دو: اولاً- تبذیر فقط در امور مالی کار برد دارد ولی اسراف هم در امور مالی و هم غیرمالی به کار می رود؛ ثانیاً تبذیر به معنی صرف کردن مال درجایی و در موردی است که سزاوار نیست در آن صرف شود، ولی اسراف به معنی صرف کردن بیش از اندازه است، یعنی اصل مصرف کردن مال در آن مورد بی اشکال است ولی زیادترا از حد لازم، اسراف می شود. در نتیجه تبذیر از اسراف بدتر است. (۱)

ص: ۲۱۶

۱- (۱) ر. ک. المفردات للراغب ومجمع البحرین ومعجم الفروق اللّغویّه.

۱ - قال الله عزوجل: يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد واكلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين (۱).

۲ - وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲).

۳ - وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالزَّمَانَ مَتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳).

۴ - وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۴).

۵ - وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۵).

۱ - ای فرزندان آدم زینت خود را در هر مسجدی برگیرید، و بخورید و بیاشامید و زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد.

۲ - و حق خویشاوند را به او بده و [نیز حق] مستمند و در راه مانده را، و تبذیر و ولخرجی مکن چرا که تبذیرکاران برادران شیطان هایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس بوده است.

۳ - و اوست که باغ هایی از درختان داربستی [مانند انگور] و بدون داربست و نخل و زراعت با میوه های گوناگون، و زیتون و انار مشابه و غیر مشابه را پدید آورد. شما از میوه ی آن به هنگامی که بار می دهد بخورید، و روز چیدنش حق آن را [به مستمندان] پردازید ولی زیاده روی نکنید که او مسرفان را دوست ندارد.

۴ - و کسانی اند که چون انفاق کنند نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو، حد وسط را بر می گزینند.

۵ - و فرمان افراطگران را پیروی نکنید.

ص: ۲۱۷

۱- (۱) الأعراف: ۳۱.

۲- (۲) الإسراء: ۲۶ و ۲۷.

۳- (۳) الأنعام: ۱۴۱.

۴- (۴) الفرقان: ۶۷.

۵- (۵) الشعراء: ۱۵۱.

۶ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنَّ القصد أمرٌ يحبّه الله عزّ وجلّ وإنَّ السرف أمرٌ يبغضه الله، حتّى طرحك النواه فإنّها تصلح للشىء، وحتّى صبّك فضل شرابك (۱).

۷ - قال على أمير المؤمنين عليه السلام :

من المروءه أن تقتصد فلا تسرف، و تعدّ فلا تخلف (۲).

۸ - عن أمير المؤمنين عليه السلام قال:

الإسراف مذمومٌ فى كلّ شىء إلّا فى أفعال البرّ (۳).

۹ - قال على أمير المؤمنين عليه السلام : من العقل مجانبه التبذير وحسن التدبير (۴).

۱۰ - قال النبىّ صلى الله عليه و سلم : كلوا واشربوا والبسوا وتصدّقوا فى غير إسراف ولا مخيله (۵).

۱۱ - قال النبىّ صلى الله عليه و سلم : إياكم و السرف فى المال و النفقه، و عليكم بالاعتصام، فما افتقر قومٌ قطّ اقتصدوا (۶).

۶ - امام صادق عليه السلام فرمود:

میانہ روی کاری است کہ خداوند عزّ وجلّ آن را دوست دارد و زیادہ روی کاری است کہ خداوند آن را دشمن می دارد، حتی دور انداختن هسته، چرا کہ بہ کار می آید (فایده دارد)؛ و حتی ریختن باقی مانده ی نوشیدنی.

۷ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: از جوانمردی است کہ میانہ رو باشی و اسراف نکنی، و وعدہ دهی و تخلف نکنی.

۸ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

زیادہ روی در ہر چیزی نکوہیدہ است جز در کارہای نیک.

۹ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

از نشانہ ہای خرد پرهیز از تبذیر، و تدبیر نیک است.

۱۰ - پیامبر اکرم صلی الله عليه و آله فرمود:

بخورید و بیاشامید و بپوشید و صدقہ بدهید، ولی بدون اسراف و فخر فروشی.

۱۱ - رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: از اسراف در مال و ہزینہ ی زندگی پرهیزید، و بر شما باد بہ میانہ روی.

قومی کہ میانہ روی پیشہ کنند ہرگز نیازمند نشوند.

-
- ١- ((١)) الكافي: ٥٢/٤ ح ٢.
 - ٢- ((٢)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٧٣ ح ٨٦٧٨.
 - ٣- ((٣)) غرر الحكم: ٨٣/١ ح ١٩٦٠، عنه المستدرک: ٢٧١/١٥ ح ١٨٢١٧.
 - ٤- ((٤)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٦٨ ح ٨٥٣٦.
 - ٥- ((٥)) صحيح البخاری: ١٨٢/٧.
 - ٦- ((٦)) كنز العمال: ٥٣/٣ ح ٥٤٥٤.

۱۲ - قال علیّ أميرالمؤمنین علیه السلام :

ذر السرف، فإنّ المسرف لا یحمد جوده ولا یرحم فقره (۱).

۱۳ - قال علیّ علیه السلام : کن سَمَحاً ولا تکن مبذراً، وکن مقدراً أولاً تکن مقترراً (۲).

۱۴ - قال علیّ أميرالمؤمنین علیه السلام : آفه الجود التبذیر (۳).

۱۵ - قال علیّ أميرالمؤمنین علیه السلام :

شین السخاء السرف (۴).

۱۶ - عن الصادق علیه السلام قال:

قال لقمان لابنه فی حدیث:

وکن مقتصداً، ولا تمسکه تقتیراً، ولا تعطه تبذیراً (۵).

۱۷ - قال السجّاد علیه السلام - فی مکارم الأخلاق ومرضی الأفعال - :

...اللهم صلّ علی محمد وآله، وامنعنی من السرف، وحصّن رزقی من التلف، ووفّر ملکتی بالبر که فیہ، وأصب بی سیل الهدایه للبرّ فیما انفق منه (۶).

۱۲ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

از اسراف پرهیز که بخشش اسراف گر ستایش نشود و نیازمندی اش مورد ترحم قرار نگیرد.

۱۳ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: بخشنده باش ولی و لخرج نباش، و اندازه گیر باش ولی سخت گیر و ممسک نباش.

۱۴ - امام علی علیه السلام فرمود: آفت بخشش، تبذیر است.

۱۵ - امام علی علیه السلام فرمود: زشتی بخشش در اسراف است.

۱۶ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

لقمان به فرزند خود گفت:

میانه رو و متعادل باش و در خرج کردن سخت مگیر و در بخشش زیاده روی مکن.

...بارالها! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اسراف کردن بازدار، و روزی ام را از نابودی نگاهدار، و دارایی ام را با برکتی که به آن می دهی فراوان کن، و در مالی که از آن انفاق می کنم، مرا به راه هدایت به سوی نیکی برسان.

ص: ۲۱۹

-
- ۱- (۱) عیون الحکم و المواعظ: ۲۵۶ ح ۴۷۳۷.
 - ۲- (۲) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۷۴ الحکمه ۳۳.
 - ۳- (۳) عیون الحکم و المواعظ: ۱۸۲ ح ۳۷۲۳.
 - ۴- (۴) عیون الحکم و المواعظ: ۲۹۸ ح ۵۳۲۹.
 - ۵- (۵) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۱.
 - ۶- (۶) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۱۵ ضمن دعاء ۵۵.

ج) پیامدهای دنیوی و اخروی اسراف و تبذیر

۱ - قال الله تبارك وتعالى: إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۱).

۲ - لَاجِرَمَ أَنْتَمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَافِي الْأَخْرَةِ وَ أَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۲).

۳ - قال النبي صلى الله عليه و سلم : مَنْ اقْتَصَدَ أَغْنَاهُ اللَّهُ، وَ مَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ (۳).

۴ - قال عليّ أميرالمؤمنين عليه السلام :

لاخير في السرف، ولاسرف في الخير (۴).

۵ - قال عليّ أميرالمؤمنين عليه السلام :

من لم يُحسن الإقتصاد أهلکه الإسراف (۵).

۶ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال: إِنَّ السَّرْفَ يورث الفقر، وَإِنَّ القصد يورث الغنى (۶).

۱ - خداوند کسی را که اسراف کار و بسیار دروغ گو است هدایت نمی کند.

۲ - بی تردید آنچه مرا به سوی آن دعوت می کنید، نه در دنیا دعوت [و حاکمیتی] دارد و نه در آخرت.

و به راستی، برگشت ما تنها به سوی خدا است، و افراطگران اهل آتشند.

۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هر که میانه رو باشد خداوند او را بی نیاز سازد، و هر که ولخرجی کند خدا او را نیازمند گرداند.

۴ - أميرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

در اسراف هیچ خیری نیست و در کار خیر اسراف نیست.

۵ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هر کس به خوبی میانه روی نکند، اسراف او را نابود می کند.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا زیاده روی و اسراف، موجب فقر می شود و میانه روی، بی نیازی را به ارمغان می آورد.

١- ((١)) غافر: ٢٨.

٢- ((٢)) غافر: ٤٣.

٣- ((٣)) مجمع الزوائد: ٢٥٣/١٠.

٤- ((٤)) عوالى اللآلى: ٢٩١/١ ح ١٥٤.

٥- ((٥)) عيون الحكم والمواعظ: ٤٤٥ ح ٧٨٠٩ وكذا فى غررالحكم: ٦٤١/٢ ح ٥٥١، عنه المستدرک: ٥٤/١٣ ضمن ح ١٤٧٢٤.

٦- ((٦)) الكافى: ٥٣/٤ ح ٨.

۷- قال أبو عبد الله عليه السلام: إنَّ مع الإسراف قلَّه البركه (۱).

۸- قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام:

التبذير قرين مفلس (۲).

۹- قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام:

التبذير عنوان الفاقه (۳).

۱۰- قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام:

الإسراف يُفنى الكثير (۴).

۷- امام صادق عليه السلام فرمود:

اسراف و زياده روى برکت را كاهش مى دهد.

۸- امير مؤمنان على عليه السلام فرمود:

ولخرجى، همنشين ورشكسته اى است.

۹- امير مؤمنان على عليه السلام فرمود:

ولخرجى سرلوحه ى تنگدستى است.

۱۰- امير مؤمنان على عليه السلام فرمود:

اسراف كردن [سرمایه و مال]، زياد را نابود مى كند.

ص: ۲۲۱

۱- ((۱)) الكافي: ۵۵/۴ ح ۳، عنه الوسائل: ۵۵۵/۲۱ ح ۲۷۸۵۹.

۲- ((۲)) عيون الحكم و المواعظ: ۲۹ ح ۴۴۳.

۳- ((۳)) عيون الحكم و المواعظ: ۴۱ ح ۹۳۷.

۴- ((۴)) عيون الحكم و المواعظ: ۴۲ ح ۹۷۰.

د) نمونه هایی از اسراف و پرهیز از اسراف

۱ - عن الإمام الصادق عليه السلام - في قوله عزّ وجلّ إِنَّهُ لَأُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱) - قال: نهامهم عن الإسراف ونهاتهم عن التقدير، ولكن أمرّ بين أمرين، لا يعطى جميع ما عنده ثم يدعو الله أن يرزقه فلا يستجيب له (۲).

۲ - عن هشام بن المثنى قال:

سأل رجلٌ أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عزّ وجلّ: ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (۳) فقال: كان فلان بن فلان الأنصاري - سمّاه - وكان له حرثٌ، وكان إذا أخذ يتصدّق به ويبقى هو وعياله بغير شيءٍ فجعل الله عزّ وجلّ ذلك سرفاً (۴).

۱ - امام صادق عليه السلام درباره ی سخن خدای عزّ و جلّ که «خداوند اسراف کاران را دوست نمی دارد» فرمود:

آنان را از زیاده روی بازداشت و از خست و سخت گیری نیز منع کرد؛ بلکه راه صحیح، میان این دو امر است.

[انسان] نباید همه ی آنچه را دارد ببخشد و آن گاه از خدا بخواهد روزی اش دهد که خداوند دعایش را اجابت نمی کند.

۲ - هشام بن مثنی می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید که فرموده است:

«و حق [بینویان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید و زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند.

خداوند این را اسراف دانست.

ص: ۲۲۲

۱- (۱) الأنعام: ۱۴۱ و الأعراف: ۳۱.

۲- (۲) الکافی: ۶۷/۵ ضمن ح ۱، عنه الوسائل: ۲۶/۱۷ ح ۲۱۸۹۳.

۳- (۳) الأنعام: ۱۴۱.

۴- (۴) الکافی: ۵۵/۴ ح ۵، عنه الوسائل: ۵۵۸/۲۱ ح ۲۷۸۶۸.

۳ - عن أحمد بن محمد بن الزنطي عن الرضا عليه السلام قال: سألته عن قول الله عز وجل وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا (۱) أيش الإسراف؟ قال: هكذا يقرأوها من قبلكم؟ قلت: نعم.

قال: افتح الفم بالحاء. قلت:

حَصَادِهِ. وكان أبي عليه السلام يقول: من الإسراف في الحصاد والجداد أن يصدّق الرجل بكفّيه جميعاً، وكان أبي عليه السلام إذا حضر حصد شيء من هذا فرأى أحداً من غلمانه تصدّق بكفّيه صاح به وقال: أعطه بيد واحدة، القبضه بعد القبضه، والضغث بعد الضغث من السنبل، وأنتم تسمّونه الأندر (۲).

□
۴ - عن عبد الملك بن عمرو الأحول قال: تلا أبو عبد الله عليه السلام هذه الآية وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَاماً (۳) قال: فأخذ قبضه من حصي وقبضها بيده فقال: هذا الإقتار الذي ذكره الله في كتابه، ۳ - احمد بن محمد بن زنطي می گوید: از امام رضا عليه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «و حق [بینوانان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید، و زیاده روی نکنید» پرسیدم که اسراف چیست؟ حضرت فرمود:

آیا پیش از شما نیز آیه را چنین قرائت می کردند؟ عرض کردم: آری؟ فرمود: هنگام گفتن حرف «حاء» دهانت را بگشا.

بعد فرمود: پدرم می فرمود هنگام برداشت محصول و چیدن آن، هرکس با دو دست خود صدقه دهد اسراف است، و پدرم چنین بود که هرگاه محصولی را برداشت می کرد و می دید یکی از غلامانش با دو دست خود از آن صدقه می دهد، او را ندا می کرد و می فرمود:

آن را با یک دست بده، یک مشت یک مشت و یک دسته یک دسته از خوشه ها؛ در حالی که شما آن را اندک می دانید.

۴ - عبد الملك بن عمرو أحول نقل کرده است که امام صادق عليه السلام این آیه را تلاوت کرد:

«و کسانی اند که چون انفاق کنند نه زیاده روی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را بر می گزینند». سپس حضرت یک مشت ریگ برداشت و مشت خود را بست و فرمود:

این است معنای «اقتار» که خداوند در قرآن فرموده است.

ص: ۲۲۳

۱- (۱) الأنعام: ۱۴۱.

۲- (۲) قرب الإسناد: ۳۶۷ ح ۱۳۱۶، عنه البحار: ۹۴/۹۶ ح ۶.

۳- (۳) الفرقان: ۶۷.

ثم قبض قبضه اخرى فأرخی كفه كلها ثم قال: هذا الإسراف، ثم أخذ قبضه اخرى فأرخی بعضها وأمسك بعضها وقال: هذا القوام (۱).

۵ - عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام في قوله وَ لَاتُبَذَّرُ تَبَذِّرًا (۲) قال: بذل الرجل ماله ويقعد ليس له مال. قال: فيكون تبذير في حلال؟ قال: نعم (۳).

۶ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يجيء أحدكم بماله كله فيتصدق به ويجلس يتكفف الناس، إنما الصدقة عن ظهر غنى (۴).

۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لو أن رجلاً أنفق ماله في سبيل الله ما كان أحسن ولا أوفق له، أليس الله يقول: وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۵) يعنى المتصدقين (۶).

آن گاه مشت دیگری برداشت و دست خود را باز گذاشت و همه ی ریگ ها از دست مبارکش بر روی زمین ریخت و فرمود: این است معنای «اسراف».

سپس مشت دیگری برداشت که برخی از آن ها بر زمین ریخت و برخی را نگهداشت و فرمود: این است معنای «قوام».

۵ - ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند که فرمود «و تبذیر و ولخرجی مکن» پرسیدم.

حضرت فرمود: [مقصود] کسی [است که] همه ی اموالش را خرج کند و به وضعی درآید که هیچ مالی ندارد.

عرض شد: آیا در راه حلال نیز تبذیر هست؟ فرمود: آری.

۶ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کسی از شما همه ی اموالی را که به دست می آورد صدقه می دهد و می نشیند از مردم گدایی می کند؛ صدقه باید از روی بی نیازی باشد.

۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردی تمام اموال خود را در راه خدا انفاق کند برای او نیکو و مناسب نیست؛ مگر خداوند نمی فرماید

«و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد»؟ مقصود از محسنین صدقه دهندگان است.

ص: ۲۲۴

٢- ((٢)) الاسراء: ٢٦.

٣- ((٣)) تفسير العياشي: ٢٨٨/٢ ح ٥٤، عنه المستدرک: ٢٦٩/١٥ ح ١٨٢١٢.

٤- ((٤)) مستدرک الوسائل: ٢٤٠/٧ ح ٨١٣٨.

٥- ((٥)) البقره: ١٩٥.

٦- ((٦)) مستدرک الوسائل: ٢٤١/٧ ح ٨١٤٠.

۸- عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: أترى الله أعطى من أعطى من كرامته عليه ومنع من منع من هوان به عليه؟ لا، ولكن المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع، وجوز لهم أن يأكلوا قصداً، ويشربوا قصداً، ويلبسوا قصداً، وينكحوا قصداً، ويركبوا قصداً، ويعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين ويلموا به شعثهم، فمن فعل ذلك كان ما يأكل حلالاً ويشرب حلالاً، ويركب حلالاً، وينكح حلالاً، ومن عدا ذلك كان عليه حراماً.

□

ثم قال: وَلَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱) أترى الله ائتمن رجلاً على مالٍ خول له أن يشتري فرساً بعشرة آلاف درهم و يجزیه فرس بعشرين درهماً و يشتري جاريةً بألف دينار و يجزیه جاريةً بعشرين ديناراً وقال: وَلَا تُشْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۲). (۳) ۸- ابان بن تغلب نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می پنداری که خداوند به هر کس عطا کرده است به دلیل منزلت و بزرگی او نزد خداوند است و از هر کس بازداشته است به خاطر پستی منزلت او نزد خداوند است؟ چنین نیست، بلکه همه ی اموال از آن خدا است و آن ها را به امانت، نزد هر کسی بخواهد قرار می دهد و به آنان اجازه داده است که در حد متوسط از آن ها برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج کردن و سوار شدن بهره ببرند و باقی مانده ی آن ها را به نیازمندان اهل ایمان بازگردانند و به وسیله ی آن، گرفتاری هاشان را سامان بخشند.

پس هر کس چنین کند، آنچه را خورده و آشامیده و سوار شده و برای ازدواج استفاده کرده است بر او حلال خواهد بود؛ و هر کس از این حد تجاوز کند، همه ی آن ها بر او حرام است.

آن گاه حضرت این آیه را قرائت فرمود:

«و زیاده روی نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد» [سپس ادامه داد:] آیا گمان می بری که خداوند شخصی را بر مالی امین قرار داده و سرپرست آن کرده است تا اسبی به ده هزار درهم بخرد در حالی که اسبی با بیست درهم برایش کافی است، و کنیزی را با هزار دینار بخرد در حالی که کنیزی با بیست دینار برایش بس است و آن گاه فرموده است:

«زیاده روی نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد».

ص: ۲۲۵

۱- (۱) الأنعام: ۱۴۱ والأعراف: ۳۱.

۲- (۲) الأنعام: ۱۴۱ والأعراف: ۳۱.

۳- (۳) تفسیر العیاشی: ۱۳/۲ ح ۲۳، عنه الوسائل: ۵۰۰/۱۱ ح ۱۵۳۷۰، البحار: ۳۰۵/۷۵ ح ۶.

۹ - عن النبي صلى الله عليه وآله : من أعطى في غير حق فقد أسرف و من منع عن حق فقد قتر (۱).

۱۰ - عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله وَ لَاتُبَذَّرْ تَبَذِيرًا (۲) قال:

من أنفق شيئاً في غير طاعه الله فهو مبذّر و من أنفق في سبيل الخير فهو متقصد (۳).

۱۱ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام :

ما فوق الكفاف إسراف. (۴) ۱۲ - قال عليّ أمير المؤمنين عليه السلام :

كلّ ما زاد على الاقتصاد إسراف (۵).

۱۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام : ...إنما الإسراف فيما أتلف المال وأضرّ بالبدن (۶).

۱۴ - عن سليمان بن صالح قال:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام : ما أدنى ما يجيء من الإسراف؟ قال:

ابتذالك ثوب صونك وإهراقك ۹ - از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

هر کس مال خود را نابجا مصرف نماید اسراف کرده است و چون از مصرف بجا خودداری کند تقصیر و سخت گیری نموده است.

۱۰ - عبدالرحمان بن حجاج می گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خداوند متعال که فرمود «و ولخرجی و تبذیر مکن» پرسیدم.

فرمود: هر کس چیزی را در راهی جز اطاعت خدا هزینه کند تبذیر گر است، و هر کس در راه خیر مصرف کند میانه رو است.

۱۱ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بیش از حدّ کفاف، اسراف است.

۱۲ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هر چیزی از حدّ اعتدال و میانه روی بگذرد اسراف است.

۱۳ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن زیان رساند.

۱۴ - سلیمان بن صالح می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم کم ترین حد اسراف چیست؟

فرمود: لباس رسمی و مجلسی خود را برای کار بیوشی،

ص: ۲۲۶

۱- (۱) مجمع البیان: ۳۳۱/۷ عنه البحار: ۲۶۱/۶۹.

۲- (۲) الإسراء: ۲۶.

۳- (۳) تفسیر العیاشی: ۲۸۸/۲ ح ۵۳.

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۶ ح ۸۷۲۳.

۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۶ ح ۶۳۶۸.

۶- (۶) الکافی: ۴۹۹/۶ ح ۱۴.

فضل إنائك وأكلك التمر ورميك بالنوى هاهنا و هاهنا (۱).

□
۱۵ - عن إسحاق بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: يكون للمؤمن عشرة أقمصه؟ قال: نعم، قلت: عشرون؟ قال: نعم، قلت:

ثلاثون؟ قال: نعم ليس هذا من السرف، إنما السرف أن تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك (۲).

□
۱۶ - عن إسحاق بن عمار قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يكون له عشرة أقمصه يراوح بينها، قال: لا بأس (۳).

۱۷ - عن النبي صلى الله عليه وآله: إن من الإسراف أن تأكل كل ما اشتهيت (۴).

۱۸ - قال علي أمير المؤمنين عليه السلام:

قله الأكل من العفاف و كثرته من الإسراف (۵).

و ته مانده ی آب خود را دور بریزی، و خرما را بخوری و هسته ی آن را این جا و آن جا بیندازی.

۱۵ - اسحاق بن عمار می گوید به امام صادق علیه السلام گفتم:

آیا [صحیح است] برای مؤمن ده پیراهن باشد؟

فرمود: بله.

گفتم: بیست پیراهن؟

فرمود: بله.

گفتم: سی پیراهن؟

فرمود: بله، این اسراف نیست؟

اسراف آن است که لباس مجلسی و رسمی خود را لباس کار قرار دهی.

۱۶ - اسحاق بن عمار می گوید از امام صادق علیه السلام درباره ی مردی سؤال کردم که ده پیراهن دارد و آن ها را به نوبت می پوشد.

حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

۱۷ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

از موارد اسراف این است که هر چه را هوس کنی بخوری.

۱۸ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

کم خوری از پارسایی است و پر خوری از اسراف است.

ص: ۲۲۷

۱- ((۱)) الکافی: ۴۶۰/۶ ح ۲، عنه الوسائل: ۵۱/۵ ح ۵۸۷۵.

۲- ((۲)) الکافی: ۴۴۱/۶ ح ۴.

۳- ((۳)) الکافی: ۴۴۳/۶ ح ۱۰.

۴- ((۴)) تفسیر راهنما: ۵۱۶/۵.

۵- ((۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۷۲ ح ۶۲۸۰ و نحوه فی غرر الحکم: ۵۳۶/۲ ح ۳۵، عنه المستدرک: ۲۱۳/۱۶ ح ۱۹۶۳۴.

۱۹ - قال أبو عبد الله عليه السلام: مَنْ سأل الناس شيئاً وعنده ما يقوته يومه فهو من المسرفين (۱).

۲۰ - عن عبد الله بن عمرو أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مرّ بسعد وهو يتوضأ، فقال: ما هذا السرف؟

فقال: أفي الوضوء إسراف؟

قال: نعم، وإن كنت على نهرٍ جارٍ (۲).

۲۱ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ربّ فقير هو أسرف من الغنى، إنّ الغنى ينفق ممّا أوتى والفقير ينفق من غير ما أوتى (۳).

۲۲ - عن إسحاق بن عبد العزيز قال: سئل أبو عبد الله عليه السلام عن التّدلّك بالدّقيق بعد النوره، فقال: لا بأس، قلت: يزعمون أنّه إسراف، فقال:

ليس فيما أصلح البدن إسراف، إني ربما أمرت بالنتقى فقلت (۴) لي بالزيت فأتدلكك به، إنّما الإسراف فيما أتلف المال وأضرّ بالبدن (۵).

۱۹ - امام صادق عليه السلام فرمود: هر که چیزی از مردم درخواست کند در حالی که غذای روز خود را دارد، از اسراف گران است.

۲۰ - عبدالله بن عمرو می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از کنار سعد گذشت در حالی که وضو می گرفت.

حضرت فرمود: این اسراف چیست؟

عرض کرد: آیا در وضو گرفتن نیز اسراف هست؟ فرمود: آری، هر چند کنار نهر روان باشی.

۲۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

بسا فقیری اسرافش بیش از توانگر باشد؛ زیرا شخص توانگر از آنچه به دست آورده است خرج می کند و شخص نیازمند از آنچه [با زحمت خود] به دست نیاورده است، هزینه می کند.

۲۲ - اسحاق بن عبد العزيز می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی مالیدن آرد پس از نوره کشیدن پرسیدم؟

فرمود: اشکالی ندارد.

عرض کردم: گمان می کنند که اسراف است.

فرمود: در چیزی که موجب اصلاح بدن گردد اسراف نیست؛ من چه بسا دستور می دهم که آرد خالص را با روغن مخلوط سازند و آن گاه آن را بر بدنم می مالم.

اسراف تنها در چیزی است که مال را هدر دهد و به بدن ضرر رساند.

ص: ۲۲۸

-
- ۱- ((۱)) تفسیر العیاشی: ۱۴/۲ ح ۲۸، عنه الوسائل: ۴۳۸/۹ ح ۱۲۴۳۲.
 - ۲- ((۲)) سنن ابن ماجه: ۱۴۷/۱ ح ۴۲۵.
 - ۳- ((۳)) الکافی: ۵۵/۴ ح ۴.
 - ۴- ((۴)) دقیق ملتوت بالزیت: آی مخلوط به، (مجمع البحرین: ۱۰۷/۴).
 - ۵- ((۵)) الکافی: ۴۹۹/۶ ح ۱۴، عنه الوسائل: ۷۸/۲ ح ۱۵۴۱.

فَتَرِ اقْتَارَ وَ تَقْتِيرَ بِهْ مَعْنَى سَخْتِ گِیرِیِ کَرْدَنِ دَرِ دَادَنِ خَرْجِیِ اسْت. گَفْتَهْ مِیْ شُود: فَتَرَ (وَ أَفْتَرَ وَ قَتَرَ) عَلِیْ عِیَالَهْ، یَعْنِی: دَرِ دَادَنِ خَرْجِیِ بَرِ خَانُوَادَهْ یِ خُودِ سَخْتِ گِیرِیِ کَرْد. اِیْنِ فَعْلِ دَرِ مَقَابِلِ اسْرَافِ قَرَارِ دَارِدُ وَ هَرِ دُوْ هَمِ نَایَسَنْدَنْد، چنان که در آیه ی شریفه آمده است: وَالَّذِينَ إِذْ أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۱). «و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو، حد وسط را برمی گزینند».

گاهی نیز این فعل درباره ی خداوند به کار می رود و به معنی کم کردن روزی به وسیله ی خداوند است که در این صورت دیگر از صفات انسان نیست و مورد بحث ما در این جا قرار نمی گیرد؛ چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: يَحْزَنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ قَتَرْتَ عَلَيْهِ وَذَلِكَ أَقْرَبُ لِي مِنْنِي وَ يَفْرَحُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ وَسَّعْتُ عَلَيْهِ وَذَلِكَ أْبْعَدُ لِي مِنْنِي» (۲). حضرت فرمود: «خدای عز و جل می فرماید: اگر بر بنده ی مؤمن خود تنگ و سخت گیرم غمگین می شود در حالی که این کار، او را به من نزدیک تر می سازد و اگر بر او وسعت بخشم شادمان می شود در حالی که این کار او را از من دورتر می کند».

ص: ۲۲۹

۱- (۱) الفرقان: ۶۷.

۲- (۲) الکافی: ۱۴۱/۲ ح ۵

۱ - قال الله تبارك وتعالى:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۱).

۲ - عن الإمام الصادق عليه السلام في قوله عز وجل إِنَّهُ لَأُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۲) قال: نهامهم عن الإسراف ونههم عن التقير، ولكن أمر بين أمرين... (۳).

۳ - عن النبي صلى الله عليه وآله: من أعطى في غير حق فقد أسرف و من منع عن حق فقد قتر (۴).

۴ - قال أمير المؤمنين عليه السلام:

□

كان فيما وعظ به لقمان ابنه أن قال له: يا بُنَيَّ! ليعتبر من قصر يقينه وضعفت نيته في طلب الرزق، إن الله تبارك وتعالى ۱ - خداوند متعال در توصیف عباد الرحمن می فرماید:

و کسانی اند که چون اتفاق کنند نه و لخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو، حد وسط را بر می گزینند.

۲ - امام صادق علیه السلام درباره ی سخن خدای عز و جل که فرمود «خداوند اسراف گران را دوست ندارد» گفت:

آنان را از زیاده روی بازداشت و [نیز] آنان را از سخت گیری در خرج کردن بازداشت؛ بلکه باید میان این دو امر باشد... .

۳ - از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

هر کس مال خود را نابجا مصرف نماید اسراف کرده است و چون از مصرف بجا خودداری کند سخت گیری نموده است.

۴ - أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: از جمله اندرزه های لقمان به فرزندش این بود که گفت:

فرزندم! کسی که در طلب روزی، باورش ناقص و اراده اش ضعیف است، باید از این امر عبرت و پند بگیرد که خداوند تبارک و تعالی

ص: ۲۳۰

۱- (۱) الفرقان: ۶۷.

۲- (۲) الأنعام: ۱۴۱ والأعراف: ۳۱.

۳- (۳) الکافی: ۶۷/۵ ضمن ح ۱، عنه الوسائل: ۲۶/۱۷ ح ۲۱۸۹۳.

۴- (۴) مجمع البیان: ۳۳۱/۷، عنه البحار: ۲۶۱/۶۹.

خلقه فی ثلاثه احوال من امره، و آتاه رزقه، ولم یکن له فی واحده منها کسب ولا- حيله، إِنَّ اللّٰه تبارک و تعالی سیرزقه فی الحال الزّابعه. أمّا أوّل ذلك فإنّه کان فی رحم امّه یرزقه هناک فی قرارٍ مکین حیث لا یؤذیه حرّ ولا برد، ثمّ أخرجہ من ذلك وأجرى له رزقاً من لبن امّه یکفیه به و یربّیه وینعشه من غیر حولٍ به ولا- قوّه، ثمّ فطم من ذلك فأجرى له رزقاً من کسب أبویه برأفه و رحمہ له من قلوبهما لایملکان غیر ذلك حتّٰی أنّهما یؤثرانه علی أنفسهما فی احوالٍ کثیره، حتّٰی إذا کبر و عقل و اکتسب لنفسه ضاق به امره وظنّ الظنون برّبّه و جحد الحقوق فی ماله و قتر علی نفسه و عیاله مخافه إقتار رزق و سوء یقین بالخلف من اللّٰه تبارک و تعالی فی العاجل و الآجل، فبئس العبد هذا یا بُئی (۱).

۵- عن الصادق علیه السلام قال: قال لقمان لابنه فی حدیث: وکن مقتصداً و لاتمسکه تقتیراً و لاتعطه تبذیراً (۲).

او را در سه مرحله از وجودش آفرید و روزی اش داد، در حالی که خود او در هیچ یک از این مراحل، نه تلاشی در به دست آوردن داشت و نه چاره و تدبیری؛ [پس] خداوند متعال در مرحله ی چهارم از زندگی اش نیز او را روزی می دهد. اما در نخستین مرحله، او در رحم مادرش بود که خداوند در جایگاهی استوار و ایمن از گرما و سرما، روزی اش می داد. سپس [در مرحله ی دوم] او را از آن جا بیرون کرد و روزی او را از شیر مادرش روان ساخت؛ شیری که برایش کافی بود و او را می پروراند و به او نیرو می بخشید، بدون این که خودش هیچ جنبش و نیرویی داشته باشد.

سپس [در مرحله ی سوم] او را از شیر گرفتند و خداوند روزی او را از راه تلاش پدر و مادرش تأمین کرد و قلب آنان را بر او دلسوز و مهربان گردانید - که جز این هم نمی توانستند - تا آن جا که در موقعیت های فراوان او را بر خود مقدم می داشتند.

چون [به مرحله ی چهارم رسید و] بزرگ و خردمند شد و خودش دنبال کسب و کار رفت، درمانده شد و سوء ظنّ ها به پروردگارش پیدا کرد و حقوق [خدا و بینوایان] را در مالش انکار کرد، و از بیم تنگی روزی و به سبب عقیده ی نادرست در مورد جبران خداوند متعال در دنیا و آخرت، بر خود و اهلیش سخت گرفت.

ای فرزندم! چنین کسی بد بنده ای است.

۵- امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان در سخنی به فرزند خود گفت: میانه رو باش و مال را از روی سخت گیری نگه ندار و از روی ولخرجی نبخش.

ص: ۲۳۱

۱- (۱) الخصال: ۱۲۲ ح ۱۱۴، عنه البحار: ۱۳۶/۷۱ ح ۱۷.

۲- (۲) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۱.

الف) مفهوم بخل و شح و تفاوت آن دو

الف - مفهوم بخل و شح:

بخل ضد سخاوت و بخشش است و به معنی منع کردن است و معمولاً در مورد اموال به کار می رود، یعنی خودداری از بخشش؛ بنابراین بخیل کسی است که اموالش را از دیگران منع می کند یعنی از دادن مالش به دیگران خودداری و امساک می ورزد.

شح نیز به معنای منع از بخشش است؛ اما بین مفهوم شح و بخل تفاوت هایی ذکر شده است: برخی گفته اند شح، بخل همراه با حرص است و باپستی همراه است؛ بنابراین شحیح شخص پستی را گویند که بر منع کردن و خودداری از انفاق، حریص است. همچنین گفته شده است که بخیل بر آنچه در دست خودش هست بخل می ورزد ولی شحیح علاوه بر آن، در مورد آنچه در دست مردم است نیز بخل می ورزد به طوری که آرزو می کند هر آنچه در دست مردم است برای او باشد، چه از راه حلال و چه حرام. همچنین بخل در مورد امور مالی به کار می رود ولی شح هم در امور مالی و هم در مورد کارهای خیر دیگر به کار می رود، یعنی حرص زدن بر خودداری از خیر نه فقط خودداری از انفاق.

بنابراین شح شدیدتر و بدتر از بخل است. (۱)

ص: ۲۳۲

۱- ((۱)) ر. ک. مجمع البحرین و معجم الفروق اللغویة.

ب) نکوهش بخل و پیامدهای آن

۱ - قال الله تبارك وتعالى:

وَلَمَّا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱).

۲ - وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَيُؤَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى * وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۲).

۳ - الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (۳).

۴ - فَلَمَّا آتَاهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۴).

۵ - هَانَتْمْ هَوْلَاءٌ تَدْعُونَ ۱ - و کسانی که در بخشیدن آنچه خدا از فضل خود به آن ها داده بخل می ورزند، مپندارند که این کار به سودشان است، بلکه برای آنان شر است؛ زودا که آنچه بخل ورزیده اند در روز رستاخیز طوق گردنشان شود. و میراث آسمان ها و زمین از آن خدا است و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

۲ - واما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید. و آن [وعده ی] نیکو را انکار کرد. پس زودا که راهش را به سوی دشواری هموار کنیم. و چون هلاک شد، مالش به کارش نمی آید.

۳ - همان کسانی که بخل می ورزند و مردم را به بخل وا می دارند و آنچه را خدا از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پنهان می کنند. و برای کافران عذابی خفت بار آماده کرده ایم.

۴ - اما هنگامی که از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و با اعراض، روی برتافتند.

۵ - آگاه باشید! این شماها هستید

ص: ۲۳۳

۱- (۱) آل عمران: ۱۸۰ .

۲- (۲) اللیل: ۱۱ - ۸ .

۳- (۳) النساء: ۳۷ .

۴- (۴) التوبه: ۷۶ .

لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ... (۱).

۶ - الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲).

۷ - عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَتٍ عَلَيْهِمْ (۳) قال:

هو الرجل يدع ماله لا ينفقه في طاعة الله بخلاً، ثم يموت فيدعه لمن يعمل فيه بطاعة الله أو في معصية الله، فإن عمل به في طاعة الله رآه في ميزان غيره فرآه حسرةً و قد كان المال له، و إن كان عمل به في معصية الله قواه بذلك المال حتى عمل به في معصية الله عزَّ وجلَّ (۴).

۸ - عن أبي جعفر عليه السلام في قول الله عزَّ وجلَّ فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى :

که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، سپس برخی از شما بخل می ورزد. و هر کس بخل ورزد فقط در حق خود بخل ورزیده و [گر نه] خدا بی نیاز است و شما نیازمندید...

۶ - همان ها که بخل می ورزند و مردم را به بخل و ا می دارند. و هر که روی گرداند قطعاً خدا بی نیاز ستوده است.

۷ - امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خدای عزَّ وجلَّ که «این گونه خداوند، کارهاشان را [به صورت] حسرت هایی به ایشان می نمایاند» فرمود: او مردی است که مال خود را و ا می گذارد و به سبب بخل، آن را در راه فرمانبری از خدا هزینه نمی کند؛ سپس از دنیا می رود و آن را برای کسی و ا می گذارد که آن را یا در راه فرمانبری از خدا یا در راه نافرمانی او به کار می گیرد [که در هر دو صورت موجب حسرت است]؛ اگر مال را در راه فرمانبری از خدا به کار گیرد، آن را در ترازوی عمل دیگری می بیند، پس آن را [مایه ی] حسرت می بیند، چرا که مال از آن او بوده است؛ و اگر آن را در راه نافرمانی خدا به کار گیرد، [در واقع] این فرد به وسیله ی این مال او را توانمند ساخته است که آن را در راه نافرمانی خدای عزَّ وجلَّ به کار گیرد.

۸ - امام باقر علیه السلام درباره ی این سخن خدای عزَّ وجلَّ «أما آن که انفاق کرد و پارسایی نمود، و وعده ای نیکو را باور داشت» فرمود:

ص: ۲۳۴

۱- (۱) محمد: ۳۸ .

۲- (۲) الحديد: ۲۴ .

۳- (۳) البقره: ۱۶۷ .

۴- (۴) الکافی: ۴۲/۴ ح ۲ .

بأنَّ الله تعالى يعطى بالواحد عشره إلى مائه ألف فما زاد، فَسَيُسِّرُهُ لِلْبَخِيلِ قَالَ: لا يريد شيئاً من الخير إلَّا يسره الله له وأما مَنْ بَخِلَ وَاسْتَتَعَنِي قَالَ: بخل بما آتاه الله عزَّ وجلَّ، وَكَذَّبَ بِالْحُسَيْنِ بِأَنَّ الله يعطى بالواحد عشره إلى مائه ألف فما زاد، فَسَيُسِّرُهُ لِلْعَسِيرِ قَالَ: لا يريد شيئاً من الشرِّ إلَّا يسره له، وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (١) قَالَ: أما والله ما هو تردي في بئرٍ ولا من جبلٍ ولا من حائط، ولكن تردي في نار جهنم (٢).

٩ - عن أبي بصير قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يتعوذ من البخل؟ فقال: نعم يا أبا محمد في كلِّ صباح ومساءً، ونحن نتعوذ بالله من البخل، يقول الله وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُوَلِّ كَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٣) ... (٤).

١٠ - عن النبي صلى الله عليه وآله قال: أمرني ربِّي بالسخاء والبرِّ نهاني عن البخل والجفاء، [باور] به این که خدای تعالی در برابر یکی ده، تا صد هزار و بیش تر عطا می کند. [و درباره ی این آیه] «به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت» فرمود: چیزی از خیر را اراده نکند جز این که خدا آن را برایش آسان سازد. [و درباره ی این آیه] «و اما آن که بخل ورزید و خود را بی نیاز دید» فرمود: در آنچه خدای عزَّ وجلَّ به او داده است، بخل می ورزد. [و درباره ی این آیه] «و [وعده ی] نیکو را انکار کرد» فرمود: [انکار] این که خدا در برابر یکی ده، تا صد هزار و بیش تر عطا می کند. [و درباره ی این آیه] «پس به زودی راهش را به سوی دشواری هموار کنیم» فرمود: چیزی از بدی را اراده نکند جز این که خداوند آن را برایش آسان سازد. [و درباره ی این آیه] «و چون هلاک شد [دیگر] مال او به کارش نمی آید» فرمود: به هوش باشید به خدا سوگند او با افتادن در چاه یا از کوه یا دیوار هلاک نشود، بلکه با افتادن در آتش جهنم هلاک شود.

٩ - ابوبصیر می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلى الله عليه وآله از بخل به خدا پناه می بُرد؟ حضرت فرمود: آری ای ابامحمد! در هر صبح و شام. و ما نیز از بخل به خدا پناه می بریم که خداوند می فرماید «کسانی که از بخل نفس خویش در امانند، پس آنان رستگارانند» ...

١٠ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: پروردگارم مرا به بخشندگی و نیکوکاری دستور داد و مرا از بخل و جفا بازداشت،

ص: ٢٣٥

١- (١) الآيات من سورة الليل: ١١ - ٥ .

٢- (٢) الكافي: ٤٦/٤ ح ٥ .

٣- (٣) الحشر: ٩ .

٤- (٤) علل الشرائع: ٥٤٨ باب ٣٤٠ ضمن ح ٤ .

و ما شيء أبغض إلى الله عز وجل من البخل وسوء الخلق (۱).

۱۱ - قال أمير المؤمنين عليه السلام :

لو رأيتم البخل رجلاً لرأيتموه مشوّهاً يغضّ عنه كلّ بصر و ينصرف عنه كلّ قلب (۲).

۱۲ - قال الصادق عليه السلام : حسب البخيل من بخله سوء الظنّ برّبّه؛ مَنْ أيقن بالخلف جاد بالعطيه (۳).

۱۳ - قال عليّ عليه السلام : البخل بالموجود سوء الظنّ بالمعبود (۴).

۱۴ - قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : إياكم والبخل، فإنّه أهلك مَنْ كان قبلكم، أمرهم بالقطيعه فقطعوا، وأمرهم بالفجور ففجروا (۵).

۱۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : البخل و عبوس الوجه يكسبان البغاضه، و يباعدان من الله، و يُدخلان النار (۶).

۱۶ - عن أمير المؤمنين عليه السلام عن النبيّ صلى الله عليه و آله أنّه قال: إنّ الله عزّ و جلّ و هيچ چیزی نزد خدای عزّ و جلّ نفرت انگیزتر از بخل و بداخلاقی نیست.

۱۱ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

اگر بخل به صورت شخصی مجسم می شد، آن قدر زشت بود که هر چشمی از او بسته و هر دلی از او روی گردان بود.

۱۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: برای شخص بخیل همین بس که بهره ی بخلش بدگمانی به پروردگار است؛

هر که به جایگزین شدن [مال بخشیده شده] یقین داشته باشد، عطا را نیکو می سازد.

۱۳ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن در آنچه موجود است، بدگمانی به خداوند است.

۱۴ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

از بخل پرهیزید؛ زیرا بخل کسانی را که پیش از شما بودند هلاک ساخت؛

آنان را به قطع رحم واداشت پس آنان قطع رحم کردند،

و آنان را به تبهکاری واداشت پس آنان تبهکار شدند.

۱۵ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

بخل و ترش رویی، کینه و دشمنی به دنبال می آورند و از خدا دور می کنند و در آتش وارد می سازند.

۱۶ - امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: به راستی خدای عزّ و جلّ

ص: ۲۳۶

۱- ((۱)) مستدرک الوسائل: ۳۲/۷ ح ۷۵۷۵.

۲- ((۲)) غررالحکم: ۶۰۵/۲ ح ۳۱.

۳- ((۳)) الاختصاص: ۲۳۴، عنه المستدرک: ۲۸/۷ ح ۷۵۵۹.

۴- ((۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸ ح ۲۷.

۵- ((۵)) مسند أحمد: ۱۶۰/۲ و ص ۱۹۵.

۶- ((۶)) مستدرک الوسائل: ۲۷/۷ ضمن ح ۷۵۵۴.

حَرَمَ الْجَنَّةَ عَلَى الْمَنَانِ وَالْبَخِيلِ وَالْقَتَاتِ (۱).

۱۷ - عن الرضا عليه السلام: البخيل بعيد من الله، بعيد من الجنة، بعيد من الناس (۲).

۱۸ - عن الحسين بن أيمن عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: قال:

يا حسين! أنفق وأيقن بالخلف من الله، فإنه لم يبخل عبداً ولا أمه بنفقه فيما يرضى الله عز وجل إلا أنفق أضعافها فيما يسخط الله عز وجل (۳).

۱۹ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: خصلتان لا تجتمعان في مسلم: البخل وسوء الخلق (۴).

۲۰ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يمحق الإيمان شيء كتمحيق البخل له (۵).

۲۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

صلاح الأمة اليقين والزهد، وفسادها بالأمل والبخل (۶).

بهشت را بر منت گذار و بخیل و سخن چین حرام کرده است.

۱۷ - امام رضا علیه السلام فرمود:

بخیل، دور از خدا و دور از بهشت و دور از مردم است.

۱۸ - حسین بن أيمن از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ای حسین! انفاق کن و به جایگزین شدن از جانب خدا یقین داشته باش؛ زیرا هیچ مرد و زنی در هزینه کردن مالی در راه رضای خدای عز و جلّ بخل نرزد مگر آن که چندین برابر آن را در راهی هزینه کند که خدای عز و جلّ را ناخشنود سازد.

۱۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دو ویژگی در مسلمان جمع نمی شوند:

بخل ورزیدن و بد خلقی.

۲۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

هیچ چیزی همچون بخل، ایمان را از بین نمی برد.

۲۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: خیر و صلاح امت در داشتن یقین و پارسایی است، و تباهی آن در داشتن آرزوها و بخل ورزیدن است.

-
- ١- (١) مستدرک الوسائل: ٢٩/٧ ح ٧٥٦٢.
 - ٢- (٢) بحار الأنوار: ٣٥٢/٧١ ح ٧.
 - ٣- (٣) الكافي: ٤٣/٤ ح ٧.
 - ٤- (٤) الخصال: ٧٥ ح ١١٧.
 - ٥- (٥) مستدرک الوسائل: ٢٧/٧ ضمن ح ٧٥٥٤.
 - ٦- (٦) مستدرک الوسائل: ٢٧/٧ ضمن ح ٧٥٥٤.

۲۲ - قال علیّ علیه السلام : البخل جامع لمساوی العیوب، وهو زمامٌ یقاد به إلى کلّ سوء (۱).

□

۲۳ - قال علیّ علیه السلام : ما اجْتُلِبَ سَخَطُ اللَّهِ بمثل البخل (۲).

۲۴ - قال علیّ علیه السلام : مَنْ اجتمع له مع الحرص علی الدنیا البخل بها فقد استمسك بعمودِ اللؤم (۳).

۲۵ - قال علیّ علیه السلام : ما أذلّ النفس كالحرص، ولا شان العِرض كالبخل (۴).

۲۶ - قال علیّ علیه السلام : احذروا البخل فإنه لؤم ومسبته (۵).

۲۷ - قال علیّ علیه السلام : البخل یزری بصاحبه (۶).

۲۸ - قال علیّ علیه السلام : إياکم والبخل، فإنّ البخیل یلعنه الغریب وینفر منه القریب (۷).

۲۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن کانون تمام عیب ها است و مهارى است که با آن، انسان به سوى هر بدى کشیده مى شود.

۲۳ - امام علی علیه السلام فرمود:

هیچ چیزی همانند بخل، خشم خدا را به دنبال نمى آورد.

۲۴ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

هرکس حرص بر دنیا با بخل به آن در او گرد آید، به دو ستون پستی تمسک جسته است.

۲۵ - امام علی علیه السلام فرمود:

چیزی همچون حرص و آز، انسان را خوار نسازد،

و چیزی همچون بخل آبرو را نبرد.

۲۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

از بخل پرهیزید که [موجب] پستی و بدگویی است.

۲۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخل صاحب خود را بی ارزش مى سازد.

از بخل ورزیدن بپرهیزید که ناآشنا بخیل را لعنت می کند و آشنا از او نفرت دارد.

ص: ۲۳۸

۱- (۱) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۹۰/۴.

۲- (۲) عیون الحکم والمواعظ: ۴۷۶ ح ۸۷۱۳.

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۴۲۵ ح ۷۲۰۰.

۴- (۴) عیون الحکم والمواعظ: ۴۸۱ ح ۸۸۷۰.

۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۱۰۴ ح ۲۳۴۶.

۶- (۶) عیون الحکم والمواعظ: ۳۳ ح ۵۸۹.

۷- (۷) عیون الحکم والمواعظ: ۱۰۱ ح ۲۳۰۴.

۲۹ - قال السَّجَّاد عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ لِيَبْغِضَ الْبَخِيلَ السَّائِلَ الْمَلْحَفَ (۱).

□

۳۰ - قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : الْجَاهِلُ السَّخِيُّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِ الْبَخِيلِ (۲).

۳۱ - قال علي عليه السلام : عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعَجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِتْيَاهُ طَلَبٌ ، فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يَحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حَسَابَ الْأَغْنِيَاءِ (۳).

۳۲ - قال عليّ عليه السلام : الْبَخِيلُ خَازِنُ وَرَثَتِهِ (۴).

۳۳ - قال عليّ عليه السلام : الْبَخِيلُ يَبْخُلُ عَلَى نَفْسِهِ بِالْيَسِيرِ مِنْ دُنْيَاهُ وَيَسْمَحُ لَوَارِثَتِهِ بِكُلِّهَا (۵).

۳۴ - قال عليّ عليه السلام : بَشْرُ مَالِ الْبَخِيلِ بِحَادِثٍ أَوْ وَارِثٍ (۶).

۳۵ - قال عليّ عليه السلام : الْبَخْلُ فَقْرٌ (۷).

۲۹ - امام سجّاد عليه السلام فرمود:

به راستی خداوند، بخیل گدای سمج را دشمن دارد.

۳۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

نزد خداوند، نادان سخاوتمند محبوب تر از عابد بخیل است.

۳۱ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

عجب دارم از بخیل که به سوی فقری می شتابد که از آن گریزان است و بی نیازی را از دست می دهد در حالی که در طلب آن است؛

پس در دنیا چون درویشان زندگی می کند و در آخرت به سان توانگران به حسابش رسیدگی می شود.

۳۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخیل خزانه دار وارثان خود است.

۳۳ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص بخیل، به اندک از دنیایش بر خود بخل می ورزد و همه ی آن را به وارثان خود می بخشد.

۳۴ - امام علی علیه السلام فرمود:

مال بخیل را به حادثه [ی ناگوار] یا میراث خوار وعده بده.

۳۵ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزیدن، نیازمندی است.

ص: ۲۳۹

۱- ((۱)) تحف العقول: ۲۸۲.

۲- ((۲)) مجمع الزوائد: ۱۲۷/۳.

۳- ((۳)) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۴۹۱ الحکمه ۱۲۶.

۴- ((۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۲۶ ح ۲۹۵.

۵- ((۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۶ ح ۱۴۴۶.

۶- ((۶)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۹۵ ح ۳۹۸۱.

۷- ((۷)) عیون الحکم والمواعظ: ۱۹ ح ۵۸.

۳۶ - قال علی علیه السلام: آفة الغنى البخل (۱).

۳۷ - قال علی علیه السلام: البخل جلباب المسكنه. الحرص علامه الفقر (۲).

۳۸ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يقول الله تعالى: وأيما عبدٍ خلقتُه فهديته إلى الإيمان وحببتُ خلقه ولم أبتله بالبخل فإنني أريد به خيراً (۳).

۳۹ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أيُّ داءٍ أدوی من البخل (۴)؟

۴۰ - قال النبي صلى الله عليه وآله: أقلّ الناس راحةً البخيل، وأبخل الناس من بخل بما افترض الله عزّ وجلّ عليه (۵).

۴۱ - عن علي بن موسى الرضا عليهما السلام عن آبائهم عليهم السلام قال: كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول:

خلقت الخلائق في قدره

(۶) ۳۶ - امام علی علیه السلام فرمود: آفت و بلاي بی نیازی بخل است.

۳۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخل لباس بینوایی است.

حرص نشانه ی فقر است.

۳۸ - رسول خدا صلى الله عليه وآله گفت که خداوند می فرماید:

و هر بنده ای را که آفریدم و او را به سوی ایمان رهنمون ساختم و اخلاقش را نیکو گردانیدم و او را به بخل گرفتار نکردم، پس همانا برای او خیر اراده کرده ام.

۳۹ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کدام بیماری از بخل دردناک تر است؟

۴۰ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

کم آسایش ترین مردم، شخص بخیل است،

و بخیل ترین مردم کسی است که در آنچه خداوند عزّ وجلّ بر او واجب ساخته است بخل ورزد.

۴۱ - از امام رضا علیه السلام از نیاکانش علیهم السلام نقل کرده است که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود:

بندگان در قدرت و وسعت آفریده شده اند؛

پس برخی از آنان سخاوتمند و برخی بخیل هستند؛

اما سخاوتمند در آسایش است؛

و اما بخیل در ناخجستگی طولانی است.

ص: ۲۴۰

۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۱۸۱ ح ۳۷۱۰.

۲- (۲) تحف العقول: ۹۰.

۳- (۳) مستدرک الوسائل: ۳۳/۷ ح ۷۵۷۷.

۴- (۴) الفقیه: ۳۷۹/۴ ح ۵۸۰۲.

۵- (۵) أمالی الصدوق: ۲۷ م ۶ ضمن ح ۴ و نحوه فی معانی الأخبار: ۱۹۵ ضمن ح ۱.

۶- (۶) عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱۷۵/۲ ح ۶.

۴۲ - قال الصادق عليه السلام : ليست لبخيلٍ راحة (۱).

۴۳ - قال الصادق عليه السلام : عجبت لمن يبخل بالدنيا و هي مقبله عليه أو يبخل بها و هي مدبره عنه، فلا الإنفاق مع الإقبال يضرّه، ولا الإمساك مع الإدبار ينفعه (۲).

۴۴ - عن الكاظم عليه السلام : طعام الجواد دواء و طعام البخيل داء (۳).

۴۵ - قال عليّ عليه السلام : النظر إلى البخيل يُقسى القلب (۴).

۴۶ - قال عليّ عليه السلام : ولا تُدخلنّ في مشورتك بخيلاً- يعدل بك عن الفضل و يعدك الفقر، ولا جباناً يضعفك عن الأمور، ولا حريصاً يزّين لك الشره بالجور، فإنّ البخل والجبن والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظنّ بالله (۵).

□
عن رسول الله صلى الله عليه و آله لعليّ عليه السلام .

۴۲ - امام صادق عليه السلام فرمود: بخيل آسودگی ندارد.

۴۳ - امام صادق عليه السلام فرمود: در شگفتم از آن کسی که دنیا به او روی آورده است ولی در مال دنیا بخل می ورزد،

یا آن کسی که دنیا به او پشت کرده است ولی از دهش خودداری می کند؛

چرا که اگر دنیا به کسی روی آورد، بذل و بخشش، او را زیان نرساند و اگر دنیا پشت کند، بخل و امساک، او را سودی ندهد.

۴۴ - امام کاظم عليه السلام فرمود: خوراک بخشنده، درمان است و خوراک بخیل، درد.

۴۵ - امام علی عليه السلام فرمود: نگاه به شخص بخیل دل را سخت و بی رحم می کند.

۴۶ - امام علی عليه السلام فرمود: [ای مالک] بخیل را در مشورت کردن دخالت مده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگدستی می ترساند،

و ترسو را در مشورت کردن دخالت مده که در انجام کارها روحیه ی تو را سست می کند،

و حریص را در مشورت کردن دخالت مده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد.

به راستی بخل و ترس و حرص غریزه های گوناگونی هستند که ریشه ی همه ی آن ها بدگمانی به خدا است.

- ١- (١) مستدرک الوسائل: ٢٩/٧ ضمن ح ٧٥٦١.
- ٢- (٢) بحار الأنوار: ٣٠٠/٧٣ ح ٣.
- ٣- (٣) بحار الأنوار: ٢٩١/٦٢.
- ٤- (٤) تحف العقول: ٢١٤.
- ٥- (٥) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ٨٧/٣ و نحوه فى الخصال: ١٠٢ ح ٥٧، و علل الشرائع: ٥٥٩ باب ٣٥٠ ح ١

۴۷ - قال عليّ لابنه الحسن عليهما السلام :

إِيَّاكَ وَمَصَادِقَهُ الْبَخِيلُ فَإِنَّهُ يُبْعَدُ عَنْكَ أَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ (۱).

۴۸ - قال عليّ عليه السلام : لا يُبْقَى الْمَالُ إِلَّا الْبَخْلَ، وَالْبَخِيلُ مَعَاقِبُ مَلُومٍ (۲).

۴۹ - قال عليّ عليه السلام : هل تنظر إلّا ... بخيلاً اتّخذ البخل بحقّ الله وفراً... (۳).

۵۰ - قال عليّ عليه السلام : ما أقبح البخل بذوى النّبل (۴).

۵۱ - قال عليّ عليه السلام : لا ينبغي أن يكون الوالي على الفروج والدماء والمغانم والأحكام وإمامه المسلمین البخيل، فتكون في أموالهم نهمته (۵). (۶) ۵۲ - قال الصادق عليه السلام : ... من برىء من البخل نال الشرف (۷).

۴۷ - امام علی علیه السلام به فرزندش حسن علیه السلام فرمود:

پسرم از دوستی با بخیل پرهیز؛ زیرا چیزی را که سخت به آن نیاز داری از تو دور می سازد.

۴۸ - امام علی علیه السلام فرمود:

مال را جز بخل مانند گار نمی کند، و بخیل مورد کیفر و سرزنش است.

۴۹ - امام علی علیه السلام فرمود:

... آیا کسی جز بخیل را دیده ای که بخل به حق خداوند را موجب فراوانی ثروت قرار داده باشد؟...

۵۰ - امام علی علیه السلام فرمود:

چه زشت است بخل ورزیدن، از شخص با نجابت [وبزرگوار].

۵۱ - امام علی علیه السلام فرمود:

سزاوار نیست که بخیل، عهده دار ناموس و جان و غنایم و احکام و پیشوایی مسلمانان باشد؛ چرا که به اموال آنان حریص می شود.

۵۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:

... هر که از بخل ورزیدن دور باشد به شرافت و بزرگی می رسد.

- ١- (١) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ١١/٤ و نحوه فى الكافى: ٣٧٧/٢ ح ٧ عن زين العابدين لابنه الباقر عليهما السلام .
- ٢- (٢) عيون الحكم والمواعظ: ٥٤٣ ح ١٠٠٧٩.
- ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ٥١١ ح ٩٣٠٨.
- ٤- (٤) عيون الحكم والمواعظ: ٤٨١ ح ٨٨٧٢.
- ٥- (٥) نهم بالشىء: إذا ولع به، (مجمع البحرين: ٣٨٢/٤) .
- ٦- (٦) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ١٤/٢.
- ٧- (٧) تحف العقول: ٣١٦ .

۵۳ - قال عليّ عليه السلام: أقبح البخل منع الأموال من مستحقّيها (۱).

۵۴ - قال عليّ عليه السلام: كثره التعلّل آية البخل (۲).

۵۵ - عن النبيّ صلى الله عليه و آله قال: أبخل النَّاس من بخل بالسلام (۳).

۵۶ - عن الإمام السّجاد عليه السلام - في دعائه للمهّمات - : ربّ وأعوذ بك من البخل والعجز والشحّ والحسد والحرص (۴).

۵۳ - امام علي عليه السلام فرمود:

زشت ترين بخل، بازداشتن اموال از مستحقّان آن است.

۵۴ - امام علي عليه السلام فرمود:

عذر و بهانه آوردن بسيار، نشانه ي بخل است.

۵۵ - پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود:

بخيل ترين مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

۵۶ - امام سجاد عليه السلام - در ضمن دعا برای امور مهمّ - می گوید:

پروردگارا! و به تو پناه می برم از بخل و ناتوانی و خست و حسد و حرص.

ص: ۲۴۳

۱- (۱) عيون الحكم والمواعظ: ۱۱۷ ح ۲۵۸۷.

۲- (۲) عيون الحكم والمواعظ: ۳۸۹ ح ۶۵۸۳.

۳- (۳) بحار الأنوار: ۱۲/۷۶ ح ۴۸.

۴- (۴) أمالی الطوسي: ۱۸ ضمن ح ۱۹.

شَح (۱) [۱]

نکوهش شَح و آثار دنیوی و اخروی آن

۱ - قال الله تبارک و تعالی: وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲).

۲ - عن المفضل بن أبي قره قال:

رأيت أبا عبد الله عليه السلام يطوف من أول الليل إلى الصُّباح، وهو يقول: اللهم قني شَح نفسي. فقلت! جعلت فداك ما سمعتك تدعو بغير هذا! فقال: وأي شيء أشد من شَح النفس؟ إن الله يقول:

وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳). (۴) ۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ... ما رأيت شيئاً هو أضرّ ۱ - خداوند متعال فرمود: و هر کس از بخل و آز نفس خویش مصون بماند، چنین کسانی رستگارانند.

۲ - مفضل بن أبي قره می گوید:

امام صادق علیه السلام را دیدم که از آغاز شب تا صبح طواف می کرد و می فرمود:

بارالها! مرا از بخل و رزی نفسم حفظ کن.

عرض کردم:

فدایت شوم! نشنیدم که جز این، دعا [ی دیگری] بکنی.

حضرت فرمود: کدام چیز بدتر از بخل نفس است؟

خداوند می فرماید

«و کسانی که از بخل و رزی نفس خویش مصون مانند، چنین کسانی رستگارانند».

۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: ... هیچ چیزی را

۱- (۱) در بخش گذشته (باب بخل)، مفهوم شح نیز بیان شد.

۲- (۲) الحشر: ۹.

۳- (۳) الحشر: ۹.

۴- (۴) مستدرک الوسائل: ۷/۳۰ ح ۷۵۶۵.

فی دین المسلم من الشَّحِّ (۱).

۴ - قال علی علیه السلام: لا سوءه أسوأ من الشَّحِّ (۲).

۵ - عن جعفر عن آبائه عليهم السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام سمع رجلاً يقول: إنَّ الشَّحَّ أَعْدَرُ (اعذر - خ ل) من الظالم، فقال له:

كذبت إنَّ الظالم قد يتوب و يستغفر و یرد الظلامه علی أهلها والشحیح إذا شحَّ منع الزَّكاه والصدقه و صله الرِّحم و قرى الضَّيف والتَّفقه فی سبیل الله و أبواب البرِّ، و حرام علی الجنَّه أن یدخلها شحیح (۳).

۶ - قال علی علیه السلام: احذروا الشَّحَّ فإنَّه یركسب المقت و یشین المحاسن و یشیع العیوب (۴).

۷ - قال علی علیه السلام: زیاده الشَّحَّ تشین الفتوه و تُفسد الأخوه (۵).

برای دین مسلمان، زیانبارتر از شحّ [بخل همراه با حرص] ندیدم.

۴ - امام علی علیه السلام فرمود: هیچ بدی بدتر از شحّ نیست.

۵ - امام صادق علیه السلام از پدران‌ش علیهم السلام نقل کرده است که امیرمؤمنان علیه السلام شنید کسی می گفت: بخیل عذرش پذیرفته تر از ستمگر است.

فرمود: غلط گفتمی؛ زیرا ستمگر چه بسا توبه کند و از خداوند آمرزش طلبد و حقّ مردم را به آن‌ها برگرداند،

اما بخیل کسی است که با بخل ورزیدن، از دادن زکات و صدقه و صله ی رحم و مهمان نوازی و انفاق در راه خدا و هزینه کردن در کارهای خیر، خودداری می کند

و بر بهشت حرام است که بخیل را به خود بپذیرد.

۶ - امام علی علیه السلام فرمود:

از بخل ورزیدن بپرهیزید که دشمنی به بار می آورد و خوبی‌ها را زشت جلوه می دهد و عیب‌ها را آشکار و شایع می سازد.

۷ - امام علی علیه السلام فرمود:

بخل ورزی بسیار، جوانمردی را لکه دار می سازد و برادری را تباه می کند.

- ١- ((١)) كتاب زيد النّرسی (ضمن الأصول الستّه عشر): ١٩٨ ح ١٨، عنه المستدرک: ٣١/٧ ح ٧٥٦٦.
- ٢- ((٢)) عیون الحکم والمواعظ: ٥٣٧ ح ٩٨٨٨.
- ٣- ((٣)) الکافی: ٤٤/٤ ح ١.
- ٤- ((٤)) عیون الحکم والمواعظ: ١٠٥ ح ٢٣٥٧.
- ٥- ((٥)) عیون الحکم والمواعظ: ٢٧٧ ح ٥٠٥١.

۸ - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام في وصية النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام قال: يا علي ثلاث مهلكات: شح مطاع، وهوى متبع، وإعجاب المرء برأيه (۱).

۹ - قال أمير المؤمنين عليه السلام في صفة المؤمن المتقى: ... لا يغلبه الهوى، ولا يقهره الشح، ولا يطمع فيما ليس له (۲).

۱۰ - قال علي عليه السلام: من لزم الشح عديم النصح (۳).

۱۱ - عن الصادق عن آبائه عليهم السلام:

□
أن رجلاً أتى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله بأبي أنت وأُمِّي! إنني أحسن الوضوء، وأقيم الصلاة، وأؤتي الزكاة في وقتها، وأقري الضيف طيبه بها نفسي، محتسب بذلك أرجو ما عند الله، فقال:

□
بَخُّ بَخٍّ، مالجهنم عليك سبيل، إن الله قد برأك من الشح إن كنت كذلك (۴).

۱۲ - قال علي عليه السلام: عليك بالصدقة تنج من دناءه الشح (۵).

۸ - امام صادق عليه السلام از پدران ش عليهم السلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام فرمود: ای علی! سه چیز سبب هلاکت و نابودی است: بخلی که فرمان برداری شود، و هوای نفسی که پیروی گردد، و شیفته ی نظر خود بودن.

۹ - امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف مؤمن پارسا می فرماید:

... هوای نفس بر او چیره نمی شود و بخل، او را مغلوب نمی سازد و در چیزی که برای او نیست طمع نمی کند.

۱۰ - امام علی علیه السلام فرمود: هر که با بخل همراه شد خیرخواهی را از دست داد.

۱۱ - امام صادق علیه السلام از پدران خود عليهم السلام نقل کرده است که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا پدر و مادرم به فدایت! من نیکو وضو می سازم و نماز را به پا می دارم و زکات را در وقتش پرداخت می کنم و با خاطر خوش از مهمان پذیرایی می نمایم؛ من این ها را به حساب خدا می گذارم و به پاداش نزد او امید دارم.

حضرت فرمود: آفرین، آفرین، آفرین؛ جهنم راهی بر تو ندارد؛ همانا اگر چنین باشی خدا تو را از بخل پاک ساخته است.

۱۲ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

بر تو باد به دادن صدقه تا از پستی بخل رهایی یابی.

- ١- (١) وسائل الشيعة: ١٠٣/١ ح ٢٤٨ عن الفقيه: ٣٦٠/٤ ح ٥٧٦٥.
- ٢- (٢) أمالي الصدوق: ٤٦٠ م ٨٤ ضمن ح ٢.
- ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ٤٤٢ ح ٧٧٠٧.
- ٤- (٤) قرب الإسناد: ٧٥ ح ٢٤١.
- ٥- (٥) عيون الحكم والمواعظ: ٣٣٣ ح ٥٦٨٣.

(فصل چهارم): فرهنگ سازی پرهیز از اسراف

ص: ۲۴۷

پیشوایان دین با گفتار و رفتار خود تلاش می کردند پیروانشان را به گونه ای آموزش دهند که پرهیز از اسراف و تبذیر، به صورت فرهنگ و شیوه ی رایج در زندگی آن ها درآید؛ از این رو به شکل های مختلف این موضوع را مورد توجه قرار می دادند، مانند این که مقدار مصرف آب در وضو و غسل را معین می کردند یا از دور ریختن هسته ی خرما - که در آن زمان و مکان به کار می آمده است - باز می داشتند. همچنین از پوشیدن لباس مهمانی و زینت در هنگام کار، نهی می کردند یا در دعاها ی خود، از خداوند متعال می خواستند که آن ها را از اسراف و زیاده روی حفظ کند و روحیه ی میانه روی و اقتصاد و بسنده کردن به مقدار کفاف، در آن ها به وجود آورد.

برخی احادیثی که به این امر مربوط بود در بخش های سابق گذشت. اما به دلیل اهمیت مسأله و تناسب آن با موضوع کتاب، سعی شده است روایاتی که به نظر می آید به صورت روشن تری به موضوع فرهنگ سازی و پرهیز از اسراف مربوط است، در این جا بیاید.

۱ - عن هشام بن المثنی قال:

سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل [□] وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ [□] (۱) فقال: كان فلان بن فلان الأنصاري - سماء - وكان له حرث، وكان إذا أخذ يتصدق به ويبقى هو وعياله بغير شيء فجعل الله عز وجل ذلك سرفاً (۲).

۱ - هشام بن مثنی می گوید: شخصی از امام صادق علیه السلام درباره ی این سخن خداوند متعال پرسید «و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری آن بدهید، و زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

حضرت فرمود: فلانی فرزند فلانی از قبیله ی انصار - حضرت نام او را برد - دارای زراعت و کشت زاری بود و چون محصول آن را به دست می آورد همه را صدقه می داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی ماند.

خداوند این را اسراف قرار داد.

ص: ۲۴۹

۱- (۱) الأنعام: ۱۴۱.

۲- (۲) الکافی: ۴/۵۵۵ ح ۵، عنه الوسائل: ۲۱/۵۵۸ ح ۲۷۸۶۸.

۲ - عن عبد الله بن عمرو، أنّ رسول الله صلى الله عليه و سلم مرّ بسعد وهو يتوضأ، فقال: ما هذا السرف؟ فقال: أفي الوضوء إسراف؟ قال:

نعم، وإن كنت على نهرٍ جارٍ (۱).

۳ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله : الوضوء مُيِّدٌ و الغُسلُ صاع، و سيأتي أقوامٌ بعدى يستقلّون ذلك، فأولئك على خلاف سنّتي، والثابت على سنّتي معي في حظيره القدس (۲).

۴ - عن أبي جعفر الباقر عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه و آله يتوضأ بمِئِدٍ، و يغتسل بصاع، و المِئِدُ رطلٌ و نصف، و الصاع سنّه أرطال (۳).

۵ - عن سليمان بن صالح قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ما أدنى ما يجيء من الإسراف؟ ۲ - عبد الله بن عمرو می گوید:

رسول خدا صلى الله عليه و آله از کنار سعد گذشت در حالی که وضو می گرفت.

حضرت فرمود:

این اسراف چیست؟

سعد گفت:

آیا در وضو گرفتن نیز اسراف هست؟

فرمود:

آری، هر چند کنار نهر روان باشی.

۳ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

اندازه ی آب وضو یک مدّ [حدود ۷۵۰ گرم] و اندازه ی آب غسل یک صاع [حدود سه کیلوگرم] است.

به زودی مردمانی بعد از من خواهند آمد که آن را کم می شمروند.

آنان برخلاف سنت من رفتار می کنند و هر که بر سنت من پایدار بماند در بهشت همراه من خواهد بود.

۴ - امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه و آله چنین بود که با یک مدّ آب وضو می گرفت و با یک صاع غسل می کرد، و اندازه ی مدّ یک

رطل و نصف [حدود ۷۵۰ گرم] و صاع شش رطل [حدود سه کیلوگرم] می باشد.

۵ - سلیمان بن صالح می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم کم ترین حد اسراف چیست؟

ص: ۲۵۰

۱- ((۱)) سنن ابن ماجه: ۱۴۷/۱ ح ۴۲۵.

۲- ((۲)) الفقیه: ۳۴/۱ ح ۷۰، عنه الوسائل: ۴۸۳/۱ ح ۱۲۸۰ و نحوه فی الجعفریات (ضمن قرب الإسناد): ۱۶، عنه المستدرک: ۳۴۷/۱ ح ۸۰۶.

۳- ((۳)) التهذیب: ۱۳۶/۱ ح ۳۷۹ والاستبصار: ۱۲۱/۱ ح ۴۰۹، عنهما الوسائل: ۴۸۱/۱ ح ۱۲۷۵.

قال: إبتدالك ثوب صونك وإهراقك فضل إنائك وأكلك التمر ورميك بالنوى هاهنا و هاهنا (١).

٦ - عن السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - دَعَاؤُهُ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ - :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجِبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوِّمْنِي بِالْبَدَلِ وَالْإِقْتِصَادِ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ، وَأَجْرٍ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجْهٍ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي، وَازْوِ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يَحْدُثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْذِيًّا إِلَى بَغْيِي، أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طَغْيَانًا (٢).

٧ - عن السَّجَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - مِنْ دَعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ - :

... وَتُبْهِنِي مِنْ رَقْدِهِ الْغَافِلِينَ وَسِنِّهِ الْمُسْرِفِينَ وَنَعْسِهِ الْمَخْذُولِينَ (٣).

٨ - عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: الإقتصاد ينمي القليل.

وقال عليه السلام: الإقتصاد ينمي اليسير.

فرمود:

لباس رسمی و مجلسی خود را برای کار پوشی، و ته مانده ی آب خود را دور بریزی، و خرما را بخوری و هسته ی آن را این جا و آن جا بیندازی.

٦ - امام سجّاد علیه السلام در دعای خود برای کمک خواستن از خدا بر ادای دین فرمود:

بارالها! بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار، و بر بخشش و میانه روی پایدار کن، و به من خوب اندازه گیری کردن [وسنجیدن] را بیاموز و با لطف خود مرا از هدر دادن مال نگهدار، و روزی هایم را از راه های حلال به سویم روان ساز، و انفاقم را در راه های خیر مقرر فرما، و آن اموالی را که خود برترینی برایم پدید آورد یا مرا به ستمگری بکشاند یا از آن به سرکشی افتم، از من بازدار.

٧ - امام سجّاد علیه السلام در ضمن دعایش در عرفه فرمود:

...بارالها! مرا از خواب غافلان و از خواب آلودگی اسراف کاران و چرت زدن رهاشدگان بیدار کن.

٨ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

تعادل و میانه روی [اموال] کم را افزایش می دهد.

و فرمود: اعتدال و میانه روی اندک را می افزاید.

١- ((١)) الكافي: ٤٦٠/٦ ح ٢، عنه الوسائل: ٥١/٥ ح ٥٨٧٥.

٢- ((٢)) الصحيفة السجادية الجامعة: ١٥١ دعاء ٧٩.

٣- ((٣)) الصحيفة السجادية الجامعة: ٣٢٧ دعاء ١٤٧.

وقال عليه السلام : الإقتصاد نصف المؤمنه.

وقال عليه السلام : لن يهلك من اقتصد.

وقال عليه السلام : ليس فى الإقتصاد تلف.

وقال عليه السلام : مَنْ لم يُحسن الإقتصاد أهلكه الإسراف. وقال عليه السلام : مَنْ اقتصد خَفَّت عليه المؤمن. وقال عليه السلام :

مَنْ اقتصد فى الغنى والفقر فقد استعدَّ لنواب الدهر. وقال عليه السلام :

مَنْ صحب الإقتصاد دامت صحبه الغنى له، و جبر الإقتصاد فقره و خلله. وقال عليه السلام : من المروء أن تقتصد فلا تسرف (١).

٩ - قال النبى صلى الله عليه و آله خيار امّتى يتوضّأون بالماء اليسير (٢).

١٠ - قال على أميرالمؤمنين عليه السلام :

الرّضا بالكفاف خيرٌ من السعى فى الإسراف (٣).

١١ - قال على أميرالمؤمنين عليه السلام :

من أشرف الشرف الكفّ عن التبذير والسرف (٤).

و فرمود: میانه روی و تعادل نیمی از خرجی و آذوقه است.

و فرمود: هر که میانه روی پیشه کند هرگز هلاک نشود.

و فرمود: در میانه روی نابودی نیست.

و فرمود: هر کس به شکلی نیکو میانه روی و تعادل را پیشه ی خود نسازد اسراف و زیاده روی او را تباه می کند.

و فرمود: هر که میانه روی کند هزینه ها [ی زندگی] بر او سبک می شود.

و فرمود: هر که در حال بی نیازی و فقر میانه روی کرد خود را در برابر گرفتاری های روزگار آماده نموده است.

و فرمود: هر که با اعتدال و میانه روی همراه شد، همیشه بی نیازی همنشین او خواهد بود و میانه روی، فقر و کاستی های او را جبران می کند.

و فرمود: از جوانمردی است که میانه رو باشی و اسراف نکنی.

۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین های امت من، با آب کم وضو می سازند.

۱۰ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: راضی بودن به روزی کافی بهتر است از تلاشی که در اسراف [یعنی برای زیاده روی و ولخرجی] باشد.

۱۱ - امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: برترین شرافت ها خودداری از ولخرجی و زیاده روی است.

ص: ۲۵۲

۱- ((۱)) مستدرک الوسائل: ۵۳/۱۳ ح ۱۴۷۲۴ عن غررالحکم.

۲- ((۲)) مستدرک الوسائل: ۳۴۸/۱ ح ۸۰۸، عن لبّ اللّباب للراوندی (مخطوط).

۳- ((۳)) عیون الحکم و الموعظ: ۲۱ ح ۱۲۴.

۴- ((۴)) عیون الحکم و الموعظ: ۴۷۳ ح ۸۶۷۷.

۱۲ - عن عليّ أمير المؤمنين عليه السلام - في قصّبه تزويجه من فاطمه عليها السلام بعد أن أمر رسول الله صلى الله عليه وآله بلالاً أن يشتري طيباً لابنته - قال: ثم دعا [رسول الله صلى الله عليه وآله] أم سلمه وقال لها: يا أم سلمه! ابتاعى لابنتي فراشاً من جلس مصر، واحشيه ليفاً، واتخذى لها مدرعة وعباءة قطوانيه، ولا تتخذى أكثر من ذلك فيكونا من المسرفين... (۱).

۱۳ - عن بشر بن مروان قال:

دخّلنا على أبي عبد الله عليه السلام فدعا برطب، فأقبل بعضهم يرمى بالنوى، قال: فأمسك أبو عبد الله يده فقال:

لا تفعل، إنّ هذا من التبذير وإنّ الله لا يحبّ الفساد (۲) ۱۲ - امیرمؤمنان علی علیه السلام در داستان ازدواج خود با حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از این که به بلال دستور داد تا عطری برای دخترش بخرد، ام سلمه را فرا خواند و فرمود:

ای ام سلمه! برای دخترم فرشی از زیلوی مصری بخر، و بر اطراف آن لیف خرما بدوز و برای او جامه ای گشاد و عبایی بلند [چادر] فراهم کن؛ ولی بیش از این ها چیزی نخر که مبادا از اسراف کاران باشند ...

۱۳ - بشر بن مروان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. حضرت خرما طلبید.

یکی از اطرافیان خواست که هسته ی آن را دور اندازد، حضرت دست او را گرفت و فرمود:

این کار را نکن، زیرا این [نوعی] تباہ کردن است و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.

ص: ۲۵۳

۱- (۱) دلائل الإمامه للطبری: ۱۵ ونحوه فی البحار: ۸۸/۱۰۴ عن مسند فاطمه علیها السلام .

۲- (۲) تفسیر العیاشی: ۲۸۸/۲ ح ۵۸، عنه المستدرک: ۲۶۸/۱۵ ح ۱۸۲۰۸، والبحار: ۳۰۳/۷۵ ح ۵ .

بخش سوم: دولتمردان و مصرف

اشاره

ص: ۲۵۵

از آنجا که دولتمردان رفتارشان مورد نظر است و مردم آن‌ها را الگو قرار می‌دهند (الناس علی دین ملوکهم) پیشوایان ما برای مصرف به حاکمین زمان توصیه‌هایی کرده‌اند، علاوه بر آن خودشان با عمل، به دولتمردان روش زندگی و مصرف را آموزش داده‌اند.

در این بخش ما بعضی روایاتی که از پیشوایان معصوم علیهم السلام صادر شده را می‌آوریم.

□
روایات این بخش زندگی و ساده زیستی پیامبر و امیرالمؤمنین و سایر انبیاء و اوصیاء الهی صلوات الله علیهم اجمعین را بیان می‌کند، همه این روایات نشان می‌دهد که آنها هیچگونه دلبستگی به دنیا نداشته‌اند و در اوج قدرت همانند ساده‌ترین مردم زندگی می‌کردند یا در حد متعارف مردم؛ در عین حال روایاتی موجود است که متناسب زمان و مکان باید زندگی کرد و از نعمت‌های الهی بهره‌مند شد ولی در همه روایات، از دلبستگی به دنیا و خود باختگی و دنیا طلبی و جمع‌آوری زر و سیم و مال دنیا و ریاست طلبی شدیداً نهی شده است و تشویق شده که دولتمردان همچون پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام آنچه را - از ریاست و امکانات - در اختیار دارند امانت و تکلیف الهی ببینند.

می‌توان گفت برای دولتمردان و خانواده آنها که دوستدار پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشند و در این زمان می‌خواهند اسلامی زندگی و خدمت کنند از جمع بندی میان روایات این امور استفاده می‌شود:

۱ - دولتمردان قلباً دلبسته به دنیا نباشند.

۲ - سعی کنند در زندگی شخصی تا می‌شود ساده‌ترین زندگی را انتخاب کنند.

۳- مواظب خود و اطرافیان باشند که حکومت را طعمه و ابزار زر اندوزی قرار ندهند.

۴- در این زمان (قبل از حکومت حضرت حجه عجل الله تعالی فرجه) مانند متوسط مردم زندگی کنند بگونه ای که در چشم مردم کشور و مردم دنیا ژنده پوش یا مروج تشریفات و اشراف گرائی نباشد - درجه متوسط توده های میلیونی باشند - .

۵- سعی کنند پس از آنکه توده مردم از نعمتی بهره مند شدند آنها از آن نعمت بهره مند گردند و پیشگام در مصرف نعمت ها نباشند.

۶- دولتمردان با گفتار و کردار و گاهی عکس العمل های خود به اطرافیان بفهمانند که با دنیاگرائی و تشریفات غیر متعارف و غیر مردمی مخالفند.

۷- در ساده زیستی باید نزدیکان دولتمردان از گفتار و عمل آنان استقبال کنند و آن را موجب اجر اخروی بدانند.

خلاصه این که از مجموع روایات می شود استفاده کرد که زمامداران اسلامی در زمان غیبت کبری[□] تا امکان دارد در حد ضعیفترین افراد جامعه زندگی کنند و گر نه از حدّ توده های میلیونی و متوسط مردم فراتر نروند.

ص: ۲۵۸

«علی علیه السلام از سیره و زندگی برخی پیامبران مخصوصاً زندگی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله سخن می گوید»

۱- عن علی علیه السلام قال: ... لقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله كافٍ لك في الأسوه. ودليل لك على ذم الدنيا وعيها، وكثرة مخازيها ومساوئها، إذ قبضت عنه أطرافها، ووطئت لغيره أكنافها، وفطم عن رضاعها، وزوى عن زخارفها.

وإن شئت ثبثت بموسى كليم الله صلى الله عليه وسلم إذ يقول: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (۱) والله ما سأله إلا خبزاً يأكله لأنه كان يأكل بقله الأرض، ولقد كانت خُضره البقل تُرى من شفيف صفاق بطنه لهزاله وتشذب لحمه.

وإن شئت ثلثت بدادود صلي الله عليه پیامبر أعظم صلی الله علیه و آله الكوى كامل

۱ - علی علیه السلام فرمود: به راستی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تو الگویی بسنده (و شایسته) است و رهنمون تو است به ناپسندی و عیب دنیا و رسوایی های زیاد و بدی های فراوان آن، زیرا نعمت های دنیا از او گرفته (وبازداشته) شد و همه چیز آن برای غیر او آماده گشت و او از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن چشم پوشید.

حضرت موسی علیه السلام

اگر خواستی دومین نمونه موسی همسخن خدا را به تو معرفی می کنم که گفت «پروردگارا! همانا من به خیری که بر من فرستی نیازمندم»؛ به خدا سوگند او جز نانی که بخورد درخواست نکرد زیرا او گیاه زمین می خورد و به سبب لاغری و آب شدن گوشت بدنش سبزی گیاه از زیر پوست شکمش دیده می شد.

حضرت داود علیه السلام

و اگر خواستی نمونه ی سوم داود

ص: ۲۵۹

صاحب المزامیر وقارئ أهل الجنّة، فلقد كان يعمل سفائف الخوص بيده، ويقول لجلسائه:

أيكم يكفيني بيعها؟ ويأكل قرص الشعير من ثمنها.

وإن شئت قلت في عيسى بن مريم عليه السلام، فلقد كان يتوسد الحجر ويلبس الخشن ويأكل الجشب.

وكان إدامه الجوع، وسراجہ بالليل القمر، وظلاله في الشتاء مشارق الأرض ومغاربها، وفاكهته وريحانه ما تنبت الأرض للبهائم. ولم تكن له زوجة تفتنه، ولا ولد يحزنه، ولا مال يلفته، ولا طمع يذله.

دأبته رجلاه، وخادمه يداه.

فتأس بنبيك الأطيب الأطهر صلى الله عليه وآله، فإن فيه أسوة لمن تأسي، وعزاء لمن تعزى وأحب العباد إلى الله المتأسي بئيه والمقتص لأثره.

قضم الدنيا قضمًا، ولم يعرها طرفًا، أهضم أهل الدنيا كشحًا، وأخمصهم من الدنيا بطنًا.

عُرِضت عليه الدنيا فأبى أن يقبلها، وعلم أنّ الله سبحانه أبغض شيئًا فأبغضه، وحقّر شيئًا فحقّره، وصعّر شيئًا فصعّره.

صاحب سرودها وخواننده بهشتیان- درود خدا بر او - را برایت بیاورم که از برگ خرما زنبیل می بافت و به همنشینانش می گفت: «کدام یک از شما آن را برایم می فرودشد؟» و با پول آن قرص گرده ی نان جوین می خورد.

حضرت عیسی علیه السلام

و اگر خواستی برایت از عیسی پسر مریم بگویم که سنگ را بالش می گرفت و لباس خشن می پوشید و غذای ناگوار می خورد، خورشش گرسنگی و چراغش در شب مهتاب بود و سر پناهِش در زمستان سرتاسر زمین بود (سر پناهی نداشت) میوه و سبزی او چیزی بود که زمین برای چهار پایان می رویاند، نه همسری داشت که گرفتارش کند و نه فرزندی که اندوهگینش سازد و نه مالی که او را به خود مشغول کند و نه طمعی که خوارش نماید، سواری او پاهایش بود و خادم او دستانش.

جلوه ی از زندگانی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

پس به پیامبرت آن پاک ترین و پاکیزه ترین [آفریدگان خدا] تأسی کن، زیرا بی گمان [روش و رفتار] او سرمشق است برای کسی که از او پیروی کند و مایه ی دلداری است برای کسی که دلداری جوید، و محبوب ترین بندگان پیش خدا آن کس است که به پیامبرش تأسی بجوید و راه او بپوید، آن بزرگوار به راستی به اندک از دنیا بسنده کرد و توجهی به آن نداشت، از تمام مردم دنیا نزار تر و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا بر او عرضه شد ولی آن را نپذیرفت و چون بدانست که خداوند سبحان چیزی را دشمن می دارد او نیز آن را دشمن می داشت و چیزی را خداوند خوار می سازد او هم خوار می ساخت و چیزی را خدا کوچک و خوار می شمارد او نیز کوچک و خوار می شمرد.

ولو لم يكن فينا إلّا حبنا ما أبغض الله ورسوله وتعظيمنا ما صغر الله ورسوله لكفى به شقاقاً لله ومحادة عن أمر الله.

ولقد كان صلى الله عليه وآله يأكل على الأرض، ويجلس جلسه العبد، ويخصف بيده نعله، ويرقع بيده ثوبه، ويركب الحمار العارى ويردف خلفه، ويكون الستر على باب بيته فتكون فيه التصاویر فيقول: يا فلانہ - لإحدى أزواجه - غيبه عني فإني إذا نظرت إليه ذكرت الدنيا وزخارفها. فأعرض عن الدنيا بقلبه، وأمات ذكرها من نفسه، وأحب أن تغيب زينتها عن عينه، لكيلا يتخذ منها ريشاً، ولا يعتقد لها قراراً، ولا يرجو فيها مقاماً، فأخرجها من النفس، وأشخصها عن القلب، وغيبها عن البصر، وكذا من أبغض شيئاً أبغض أن ينظر إليه وأن يذكر عنده.

□
ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله ما يدلّك على مساوى الدنيا وعبوبها، إذ جاع فيها مع خاصته، وزويت عنه زخارفها مع عظيم زلفته، در دشمنی با خدا و سرپیچی از فرمان خدا همین ما را بس که ما چیزی را دوست بداریم که خدا و رسول صلى الله عليه وآله او آن را دشمن می دارند و چیزی را بزرگ بشماریم که خدا و رسول صلى الله عليه وآله او آن را کوچک و پست می دانند.

روش زندگی پیامبر صلى الله عليه وآله تمام نماى خوبى ها و بدیهای دنیا

بر زمین غذا می خورد و به روش بردگان می نشست و کفشش را با دست خود پینه می زد و لباس خود را با دست خود وصله می کرد و بر الاغ برهنه سوار می شد و دیگری را پشت سر خود سوار می کرد، (وقتی) پرده ای بر در خانه اش آویخته بود که نقش و نگار داشت به یکی از همسرانش فرمود «خانم! این (پرده) را از پیش چشم من دور کن که هر گاه به آن نگاه می کنم به یاد دنیا و زیورهای آن می افتم». پس دل از دنیا برید و یاد آن را در جان خود نابود کرد و دوست داشت که زینت های دنیا از پیش چشمش پنهان شود تا از آن اثاث زندگی بر نگیرد و آن را جای سکونت نداند و به ماندن در آن دل نبندد، از این رو آن را از جان بدر کرد و از دل بیرون راند و از پیش چشم خود دور ساخت و چنین است کسی که با چیزی دشمن است خوش ندارد که آن را ببیند و نامی از آن نزد او به میان آید.

بی شک روش زندگانی پیامبر خدا صلى الله عليه وآله (چنان است که) بدی ها و عیب های دنیا را به تو نشان می دهد زیرا او با آن مقام والایش (نزد خداوند) در دنیا گرسنگی کشید و با آن بزرگی منزلت از زیورهای دنیایی بر کنار ماند،

فلينظر ناظر بعقله أكرم الله محمداً بذلك أم أهانه؟ فإن قال أهانه فقد كذب والعظيم، وإن قال أكرمه فليعلم أن الله قد أهان غيره حيث بسط الدنيا له وزواها عن أقرب الناس منه. فتأسى متأسباً بنبيه، واقتصص أثره، وولج مولجه، وإلا فلا يأمن الهلكه، فإن الله جعل محمداً صلى الله عليه وآله علماً للساعة، ومبشراً بالجنة، ومنذراً بالعقوبه.

□
خرج من الدنيا خميصاً، وورد الآخرة سليماً. لم يضع حجراً على حجر حتى مضى لسبيله، وأجاب داعي ربه. فما أعظم منه الله عندنا حين أنعم علينا به سلفاً نتبعه، وقائداً نطأ عقبه. والله لقد رقت مدرعتي هذه حتى استحيت من راقعها، ولقد قال لي قائل: ألا تنبذها؟ فقلت: اغرب عني فعند الصباح يحمد القوم السرى (١).

پس انسان بينا با عقل خود ببند که آیا خدا با این کار محمد صلی الله علیه و آله را گرامی داشت یا خوار کرد؟ اگر بگویند او را خوار کرد سوگند به (خداوند) بزرگ قطعا دروغ می گویند و اگر بگویند او را گرامی داشت پس بدانند که خداوند جز او (یعنی دنیادار) را خوار نمود که (خوان) دنیا را برایش گسترده و از نزدیک ترین مردم به خود، آن را دریغ داشت پس انسان پیرو باید از پیامبرش پیروی کند و به دنبال او برود و پا جای پای او نهد و گر نه از هلاکت نخواهد رهید که همانا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را نشانه ی قیامت و مژده دهنده ی به بهشت و بیم دهنده ی از کیفر (جهنم) قرار داد.

او با شکم خالی از دنیا رفت و سالم به واپسین خانه وارد شد، سنگی روی سنگ نگذاشت تا به راه خویش رفت و پروردگارش را اجابت کرد، خدا چه منت بزرگی بر ما دارد که پیشروی به ما داده که از او پیروی کنیم و راهبری که پا در پی او نهیم.

به خدا سوگند این جامه را آن قدر وصله زدم که از وصله گر شرمنده شدم، کسی به من گفت «آیا آن را دور نمی افکنی؟» (در جوابش) گفتم «از من دور شو! که بامدادان، سفر شبانه را خواهند ستود (٢)».

ص: ۲۶۲

۱- (١) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۵۷/۲ - ۶۱. (ترجمه دشتی: ۲۹۸ - ۳۰۲ خ ۱۶۰)، و قوله «فعند الصباح يحمد القوم السرى» مثل يضرب لمتحمل المشقه ليصل إلى الراحة، و أصله أن القوم يسرون ليلاً فيحمدون عاقبه ذلك إذا أصبحوا. (مجمع البحرين: ۲۵/۲).

۲- (٢) ضرب المثل است، یعنی آینده از آن استقامت کنندگان است.

مصارف پیامبر صلی الله علیه و آله در اوج قدرت، و دیون او در حال وفات

□
۲- عن علیّ أميرالمؤمنین علیه السلام - فی وصفه زهد رسول الله صلی الله علیه و آله - قال: محمد صلی الله علیه و آله أزهد الأنبياء... ما رفعت له مائده قطّ وعلیها طعام، ولا أكل خبز برّ قطّ، ولا شبع من خبز شعیر ثلاث لیل متوالیات قطّ.

□
توفی رسول الله صلی الله علیه و آله و درعه مرهونه عند یهودی بأربعه دراهم،

ما ترک صفراء ولا بیضاء مع ما وطئ له من البلاد ومکن له من غنائم العباد،

ولقد کان یقسّم فی الیوم الواحد الثلاثمائه ألف وأربعمائه ألف ویأتیة السائل بالعشی فیقول:

والذی بعث محمداً بالحقّ ما أمسی فی آل محمد صاع من شعیر، ولا صاع من برّ، ولا درهم، ولا دینار.

۲- امیر مؤمنان علی علیه السلام در باره ی زهد رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: محمد صلی الله علیه و آله زاهدترین پیامبران بود... هیچ گاه سفره ای از جلو او جمع نشد که غذایی در آن باشد و هیچ گاه نان گندم نخورد و هیچ گاه سه شب (شبانه روز) پی در پی از نان جو سیر نبود، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی از دنیا رفت که زره اش پیش یک نفر یهودی برای چهار درهم، در گرو بود. با آن که کشور پهناوری زیر فرمان داشت و غنیمت های مردم در اختیارش بود زر و سیمی از خود به جا نگذاشت، در یک روز سیصد هزار و چهارصد هزار را میان مردم تقسیم می کرد شامگاهان که مددجویی از او درخواست کمک می کرد می فرمود «سوگند به کسی که محمد را به حق به پیامبری برانگیخت هیچ پیمانۀ ای از جو و گندم و هیچ درهم و دیناری در خاندان محمد صلی الله علیه و آله، به شب نمانده است».

ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه و آله و پرهیز از راحت طلبی

□
۳- عن عبدالله بن سنان قال:

□
۳- عبدالله بن سنان گوید: الاحتجاج: ۲۲۵.

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

دخل على النبي صلى الله عليه وآله رجل وهو على حصير قد أثر في جسمه، ووساده ليف قد أثرت في خده فجعل يمسح ويقول:

ما رضى بهذا كسرى ولا قيصر أنهم ينامون على الحرير والديباج وأنت على هذا الحصير؟

قال: فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: لأننا خيرٌ منهما والله، لأننا أكرم منهما والله، ما أنا والدينا؟! إنما مثل الدنيا كمثلي رجلٍ راكب مَرَّ على شجرٍ ولها فيء فاستظلَّ تحتها فلما أن مال الظلَّ عنها ارتحل فذهب وتركها (١).

از امام صادق عليه السلام شنیدم فرمود: شخصی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که آن حضرت روی حصیری بود که اثر آن روی بدنش نمایان بود و بالشی از لیف خرما که اثر آن در گونه ی حضرت دیده می شد، آن مرد دست می کشید و می گفت «کسرا و قیصر این گونه زندگی نمی کنند، همانا آنان روی حریر و دیبا می خوابند و تو بر این حصیر». رسول خدا فرمود «به خدا بی تردید من از آنان بهترم به خدا من از آنان گرامی ترم مرا با دنیا چه کار؟» به راستی مثل دنیا همانند مثل سواره ای است که در راه به درختی می رسد که سایه دارد، در سایه آن می آرمند، همین که سایه ی آن گشت کوچک می کند و می رود و آن را وا می گذارد.

پرده خبیری فاطمه علیها السلام و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله

٤- عن أبي هريرة وثوبان أنهما قالَا: كان النبي صلى الله عليه وآله يبدأ في سفره بفاطمه ويختم بها، فجعلت وقتاً سترًا من كساء خبيريہ لقدوم أبيها وزوجها، فلما رآه النبي صلى الله عليه وآله تجاوز عنها، وقد عُرف الغضب ٤ - أبو هريرة و ثوبان گویند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفرش را با رفتن به دیدار فاطمه علیها السلام شروع می کرد و با دیدار او (پس از سفر) به پایان می برد، یکبار آن بانوی بزرگوار به مناسبت بازگشت پدر و همسرش از سفر، پرده ای از پارچه ی خبیری تهیه کرد، همین که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را دید از خانه ی او با صورتی بر افروخته از خشم بیرون آمد

ص: ٢٦٤

١- ((١)) كتاب الزهد للحسين بن سعيد الكوفي: ٥٠ ح ١٣٤، عنه البحار: ٣٨٢/١٦ ح ١٢٩، و: ١٢٦/٧٠ ح ١٢٤. نحوه فی مسند أحمد: ٣٩١/١.

ففي وجهه حتى جلس عند المنبر، فنزعت قلاذتها وقرطبيها ومسكتيها ونزعت الستر فبعثت به إلى أبيها وقالت: اجعل هذا في سبيل الله، فلما أتاه قال صلى الله عليه وآله:

قد فعلت فداها أبوها - ثلاث مرات - ما لآل محمد وللدنيا فإنهم خلُقوا للآخرة وخلقوا الدنيا لغيرهم.

وفى روايه أحمد: فإن هؤلاء أهل بيتي ولا أحب أن يأكلوا طيباتهم في حياتهم الدنيا (١).

و رفت کنار منبر نشست. فاطمه عليها السلام (که چنین دید) گردن بند و گوشواره ها و دست بندهای خود را در آورد و پرده را کند و آن ها را نزد پدر فرستاد و گفت «آن ها را در راه خدا انفاق کن»، همین که آن ها را نزد پیامبر آوردند (آن حضرت) سه بار فرمود: «پدرش به قربانش! آن چه را انتظار داشتیم انجام داد، خاندان محمد را با دنیا چکار؟! آنان برای آخرت آفریده شده اند و دنیا برای غیر آنان». و در روایت احمد آمده است «زیرا اینان خاندان من هستند و دوست ندارم که نعمت های پاکیزه ی خود را در زندگانی دنیا به مصرف رسانند» (٢).

روش پیامبر صلی الله علیه و آله در نشستن و غذا خوردن

٥- عن علي بن المغيرة قال:

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول:

إن جبرئيل عليه السلام أتى رسول الله صلى الله عليه وآله فخيرته وأشار عليه بالتواضع وكان له ناصحاً، فكان رسول الله صلى الله عليه وآله يأكل أكلة العبد ويجلس جلسة العبد تواضعاً لله تبارك وتعالى.

٥- علی بن مغیره گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

همانا جبرئیل علیه السلام به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و او را (میان تسلط یافتن بر گنجینه های زمین و زندگی شاهانه و میان زندگی فقیرانه) مخیر ساخت، و از روی خیرخواهی از او خواست که در برابر خداوند فروتنی کند.

روش رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین بود که از روی فروتنی در برابر خداوند تبارک و تعالی همچون بردگان غذا می خورد، و همانند بردگان می نشست.

ص: ٢٤٥

١- (١) المناقب لابن شهر آشوب: ٣/٣٤٣، عنه البحار: ٨٥/٤٣ ضمن رقم ٨. و راجع مسند أحمد: ٢٧٥/٥، و المعجم الكبير: ١٠٣/٢.

٢- (٢) این موضوع مفصل تر در ص ٢٦٩ ح ١٣ خواهد آمد.

ثم أتاه عند الموت بمفاتيح خزائن الدنيا فقال: هذه مفاتيح خزائن الدنيا، بعث بها إليك ربك ليكون لك ما أقلت الأرض من غير أن ينقصك شيئاً، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: في الرفيق الأعلى (١).

در وقت مرگ، جبرئیل علیه السلام کلیدهای گنجینه های دنیا را برایش آورد و عرض کرد «اینها کلیدهای گنجینه های دنیا است که پروردگارت برای تو فرستاده تا هرچه روی زمین است از آن تو باشد بدون آن که از مقام تو چیزی بکاهد»، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود «من شیفته ی دیدار برترین یارم».

لباس و غذای رسول الله صلی الله علیه و آله

٦- عن الحسن عن أنس بن مالك قال:

لبس رسول الله صلی الله علیه و سلم الصوف واحتذى المخصوف.

وقال: أكل رسول الله صلی الله علیه و آله بشعاً ولبس خشناً. فقيل للحسن:

ما البشع؟ قال: غليظ الشعير، ما كان يسيغه إلأبجرعه ماء (٢).

٦- حسن از انس بن مالک نقل می کند که او گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله جامه پشمینه (زبر و زمخت) می پوشید و کفش پینه دار به پا می کرد و هم او گوید «رسول خدا صلی الله علیه و آله غذای ناگوار (و ناسازگار) می خورد و لباس زبر می پوشید»، از حسن پرسیدند «غذای ناگوار (که پیامبر صلی الله علیه و آله می خورد) چه بود؟» پاسخ داد «(نان) جو زبر؛ که جز به کمک (جرعه ی) آب نمی توانست آن را فرو برد».

مصرف رسول خدا صلی الله علیه و آله

٧- عن عائشه قالت: مارفع النبي صلی الله علیه و آله غدائاً لعشاء ولا عشاءً ٧- عايشه گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه صبحانه اش آن اندازه نبود که چیزی از آن را برای شام بگذارد و شامش آن قدر نبود

ص: ٢٦٦

١- ((١)) الکافی: ١٣١/٨ ح ١٠١ و ١٠٢. (شرح محلاتی ج ١/١٩١ ح ١٠١ و ١٠٢)

٢- ((٢)) سنن ابن ماجه: ١١١١/٢ ح ٣٣٤٨.

قَطُّ لَغْدَاءٍ، وَلَا اتَّخَذَ مِنْ شَيْءٍ زَوْجِينَ، وَلَا قَمِيصِينَ وَلَا رِدَائِينَ وَلَا إِزَارِينَ وَلَا مِنْ النِّعَالِ، وَلَا رَأَى قَطًّا فَارِغًا فِي بَيْتِهِ إِلَّا يَخْصِفُ نِعَالًا لِرَجُلٍ مَسْكِينٍ أَوْ يَخِيطُ ثَوْبًا لِأَرْمَلَةٍ (۱).

که چیزی از آن را برای صبحانه بردارد و از یک چیز دو دست برنگرفت، (در یک زمان) دو پیراهن یا دو عبا یا دو شلوار و یا دو جفت کفش تهیه نکرد. هیچ گاه دیده نشد که در خانه بی کار باشد یا برای مرد بینوایی کفش پینه می زد و یا برای بیوه زنی لباس می دوخت.

خانه ساده رسول خدا صلی الله علیه و آله و ساده زیستی او

۸- قال أمير المؤمنين عليه السلام: لما قدم عدی بن حاتم إلى النبي صلی الله علیه و آله أدخله النبي صلی الله علیه و آله بيته ولم يكن في البيت غير خصفه (۲) ووساده من آدم فطرحها رسول الله صلی الله علیه و آله لعدی بن حاتم (۳).

۸- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چون عدی بن حاتم (که هم خود از بزرگان قبیله طی بوده و هم پدرش حاتم طایی معروف است) بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شد آن حضرت صلی الله علیه و آله او را به خانه خود برد، و در خانه جز تکه حصیری و بالشی از پوست چیزی نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله آن ها را برای عدی بن حاتم پهن کرد (و خود روی زمین نشست).

ساده زیستی رسول خدا و پرهیز از تشریفات

۹- عن ابن عباس قال: كان (۴) ۹- ابن عباس گوید

ص: ۲۶۷

۱- (۱) تاریخ مدینه دمشق: ۱۰۱/۴. نحوه فی صفة الصفوه: ۸۷/۱.

۲- (۲) الخَصِيفَةُ: واحده الخَصِيفِ، وَ هِيَ الْجُلَّةُ الَّتِي يُكْتَنَزُ فِيهَا التَّمْرُ... وَ هُوَ ضَمُّ الشَّيْءِ إِلَى الشَّيْءِ لِأَنَّهُ شَيْءٌ مَنْسُوجٌ مِنَ الْخُوصِ. (النهاية: ۳۷/۲).

۳- (۳) الكافي: ۶۵۹/۲ ح ۳ (ترجمه و شرح مصطفوی: ۴۷۹/۴-۴۸۰ ح ۳).

۴- (۴) مفهوم روایت فوق این است که این خصلت و ویژگی روش رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است چون این گونه ترکیب و بافت جمله «کان...» در زبان عربی معنایش استمرار و همیشگی بودن می باشد از این رو روایت مذکور معنایش این است که این کار یعنی ساده زیستی در تمامی ابعاد زندگی و پرهیز از تشریفات جزء سیره و روش آن حضرت بوده است.

رسول الله صلى الله عليه وآله يجلس على الأرض، ويأكل على الأرض، ويعتقل الشاه، ويحجب دعوه المملوك على خبز الشعير (۱).

«رسول خدا صلى الله عليه وآله روی زمین می نشست و روی زمین غذا می خورد و گوسفند می دوشید و دعوت بردگان را به خوردن نان جو می پذیرفت».

جهیزه سادہ فاطمہ زہراء علیہا السلام دختر رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ

۱۰ - قال علیّ علیہ السلام لَمَّا أُتِيَ رسول الله صلى الله عليه وآله خاطباً ابنته فاطمه عليها السلام قال: و ما عندك لتسعدني؟ قلت له: ليس عندي إلا بعيري و فرسی و درعی، فقال: أمّا بعيرك فحامل أهلك، و أمّا فرسك فلا بدّ لك منه تقاتل عليه، و أمّا درعك فقد زوّجك الله بها.

قال: فخرجت من عنده والدرع على عاتق الأيسر، فذهبت إلى سوق الليل فبعتها بأربعمائة درهم سود هجريه، ثم أتيت بها إلى النبي فصبيتها بين يديه، فوالله ما سألتني عن عددها، و كان رسول الله صلى الله عليه وآله سرى الكفّ، فدعا ۱۰ - علي عليه السلام فرمود: هنگامی که پیش رسول خدا برای خواستگاری دخترش فاطمه علیه السلام رفتم، فرمود «چه چیزی داری تا که بتوانی (در تهیه ی جهیزیه) به من کمک کنی؟»

گفتم «چیزی جز یک شتر و یک اسب و یک زره ندارم»

پس آن حضرت فرمود «شترت باشد برای حمل و نقل خانواده ات و به اسبت برای جنگیدن بر روی آن نیاز داری و این زره تو است که خداوند با آن به تو همسر می دهد»

علی علیه السلام می فرماید «از محضر رسول خدا بیرون آمدم در حالی که زره بر دوش چپم بود آن را به سوق اللیل بردم و به چهارصد درهم سیاه هجری فروختم و (پول) آن را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برده پیش روی آن حضرت گذاشتم، به خدا سوگند از من نپرسید چه مقدار است».

رسول خدا بخشنده بود،

ص: ۲۶۸

۱- ((۱)) أمالی الطوسی: ۳۹۳ ح ۱۴، عنه الوسائل: ۱۰۸/۱۲ ح ۱۵۷۸۰. نحوه فی المعجم الكبير: ۵۲/۱۲، و کنز العمال: ۱۵۳/۷ ح ۱۸۴۸۲.

بلالاً و ملأ قبضته و قال:

یا بلال! ابع بها طیباً لابنتی فاطمه، ثم دعا ام سلمه و قال لها: یا ام سلمه! ابتاعی لابنتی فراشاً من حلس مصر واحشیه لیفاً و اتخذی لها مدرعه و عباءه قطوانیه، ولا تتخذی أكثر من ذلك فیکونا من المسرفین.

□
و صبرتُ أياماً ما أذكر فیها شیئاً لرسول الله صلی الله علیه و آله من أمر ابنته حتی دخلت علی ام سلمه، فقالت لی: لم لا تقول لرسول الله یدخلک علی أهلک؟ قلت: استحی منه أن أذكر له شیئاً من هذا، فقالت ام سلمه: ادخل علیه فإنه سيعلم ما فی نفسک. قال: فدخلت علیه ثم خرجت، ثم دخلت ثم خرجت، فقال:

□ □
أحسبک أنك تشتهي الدخول علی أهلک؟ قلت: نعم فداک أبی و امی یا رسول الله، فقال: غداً إن شاء الله (۱).

بلال را فراخواند و مشتش را پر کرد و فرمود «بلال! با این (پول) برای دخترم فاطمه عطریات بخر»، سپس ام سلمه را خواست و فرمود «ام سلمه! برای دخترم تشکی از پارچه ی مصری بخر و آن را با لیف درخت خرما پر کن و یک جبه ی پشمین و یک عبای قطوانی برایش بگیر، بیش از این تهیه نکن که آن دو (حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام) به اسراف نیفتند».

چند روز صبر کرده به رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ی دخترش چیزی نگفتم تا این که (یک روز) به دیدن ام سلمه رفتم او به من گفت «چرا به رسول خدا نمی گویی که تو را به همسرت برساند؟» گفتم «خجالت می کشم چیزی در این باره به او بگویم»، ام سلمه گفت «به دیدنش برو او خواسته ات را خواهد فهمید» (علی علیه السلام) فرمود «به خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و پس از درنگی در محضرش، از خانه بیرون آمدم، دو باره بر او وارد شده و کمی بعد بیرون آمدم»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «فکر می کنم بسیار مایلی به همسرت برسی»، عرض کردم «پدر و مادرم به فدایت آری!» فرمود «فردا انشاء الله».

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله با ساده ترین وضع به منزل علی علیه السلام می رود

□
۱۱ - عن أبی عبد الله علیه السلام قال:

۱۱ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

ص: ۲۶۹

أدخل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فاطمه على عليّ عليهما السلام وسترها عباءً، وفرشها إهاب كبش، ووسادتها آدم محشوّه بمسد (١).

رسول خدا صلى الله عليه وآله فاطمه عليها السلام را به خانه علی علیه السلام فرستاد در حالی که پوشش او عبا و فرشش پوست گوسفند و متکایش از چرم پر شده با لیف خرما بود.

صبر فاطمه عليها السلام در برابر تلخی های دنیا و پاداش خداوندی

١٢ - عن جابر الأنصاري أنه رأى النبي صلى الله عليه وآله فاطمه وعليها كساء من أجله الإبل وهي تطحن بيديها وترضع ولدها، فدمعت عينا رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا بنتاه! تعجّلي مراره الدنيا بحلاوه الآخرة، فقالت:

يا رسول الله! الحمد لله على نعمائه والشكر لله على آلائه، فأنزل الله:

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (٢).

١٢ - جابر انصاری (٣) گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیه السلام را دید که در پوششی از پلاس شتر است و با دستان خود دستاس می گرداند و در همان حال بچه اش را شیر می دهد، از دیدگان رسول خدا اشک فرو ریخت و فرمود «دخترم! تلخی کنون دنیا را برای شیرینی آخرت تحمل کن»، فاطمه عرض کرد «ای رسول خدا! خدا را سپاس بر نعمت هایش و خدا را شکر بر عطاهایش»، پس خداوند [این آیه را] نازل فرمود «و زود باشد که پروردگارت [آن قدر] عطایت کند که راضی شوی».

پدرش به قربانش آنچه از او انتظار داشتیم انجام داد

١٣ - عن محمد بن قيس قال:

١٣ - محمد بن قيس گوید:

ص: ٢٧٠

١- (١) دلائل الإمامة: ١٥.

٢- (٢) المناقب لابن شهر آشوب: ٣/٣٤٢، عنه البحار: ٨٦/٤٣ ضمن رقم ٨. و رواه الإسكافي أيضاً في التمهيد: ٧، والتعليق في الكشف و البيان: ١٠/٢٢٥ والآية ٥ من سورة الضحى.

٣- (٣) جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام خزر جی انصاری مکنی به ابو عبدالله صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستدار خاندان آن حضرت می باشد. در صفین در رکاب امیر مؤمنان علیه السلام بود. نخستین کسی است که امام حسین علیه السلام را پس از شهادتش زیارت کرد در سن ٩٤ سالگی در مدینه در گذشت و... سفینه البحار: ١ / ٥٣٢ - ٥٣٦.

كان النبي صلى الله عليه وآله إذا قدم من سفر بدأ بفاطمه عليها السلام فدخل عليها، فأطال عندها المكث. فخرج مرة في سفر فصنعت فاطمه عليها السلام مسكتين من ورق (١) وقلاده وقرطين وستراً لباب البيت لقدم أبيها وزوجها عليهما السلام .

□
فلما قدم رسول الله صلى الله عليه وآله دخل عليها فوقف أصحابه على الباب لا يدرون أيقفون أو ينصرفون لطول مكثه عندها، فخرج عليهم رسول الله صلى الله عليه وآله وقد عُرف الغضب في وجهه حتى جلس عند المنبر، فظنت فاطمه عليها السلام أنه إنما فعل ذلك رسول الله صلى الله عليه وآله لما رأى من المسكتين والقلاده والقرطين والستر، فنزعت قلادها وقرطبيها ومسكتيها، ونزعت الستر، فبعثت به إلى رسول الله صلى الله عليه وآله، وقالت للرسول: قل له صلى الله عليه وآله: تقرأ عليك ابنتك السلام وتقول: اجعل هذا في سبيل الله. فلمّا أتاه وخبره قال صلى الله عليه وآله: فعلت فمداها أبوها - ثلاث مرات - ليست الدنيا من محمد ولا من آل محمد، ولو كانت الدنيا تعدل پیامبر صلى الله عليه وآله هنگامی که از سفری باز می گشت نخست به دیدن فاطمه عليها السلام می رفت و پیش او زیاد می ماند، یک بار به سفر رفت (در مدتی که پیامبر در سفر بود) فاطمه دو دستبند نقره ای و یک گردن بند و یک جفت گوشواره و یک پرده برای در خانه برای ورود پدر و شوهر خود تهیه کرد، زمانی که رسول خدا صلى الله عليه وآله از سفر آمد برای دیدن فاطمه عليها السلام وارد خانه شد، یاران او جلو در ایستادند و نمی دانستند بایستند یا به جهت این که ممکن است ماندن پیامبر طول بکشد بروند، (در این حال) دیدند پیامبر از خانه خارج شد و آثار ناراحتی در چهره اش نمایان بود تا آن که کنار منبر نشست، فاطمه عليها السلام فهمید که پیامبر به جهت دیدن دستبندها و گردن بند و گوشواره ها و پرده این چنین کرد، گردن بند و گوشواره و دستبند را در آورد و پرده را کند و آن ها را برای پیامبر فرستاد و به فرستاده گفت «به رسول خدا بگو دختری به تو سلام می فرستد و می گوید این ها را در راه خدا بده»، همین که پیک به نزد رسول خدا آمد و پیام فاطمه عليها السلام را به او داد، سه بار فرمود: «پدرش به قربانش آن چه از او انتظار داشتم انجام داد، دنیا شایسته محمد و آل محمد نیست، اگر دنیا

ص: ۲۷۱

۱- (۱) أی السوار من الفضّة. راجع (النهاية: ۳۳۱/۴، و: ۱۷۵/۵).

عند الله من الخير جناح بعوضه ما أسقى منها كافراً شربه ماء. ثم قام فدخل عليها (١).

پیش خدا به اندازه ی بال مگسی ارزش داشت شربت آبی از آن را به کافر نمی داد» سپس به پا خاست و نزد فاطمه علیها السلام رفت.

ساده زیستی دختر پیامبر صلی الله علیه و آله

۱۴ - عن أسماء بنت عميس قالت: كنت عند فاطمه عليها السلام إذ دخل عليها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وفي عنقها قلادة من ذهب كان اشتراها لها علي بن أبي طالب عليه السلام من فيء، فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

يا فاطمه! لا يقول الناس إن فاطمه بنت محمد تلبس لبس الجابره.

فقطعتها وباعتها واشترت بها رقبه فأعتقتها، فسّر بذلك رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم (٢).

۱۴ - اسماء بنت عميس گوید: نزد فاطمه علیها السلام بودم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر او وارد شد گردن بندی از طلا در گردن فاطمه بود که علی بن ابی طالب آن را از مال غنیمتی برایش خریده بود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود «فاطمه جان! مردم نمی گویند که فاطمه دختر محمد همچون ستمگران لباس می پوشد؟!».

در پی این سخن، فاطمه علیها السلام آن را در آورد و فروخت و با پول آن برده ای خرید و آزاد کرد و با این کار رسول خدا صلی الله علیه و آله شادمان گردید.

تواز من هستی فاطمه جان!

۱۵ - قال علي عليه السلام: إن رسول الله صلى الله عليه وآله دخل علي ابنته فاطمه عليها السلام وإذا في عنقها قلادة، ۱۵ - علي عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای دیدن دخترش فاطمه به منزل او در آمد، دید گردن بندی در گردن اوست،

ص: ۲۷۲

۱- (١) أمالي الصدوق: ٣٠٥ المجلس ٤١ ح ٧.

۲- (٢) عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٤٤/٢ ب ٣١ ح ١٦١.

فأعرض عنها، فقطعتها ورمت بها، فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله :

أنتِ مَنِّي يا فاطمه.

□
ثمَّ جاء سائل فناولته القلادة، ثمَّ قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

□
اشتدَّ غضب الله وغضبي عليَّ من أهرق دمي وآذاني في عترتي (١).

از او روی بگردانید، فاطمه علیها السلام (که چنین دید) گردن بند را پاره کرد و دور انداخت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود «تو از من هستی فاطمه جان!» پس از آن سائلی (به در خانه) آمد آن بانو گردن بند را به او داد، آن گاه رسول خدا فرمود «کسی که خون مرا بریزد و با آزرده عترتم مرا بیازارد خشم خدا و خشم من بر او سخت خواهد بود».

احترام به پاره نان

١٦ - عن عائشه قالت: دخل النبي صلى الله عليه وآله وسلم البيت فرأى كسره ملقاه، فأخذها فمسحها ثمَّ أكلها، وقال:

يا عائشه! أكرمي كريماً، فإنها ما نفرت عن قوم قطَّ فعادت إليهم (٢).

١٦ - عایشه گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خانه شد پاره نانی را دید که بر زمین افتاده آن را بر داشت و بر آن دست کشید و سپس آن را خورد و فرمود «ای عایشه! چیز ارزشمند را ارج بنه، که چنین است هر گاه مردمی چیز ارزشمندی را از دست دادند دیگر (هرگز) به آن دست نیافتند».

ص: ٢٧٣

١- ((١)) أمالی الصدوق: ٥٥٢ المجلس ٧١ ح ٨، عنه البحار: ٢٢/٤٢ ح ١٥. و قریب منه فی المناقب لابن شهر آشوب: ٣/٣٤٣، عنه

البحار: ٨٦/٣ ضمن رقم ٨.

٢- ((٢)) المصدر السابق: ١١١٢/٢ ح ٣٣٥٣.

۱ - من کتابٍ لعلی علیهِ السلامِ إلی عثمان بن حنیفٍ و هو عامله علی البصره:

أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حُنَيْفٍ! فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبِهِ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ، وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تَجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلِهِمْ مَجْفُورٍ، وَغَتِيهِمْ مَدْعُورٍ.

فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضِيهِ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ، وَمَا أَيْقَنْتَ بَطِيبِ وَجْهِهِ فَنَلَّ مِنْهُ.

ألا- وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيَّةٍ، ۱ - (نامه امام علی علیه السلام به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف انصاری که دعوت مهمانی سرمایه داری از مردم بصره را پذیرفت).

(۱) ضرورت ساده زیستی کارگزاران

پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره، تورا به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند، و کاسه های پراز غذایی در پی جلوی تونها دندگمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمند انشان با ستم محروم شده، و ثروتمند انشان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی دانی دور بیفکن، و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن.

(۲) امام الگوی ساده زیستی

آگاه باش! هر پیروی را امامی است که از او پیروی می کند، و از نور دانشش روشنی می گیرد، آگاه باش! امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده،

ومن طعمه بقرصيه. ألا- وإنكم لا- تقدرون على ذلك ولكن أعينوني بورع واجتهاد، وعفّه وسداد، فوالله ما كنت من دياكم تيراً، ولا ادخرت من غنائمها وقرأ، ولا أعددت لبالي ثوبى طمراً.

□
بلى كانت فى أيدينا فدك من كل ما أظلت السماء، فشحت عليها نفوس قوم وسخت عنها نفوس آخرين. ونعم الحكم الله، وما أصنع بفدك وغير فدك والنفس مظانها فى غد جدث (١) تنقطع فى ظلمته آثارها، وتغيب أخبارها، وحفره لو زيد فى فسحتها وأوسعت يدا حافرها لأضغطها الحجر والمدر، وسد فرجها التراب المتراكم، وإنما هى نفسى أروضها بالتقوى لتأتى آمنه يوم الخوف الأكبر، وتثبت على جوانب المزلق، ولو شئت لاهتديت الطريق إلى مصفى هذا العسل ولباب هذا القمح ونسائج هذا القز.

و دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید.

پس سوگند به خدا! من از دنیای شما طلا- و نقره ای نیندوخته، و از غنیمت های آن چیزی ذخیره نکرده ام و بر دو جامه ی کهنه ام جامه ای نیفزودم، (و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه ی تلخ درخت بلوط ناچیزتر است!).

آری از آنچه بر آن سایه افکنده، فدک (٢) در دست ما بود که مردمی بر آن بخل ورزیده، و مردمی دیگر سخاوتمندانه از آن چشم پوشیدند، و بهترین داور خداست.

مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟ در حالی که جایگاه فردای آدمی گور است، که در تاریکی آن، آثار انسان نابود و اخبارش پنهان می گردد، گودالی که هر چه بر وسعت آن بیفزایند، و دست گورکن فراخش نماید، سنگ و کلوخ آن را پر کرده و خاک انباشته رخنه هایش را مسدود کند.

من نفس خود را با پرهیزکاری می پرورانم، تا در روز قیامت که هراسناک ترین روزها است در امان، و در لغزشگاه های آن ثابت قدم باشد.

(٣) هیچ گاه از مستمندان غفلت نکرد

من اگر می خواستم، می توانستم از عسل پاک، و از مغز گندم، و بافته های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم،

ص: ٢٧٥

١- (١) أى القبر. (النهايه: ٢٤٣/١).

٢- (٢) پس از فتح خیبر دیگر یهودیان آن سامان را رسول خدا صلی الله علیه و آله صلح کردند و باغات «فدک» را به آن حضرت بخشیدند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله [آن را به فاطمه زهرا علیها السلام اهداء فرمود، و سندی برای آن تنظیم

کرد و ۵ سال در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در دست فاطمه علیها السلام قرار داشت اما در حکومت ابابکر آن را غصب کردند. (به کتاب فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام حرف ف، فدک مراجعه کنید).

ولكن هيهات أن يغلبني هواي ويقودني جشعي إلى تخيير الأطمع، ولعلّ بالحجاز أو اليمامة من لا طمع له في القرص ولا عهد له بالشيء، أو أبيت مبطاناً وحولي بطون غرثي وأكباد حرّى، أو أكون كما قال القائل:

وحسبك داء أن تبيت ببطنه وحولك أكباد تحنّ إلى القَدِّ

أفقع من نفسى بأن يقال أمير المؤمنين ولا اشار كههم فى مكاره الدهر؟ أو أكون اسوّه لهم فى جُشوبه العيش؟ فما خُلقت ليشغلنى أكل الطيبات كالبهيمة المربوطه همّها علفها، أو المرسله شغلها تقمّمها، تكثرش من أعلافها وتلهو عمّا يراد بها، أو اترك سدّى أو اهمل عابثاً، أو اجرّ حبل الضلاله، أو أعتسف طريق المتاهه.

وكاننى بقائلكم يقول:

امّا هيهات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام های لذیذ برگزینم، در حالی که در «حجاز» یا «یمامه» (۱) کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، یا چنان باشم که شاعر گفت

«این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و در اطراف تو شکم هایی گرسنه و به پشت چسبیده باشند».

(۴) در تلخی های روزگار با مردم شریک بود

آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین علیه السلام خوانند و در تلخی های روزگار با مردم شریک نباشم؟ و در سختی های زندگی الگوی آنان نگردم؟

آفریده نشده ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان افسار بسته پرواری که تمام همّت او علف، و یا چون حیوان رها شده که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده و از آینده ی خود بی خبر است. آیا مرا بیهوده آفریدند؟ آیا مرا به بازی گرفته اند؟ آیا ریسمان گمراهی در دست گیرم؟ و یا در راه سرگردانی قدم بگذارم؟.

(۵) نقش تحمل سختی ها در رشد شخصیت انسان.

گویا می شنوم که شخصی از شما می گوید

ص: ۲۷۶

إذا كان هذا قوت ابن أبي طالب فقد قعد به الضعف عن قتال الأقران ومنازله الشجعان. إلا وإن الشجره البريه أصلب عوداً، والروائع الخضره أرق جلوداً، والنباتات البدويه أقوى وقوداً وأبطأ خموداً، وأنا من رسول الله كالصنو من الصنو والذراع من العضد.

□

والله لو تظاهرت العرب على قتالی لما وليت عنها، ولو أمكنت الفرص من رقابها لسارعت إليها، وسأجهد في أن اطهر الأرض من هذا الشخص المعكوس والجسم المركوس حتى تخرج المدره من بين حبّ الحصيد.

إليك عني يا دنيا، فحبلك على غاربك، قد انسلت من مخالبك، وأفلت من حبالك، واجتنبت الذهاب في مداحضك، أين القرون الذين غررتهم بمداعبك؟ أين الأمم الذين فتنتهم بزخارفك؟ هاهم رهائن القبور ومضامين اللحد. والله لو كنت شخصاً مرئياً وقالاً حسياً لأقمت عليك حدود الله في عباد غررتهم بالأمانى، وأم ألقيتهم في المهاوى، «اگر غذای فرزندان بی‌طالب همین است، پس سستی او را فرا گرفته و از نبرد با هم‌وردان و شجاعان بازمانده است». آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت تر، و درختان کناره‌ی جویبار پوستشان نازک تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پر دوام تر است.

(۶) شجاعت بی مانند آن حضرت.

من و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون روشنایی یک چراغیم، یا چون آرنج به یک بازو پیوسته ایم، به خدا سوگند! اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، از آن روی برنتابم، و اگر فرصت داشته باشم به پیکار همه می‌شتابم، و تلاش می‌کنم که زمین را از این شخص مسخ شده «معاویه» و این جسم کج اندیش، پاک سازم تا سنگ و شن از میان دانه‌ها جدا گردد.

(۷) امام و دنیای دنیا پرستان

ای دنیا از من دور شو، مهارت را بر پشت تو نهاده، و از چنگال‌های تو رهایی یافتم، و از دام‌های تو نجات یافته، و از لغزشگاه‌هایت دوری گزیده‌ام. کجایند بزرگانی که به بازیچه‌های خود فریبشان داده‌ای؟ کجایند امت‌هایی که با زر و زیورت آن‌ها را فریفتی؟ که اکنون در گورها گرفتارند! و درون لحدها پنهان شده‌اند.

ای دنیا به خدا سوگند! اگر شخصی دیدنی بودی، و قالب حس کردنی داشتی، حدود خدا را بر تو جاری می‌کردم، به جهت بندگانی که آن‌ها را با آرزوهایت فریب دادی، و ملت‌هایی که آن‌ها را به هلاکت افکندی،

وملوکِ أسلمتہم إلى التلف وأوردتہم موارد البلاء، إذ لا- ورد ولا صیدر. هیہات من وطئ دحضک زلق، ومن ركب لججک غرق، ومن ازور عن حبالک وفق. والسالم منک لا یبالی إن ضاق به مُناخه، والدنیا عنده کیوم حان انسالخه.

□ □ □
اعزبی عتی، فوالله لا- اذل لک فتستذلینی، ولا- أسلس لک فتقودینی. وأیْم الله یمیناً أستثنی فیها بمشیئہ الله لأروضن نفسی ریاضه تہش معها إلى القرص إذا قدرت علیه مطعوماً، وتقنع بالملح مأدوماً، ولأدعن مقلتی کعین ماء نضب معینہا مستفرغہ دموعہا. أتمتلئ السائمہ من رعیہا فتبرک؟ وتشبع الریضه من عُشبہا فتریض؟ ویأکل علی من زاده فیہجع؟ قوت إذا عینہ إذا اقتدی بعد السنین المتطاوله بالبهیمه الهامله والسائمہ المرعیہ.

طوبی لنفس أدت إلى ربها فرضها، وعرکت بجنبها بؤسها.

وهجرت فی اللیل غمضہا، حتی إذا غلب الکری علیها افترشت و قدرتمدانی که آن ها را تسلیم نابودی کردی، و هدف انواع بلاها قرار دادی که دیگر راه پس و پیش ندارند، اما هیہات! کسی که در لغزشگاه تو قدم گذارد سقوط خواهد کرد، و آن کس که بر امواج تو سوار شد غرق گردید، کسی که از دام های تو رهایی یافت پیروز شد، و آن کس که از تو به سلامت گذشت نگران نیست که جایگاهش تنگ است، زیرا دنیا در پیش او چونان روزی است که گذشت.

از برابر دیدگانم دورشو، سوگند به خدا، رام تو نگردم که خوایم سازی، و مهارم را به دست تو ندهم که هر کجا خواهی مرا بکشانی، به خدا سوگند، سوگندی که تنها اراده ی خدا در آن است، چنان نفس خود را به ریاضت وادارم که به یک قرص نان، هر گاه بیابم شاد شود، و به نمک به جای نان خورش قناعت کند، و آنقدر از چشم ها اشک ریزم که چونان چشمه ای خشک درآید، و اشک چشمم پایان پذیرد.

آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند، و گله ی گوسفندان پس از چرا کردن به آغل رو کنند، و علی نیز [همانند آنان] از زاد و توشه ی خود بخورد و استراحت کند؟ چشمش روشن باد! که پس از سالیان دراز، چهارپایان رها شده، و گله های گوسفندان را الگو قرار دهد!!

خوشا به حال آن کس که مسؤولیت های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده، و در راه خدا هر گونه سختی و تلخی را به جان خریده، و به شب زنده داری پرداخته است، و اگر خواب بر او چیره شده بر روی

أَرْضَهَا وَتَوَسَّدَتْ كَفَّهَا فِي مَعْشَرِ أَسْهَرٍ عَيْنِهِمْ خَوْفَ مَعَادِهِمْ، وَتَجَافَتْ عَنِ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبِهِمْ. وَهَمَّ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شَفَاهُهُمْ، وَتَقَشَّعَتْ بَطُولُ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبَهُمْ أَوْلَّاءَ كَكِ حِزْبِ اللَّهِ أَلَمَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱) فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ، وَلْتَكْفِكَ أَقْرَابُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصُكَ (۲).

زمین خوابیده، و کف دست را بالش خود قرار داده و در گروهی است که ترس از معاد خواب را از چشمانشان ربوده، و پهلواز بسترها گرفته، و لبهایشان به یاد پروردگار در حرکت و با استغفار طولانی گناهان را زدوده اند «آنان حزب خداوندند، و همانا حزب خدا رستگار است».

پس از خدا بترس ای پسر حنیف (۳)، و به قرص های نان خودت قناعت کن، تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.

سفارش به صرفه جویی و حفظ اموال مسلمین

۱ - عن جعفر بن محمد عن آبائه عليهم السلام أنَّ أمير المؤمنين عليه السلام كتب إلى عمِّه: أدقوا أقدامكم، وقاربوا بين سطوركم، واحذفوا عنِّي فضولكم، واقصدوا قصد المعاني، وإياكم والإكثار، فإنَّ أموال المسلمين لا تحتمل الإضرار (۴).

۱ - امام جعفر صادق علیه السلام از پدرانش نقل می کند که امیر مؤمنان علیه السلام به کار گزارانش (این چنین) نوشت: قلم هایتان را نازک کنید و سطرها را به هم نزدیک کنید، برای من عبارات اضافی را حذف کنید، در پی فهماندن معنی باشید و از زیاده گویی بپرهیزید، چرا که اموال مسلمانان تحمل ضرر ندارد (نباید به اموال مسلمانان ضرر وارد شود).

ص: ۲۷۹

۱- (۱) المجادلہ: ۲۲.

۲- (۲) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۷۰/۳ - ۷۵ (ترجمه دشتی: ۵۵۲ - ۵۵۷ نامه ۴۵).

۳- (۳) الخصال: ۳۱۰ ح ۸۵، عنه البحار: ۱۰۵/۴۱ ح ۶، و: ۴۹/۷۶ ح ۲، و: ۲۷۵/۱۰۴ ح ۱.

۴- (۴) عثمان بن حنیف بن وهب الأنصاری الأوسی صحابی است. در جنگ احد و جنگ های پس از آن شرکت کرد از جانب عمر ولایت سواد کوفه به وی داده شد. و از جانب امیر مؤمنان علی علیه السلام ولایت بصره را یافت و هنگامی که فتنه جمل برخاست یاران عایشه وی را بر ضد علی علیه السلام دعوت کردند، و او نپذیرفت پس موی ریش و ابرو و سرش را کردند و او به علی پیوست پس از شهادت آن حضرت زنده بود و در زمان معاویه در کوفه از دنیا رفت. «نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۲۰۵/۱۶ و منتهی الآمال: ۲۸۸/۱، الأعلام زرکلی چاپ اول: ۶۲۵».

۱ - کتب [علی] علیه السلام إلى زیاد - وهو خلیفه عبدالله بن العباس بالبصره - یستحثّه بحمل مال مع سعد مولاہ، فاستحثّه فأغلظ له زیاد و شتمه،

فلما قدم سعد علی علی شكا إليه وعابه عنده وذكر منه تجبراً وإسرافاً، فكتب علی علیه السلام إليه:

إن سعداً ذکر لی أنّک شتمته ظالماً وجہته تجبراً وتکبراً، وقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

الكبرياء والعظمه لله فمن تکبر سخط الله علیه.

وأخبرنی أنّک مستکثر من الألوان فی الطعام، وأنّک تدهن فی کلّ یوم.

فماذا علیک لو صمت لله أياماً وتصدقت ببعض ما عندک محتسباً ۱ - علی علیه السلام به زیاد - که جانشین عبدالله بن عباس در بصره بود - نامه ای نوشت و در آن نامه مصرانه از او خواست که هر چه زودتر اموالی را به همراهی غلام آزاد شده اش به نام سعد به نزد آن حضرت بفرستد، سعد نیز با پافشاری از زیاد خواست که اقدام کند. به جهت اصرار او، زیاد با او تندی کرد و به او ناسزا گفت. هنگامی که سعد از بصره بازگشت و به محضر علی علیه السلام رسید پیش او از زیاد شکایت کرد و بر او عیب گرفت و از خود بزرگ بینی و ولخرجی او یاد کرد. در پی آن، علی علیه السلام به او چنین نوشت: سعد می گوید «که به ناحق به او دشنام داده ای و با غرور و نخوت با او برخورد کرده ای» با آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: بزرگ منشی و عظمت ویژه ی خدا است پس کسی که خود را بزرگ پندارد خدا بر او خشم گیرد، او باز به من خبر داد که «از غذاهای رنگارنگ بسیار استفاده می کنی و این که تو هر روز روغن به خود می زنی» چه می شد اگر روزهایی را روزه بگیری و پاره ای از چیزهایی را که داری برای خدا صدقه دهی

وأكلت طعامك في مَرَّةٍ مراراً أو أطعمته فقيراً؟ أتطمع - وأنت متقلب في النعيم تستأثر به على الجار المسكين والضعيف الفقير والأرمله واليتيم - أن يجب لك أجر الصالحين المتصدقين؟

وأخبرني أنك تتكلم بكلام الأبرار وتعمل عمل الخطائين، فإن كنت تفعل ذلك فنفسك ظلمت وعملك أحبطت، فتب إلى ربِّك وأصلح عملك واقتصد في أمرك وقدم الفضل ليوم حاجتك إن كنت من المؤمنين، وادَّهن غباً ولا تدَّهن رفهاً، فإنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال: ادَّهنوا غباً ولا تدَّهنوا رفهاً، والسلام (١).

و غذای یک وعده ات را چندین بار بخوری یا به بینوایی بخورانی؟ آیا تو - با آن که در نعمت غوطه وری و همسایه بیچاره و ناتوان بینوا و زن بیوه و بچه یتیم را از آن بی نصیب گذاشته و تنها خودت از آن بهره می بری - امید داری که پاداش شایستگان و پرهیزگاران به تو داده شود؟

به من گزارش داد که سخن نیکان بر زبان رانی ولی کار خطاکاران کنی اگر چنین می کنی به خود ستم کرده ای و تلاش خود را تباه ساخته ای پس اگر از گروه مؤمنان هستی به سوی پروردگارت باز گرد و کارت را اصلاح کن و میانه روی (در زندگی) را پیشه ساز و زیادی را برای روز نیازت پیش فرست، یک روز در میان روغن بزنی ولی از روی هوس رانی نباشد زیرا رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود «یک روز در میان روغن بزنی و به جهت رفاه طلبی روغن نزنید» و السلام.

توجه ویژه به طبقه پایین و محروم

□ □
١ - ضمن عهد له عليه السلام كتبه للأشتر النخعي - قال عليه السلام : الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم والمساكين والمحتاجين وأهل البؤسى والزمنى، (١) سيمای محرومان و مستضعفان

سپس - حضرت خطاب به مالک اشتر - فرمود: خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ای ندارند، [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان.

ص: ٢٨١

١- (١) جُمَل من أنساب الأشراف: ٣٩٢/٢.

فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمَعْتَرًا.

□

واحفظ لله ما استحفظك من حقه فيهم، واجعل لهم قسماً من بيت مالك وقسماً من غلات صوافي الإسلام في كل بلد،

فإن للأقصى منهم مثل الذي للأدنى، وكلُّ قد استرعت حقه فلا يشغلنك عنهم بطر، فإنك لا تعذر بتضييعك التافه لإحكام الكثير المهم، فلا تشخص همك عنهم، ولا تصغر حدك لهم.

وتفقد أمور من لا يصل إليك منهم ممن تقتحمه العيون وتحقره الرجال، ففرغ لأولئك ثقتك من أهل الخشيه والتواضع، فليرفع إليك أمورهم،

□

ثم اعمل فيهم بالإعذار إلى الله يوم تلقاه، فإن هؤلاء من بين الرعيه أحوج إلى الإنصاف من غيرهم، وكلُّ فأعذر إلى الله في تأديه حقه إليه.

وتعهد أهل اليتيم وذوى الرقة في السن ممن لا حيله له ولا ينصب للمسألة نفسه، وذلك على الولاية ثقيل،

والحق كله ثقيل، همانا در این طبقه محروم گروهی خویشان داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال، و بخشی از غله های زمین های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می باشی.

مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیت های کوچک تر نخواهد بود.

پس همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند.

۲) تعیین یک شخص برای رسیدگی به نیازمندیهای آنان

برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به رعایت انصاف نیازمندند، و حق آنان را به گونه ای پرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره ای ندارند. دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجویی کن و این مسؤولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، همه اش سنگین است،

وقد يخففه الله على أقوام طلبوا العاقبه فصبروا أنفسهم ووثقوا بصدق موعود الله لهم. واجعل لذوى الحاجات منك قسماً تفرغ لهم فيه شخصك، وتجلس لهم مجلساً عاماً فتتواضع فيه لله المذى خلقك، وتتعبد عنهم جندك وأعوانك من أحراسك وشروطك، حتى يكلمك متكلمهم غير متتبع، فإننى سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول فى غير موطن: «لن تقدس أمة لا يؤخذ للضعيف فيها حق من القوى غير متتبع».

ثم احتمل الخرق منهم والعى.

ونح عنك الضيق والأنف بيسط الله عليك بذلك أكناف رحمته، ويوجب لك ثواب طاعته. وأعط ما أعطيت هنيئاً، وامنع فى إجمال وإعذار... (١).

ثم قال عليه السلام: وأما بعد، فلا تطولن احتجاجك عن رعيتك، فإن احتجاج الولاه عن الرعيه شعبه من الضيق، وقله علم بالأمر، والاحتجاج منهم يقطع و خداوند آن را بر مردمى آسان مى كند كه سرانجام نيك را خواهانند و خود را بر شكيبايى وا مى دارند، و به وعده هاى پروردگار اطمینان دارند.

(٣) دیدار رو در رو با مردم

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشینى پس و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب درسخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا صلى الله عليه وآله بارها شنیدم که مى فرمود:

«ملتى که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد»

پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خودبزرگ بینی را از خود دورساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم مى بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز مى داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد....

(٤) از مردم غافل نباش و همیشه به آن ها توجه کن

سپس فرمود: هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و مایه ی کم اطلاعی در امور جامعه مى باشد. پنهان شدن

ص: ۲۸۳

عنهم علم ما احتجوا دونه، فیصغر عندهم الكبير، ويعظم الصغير، ويقبح الحسن ويحسن القبيح، ويثاب الحق بالباطل.

وإنما الوالی بشرٌ لا يعرف ما توارى عنه الناس به من الأمور، وليست على الحق سمات تُعرف بها ضروب الصدق من الكذب، وإنما أنت أحد رجلين: إما امرؤٌ سخّت نفسك بالبذل في الحق ففيم احتجابك من واجب حقّ تعطيه أو فعل كريم تسديه؟ أو مبتلى بالمنع فما أسرع كفّ الناس عن مسألتك إذا أيسوا من بذك؟ مع أنّ أكثر حاجات الناس إليك ممّا لا مؤونه فيه عليك، من شكاه مظلّمه أو طلب إنصاف في معاملة.

ثم إنّ للوالی خاصّةً وبطانته فيهم استئثار وتناول، وقله إنصاف في معاملة، فاحسم مادّه اولئك بقطع أسباب تلك الأحوال، ولا تقطن لأحدٍ من حاشيتك وحامتك قطيعه، ولا يطمعن منك في اعتقاد عقده تضرر بمن يليها من الناس في شرب أو عملٍ مشترك يحملون از رعيت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می نماید، و باطل به لباس حق درآید. همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی داند، و حق را نیز نشانه ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود، و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می باشی:

یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کرده ای که در این حال، نسبت به حقّ واجبی که باید بپردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می داری؟ و یا مردی بخیل و تنگ نظری، که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند مأیوس شده از درخواست کردن باز مانند.

با اینکه بسیاری از نیازمندی های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت، که شکایت از ستم دارند و خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند.

(۵) اخلاق رهبری با خویشاوندان

همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را واگذار مکن، و به گونه ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک؛

مؤونته علی غیرهم، فیکون مهناً ذلک لهم دونک، وعیبه علیک فی الدنیا والآخره... (۱).

ثم قال علیه السلام: وإیتاک والمنّ علی رعیتک بإحسانک، أو التزیّد فیما کان من فعلک أو أن تعدّهم فتتبع موعدک بخلفک، فإنّ المنّ یبطل الإحسان، والتزیّد ینذهب بنور الحقّ، والخلف یوجب المقّت عند الله والناس، قال الله تعالی: کَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲).

که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند... .

۶) هشدار از منت گذاری

سپس فرمود: مبادا هرگز با خدمت هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده ای داده، سپس خُلف وعده نمایی!

منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویند وعده عمل نکنید»

ص: ۲۸۵

۱- (۱) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۱۰۳/۳ - ۱۰۵ (ترجمه دشتی: ۵۸۴ - ۵۸۷ نامه ۵۳).

۲- (۲) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۱۰۹/۳. (ترجمه محمد دشتی: ۵۸۹ - ۵۹۱ نامه ی ۵۳) و الآیه ۳ من سوره الصف.

۱ - روی آن شریح بن الحارث قاضی امیرالمؤمنین علیه السلام اشتری علی عهده داراً بثمانین دیناراً، فبلغه ذلك فاستدعاه وقال له: بلغني أنك ابتعت داراً بثمانین دیناراً وکتبت کتاباً وأشهدت فيه شهوداً، فقال شریح: قد كان ذلك يا أميرالمؤمنین. قال: فنظر إليه نظر مغضب ثم قال له: يا شریح! أما إنه سیأتیک من لا ينظر فی کتابک، ولا يسألک عن بینتک حتی یخرجک منها شاخصاً، ویسلمک إلى قبرک خالصاً. فانظر يا شریح لا تكون ابتعت هذه الدار من غير مالک أو نقدت الثمن من غير حلالک، فإذا أنت قد خسرت دار الدنيا ودار الآخرة. أما إنک لو أتیتني عند شرائک ما اشتریت لکتبت لک کتاباً علی هذه النسخه فلم ترغب فی شراء هذه الدار بدرهم فما فوق.

(۱) برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران

- به امام خبر دادند که شریح بن الحارث، قاضی منسوب از جانب امام خانه ای به ۸۰ دینار خرید، - حضرت او را احضار کرده فرمود:

به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای، و سندی برای آن نوشته ای، و گواهانی آن را امضاء کرده اند.

شریح گفت: آری ای امیرمؤمنان (۱)، امام علیه السلام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود:

ای شریح! به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند، و از گواهانت نمی پرسد، تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد.

ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی، که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.

اما اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن حتی به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی کردی،

ص: ۲۸۶

□

۱- (۱) شریح بن حارث را عمر منصب قضاوت داد و حدود ۶۰ سال در مقام خود باقی ماند اما سه سال در دوران عبدالله بن زبیر از قضاوت کناره گرفت و در زمان حجاج استعفا داد، در دوران حکومت امام علیه السلام خلافتی مرتکب شد که او را به روستای در اطراف مدینه تبعید کرد و دوباره به کوفه بازگرداند.

والنسخه: هذا ما اشترى عبداً ذليلاً من عبداً قد ازعج للرحيل، اشترى منه داراً من دار الغرور من جانب الفانين وخطه الهالكين، ويجمع هذه الدار حدوداً أربعة: الحد الأول ينتهي إلى دواعي الآفات، والحد الثاني ينتهي إلى دواعي المصيبات، والحد الثالث ينتهي إلى الهوى المردى، والحد الرابع ينتهي إلى الشيطان المغوى، وفيه يُشرع باب هذه الدار. اشترى هذا المغتر بالأمل من هذا المزعج بالأجل هذه الدار بالخروج من عز القناعه والدخول في ذل الطلب والضراعه، فما أدرك هذا المشتري فيما اشترى من ذرك، فعلى مبليل أجسام الملوك وسالب نفوس الجبابره ومزيل ملك الفراغه مثل كسرى وقيصر، وتبع وحمير، ومن جمع المال على المال فأكثر، وبني وشيد وزخرف، ونجد واآخر، واعتقد ونظر بزعمه للولد إشخاصهم جميعاً إلى موقف العرض والحساب، وموضع الثواب والعقاب. إذا وقع الأمر آن سند را چنین می نوشتم:

(۲) هشدار از بی اعتباری دنیای حرام

این خانه ای است که بنده ای خوار آن را از بنده ای آماده ی کوچ خریده، خانه ای از سرای غرور، که در محله نابودشوندگان، و کوچه هلاک شدگان قرار دارد، این خانه به چهار جهت منتهی می گردد:

یک سوی آن به آفت ها و بلاها، سوی دوم آن به مصیبت ها، و سوی سوم به هوا و هوس های سُست کننده، و سوی چهارم آن به شیطان گمراه کننده ختم می شود و درخانه به روی شیطان گشوده است. این خانه را فریب خورده ی آزمند، از کسی که خودبه زودی از جهان رخت برمی بندد، به مبلغی که او را از عزت و قناعت خارج و به خواری و دنیا پرستی کشانده، خریداری کرده است.

هرگونه نقصی در این معامله باشد، بر عهده ی پروردگاری است که اجساد پادشاهان را پوسانده، و جان جباران را گرفته، و سلطنت فرعون ها چون کسری و قیصر و تبع و حمیر را نابوده کرده است (۱).

(۳) عبرت از گذشتگان

آنان که مال فراوان گردآورده بر آن افزودند، و آنان که قصرها ساخته، و محکم کاری کردند، طلاکاری کرده، و زینت دادند، فراوان اندوختند، و نگهداری کردند، و به گمان خود برای فرزندان خود باقی گذاشتند همگی آنان به پای حسابرسی الهی، و جایگاه پادشاه و کیفر رانده می شوند، آنگاه که فرمان داوری

ص: ۲۸۷

۱- (۱) فرعون، لقب پادشاهان مصر، و کسری، لقب پادشاهان ایران و قیصر، لقب امپراتوران روم، و تبع، لقب فرمانگزاران یمن، و حمیر لقب پادشاهان جنوب عربستان پیش از اسلام بود.

بفصل القضاء وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۱) شهد علی ذلك العقل إذا خرج من أسر الهوى وسلم من علائق الدنيا (۲).

و قضاوت نهایی صادر شود «پس تبهکاران زیان خواهند دید»

به این واقعیت ها عقل گواهی می دهد هر گاه که از اسارت هوای نفس نجات یافته، و از دنیا پرستی به سلامت بگذرد.

ص: ۲۸۸

۱- (۱) غافر: ۷۸.

۲- (۲) نهج البلاغه (شرح محمد عبده): ۴/۳ (ترجمه محمد دشتی: ۴۸۰-۴۸۳ نامه ی ۳).

۱ - عن علی بن ابی رافع قال:

كنت علی بیت مال علی بن ابی طالب علیه السلام و کاتبه، و کان فی بیت ماله عقد لؤلؤ کان أصابه یوم البصره. قال: فأرسلت إلی بنت علی بن ابی طالب علیه السلام فقالت لی:

بلغنی أنّ فی بیت مال أمير المؤمنين علیه السلام عقد لؤلؤ و هو فی یدک و أنا احبّ أن تعیرنیه أتجمّل به فی أيام عید الأضحی، فأرسلت إلیها: عاریه مضمونه مردوده یا بنت أمير المؤمنين؟ فقالت: نعم عاریه مضمونه مردوده بعد ثلاثه أيام، فدفعته إلیها، و أنّ أمير المؤمنين علیه السلام رآه علیها فعرفه، فقال لها: من أين صار إلیک هذا العقد؟ فقالت:

استعرتّه من علی بن ابی رافع خازن بیت مال أمير المؤمنين لأتزیّن به فی العید ثمّ أردّه، قال:

فبعث إلی أمير المؤمنين علیه السلام فجنّته، فقال لی: أتخون المسلمین یا ابن ابی رافع؟! ۱ - علی بن ابی رافع گوید: من خزانه دار بیت المال علی بن ابیطالب علیه السلام و منشی او بودم. در بیت المال او گردن بند مرواریدی از غنیمت های جنگ بصره بود، دختر علی بن ابیطالب علیه السلام (کسی را) پیش من فرستاد و گفت: به من گفته اند که در بیت المال امیر مؤمنان گردن بند مرواریدی است که در اختیار تو است و من می خواهم تو آن را به من عاریه دهی تا در روز عید قربان از آن بهره ببرم (به او پیام دادم که) ای دختر امیر مؤمنان! به این شرط (می دهم) که عاریه مضمونه باشد و پس از سه روز برگردانده شود، او پذیرفت که عاریه مضمونه بوده پس از سه روز آن را برگرداند، گردن بند را برایش فرستادم، امیر مؤمنان علیه السلام آن را در گردن او دید و شناخت، به او گفت «این گردن بند از کجاست؟» عرض کرد «از علی بن ابی رافع خزانه دار بیت المال امیر مؤمنان علیه السلام، آن را عاریه گرفته ام تا در روز عید خود را با آن بیاریم و بعد به او برگردانم».

امیر مؤمنان مرا احضار کرد، به محضرش رفتم (مرا که دید) فرمود «ای پسر ابی رافع! آیا به مسلمانان خیانت می کنی؟»

فقلت له: معاذ الله أن أخون المسلمين، فقال: كيف أعرت بنت أمير المؤمنين العقد الّذى فى بيت مال المسلمين بغير إذنى ورضاهم؟! فقلت: يا أمير المؤمنين! إنّها ابنتك و سألتنى أن اعيرها إياه تترّين به فأعرتها إياه عاربه مضمونه مردوده فضمنته فى مالى و علىّ أن أردّه سليماً إلى موضعه، قال: فردّه من يومك و إياك أن تعود لمثل هذا فتنالك عقوبتى. ثم قال: أولى لابنتى لو كانت أخذت العقد على غير عاربه مضمونه مردوده لكانت إذاً أوّل هاشميّه قطعت يدها فى سرقة. قال: فبلغ مقاله ابنته فقالت له: يا أمير المؤمنين! أنا ابنتك و بضعه منك فمن أحقّ بلبسه منى؟ فقال لها أمير المؤمنين عليه السلام: يا بنت علىّ بن أبى طالب! لا تذهبن بنفسك عن الحقّ أكلّ نساء المهاجرين تترّين فى هذا العيد بمثل هذا؟! قال:

فقبضته منها ورددته إلى موضعه (١).

عرض کردم «به خدا پناه می برم از این که به مسلمانان خیانت کنم»، فرمود «چگونه بدون اجازه ی من و رضایت مسلمانان، گردن بندى را که در بيت المال مسلمانان بود به دختر امير مؤمنان عاربه دادى؟» عرض کردم، «ای امير مؤمنان! او دختر شما بود و از من خواست که آن را برای زينت کردن به او عاربه دهم من هم به صورت عاربه مضمونه ای که بر می گردد به او دادم و از مال خودم آن را ضمانت کردم و بر من است که آن را سالم به جایش برگردانم»، (آن حضرت) فرمود «همین امروز آن را برگردان و مبادا دگرباره چنین کاری از تو سرزند که تو را کيفر خواهم داد» سپس فرمود «وای بر (حال) دخترم اگر گردن بند را بدون شرط عاربه مضمونه مردوده گرفته بود، بى شک در این صورت او نخستین زن هاشمی بود که دستش را به جرم دزدی قطع می کردم»، سخن امير مؤمنان به گوش دخترش رسید به او گفت «ای امير مؤمنان! من دختر شما و پاره ی تن شما هستم چه کسی از من سزاوارتر است که از آن بهره برد؟» (على عليه السلام) به او فرمود «از حق تجاوز نکن آیا همه زنان مهاجران در این عید با چنین گردن بندى زينت می کنند؟» ابن ابى رافع گوید «گردن بند را از او گرفتم و به جای خود برگرداندم».

ص: ۲۹۰

۱ - استعدی زیاد بن شداد الحارثی (صاحب رسول الله صلى الله عليه وآله) على أخيه عبيدالله بن شداد فقال:

يا أمير المؤمنين! ذهب أخى فى العباده وامتنع أن يساكننى فى دارى ولبس أدنى ما يكون من اللباس، قال: يا أمير المؤمنين! تزینت بزینتک ولبست لباسک، قال: لیس لک ذلك، إنَّ إمام المسلمین إذا ولی امورهم لبس لباس أدنى فقیرهم لئلاَّ یتبغ بالفقیر فقره فیقتله، فلا علمنَّ ما لبست إلمان أحسن زى قومک وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱) فالعمل بالنعمة أحبَّ إلّی من الحدیث بها (۲).

۲ - عن مُعلی بن حُنیس عن أبی عبد الله علیه السلام قال: إنَّ علیاً علیه السلام كان عندکم فأتى بنى دیوان واشترى ثلاثة ۱ - زیاد بن شداد حارثی از اصحاب رسول خدا صلى الله عليه وآله و آله از دست برادرش عبيدالله بن شداد، امیر مؤمنان علیه السلام را به یاری طلبید و عرض کرد «ای امیر مؤمنان! برادرم به عبادت روی آورده است و از این که با من در خانه ام زندگی کند پرهیز می کند و بی ارزش ترین جامه را پوشیده است».

عبيدالله بن شداد عرض کرد «ای امیر مؤمنان! من هم چون شما خود را آراسته ام و مانند شما لباس پوشیده ام».

حضرت فرمود «این کار برای تو روا نیست؛ زیرا پیشوای مسلمانان چون امور آنان را عهده دار شود پست ترین لباس نیازمندان آنان را می پوشد تا فقر و تنگدستی، فقیر را از جا بدر نبرد که او را بکشد، پس همانا به تو می گویم که نپوشی مگر از نیکوترین لباس مناسب در میان نزدیکان و آشنایان» [و این آیه را قراءت فرمود] «و أمّا نعمت پروردگارت را باز گوی» [و ادامه داد:] پس به کار بستن نعمت، نزد من محبوب تر است از بیان کردن آن.

۲ - مُعلی بن حُنیس از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: حضرت علی علیه السلام که در [میان] شما [مردم] بود نزد قبیله ی بنی دیوان رفت و سه

ص: ۲۹۱

۱- (۱) الضحی: ۱۱.

۲- (۲) الاختصاص: ۱۵۲، عنه المستدرک: ۳/۲۳۷ ح ۳۴۷۱.

أثواب بدینار، القمیص إلى فوق الكعب، والإزار إلى نصف الساق، والرداء من بین یدیه إلى ثدییه ومن خلفه إلى ألیتیهِ، ثم رفع یدیه إلى السماء، فلم یزل یحمد الله على ما كساه حتى دخل منزله ثم قال: هذا اللباس العذی ینبغی للمسلمین أن یلبسوه، قال أبو عبد الله علیه السلام: ولكن لا یقدرون أن یلبسوا هذا الیوم، ولو فعلناه لقالوا: مجنون، ولقالوا:

□

مرائی، والله تعالی یقول: وَثِیَابَكَ فَطَهِّرْ (۱) قال: وثیابک ارفعها ولا تجرّها، وإذا قام قائمنا كان هذا اللباس (۲).

۳- قال علی أمير المؤمنین علیه السلام فی کتابه لزیاد بن أبیه: فدع الإسراف مقتصدًا، واذکر فی الیوم غدًا، وأمسک من المال بقدر ضرورتک، وقدّم الفضل لیوم حاجتک، أترجو أن یعطیک الله أجر المتواضعین وأنت عنده من المتکبرین؟! وتطمع وأنت متمرّغ فی النعم تمنعه الضعیف والأرمله أن یوجب لک ثواب المتصدّقین؟! وإنما المرء مَجْزَى بما أسلف، وقادم علی ما قدّم (۳).

لباس به یک دینار خرید: یک پیراهن تا بالای مچ پا، یک لباس [شلوار] تا وسط ساق پا و یک ردا [روپوش] که از جلو تا سینه ها و از پشت تا ران هایش را پوشش می داد.

آن گاه دست به آسمان بلند کرد و پیوسته خدا را برای این لباس ها می ستود تا وارد منزلش شد، پس فرمود «این لباسی است که سزاوار است مسلمانان بپوشند».

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود: ولی امروز مسلمانان نمی توانند این گونه بپوشند و ما اگر [این گونه] بپوشیم می گویند دیوانه است، و می گویند ریاکار است. و خداوند متعال می فرماید «و لباست را پاک کن» [یعنی] و لباست را بالا بزن و روی زمین نکشان. و آن گاه که قائم ما قیام کند لباس اش، آن گونه خواهد بود.

سفارش به ساده زیستی و قناعت

۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ی خود به زیاد بن أبیه نوشت: [ای زیاد] از اسراف بپرهیز و میانه روی را برگزین، و از امروز در فکر فردا باش، و از اموال دنیا به اندازه ی کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندی ات [در آخرت] پیش فرست. آیا امید داری که خداوند پاداش فروتنان را به تو بدهد در حالی که نزد خدا از متکبران؟! و وقتی خود در ناز و نعمت غوطه می خوری و تهی دستان و بیوه زنان را از آن محروم ساخته ای، آیا طمع داری که این رفتار، تو را به پاداش انفاق کنندگان برساند؟! همانا انسان به آنچه پیش فرستاده است پاداش می گیرد و به آن وارد خواهد شد.

ص: ۲۹۲

۱- (۱) المدّثر: ۴.

۲- (۲) الکافی: ۴۵۵/۶ ح ۲.

۳- (۳) نهج البلاغه (شرح محمّد عبده): ۱۹/۳، عنه البحار: ۴۹۰/۳۳ ضمن ح ۶۹۵.

۴ - عن أبي خدّاش المهري قال:

مرّ بنا بالبصره مولی للرضا علیه السلام یقال له عُیید، فقال: دخل قوم من أهل خراسان علی أبي الحسن علیه السلام فقالوا له: إنّ الناس قد أنكروا علیک هذا اللباس الّذی تلبسه، قال: فقال لهم: إنّ یوسف بن یعقوب علیه السلام کان نبیاً ابن نبی، ابن نبی وکان یلبس الّدیباج ویترزّر بالذهب ویجلس مجالس آل فرعون، فلم یضعه ذلک، وإنّما ینذّم لو احتیج منه إلی قسطه، وإنّما علی الإمام أنّه إذا حکم عدل، وإذا وعد وفی، وإذا حدّث صدق. وإنّما حرّم الله الحرام بعینه ما قلّ منه وما کثر، وأحلّ الله الحلال بعینه ما قلّ منه وما کثر (۱).

۵ - عن محمد بن عیسی قال:

أخبرنی من أخبر عنه - یعنی الرضا علیه السلام - أنّه قال: إنّ أهل الضعف من موالیی یحبّون أن أجلس علی اللبود (۲) وألبس الخشن، ولیس یتحمّل الزمان ذلک (۳).

رعایت تناسب زمان و موقعیت و وظیفه حاکم

۴ - از ابی خدّاش مهري نقل شده است که گفت:

در بصره، یکی از غلامان امام رضا علیه السلام که به او عیید می گفتند با ما برخورد کرد. او گفت:

گروهی از اهل خراسان بر امام رضا علیه السلام وارد شدند و به او عرضه داشتند:

مردم این لباس را که شما پوشیده اید مناسب نمی دانند.

حضرت به آنان فرمود: یوسف فرزند یعقوب علیهما السلام که پیامبر و فرزند پیامبر و نوه ی پیامبر بود لباس دیبا می پوشید و دگمه ی طلا به کار می برد و در مجالس آل فرعون [حاکمان آن زمان] می نشست و این از شأن او نمی کاست؛ بلی در جایی که عدالت آن (پیشوا) مورد نیاز باشد [و او کوتاهی کند] نکوهش می شود.

وظیفه امام این است که اگر داوری کند به عدل حکم کند و هنگامی که وعده کرد وفا کند و اگر سخن گفت راست بگوید؛ و خداوند عین حرام را حرام کرده است، چه کم باشد چه زیاد و عین حلال را حلال شمرده است، چه کم باشد چه زیاد.

۵ - محمد بن عیسی نقل می کند که از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود:

دوستان کوتاه فکر من دوست دارند که من بر روی نمذ بنشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که زمانه آن را نمی پذیرد.

ص: ۲۹۳

٢- (٢) اللبّد: الصوف. (الصّحاح: ٥٣٣/٢).

٣- (٣) مكارم الأخلاق: ٢٢٠/١ ح ٦٤٨.

۶ - عن حمّاد بن عثمان قال: كنت حاضراً عند أبي عبد الله عليه السلام إذ قال له رجل: أصلحك الله، ذكرت أنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس الخشن، يلبس القميص بأربعة دراهم، وما أشبه ذلك، ونرى عليك اللباس الجيد؟! قال فقال له: إنّ عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس ذلك في زمان لا ينكر، ولو لبس مثل ذلك اليوم لشهر به، فخير لباس كلّ زمان لباس أهله، غير أنّ قائمنا إذا قام، لبس لباس عليّ عليه السلام وسار بسيرته (۱).

۷ - عن معمر ابن خلاد، قال: «ذكر القائم عند أبي الحسن الرضا عليه السلام، فقال:

أنتم اليوم أرحى بالاً منكم يومئذ، قالوا:

وكيف؟ قال: لو قد خرج قائمنا عليه السلام لم يكن إلا العلق والعرق والنوم على السروج، وما لباس القائم عليه السلام إلا الغليظ، وما طعامه إلا الجشب» (۲).

۶ - حمّاد بن عثمان می گوید: نزد امام صادق علیه السلام حاضر بودم که مردی به او گفت:

خداوند امورت را اصلاح کند! خود فرمودی که امیرمؤمنان علیه السلام لباس خشن می پوشید، پیراهن چهاردرهمی و مشابه آن می پوشید، و اکنون بر تن تو لباس فاخر می بینیم!؟

امام به او فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام آن لباس را در زمانی می پوشید که ناپسند دانسته نه می شد و اگر امروز کسی آن را بپوشد انگشت نما می شود.

بهترین لباس برای هر زمان لباس اهل آن زمان است، جز این که وقتی قائم ما قیام کند لباس علی علیه السلام رامی پوشد و به روش او عمل می کند.

۷ - معمر بن خلاد می گوید در محضر امام رضا علیه السلام از حضرت قائم (عج) سخن به میان آمد حضرت فرمود: امروز خاطر شما آسوده و راحتی است نسبت به زمان ظهور آن حضرت اگر در رکابش باشید - عرض شد چگونه؟

فرمود: اگر قائم ما (حضرت مهدی) ظهور کند جز سختی و گرفتاری و ریختن عرق و خوابیدن بر زین های اسب (کنایه از این که همیشه باید آماده پیکار و نبرد باشید) نخواهید بود و لباس جامه قائم خشن و خوراکش غذای ناگوار است (۳).

ص: ۲۹۴

۱- (۱) الكافي: ۴۴۴/۶ ح ۱۵.

۲- (۲) كتاب الغيبة - محمد بن إبراهيم النعماني - ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۳- (۳) لازم به ذکر است که این دو روایت (۶ و ۷) مربوط به سیره حکومتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دولتمردان و نزدیکان حضرت است، ولی طبق روایات دیگر در آن زمان زمین نعمت های خود را آشکار می کند و همه مردم در رفاه و عدالت زندگی می کنند.

«كنت عند أبي عبد الله عليه السلام بالطواف، فنظر إلي، وقال: يا مفضل، ما لي أراك مهموما متغير اللون؟ قال:

فقلت له: جعلت فداك، نظرى إلى بنى العباس وما فى أيديهم من هذا الملك والسلطان والجبروت، فلو كان ذلك لكم لكانا فيه معكم، فقال: يا مفضل، أما لو كان ذلك لم يكن إلا- سياسه الليل، وسباحه النهار، وأكل الجشب، ولبس الخشن، شبه أمير المؤمنين عليه السلام وإلا فالنار، فزوى ذلك عنا فصرنا نأكل ونشرب وهل رأيت ظلامه جعلها الله نعمه مثل هذا؟!» (۱).

۸ - مفضل بن عمر می گوید: همراه امام صادق علیه السلام طواف می کردم حضرت به من نگاه کرد و فرمود: ای مفضل چه شده است؟ که تو را اندوهگین و ناراحت می بینم؟

عرض کردم فدایت شوم درباره بنی عباس و قدرت و عظمت می اندیشم و آنچه را که در اختیار دارند از حکومت و پادشاهی اگر حکومت از آن شما بود ما نیز همراه شما از آن بهره مند می شدیم. حضرت فرمود: ای مفضل! اگر چنین بود باید پیوسته مشغول تدبیر امور مردم و محافظت آنها از خطرات و اداره کارهای اجتماعی و تأمین نیازهای زندگی آنان و رسیدگی به مهمات امورشان می بودیم غذای ناگوار می خوردیم و لباس خشن می پوشیدیم همچون امیرمؤمنان علیه السلام اگر جز این می بود عذاب می شدیم خداوند این را از ما دور کرد، اکنون با آرامش می خوریم و می نوشیم، آیا تا کنون دیده ای که خداوند متعال مانند این مورد، ظلم و ستم را نعمت قرار دهد؟

ص: ۲۹۵

ضمائم

اشاره

ص: ٢٩٧

کتاب حاضر مربوط به هزینه و مصرف است و در آن آیات و روایاتی آمده است که مربوط به مصرف کردن و هزینه کردن اموال است. روشن است که باید کار و تولید کرد تا بتوان مصرف معقول و مناسب داشت، اسلام برای به دست آوردن اموال توجه ویژه ای به مسأله ی کار و تلاش دارد و از یک سو بر کار و تلاش برای به دست آوردن روزی تأکید می کند و از سوی دیگر انسان را از حرص و طمع و دنیا گرایی باز می دارد.

از این رو با توجه به این که کار و تلاش و تولید، مقدمه ای برای مصرف است، بر آن شدیم که برخی آیات و روایات مربوط به کار و تلاش و نیز پرهیز از حرص و طمع را به صورت ضمیمه ای بر مباحث کتاب بیاوریم.

ص: ۲۹۸

۱ - قال الصادق عليه السلام : الكادّ على عياله من حلال كالمجاهد في سبيل الله (۱).

۲ - عن موسى بن بكر قال: قال لي أبو الحسن [الكاظم] عليه السلام: مَنْ طلب هذا الرّزق من حلّه ليعود به على نفسه و عياله كان كالمجاهد في سبيل الله عزّ و جلّ، فإن غلب عليه فليستدّن على الله و على رسوله ما يقوت به عياله، فإن مات ولم يقضه كان على الإمام قضاؤه، فإن لم يقضه كان عليه وزره... (۲).

۳ - قال أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام: إنّ الله تعالى ليغض العبد النّوأم، ۱ - امام صادق عليه السلام فرمود:

آن کس که برای تأمین هزینه ی عیال خود از راه حلال تلاش کند همچون جهاد کننده در راه خدا است.

۲ - موسی بن بکر می گوید امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

هر کس رزق را از راه حلالش بجوید تا آن را هزینه ی خود و عیالش نماید، همچون پیکار کننده در راه خدای عزّ و جلّ است؛ پس اگر تهی دست شد، بر ذمه ی خدا و رسولش [به حساب آن ها] هزینه ی تأمین خانواده اش را قرض کند.

پس اگر از دنیا رفت و آن را [قرضش را] نپرداخت، بر امام است که آن را ادا کند، و اگر امام ادا نکند گنااهش به گردن او خواهد بود....

۳ - امام کاظم علیه السلام فرمود:

خداوند متعال بنده ی پر خواب را دشمن می دارد.

ص: ۲۹۹

۱- ((۱)) الفقیه: ۱۶۸/۳ ح ۳۶۳۴ و الکافی: ۸۸/۵ ح ۱.

۲- ((۲)) الکافی: ۹۳/۵ ح ۳ و التهذیب: ۱۸۴/۶ ح ۳۸۱ و قرب الإسناد: ۳۴۰ ح ۱۲۴۵.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ الْفَارِغَ (۱).

۴ - عن أسباط بن سالم قال:

دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فسألنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت:

صالح، ولكنّه قد ترك التجاره، فقال أبو عبد الله عليه السلام: عمل الشيطان - ثلاثاً - أما علم أنّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اشترى عيراً أتت من الشام فاستفضل فيها ما قضى دينه وقسم في قرابته؟ يقول الله عزّ وجلّ: رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَابَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ (۲) - إلى آخر الآية - يقول القصاص (۳) «إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَجَرُونَ»، كذبوا، ولكنهم لم يكونوا يدعون الصلاة في ميقاتها، وهو أفضل ممّن حضر الصلاة ولم يتجر (۴).

خدای متعال بنده ی بیکار را دشمن می دارد.

۴ - اسباط بن سالم می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم.

حضرت از ما پرسید عمر بن مسلم چه کار می کند؟

عرض کردم: خوب است، ولی تجارت را کنار گذاشته است.

فرمود: شغل شیطان را پیشه کرده است.

- این را سه بار فرمود. -

آیا نمی دانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله کاروانی را که از شام آورده بودند فروخت و در آن سود کرد، به طوری که با سود آن بدهی خود را پرداخت و [بخشی را هم] میان خویشاوندان خود تقسیم کرد.

خداوند عزّ و جلّ می فرماید «مردانی که تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا غافل نمی کند» - و تا آخر آیه را خواند -

[آن گاه فرمود:] قصه گویان و دروغ پردازان آیه را این گونه تفسیر می کنند:

«قومی که تجارت نمی کنند».

آنان دروغ گفته اند، بلکه آن ها نماز را در وقت خودش ترک نمی کنند، و این برتر است از کسی که در نماز حاضر شود و تجارت نکند.

١- ((١)) الفقيه: ١٦٩/٣ ح ٣٦٣٨، عنه الوسائل: ٥٨/١٧ ح ٢١٩٧١.

٢- ((٢)) الثور: ٣٧.

٣- ((٣)) القصاص: رواه القصص و الأكاذيب، عبّر عليه السلام عن مفسرى العامه و علمائهم به لابتناء امورهم على الأكاذيب، و
لعلهم أولوا الآيه بترك التجاره لئلا تلهيهم عن الصلاه والذكر (مرآه العقول: ١٩/١٩).

٤- ((٤)) الكافي: ٧٥/٥ ح ٨ و التهذيب: ٣٢٦/٦ ح ٨٩٧، عنهما الوسائل: ١٧/١٤ ح ٢١٨٦٠.

۵ - عن عليّ عليه السلام قال: إنّي لأبغض الرجل يكون كسلان من أمر دنياه، لأنّه إذا كان كسلان من أمر دنياه فهو عن أمر آخرته أكسل (۱).

۶ - قال أبو جعفر عليه السلام: إنّي أجدني أمقت الرجل يتعذّر عليه المكاسب فيستلقى على قفاه ويقول: اللهم ارزقني، ويدع أن ينتشر في الأرض ويلتمس من فضل الله، والدّره (۲) تخرج من جحرها تلتمس رزقها (۳).

۷ - قال معلّى بن خنيس:

سأل أبو عبد الله عليه السلام عن رجل وأنا عنده فقيل له: أصابته الحاحه، قال: فما يصنع اليوم؟ قيل: في البيت يعبد ربّه، قال: فمن أين قوته؟ قيل: من عند بعض إخوانه، فقال أبو عبد الله عليه السلام: واللّه للذي يقوته أشدّ عبادةً منه (۴).

۵ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

من دوست ندارم کسی در مورد امور دنیوی خود تنبل باشد، زیرا هر که در امور دنیوی اش تنبل باشد در امور اخروی خود تنبل تر خواهد بود.

۶ - امام باقر علیه السلام فرمود: خود را می بینم که نفرت دارم از مردی که کسب و کار برایش دشوار شده است، پس بر پشت می خوابد و می گوید

«بارالها! روزی ام ده» و خودداری می کند از این که در زمین به راه افتد و از فضل خدا بجوید [و روزی به دست آورد]؛ در حالی که مورچه از لانه اش بیرون می آید و در پی به دست آوردن روزی خود جست و جو می کند.

۷ - معلّى بن خنيس می گوید: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که احوال کسی را پرسید.

به حضرت عرض شد: نیاز [و گرفتاری] پیدا کرده است.

فرمود: اکنون چه کار می کند؟

گفتند: در خانه به عبادت پروردگارش مشغول است.

فرمود: پس خوراکش از کجا می آید؟

گفتند: از سوی یکی از برادرانش.

حضرت فرمود: سوگند به خدا کسی که خورد و خوراک او را می دهد عابدتر از او است.

- ١- (١) دعائم الإسلام: ١٤/٢ ح ٢.
- ٢- (٢) الذَّر: النمل الأحمر الصغير، واحدتها ذرّة، (النهاية: ١٥٧/٢).
- ٣- (٣) الفقيه: ١٥٨/٣ ح ٣٥٨٢، عنه الوسائل: ٣٠/١٧ ح ٢١٩٠٠.
- ٤- (٤) الكافي: ٧٨/٥ ح ٤، التهذيب: ٣٢٤/٦ ح ٨٨٩، عنهما الوسائل: ٢٥/١٧ ح ٢١٨٩٠.

۸- عن أيوب أخى أديم بنع الهروى قال: كنا جلوساً عند أبى عبد الله عليه السلام إذ أقبل العلاء بن كامل فجلس قدام أبى عبد الله عليه السلام فقال: ادع الله أن يرزقنى فى دعه، فقال: لا أدعو لك، اطلب كما أمرك الله عزّ وجلّ (۱).

۹- قال أبو عبد الله عليه السلام: ... إذا صليت الصبح وانصرفت فبكروا فى طلب الرزق واطلبوا الحلال، فإن الله عزّ وجلّ سيرزقكم ويعينكم عليه (۲).

۸- أيوب هروى مى گوید: نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که علاء بن کامل آمد و روبه روى حضرت نشست و عرض کرد:

از خدا بخواه که روزی آسان [بى دردسر] به من عطا کند.

حضرت فرمود: دعا نمى کنم؛ همان طور که خدای عزّ وجلّ دستور داده است در طلب [روزی] باش.

۹- امام صادق علیه السلام فرمود: ... هرگاه نماز صبح را خواندید و از آن فارغ شدید، صبح زود در جست وجوی روزی برآیید و حلال را طلب کنید که خدای عزّ وجلّ به زودی شما را روزی مى دهد و شما را بر آن یاری مى کند.

ص: ۳۰۲

۱- ((۱)) الكافي: ۷۸/۵ ح ۳ والتهذيب: ۳۲۳/۶ ح ۸۸۸، عنهما الوسائل: ۲۰/۱۷ ح ۲۱۸۷۴.

۲- ((۲)) الكافي: ۷۹/۵ ح ۸، عنه الوسائل: ۲۲/۱۷ ح ۲۱۸۷۹.

الف) مفهوم حرص و تفاوت آن با طمع

طمع به معنی آزمندی و میل و رغبت داشتن به چیزی است. حرص نیز به همین معنا است. البته گفته شده است که حرص به معنی میل و رغبت فراوان و شدید است؛ به عبارت دیگر حرص همان طمع شدید و زیاد است (۱).

ب) نکوهش حرص و زیان های آن

۱ - قال النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْحَرِيصُ مَحْرُومٌ، وَهُوَ مَعَ حَرْمَانِهِ مَذْمُومٌ فِي أَيِّ كَانٍ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَحْرُومًا وَقَدْ فَزَّ مِنْ وَثَاقِ اللَّهِ تَعَالَى عَزَّوَجَلَّ، وَخَالَفَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى:

الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (۲).

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخص حریص محروم است و علاوه بر محرومیت، نکوهیده است، در هر [موردی] که باشد. چگونه محروم نباشد در حالی که از پیمان خدای متعال و مقتدر و شکوهمند گریخته است و سخن خدای متعال را مخالفت کرده است که فرمود «خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید، آن گاه شما را می میراند و پس از آن زنده می گرداند».

ص: ۳۰۳

۱- ((۱)) ر. ک. المصباح المنیر و معجم الفروق اللغویة والمنجد.

۲- ((۲)) الزوم: ۴۰.

والحريص بين سبع آفات صعبه: فكثر يضرّ بدنه ولا ينفعه، وهم لا يتم له أقصاه، وتعب لا يستريح منه إلا عند الموت ويكون عند الراحة أشدّ تعباً، وخوف لا يورثه إلا الوقوع فيه، وحزن قد كدر عليه عيشه بلا فائده، وحساب لا مخلص له معه من عذاب الله تعالى إلا أن يعفو الله عنه، وعقاب لا مفرّ له منه ولا حيله. والمتوكّل على الله تعالى يصيح ويمسى في كنف الله تعالى منه وهو في عافيه، وقد عجل الله كفايته وهياً له من الدرجات ما الله تعالى به عليم.

□
والحرص ما يجرى في منافذ غضب الله تعالى، وما لم يحرم العبد اليقين لا يكون حريصاً، واليقين أرض الإسلام وسماء الإيمان (۱).

۲ - قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنّ علامه الراغب في ثواب الآخرة زهده في عاجل زهره الدنیا، أما إنّ زهد الزاهد في هذه الدنیا شخص حريص در میان هفت آفت دشوار گرفتار است:

اندیشه ای که به جسمش زیان می رساند و سودی برایش ندارد، دغدغه ای که پایان نمی پذیرد، رنجی که از آن آسوده نمی شود جز به هنگام مردن و در این هنگام رنج او شدیدتر است، بیمی که جز وقوع در آن برایش ثمری ندارد، اندوهی بی فایده که زندگی را بر او ناخوشایند می سازد، حساسی که با آن رهایی از عذاب خدا برایش نیست مگر این که خدا بگذرد، و عقابی که راه گریز و چاره ای از آن برایش وجود ندارد.

و کسی که بر خدای متعال توکل کند، در حمایت خدای متعال صبح و شب می کند در حالی که در سلامتی است، و خدا در تأمین مخارج او شتاب می کند، و برایش درجاتی را فراهم می سازد که تنها خدای متعال به آن آگاه است.

حرص چیزی است که در روزنه های خشم خداوند متعال جریان پیدا می کند و تا زمانی که بنده، یقین را از دست ندهد حریص نمی شود

و یقین، زمین اسلام و آسمان ایمان است.

۲ - امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بی میلی به زیبایی های زودگذر دنیا نشانه ی اشتیاق به ثواب آخرت است.

به هوش باشید که کناره گیری زاهد از دنیا،

ص: ۳۰۴

۱- (۱) مصباح الشریعه: ۱۱۷، عنه المستدرک: ۶۰/۱۲ ضمن ح ۱۳۵۰۹، والبحار: ۱۶۵/۷۳ ضمن ح ۲۶.

لا ينقصه ممّا قسم الله عزّ و جلّ له فيها وإن زهد، وإن حرص الحريص على عاجل زهره [الحياه] الدّنيا لا يزيد فيها وإن حرص، فالمغبون من حرم حظّه من الآخره (١).

٣ - قال أبو جعفر الباقر عليه السلام :

مثّل الحريص على الدّنيا كمثّل دوده القزّ، كلّما ازدادت على نفسها لفاً كان أبعد لها من الخروج حتّى تموت غمّاً (٢).

٤ - قال عليّ عليه السلام في خطبته المعروفه بالوسيله: الحرص داعٍ إلى التقمّ في الذّنوب و هوداعٍ إلى الحرمان (٣).

٥ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال: حُرّم الحريص خصلتين، ولزمته خصلتان: حُرّم القناعه فافتقد الراحة، وحُرّم الرضا فافتقد اليقين (٤).

٦ - قال الصادق عليه السلام : لا- تحرص از آنچه خدای عزّ و جلّ در دنیا برایش مقرّر کرده است نمی کاهد، گرچه زهد ورزد؛

و حرص ورزیدن حریص بر جلوه های زندگی، برایش افزونی نمی آورد، گرچه حرص ورزد؛

پس شخص زیان دیده کسی است که از بهره ی آخرت خود محروم ماند.

٣ - امام باقر علیه السلام فرمود: حکایت شخص حریص به دنیا، همچون حکایت کرم ابریشم است که هر چه بیش تر بر خود تار تند، راه بیرون آمدنش سخت تر شود تا آن که از غصّه بمیرد.

٤ - امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای که معروف به «وسيله» است فرمود:

حرص، انسان را به فرو رفتن در گناهان دعوت می کند، و به محرومیت فرا می خواند.

٥ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

شخص حریص از دو ویژگی محروم و با دو ویژگی پیوسته همراه است:

از ویژگی قناعت محروم است پس راحتی ندارد

و از ویژگی خشنودی محروم است پس یقین ندارد.

٦ - امام صادق علیه السلام فرمود:

بر چیزی حریص مباش

-
- ١- ((١)) الكافي: ١٢٩/٢ ح ٦، عنه الوسائل: ١١/١٦ ح ٢٠٨٢٩.
 - ٢- ((٢)) الكافي: ١٣٤/٢ ح ٢٠ و ص ٣١٦ ح ٧، عنه البحار: ٦٨/٧٣ ح ٣٦.
 - ٣- ((٣)) تحف العقول: ٩٣، عنه البحار: ٢٨١/٧٧ ضمن ح ١.
 - ٤- ((٤)) الخصال: ٦٩ ح ١٠٤، عنه الوسائل: ٢٠/١٦ ح ٢٠٨٥٦، والبحار: ١٦١/٧٣ ح ٦.

على شيء لو تركته لوصل إليك وكنت عند الله تعالى مستريحاً محموداً بتركه ومذموماً باستعجالك في طلبه وترك التوكل عليه والرضا بالقسم، فإن الدنيا خلقها الله تعالى بمنزلة الظل، إن طلبته أتبعك ولا تلحقه أبداً، وإن تركته تبعك و أنت مستريح (١).

٧ - قال علي عليه السلام: الحريص فقيرٌ ولو ملك الدنيا بحذافيرها (٢).

٨ - قال علي عليه السلام: إن أكيس الناس من اقتنى اليأس و لزم [القنوع] الورع، وبرئ من الحرص و الطمع، فإن الطمع و الحرص الفقر الحاضر، وإن اليأس والقنوع الغنى الظاهر (٣).

٩ - قال علي عليه السلام: ...الحرص مفقره (٤).

١٠ - قال أبو عبد الله عليه السلام: أغنى الغنى من لم يكن للحرص أسيراً (٥).

که اگر آن را رهاکنی به تو می رسد، و تو در نزد خداوند متعال به سبب ترک آن آسوده و ستوده هستی و به سبب شتاب در طلب آن و ترک توکل بر خدا و راضی نبودن به سهم خود، مذموم هستی؛

زیرا خداوند دنیا را همچون سایه آفریده است که اگر در پی آن باشی تو را خسته می کند و هرگز به آن نمی رسی و اگر آن را واگذاری به دنبال می آید در حالی که تو راحت هستی.

٧ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص، بی نوا (نیازمند) است حتی اگر تمام دنیا را مالک شود.

٨ - امام علی علیه السلام فرمود:

زیرک ترین مردم کسی است که نومیدی از غیر خدا را به دست آورد و ملازم پارسایی باشد و از حرص و طمع پاک باشد؛ زیرا طمع و حرص، فقر حاضر و آماده است و نومیدی و قناعت، بی نیازی آشکار است.

٩ - امام علی علیه السلام فرمود:

... حرص (آزمندی) سبب نیازمندی است.

١٠ - امام صادق علیه السلام فرمود: بی نیازترین بی نیازها کسی است که گرفتار حرص نباشد.

ص: ٣٠٦

- ٢- (٢) عيون الحكم والمواعظ: ٢٢ ح ١٦١.
- ٣- (٣) عيون الحكم والمواعظ: ١٥٩ ح ٣٤٣٠.
- ٤- (٤) الخصال: ٥٠٥ ضمن ح ٣، عنه البحار: ٣٧٩/٦٩ ضمن ح ٣٥.
- ٥- (٥) الكافي: ٣١٦/٢ ضمن ح ٧، عنه الوسائل: ٢٠/١٦ ضمن ح ٢٠٨٥٣.

۱۱ - عن عليّ عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْحَرَصَ فَإِنَّهُ يَشِينُ الدِّينَ وَيُبْعِدُ الْقَرِينَ (۱).

۱۲ - عن الزهريّ قال:

سمعت عليّ بن الحسين عليهما السلام يقول: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزِّ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ عَلَى الدُّنْيَا حَسْرَاتٍ، وَاللَّهُ مَا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ إِلَّا كَكَفَّتِي الْمِيزَانَ، فَأَيُّهُمَا رَجَحَ ذَهَبٌ بِالْآخِرِ.

ثمّ تلا- قوله عزّ وجلّ: إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ يَعْنِي الْقِيَامَةَ لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ * خَافِضَةٌ خَفِضَتْ وَاللَّهُ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ إِلَى النَّارِ رَافِعَةٌ (۲) رفعت والله أولياء الله إلى الجنة.

ثمّ أقبل عليّ رجلٍ من جلسائه فقال له: اتَّقِ اللَّهَ وَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ وَلَا تَطْلُبْ مَا لَمْ يُخْلَقْ، فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ مَا لَمْ يُخْلَقْ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ وَلَمْ يَنْلِ مَا طَلَبَ.

ثمّ قال: وكيف ينال ما لم يُخلق؟ فقال الرجل:

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود: از حرص بهره‌یز که دین را معیوب می سازد و نزدیکان را دور می کند.

۱۲ - زهری می گوید: از امام سجاده علیه السلام شنیدم می فرمود: هر که با تسلیت و دلجویی خداوند تسلی نجوید [دلش به وعده های خداوند آرام نشود] وجودش از حسرت های پی در پی بر دنیا پاره پاره می شود. سوگند به خدا دنیا و آخرت همچون دو کفه ی ترازو هستند که هر کدام برتری یابد دیگری را می برد. آن گاه حضرت این آیه را قرائت فرمود: «هنگامی که آن واقعه رخ دهد» [و فرمود:] یعنی قیامت، [آن گاه آیات را ادامه داد:] «در وقوع آن دروغی نیست، پایین آورنده است» [و در این باره فرمود:] سوگند به خدا دشمنان خدا را به سوی آتش پایین می برد [و ادامه ی آیه را خواند:] «بالا برنده است» [و در توضیح آن فرمود:] سوگند به خدا دوستان خدا را به سوی بهشت بالا می برد.

سپس به مردی از همنشینانش رو کرد و فرمود:

تقوای الهی داشته باش و خواسته ی خود را مختصر کن [در طلب دنیا میانه رو باش و حرص نزن]، و چیزی را که آفریده نشده نخواه؛ زیرا هر که چیزی را بجوید که آفریده نشده است، حسرت های پی در پی جانش را پاره پاره می کند و به آنچه می جوید نمی رسد.

سپس فرمود: و چگونه دست یابد به چیزی که آفریده نشده است؟ آن مرد پرسید:

ص: ۳۰۷

۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۹۶ ح ۲۲۱۰.

۲- (۲) الواقعة: ۳ - ۱.

وکیف یطلب ما لم یُخلق؟ فقال:

مَنْ طَلَبَ الْغِنَى وَالْأَمْوَالَ وَالسَّعَةَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّمَا يَطْلُبُ ذَلِكَ لِلرَّاحَةِ، وَالرَّاحَةَ لَمْ تُخْلَقْ فِي الدُّنْيَا وَلَا لِأَهْلِ الدُّنْيَا، إِنَّمَا خُلِقَتْ الرَّاحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَلِأَهْلِ الْجَنَّةِ، وَالتَّعَبُ وَالنَّصَبُ خُلِقَا فِي الدُّنْيَا وَلِأَهْلِ الدُّنْيَا، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِنْهَا جَفَنَهُ إِلَّا أُعْطِيَ مِنَ الْحَرَصِ مِثْلِيهَا، وَمَنْ أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا أَكْثَرَ كَانَ فِيهَا أَشَدَّ فَقْرًا، لِأَنَّهُ يَفْتَقِرُ إِلَى النَّاسِ فِي حِفْظِ أَمْوَالِهِ، وَيَفْتَقِرُ إِلَى كُلِّ آلَةٍ مِنَ آلَاتِ الدُّنْيَا، فَلَيْسَ فِي غِنَى الدُّنْيَا رَاحَةٌ، وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ يُوَسَّوِسُ إِلَى ابْنِ آدَمَ أَنَّ لَهُ فِي جَمْعِ [ذَلِكَ] الْمَالِ رَاحَةٌ، وَإِنَّمَا يَسُوقُهُ إِلَى التَّعَبِ فِي الدُّنْيَا وَالْحِسَابِ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ.

□

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلَّمَا مَا تَعَبَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ. ثُمَّ قَالَ: أَلَا وَمَنْ اهْتَمَّ لِرِزْقِهِ كَتَبَ عَلَيْهِ خَطِيئَتَهُ كَذَلِكَ.

قال المسيح [عيسى] عليه السلام للحواريين:

إِنَّمَا الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا (١).

چگونه طلب می کند چیزی را که آفریده نشده است؟ حضرت فرمود: هر که در پی بی نیازی و ثروت و گسترش دنیا باشد، آن را برای آسایش دنیا می طلبد، در حالی که آسایش در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است؛ همانا آسایش در بهشت و برای اهل بهشت آفریده شده است و رنج و گرفتاری در دنیا و برای اهل دنیا آفریده شده اند. به هیچ کس به اندازه ی کاسه ای از دنیا داده نشد جز آن که از حرص، دو برابر آن داده شد. هر که از مال دنیا بهره بیش تری به دست آورد در دنیا نیازمندتر است؛ زیرا او در حفظ اموالش به مردم نیازمند است و به هر ابزاری از ابزارهای دنیا احتیاج دارد. پس در پی نیازی دنیا آسایشی وجود ندارد؛ ولی شیطان فرزند آدم را وسوسه می کند که در گردآوری مال، آسایش و راحتی نهفته است و او را به سوی رنج در دنیا و حساب رسی در آخرت می راند.

سپس فرمود: نه چنان است؛ اولیای خدا در دنیا خستگی و ناملايمات را برای دنیا به جان نمی خرنند، بلکه خستگی در دنیا را پذیرا می شوند برای آخرت. آن گاه فرمود: به هوش باشید که هر کس اندوه روزی اش را بخورد، خطایی نیز بر او ثبت خواهد شد. مسیح علیه السلام به حواریین خود فرمود: «دنیا پل است، پس باید از آن بگذرید نه این که آن را آباد سازید».

ص: ۳۰۸

۱۳ - عن الحسن المجتبی علیه السلام قال: هلاك الناس في ثلاث: الكبر وحرص و الحسد؛ فالكبر هلاك الدين و به لعن إبليس، و الحرص عدو النفس و به اخرج آدم من الجنة، و الحسد رائد السوء و منه قتل قابيل هابيل (۱).

□
۱۴ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

□
لمّا هبط نوح عليه السلام من السفينه أتاه إبليس فقال له: ما في الأرض رجل أعظم منّي عليّ منك، دعوت الله علي هؤلاء الفساق فأرحتنی منهم. ألا اعلمك خصلتين: إياك و الحسد فهو الذي عمل بي ما عمل، وإياك و الحرص فهو الذي عمل بآدم ما عمل (۲).

□
۱۵ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: من علامات الشقاء: جمود العين، و قسوه القلب، و شدّه الحرص في طلب الدنيا، و الإصرار على الذنب (۳).

۱۳ - امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: نابودی انسان در سه چیز است:

خود برترینی، حرص و حسد.

خود برترینی دین را نابود می سازد و به سبب آن، ابلیس از رحمت خدا دور شد؛

حرص دشمن جان آدمی است و به سبب آن، آدم از بهشت بیرون شد؛

حسد پیشگام بدی ها است و به دلیل آن، قابیل هابیل را کشت.

۱۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد، شیطان نزد آن حضرت آمد و به او گفت:

هیچ کسی در زمین بیش از تو بر من منت نهاد؛ تو این تبهکاران را نفرین کردی و مرا از آنان آسوده ساختی.

آیا دو ویژگی را به تو نیاموزم؟

از حسد پرهیز که همان چیزی است که با من کرد آنچه کرد،

و از حرص پرهیز که همان چیزی است که با آدم کرد آنچه کرد.

۱۵ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

از نشانه های بدبختی است.

خشکی چشم، بی رحمی دل، حرص زیاد در طلب دنیا، و پافشاری بر گناه.

- ١- ((١)) كشف الغمّه: ١٩٧/٢، عنه البحار: ١١١/٧٨ ضمن ح ٦.
- ٢- ((٢)) الخصال: ٥٠ ح ٦١، عنه المستدرک: ١٨/١٢ ح ١٣٣٩١.
- ٣- ((٣)) الكافي: ٢٩٠/٢ ح ٦.

۱۶ - عن الصادق عليه السلام قال:

تبع حكيمٌ حكيماً سبعمائه فرسخ في سبع كلمات، فلما لحق به قال له: يا هذا! ما أرفع من السماء...

وأشدَّ حراره من النار... فقال له:

يا هذا! الحقُّ أرفع من السماء...

والحريص الجشع أشدَّ حراره من النار... (۱).

□
۱۷ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

□
كان فيما أوصى به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم علياً عليه السلام:

يا عليّ! أنهاك عن ثلاث خصال عظام: الحسد، والحرص، والكذب (۲).

۱۸ - عن عليّ عليه السلام: لا يُلْفَى الحريص مستريحاً (۳).

۱۹ - قال عليّ عليه السلام: الحريص متعوبٌ فيما يضرّه (۴).

۲۰ - قال عليّ عليه السلام: لن توجد القناعه حتى يُفقد الحرص (۵).

۱۶ - امام صادق عليه السلام فرمود:

حكيمی در پی حکیمی هفتصد فرسخ را برای آموختن هفت سخن پیمود.

چون به او رسید گفت:

ای حکیم! برتر از آسمان چیست و ... داغ تراز آتش کدام است؟

... حکیم دیگر گفت:

ای حکیم! حق برتر از آسمان است...

و حریص طمع کار، داغ تراز آتش است....

۱۷ - امام صادق عليه السلام فرمود:

از جمله چیزهایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به آن سفارش فرمود، این بود:

ای علی! تو را از سه ویژگی بزرگ باز می دارم:

حسد، حرص و دروغ.

۱۸ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص به آسایش نمی رسد.

۱۹ - امام علی علیه السلام فرمود:

شخص حریص برای به دست آوردن آنچه به او زیان می رساند، خسته می شود.

۲۰ - امام علی علیه السلام فرمود:

تا حرص ناپدید نشود قناعت هرگز پدیدار نگردد.

ص: ۳۱۰

۱- ((۱)) أمالی الصدوق: ۲۰۳ م ۴۳ ح ۱.

۲- ((۲)) الخصال: ۱۲۴ صدر ح ۱۲۱، عنه البحار: ۳۷۰/۶۹ ح ۱۳.

۳- ((۳)) عیون الحکم والمواعظ: ۵۳۷ ح ۹۸۷۷.

۴- ((۴)) عیون الحکم والمواعظ: ۳۰ ح ۴۷۷.

۵- ((۵)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۰۷ ح ۶۸۹۶.

۲۱ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم :

يا علي! لا تشاورنَّ جباناً فإنه يضيق عليك المخرج، ولا تشاورنَّ البخيل فإنه يقصر بك عن غايتك، ولا تشاورنَّ حريصاً فإنه يزين لك شرّها. واعلم يا علي أن الجبن والبخل والحرص غريزه واحده يجمعها سوء الظنّ (۱).

۲۲ - قال أبو عبد الله عليه السلام :

...وأقلّ الأشياء غناءً النصيحة لمن لا يقبلها ومجاوره الحريص... (۲).

۲۳ - عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

ما فتح الله على عبدٍ أباً من أمر الدنيا إلاّ فتح الله عليه من الحرص مثله (۳).

۲۴ - عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال:

يهرم ابن آدم ويشبّ منه اثنان:

الحرص على المال، والحرص على العمر (۴).

۲۱ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

يا علي! هرگز با ترسو مشورت مکن که راه برون رفت را بر تو تنگ می سازد.

و هرگز با بخیل مشورت مکن که تو را از رسیدن به هدف باز می دارد.

و هرگز با حریص مشورت مکن که بدی های دنیا را بر تو زینت می بخشد.

و ای علی! بدان که ترس و بخل و حرص یک غریزه اند که ریشه ی همه ی آن ها بدگمانی [به خدای سبحان] است.

۲۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:

...اندرز دادن به کسی که آن را نمی پذیرد و نیز همدمی با شخص حریص از کم ترین دارایی ها است... .

۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند دری از دنیا را بر بنده ای نگشاید مگر این که همانند آن، دری از حرص بر او باز کند.

۲۴ - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

فرزند آدم پیر می شود در حالی که دو خصلت در او جوان می گردد:

حرص بر [جمع آوری] ثروت و حرص بر [افزایش] عمر.

ص: ۳۱۱

۱- ((۱)) الخصال: ۱۰۲ ح ۵۷ والفقیه: ۴/۴۰۹ ح ۵۸۹۲، عنهما الوسائل: ۱۲/۴۶ ح ۱۵۶۰۷.

۲- ((۲)) الکافی: ۸/۲۴۳ ضمن ح ۳۳۷.

۳- ((۳)) الکافی: ۲/۳۱۹ ح ۱۲، عنه البحار: ۱۶/۷۳ ح ۴.

۴- ((۴)) الخصال: ۷۳ ح ۱۱۲، عنه المستدرک: ۱۲/۵۸ ح ۱۳۵۰۲.

۲۵ - عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال:

يهرم ابن آدم ويبقى منه اثنان:

الحرص و الأمل (۱).

۲۶ - عن علي عليه السلام: الحرص عبد المطامع (۲).

۲۷ - دعاء الإمام السجّاد عليه السلام - في الاستعاذه من المكاره و سيي الأفعال و مذائم الأفعال - :

اللهمّ إنّي أعوذ بك من هيجان الحرص، و سوره الغضب، و غلبه الحسد، و ضعف الصبر، و قلّه القناعه، و شكاسه الخلق، و إلحاح الشهوه، و ملكه الحميه، و متابعه الهوى، و مخالفه الهدى، و سنه الغفله، و تعاطى الكلفه، و إيثار الباطل على الحقّ (۳).

۲۵ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

فرزند آدم پیر می شود و دو ویژگی در او باقی می ماند:

حرص و آرزو.

۲۶ - امام علی علیه السلام فرمود: شخص حریص بنده ی آزمندی ها است.

۲۷ - در دعای امام سجّاد علیه السلام که در زمینه پناه بردن به خدا از ناخوشی ها و اخلاق زشت و کارهای ناپسند است - آمده است:

خدایا به تو پناه می برم از: برانگیخته شدن آزمندی و برافروختگی خشم و چیرگی حسد و سستی شکیبایی و کمی قناعت و بدخلقی و پافشاری شهوت و تعصب گرایی و هواپرستی و هدایت ستیزی و غفلت زدگی و تکلف گرایی و برتری دادن باطل بر حق.

ص: ۳۱۲

۱- (۱) روضه الواعظین: ۴۲۹ و نحوه فی الخصال: ۷۳ ح ۱۱۳، عنه البحار: ۱۶۱/۷۳ ح ۸، و المستدرک: ۵۸/۱۲ ح ۱۳۵۰۳. و راجع مسند أحمد بن حنبل: ۱۱۵/۳ و ۱۱۹ و ۱۶۹ و ۲۷۵، و فی الجمیع «اثنان».

۲- (۲) عیون الحکم و المواعظ: ۴۰ ح ۹۱۱.

۳- (۳) الصحیفه السجّادیه الجامعه: ۶۹ دعاء ۲۶.

۱ - قال الإمام الكاظم عليه السلام في وصيته لهشام بن الحكم: يا هشام! إيتاك والطمع، وعليك باليأس ممّا في أيدي الناس، وأمت الطمع من المخلوقين، فإنّ الطمع مفتاح للدّل و اختلاس العقل واختلاق المرّوات وتدنيس العرّض والذهاب بالعلم (۱).

۲ - قال عليّ عليه السلام: مَنْ لم ينزّه نفسه عن دناءه المطامع فقد أذلّ نفسه، وهو في الآخرة أذلّ وأخزى (۲).

۳ - عن عليّ بن الحسين - صلوات الله عليهما - قال: رأيت الخير كلّه قد اجتمع في قطع الطمع عمّا في أيدي الناس، ومَنْ لم يرج الناس في شيءٍ و ردّ أمره ۱ - امام کاظم علیه السلام در سفارش خود به هشام بن حکم فرمود:

ای هشام! از طمع بپرهیز؛ و بر تو باد به نومیدی از آنچه در دستان مردم است؛ و طمع به آفریدگان را در خود بمیران، زیرا طمع، کلید خواری و [سبب] ربودن خرد و فرسودگی جوانمردی ها و آلوده نمودن آبرو و از بین بردن دانش است.

۲ - امام علی علیه السلام فرمود:

هر که خود را از پستی طمع ورزی ها پاک نسازد، خود را خوار ساخته است و در آخرت خوارتر و بی ارزش تر خواهد بود.

۳ - امام سجاد علیه السلام فرمود:

تمامی خیر و نیکی را در قطع طمع از آنچه در دستان مردم است دیدم.

و کسی که در هیچ چیز امیدی به مردم نداشته باشد و همه ی امور خود را

ص: ۳۱۳

۱- ((۱)) تحف العقول: ۳۹۹.

۲- ((۲)) عیون الحکم والمواعظ: ۴۵۸ ح ۸۲۹۶.

إلى الله عزّ وجلّ في جميع اموره استجاب الله عزّ وجلّ له في كلّ شيء (۱).

۴ - قال عيسى عليه السلام : ... وبحقّ أقول لكم: إنّ الزّرق إذا لم ينخرق يوشك أن يكون وعاء العسل، كذلك القلوب إذا لم تخرقها الشهوات أو يدنّسها الطمع أو يقسها النعم، فسوف تكون أوعيه الحكمة (۲).

۵ - قال عليّ في وصيّته لو لده الحسن عليهما السلام : ...إياك أن توجف بك مطايا الطمع فتوردك مناهل الهلكه، وإن استطعت أن لا يكون بينك وبين الله ذو نعمه فافعل، فإنّك مُدرِك قسَمِك وآخذ سهمك. وإنّ اليسير من الله سبحانه أعظم وأكرم من الكثير من خلقه وإن كان كلّ منه (۳).

۶ - قال عليّ عليه السلام :الطمع رقّ مؤبّد (۴).

۷ - قال عليّ عليه السلام :أعظم الناس ذلّاً به خدای مقتدر و شکوهمند واگذارند، خدای عزّ وجلّ هر چیزی را برایش اجابت می کند.

۴ - حضرت عیسی علیه السلام فرمود:

...حقیقت را برای شما می گویم:

مشک تا زمانی که پاره نشود، قابلیت دارد که ظرف عسل باشد؛

همچنین دل ها تا زمانی که شهوت ها آن ها را ندرد، یا طمع، آن ها را آلوده نسازد، یا نعمت ها آن ها را بی رحم نکند، جایگاه حکمت خواهند بود.

۵ - امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش علیه السلام - فرمود:

...پرهیز از آن که مرکب های طمع، تو را با شتاب پیش ببرد و تو را به آبشخورهای نابودی وارد کند.

و اگر توانستی [کاری کنی] که میان تو و خدا هیچ صاحب نعمتی نباشد این کار را انجام ده،

پس همانا تو به قسمت خود می رسی و سهم خود را می گیری.

و اندکی که از خدای سبحان باشد بزرگ تر و ارجمندتر از فراوانی است که از آفریده ی او باشد، هرچند همه از او است.

۶ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

طمع ورزی، بردگی همیشگی است.

۷ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

-
- ١- ((١)) الكافي: ١٤٨/٢ ح ٣، عنه الوسائل: ٤٤٩/٩ ح ١٢٤٩٩.
 - ٢- ((٢)) عُدّه الداعي: ١٠٧، عنه المستدرک: ٣٤١/١١ ح ١٣٢١٥.
 - ٣- ((٣)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٤٠١ كتاب ٣١.
 - ٤- ((٤)) نهج البلاغه (صبحى الصالح): ٥٠١ الحكمه ١٨٠، عنه البحار: ١٧٠/٧٣ ضمن ح ٧.

الطامع والحريص و المريب (۱).

۸ - عن أبان بن سويد عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت: ما الذي يثبت الإيمان في العبد؟ قال:

الذي يثبته فيه الورع، والذي يخرج منه الطمع (۲).

۹ - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ... إياكم واستشعار الطمع فإنه يشوب القلب شدّه الحرص، ويختم على القلوب بطبائع حبّ الدنيا... (۳).

۱۰ - قال لقمان لابنه: إن أردت أن تجمع عزّ الدنيا فاقطع طمعك ممّا في أيدي الناس، فإنما بلغ الأنبياء والصدّيقون ما بلغوا بقطع طمعهم (۴).

۱۱ - قال عليّ عليه السلام: لو كانت الدنيا عند الله محموداً لاختصّ بها أوليائه، لكنّه صرف قلوبهم عنها ومحا عنهم منها المطامع (۵).

طمع كار و حريص و شكّاك هستند.

۸ - ابان بن سويد می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

آن چیست که ایمان را در بنده پایدار می سازد؟

فرمود: آنچه ایمان را در بنده پایدار می سازد پارسایی است،

و آنچه ایمان را از او بیرون می کند طمع است.

۹ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

...از راه دادن طمع به دل پرهیزید؛ زیرا حرص زیاد دل را در هم (و آشفته) می کند و با سرشت های دنیادوستی بر دل ها مهر می زند ...

۱۰ - لقمان به فرزندش فرمود:

اگر می خواهی عزّت دنیا را به دست آوری طمع خود را از آنچه در دستان مردم است بتر که انبیا و اولیا با بریدن طمعشان به این مقام رسیدند.

۱۱ - امام علی علیه السلام فرمود:

اگر دنیا نزد خداوند ستوده بود آن را ویژه ی اولیای خود می ساخت؛

ولی خداوند دل های آنان را از دنیا برگرداند و طمع های آنان را به دنیا از بین برد.

ص: ۳۱۵

-
- ۱- (۱) عیون الحکم والمواعظ: ۱۲۳ ح ۲۸۰۰.
 - ۲- (۲) الخصال: ۹ ح ۲۹، عنه الوسائل: ۳۵۸/۲۰ ح ۲۵۸۲۴.
 - ۳- (۳) أعلام الدین: ۳۴۰، عنه البحار: ۱۸۴/۷۷ ضمن ح ۲۴.
 - ۴- (۴) قصص الأنبياء للراوندي: ۱۹۵ ضمن ح ۲۴۴.
 - ۵- (۵) عیون الحکم والمواعظ: ۴۱۵ ح ۷۰۵۶.

۱۲ - قال الإمام الباقر عليه السلام لجابر الجعفی: ...اطلب بقاء العزّ بإماتة الطمع، وادفع ذلّ الطمع بعزّ اليأس، واستجلب عزّ اليأس ببعدها، وتزوّد من الدّنيا بقصر الأمل... ولا ذلّ كذلّ الطمع (۱).

□
۱۳ - قال رسول الله صلى الله عليه و سلم : خيار المؤمنين القانع و شرارهم الطامع (۲).

□
۱۴ - قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

...أفقر الناس الطّماع، وأغنى الناس من لم يكن للحرص أسيراً (۳).

۱۵ - قال عليّ عليه السلام : أكثر مصارع العقول تحت بروق المطامع (۴).

۱۶ - قال عليّ عليه السلام : إنّ الطمع مورد غير مصدر، وضامن غير وفّي... (۵).

□
۱۷ - قال أبو ليلى: شيعنا الحسن بن عليّ [المجتبى] عليه السلام ، فلما ذهبنا ننصرف قلنا له: أوصنا، قال: اتّقوا الله، وإياكم والطمع

۱۲ - امام باقر عليه السلام به جابر جعفی فرمود:

...ماندگاری عزّت را در از بین بردن طمع جستجو کن، و خواری طمع را با عزّت نومییدی [از غیر خدا] دور کن، و عزّت نومییدی را با بلندهمتی به دست آور، و با کوتاهی آرزو از دنیا توشه بردار... و هیچ خواری همچون خواری طمع نیست.

۱۳ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

بهترین مؤمنان شخص قانع است و بدترین آن ها شخص طمع کار.

۱۴ - رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود:

... نیازمندترین مردم شخص پرطمع است و بی نیازترین مردم کسی است که در بند حرص نباشد.

۱۵ - امام علی عليه السلام فرمود:

بیش ترین زمین خوردنِ خردها زیر برق طمع ها است.

۱۶ - امام علی عليه السلام فرمود:

طمع به هلاکتگاه می کشاند و نجات نمی دهد، و ضامنی است که [به ضمانت خود] وفادار نیست.

۱۷ - ابولیلی می گوید:

ما امام حسن مجتبی عليه السلام را بدرقه کردیم.

وقتی خواستیم برگردیم از حضرت خواستیم ما را نصیحتی کند.

ایشان فرمود: از خدا پروا کنید و از طمع بپرهیزید؛

ص: ۳۱۶

۱- (۱) تحف العقول: ۲۸۶، عنه المستدرک: ۶۹/۱۲ ح ۱۳۵۳۴.

۲- (۲) الجامع الصغیر: ۲۴۳ ح ۳۹۷۲.

۳- (۳) معانی الأخبار: ۱۹۶ ضمن ح ۱.

۴- (۴) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۰۷ الحکمه ۲۱۹.

۵- (۵) نهج البلاغه (صبحی الصالح): ۵۲۴ الحکمه ۲۷۵.

فإنَّ الطمع يصير طبعاً (۱).

۱۸ - قال المسيح عليه السلام: أخرج الطمع عن قلبك يحلّ القيد من رجلك (۲).

۱۹ - قال عليّ عليه السلام: لا تطمعنّ نفسك فيما فوق الكفاف فتغلبك بالزيادة (۳).

۲۰ - عن مهزم الأسدي قال:

□
قال أبو عبد الله عليه السلام: يا مهزم! ...شيعتنا من لا يهزّ هرير الكلب ولا يطمع طمع الغراب ولا يسأل عدونا وإن مات جوعاً (۴).

زیرا طمع، خوی انسان می شود.

۱۹ - حضرت مسیح علیه السلام فرمود:

طمع را از دلت بیرون کن که بند از پایت گشوده می شود.

۲۰ - امام علی علیه السلام فرمود:

نفس خود را به بیش از اندازه ی نیاز به طمع نینداز که با زیاده خواهی، تو را مغلوب می کند.

۲۱ - مهزم اسدی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

ای مهزم! ...شیهه ی ما کسی است که همچون سگ پارس نکند و همچون کلاغ طمع نورزد و از دشمنان ما چیزی درخواست نکند، گرچه از گرسنگی بمیرد.

ص: ۳۱۷

۱- (۱) روضه الواعظین: ۴۲۰.

۲- (۲) روضه الواعظین: ۴۵۶.

۳- (۳) عیون الحکم والمواعظ: ۵۲۲ ح ۹۵۰۵.

۴- (۴) الکافی: ۲/۲۳۸ ح ۲۷، عنه البحار: ۱۸۰/۶۸ ح ۳۹.

نقش رسانه در ترویج مصرف گرایی

امام خمینی قدس سره در این زمینه می گوید: رادیو تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزار مؤثر تباهی و تخدیر ملت ها - خصوصاً نسل جوان - بوده است.

در این صد سال اخیر - به ویژه نیمه دوم آن - چه نقشه های بزرگی از این ابزار - چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمت گزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق - کشیده شد و از آن ها برای درست کردن بازار کالاها - خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش؛ از تقلید در ساختمان ها و تزئینات و تجملات آن ها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آن ها - استفاده کردند به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن - به ویژه در خانم های مرفه و نیمه مرفه - بود (۱).

خیانت دودمان پهلوی

امام راحل رحمه الله می گوید: اینجانب نمی گویم ما خودمان همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور - خصوصاً و در سده های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی، خصوصاً مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز کوچک دیدن ها و یا ناچیز دیدن ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان - خصوصاً طبقه جوان - به اقسام اجناس وارداتی از قبیل

ص: ۳۱۸

ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر - که خود داستان غم انگیز دارد - و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها - که عضو فعال هستند. با فراهم کردن مراکز فحشا و عشرت کده ها و ده ها از این مصائب حساب شده برای عقب نگه داشتن کشورها است (۱).

مراوده با مستمندان وظیفه کارگزاران نظام

همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها، بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین؛ و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیاء شده و عملاً به شبهات و القائنات خاتمه می دهد (۲).

ساده زیستی عامل پیش برد روحانیت

یکی از امور مهم هم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده تا حالا و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی، ساده زندگی کردند (۳).

هنری که مورد قبول قرآن است

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله اسلام ائمه هدی علیهم السلام، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیت ها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسیم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد و در یک کلمه، «اسلام امریکایی» باشد (۴).

ص: ۳۱۹

- ۱- ((۱)) - صحیفه نور: ۷۴ / ۲۱ تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۵.
- ۲- ((۲)) صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۲۸ تاریخ ۱۳۶۶/۵/۶.
- ۳- ((۳)) صحیفه نور ۱۹ ص ۱۵۷ تاریخ ۱۳۶۴/۲/۱۶.
- ۴- ((۴)) صحیفه نور ج ۲۱ ص ۳۰ تاریخ ۱۳۶۷/۶/۳۰.

انقلاب اسلامی که آمد مثل مشتی به سینه مهاجم خورد او را عقب انداخت و تهاجم را متوقف کرد.

مردم ظرف مدت کوتاهی تغییرات اساسی در خلیقات خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد آز و طمع کم شد، هم کاری زیاد شد گرایش به دین زیاد شد. اسراف کم شد قناعت زیاد شد. فرهنگ این ها است فرهنگ اسلامی این ها است (۱).

بی توجهی نسبت به هزینه کردن منابع ملی اسراف و ولخرجی در مصرف

ما در زمینه ی مصرف، در زمینه ی هزینه کردن منابع مالی کشور که به وسیله ی خود ما و به وسیله ی همه ی برادران هم میهن ما و به وسیله ی مسئولین کشور با زحمت زیاد به وجود می آید، دچار نوعی بی توجهی هستیم، که بایستی این را تبدیل کنیم به یک توجه واهتمام خاص.

ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولخرجی و ولنگاری در مصرف هستیم (۲).

مدیریت عاقلانه مصرف

ما بایستی مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم. مصرف نه فقط از نظر اسلام، بلکه از نظر همه ی عقلای عالم، چیزی است که باید تحت کنترل عقل قرار بگیرد (۳).

با هوی و هوس، با خواهش دل و آنچه که نفس انسان از انسان مطالبه می کند، نمی شود مصرف را مدیریت کرد (۴).

عدم مدیریت مدبرانه مصرف موجب شکاف بین فقرا و اغنیاء

شکاف بین فقرا و اغنیاء زیاد می شود، عده ای در حسرت اولیات زندگی می مانند و عده ای با ولخرجی و ولنگاری در مصرف، منابع را هرز و به هدر می دهند.

ص: ۳۲۰

۱- (۱) - بیانات رهبر انقلاب در دیدار وزیر و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱..

۲- (۲) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

۳- (۳) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

۴- (۴) پیام نوروزی ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

اسراف، روز به روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق تر می کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمل گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند.

مصرف گرایی، جامعه را از پای در می آورد (۱).

مردم و دولت حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف

ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه ی اول - چه قوه ی مقننه، چه قوه ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه ی قضائیه و غیر آن ها - و اشخاص و شخصیتها در رتبه های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید... الگوی مصرف را اصلاح کنند

فعالیت مردم و دولت در زمینه اصلاح الگوی مصرف

من از عموم مردم و به خصوص از مسئولین درخواست می کنم، خواهش می کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه ریزی کنند.

من این سال را، سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» می دانم و امیدوارم که این عنوان برای همه ی ما دستور العمل باشد و همه ی ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم. که «اصلاح الگوی مصرف» است حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نمائیم (۲).

مبارزه با اسراف در جهت حرکت به سمت الگوی مصرف

مسئله ی مبارزه با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف،

ص: ۳۲۱

۱- ((۱)) خطبه های نماز عید سعید فطر ۱۵/۹/۸۱.

۲- ((۲)) پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت آغاز سال تاریخ: ۱۳۸۷/۱۲/۳۰..

جلوگیری از ولخرجی ها و تضييع اموال جامعه است.

صرفه جوئی از خطوط اساسی برنامه ریزی ها باشد

لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله ی صرفه جوئی را در خطوط اساسی برنامه ریزی هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم.

معنای صرفه جوئی درست مصرف کردن است

صرفه جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. جامعه ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد.

افزایش تولید بر مصرف و هزینه

یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد.

لطمه مادی و معنوی اسراف

اسراف، هم لطمه ی اقتصادی می زند، هم لطمه ی فرهنگی می زند. وقتی جامعه ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می گذارد.

مسئله ی صرفه جوئی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده ی کشور را تهدید می کند.

نمونه هایی از اسراف در جامعه

آمارهای تکان دهنده اسراف نان.

بر حسب بررسی میدانی ای که در تهران و بعضی از مراکز استان ها شده است،

گفته می شود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه ی نانی که در این شهرها تولید می شود، دور ریخته می شود.

در مورد آب.

تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسراف هائی دارد.

در مورد انرژی.

ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حامل های انرژی - مصرف می کنیم.

اسراف فردی، خانوادگی...

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می گیرد.

تجمل گرایی ها، چشم و هم چشمی ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ این ها از موارد اسراف است.

وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ این ها چیزهائی است که ما برای آن ها پول صرف می کنیم. پولی که می تواند در تولید مصرف شود، سرمایه گذاری شود، کشور را پیش برد، به فقرا کمک کند، این چیزهای ناشی شده ی از هوس، چشم و هم چشمی، آبروداری های خیالی.

اسراف در مهمانی ها...

مسافرت می روند، می آیند، میهمانی درست می کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه ای که رفته اند، بیشتر است! - عروسی می گیرند، عزا می گیرند؛ هزینه ای که برای این میهمانی ها مصرف می کنند هزینه های گزافی است... در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند.

میهمانی درست می کنیم، عزا درست می کنیم، هی رخت و بر روز به روز دگرگون برای خودمان درست می کنیم... عقلاى عالم این کار را نمی کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن می فرماید: **وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ وَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ، كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا؛** بخورید، بیاشامید، اما زیاده روی نکنید. در آیه ی شریفه

دیگر: (كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ وَيَوْمَ حَصَادِهِ يَوْلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ وَلَئِذَا حُبُّ الْمُسْرِفِينَ . خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.

در روایت دارد که کسی میوه ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه ی خرما استفاده کنید. آن وقت در هتل ها میهمانی درست کنند و به یک عده ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه ی این که بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه ی اسلامی است؟ اینجوری می شود به عدالت رسید؟

ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه

باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته ایم؛ به مجرد این که یک مدل بالاتر وارد بازار می شود، و آن مدل جدید را باید بخریم؛ این چه هوس بازی ای است که ما به آن دچار هستیم.

اسراف ملی و وظیفه مسؤلان

مسؤلان موظفند.

اسراف فقط در زمینه ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می شود. برق و انرژی، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسؤلین کشور است. این شبکه های ارتباطی، شبکه های انتقال برق، سیم های برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می رود.

شبکه های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می رود. اینها اسراف های ملی است؛

اسراف سازمانی

اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می افتد. مصرف بی رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمان های گوناگون.

ص: ۳۲۴

وظیفه قوای مقننه و مجریه

باید برنامه ریزی کنند. قوه ی مقننه و قوه ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه ریزی کنند، قانونگذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند.

راهکارهای صرفه جوئی

صرفه جوئی ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت:

در مورد آب

آب را صرفه جوئی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری های با صرفه ی در کشاورزی را آموزش بدهیم.

زمینه سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی.

در امر نان،

تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست (۱).

وظیفه و نقش مسؤلین در اصلاح الگوی مصرف

امسال ما اعلام کردیم سال اصلاح الگوی مصرف؛ همه هم استقبال کردند.

اصلاح الگوی مصرف مخصوص یک سال نیست؛ سالها طول می کشد. شاید ده سال طول بکشد که انسان بخواهد این کار را بکند؛ اما باید شروع کنیم.

مسؤلین باید در این زمینه تلاش کنند، کار کنند، همکاری کنند، دانشگاه ها، افراد مطلع، حوزه های علمیه، هر کدام نقشی دارند؛ ان شاء الله این نقش را ایفا کنند (۲).

صرفه جوئی باید فرهنگ شود

فلان مسؤل اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه

ص: ۳۲۵

۲- ((۲)) خطبه های نماز عید سعید فطر تاریخ: ۱۳۸۸/۶/۲۹..

کند؛ این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم.

یکی از اساسی ترین کارها برای این که ما جلوی اسراف را بگیریم این که مسئولین کشور، خودشان، کسانشان، نزدیکانشان و وابستگانشان، اهل اسراف و اهل اشرافیگری نباشند (۱).

اسراف بد است؛ حتی در انفاق راه خدا هم می گویند. خدای متعال در قرآن به پیغمبرش می فرماید وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ؛ در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه روی؛ میانه روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم.

قرآن می فرماید: وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا؛ کسانی که وقتی می خواهند خرج کنند، لَمْ يُسْرِفُوا و لَمْ يَقْتُرُوا نه اسراف می کنند. زیاده روی می کنند. نه تنگ می گیرند و با فشار بر خودشان زندگی می کنند، نه، اسلام این را هم توصیه نمی کند.

اسلام نمی گوید که مردم بایستی با ریاضت و زهد آنچنانی زندگی کنند؛ معمولی زندگی کنند، متوسط زندگی کنند.

ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که حساب کار خودش را دارد، حساب دخل و خرج خود را دارد، حساب مصلحت خود را دارد، زیاده روی نمی کند، اسراف نمی کند. خوب، بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی شود (۲).

امروز ما ان مقداری که از ضایعات نان ضرر می بینیم از هیچ ضایعه مادی ای ضرر نمی بینیم! یعنی همین نان خشکی که از خانه من و شما خارج می شود، معادل بخش عظیمی از قیمت گندم وارداتی ماست!

اسراف در نان، اسراف در آب، اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب بازی بچه و در وسایل تجمّلاتی!

اسراف همان کاری را با کشور می کند که دشمن می خواهد (۳)!

ص: ۳۲۶

۱- ((۱)) بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سندج تاریخ: ۱۳۸۸/۲/۲۲..

۲- ((۲)) خطبه های نماز عید سعید فطر تاریخ: ۱۳۸۶/۷/۲۱..

۳- ((۳)) بیانات مقام معظم رهبری در صحن مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا علیه السلام تاریخ: ۱۳۷۷/۱/۱..

مسئولین اقتصادی دولت، برنامه کشور را طوری تنظیم می کنند که هیچ گونه ضربه ای بر مسائل اساسی کشور وارد نیاید.

اگر قانونی می گذاریم که روح قانون شکنی و بی اعتنائی به قانون را در مردم به وجود می آورد - ولو به طور غیر مستقیم - این مرجوح است. اگر قانونی می گذاریم که روح قناعت را در مردم تقویت می کند، این خوب است؛ اگر روح اسراف را در مردم تقویت می کند، این بد است. اگر روح دینداری را در مردم تقویت می کند، این خوب است؛ اگر روح لایابالگیری را در مردم تقویت می کند، این بد است.

نمایندگان محترم در قانونگذاری ها نگاهشان به کل کشور باشد. قانون برای همه است.

نگذارید جوری بشود که مجلس شورای اسلامی آن حالت پارسائی و زهد را از دست بدهد. (۱) بعضی ها تا دستشان به دهانشان می رسد برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده شان به فلان کشور خارجی - که حالا نمی خواهم اسم بیاورم - می روند این ها اسراف قطعی است این ها همان اسرافیه است که حرام است (۲).

این جانب از این که کسانی می کوشند در میان مردم ما رسم تجمل گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند شدیداً نگران و متأسفم و از این که مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند به خدا پناه می برم (۳).

مسئولان و توجه به ساده زیستی...

این شعار، شعار بسیار مهمی است یک وقت ما در زندگی شخصی خود

ص: ۳۲۷

۱- ((۱)) بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی تاریخ: ۱۳۸۸/۴/۳..

۲- ((۲)) خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۱/۴..

۳- ((۳)) پیام به گردهمایی سراسر فرماندهان بسیج ۱۳۶۸/۹/۲..

حرکت اسراف گونه ای داریم بین خودمان و خدا، که اگر مردم باشد حرام است، اگر مکروه باشد، مکروه است اگر مباح باشد مباح است اما یک وقت ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی گری می دهیم، این دیگر مباح و مکروه ندارد، همه اش حرام است به خاطر این که تعلیم دهنده اشرافی گری است؛ اولاً:

زیر دست خودمان ثانیاً: آحاد مردم به این کار تشویق می شوند... ریخت و پاش، اولاً از جیب مان نیست از بیت المال است، ثانیاً ریخت و پاش، مشوق دیگران است. واقعاً الناس علی دین ملوکهم . ملوک در این جا به معنی پادشاهان نیست که بگوئیم ما پادشاه نداریم. نه ملوک شماها هستید. الناس علی دین ماها (۱).

از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می کند نمود اشرافی گری در مسئولان بالای کشور است.

در این زمینه مسئولان درجه یک بسیار نقش دارند تلویزیون بسیار نقش دارد منس ما و شما بسیار نقش دارد (۲).

یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه ها می شود، نوع آبیاری کشاورزی، هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر می دهیم.

هزینه کردن اعتبارات و پول های کشور در جاهای غیر لازم و تشریفاتی و زیادی حرام است. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه های عملی زندگی ارتباطی ندارد یک کار مسرفانه است (۳).

مصرف گرایی به صورت اسراف یکی از بیماری های خطرناک هر ملتی است (۴).

زیاده روی، وقت به وقت و زمان به زمان تفاوت می کند؛ در امر لباس، در امر مسائل زندگی، در اتومبیلهای گرانبه (۵).

برای متمکنین، میانه روی؛ و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی؛

ص: ۳۲۸

۱- ((۱)) بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸..

۲- ((۲)) بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵..

۳- ((۳)) بیانات در دیدار کارگران و معلمان هفته معلم و روز کارگر ۸۱/۲/۱۱..

۴- ((۴)) بیانات در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱..

۵- ((۵)) خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۷/۱۰/۴..

و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی، فریضه ای انقلابی و رسمی اسلامی است (۱).

اگر ما اسراف نکنیم، می توانیم نیاز کشور را برآورده کنیم.

آبها را که هرز می رود، مهار کنیم. آبها را درست مصرف کنیم. در مصرف آب اسراف نکنیم. با کار علمی و مدبرانه می شود استفاده بهینه کرد (۲).

راه تقسیم عادلانه بیت المال

امروز کسانی که با بیت المال مسلمین سرو کار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه بیت المال است. اگر مسؤولی خدای ناخواسته، در امر بیت المال اسراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت المال است (۳).

همه موظفند اسراف نکنند

اسراف بد است و از نظر شرعی، گناه و حرام محسوب می شود. از نظر منطق عقلانی و اداره کشور هم، یک کار ممنوع و زشت است و مخصوص کسان خاصی نیست. همه موظفند اسراف نکنند - هم مسؤولان و کارگزاران و کسانی که مأمور انجام کارهایی در دولت هستند و هم آحاد مردم (۴).

انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده روی و اسراف (۵).

اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است (۶).

ص: ۳۲۹

۱- (۱) پیام به گردهمایی سراسری فرماندهان بسیج ۱۳۶۸/۹/۲.

۲- (۲) بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴.

۳- (۳) بیانات در جمع مسؤولان و... عید غدیر ۱۳۷۱/۳/۳۰.

۴- (۴) پیام نوروزی آغاز سال جدید ۱۳۷۵/۱/۱.

۵- (۵) پیام نوروزی آغاز سال جدید ۱۳۷۴/۱/۱.

۶- (۶) بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴.

اسراف، یک لجزار است. ریخت و پاش مالی، یک وسوسه شیطانی است (۱).

اسراف یعنی تضييع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی.

کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می آید؛ مثل اسراف در مصرف بی رویه آب، ضروری است.

وظیفه همگان تنظیم زندگی بر معیار دین و عقل سلیم است

ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می طلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضييع نعمت خداست (۲).

نقش مسؤلان در ترویج اشرافیگری

وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن چنانی می کنید، این یک درس عملی است و هر کسی این را می بیند، بر او اثر می گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم.

تجمل گرایی مانع تحقق عدالت اجتماعی

تجمل گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد (۳).

من آنچه را که می خواهم در این برهه عرض کنم این است که ملت عزیز جداً از اسراف و زیاده روی پرهیز کنند (۴).

ص: ۳۳۰

۱- ((۱)) بیانات در حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام ۷۴/۱/۳..

۲- ((۲)) پیام نوروزی ۱۳۷۶/۱/۱..

۳- ((۳)) بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۷۸/۱۰/۴..

۴- ((۴)) پیام نوروزی ۷۷/۱/۱..

اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند بدون این که این مصرف، اثر و کارایی داشته باشد. در حقیقت هدر دادن مال است (۱).

صرفه جویی صحیح قناعت

اسراف در جامعه، لازمه اشرفیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضييع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است (۲).

صرفه جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست (۳).

یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه ها دچار مصیبت هستیم، اخلاق حسنه مهم اسلامی را فراموش کرده ایم (۴).

روحیه مصرف گرایی مانع کمک به نیازمندان

یکی از عواملی که نمی گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف گرایی و تجمل در جامعه است (۵).

مصرف باید به اندازه باشد، نه به حد اسراف و زیاده روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است (۶).

ص: ۳۳۱

۱- (۱) بیانات در حرم رضوی ۷۶/۱/۱..

۲- (۲) بیانات در حرم رضوی ۷۶/۱/۱..

۳- (۳) پیام نوروزی ۷۶/۱/۱..

۴- (۴) دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۸۳/۹/۱۱..

۵- (۵) خطبه های عید سعید فطر ۸۱/۹/۱۵..

۶- (۶) پیام نوروزی ۱۳۷۱/۱/۱..

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود (۱).

مصرف گرایی... ستم بزرگ بر بانوان

سوق دادن به تجمل و مصرف گرایی و آرایشهای بیهوده و مخارج سنگین تبدیل شدن به یک وسیله مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمانها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می نماید (۲).

پرهیز از اسراف شرط لازم پیوند با مردم

پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافیگری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده خارجی از کیسه مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است (۳).

ص: ۳۳۲

۱- ((۱)) خطبه های نماز جمعه تهران ۷۹/۹/۲۵..

۲- ((۲)) بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۶۹/۱۰/۱۶..

۳- ((۳)) پیام به مناسبت آغاز کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۳/۶..

۱ - القرآن الكريم.

۲ - الإختصاص: شيخ مفيد، تحقيق على اكبر غفارى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ .

۳ - الأدب المفرد: محمد بن اسماعيل بخارى، دارالمعرفه، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۲۰ هـ .

۴ - الإرشاد: شيخ مفيد، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ .

۵ - الإستبصار: شيخ طوسى، دارالكتب الإسلاميه، طهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ هـ .

۶ - الإصابه فى تمييز الصحابه: ابن حجر عسقلانى، دارإحياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول ۱۳۲۸ هـ .

۷ - الأصول الستة عشر: تحقيق ضياءالدين محمودى، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ .

۸ - أصول كافى: شيخ كلينى، ترجمه سيد جواد مصطفى، انتشارات ولى عصر عليه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش .

۹ - أعلام الدين: حسن ديلمى، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ .

۱۰ - الأمالى: شيخ صدوق، مؤسسه الأعلمى، بيروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ هـ .

۱۱ - الأمالى: شيخ طوسى، منشورات مكتبه الداورى، قم.

۱۲ - الأمالى: شيخ مفيد، تحقيق على اكبر غفارى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، چاپ دوم.

۱۳ - بحار الأنوار: علامه مجلسى، مؤسسه الوفاء، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ .

۱۴ - بشاره المصطفى: طبرى امامى، تحقيق جواد قتيومى، مؤسسه النشر الإسلامى، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ .

- ١٥ - تحف العقول: ابن شعبه حرّاني، تحقيق علي اكبر غفاري، مؤسسه النشر الإسلامى، قم، چاپ هفتم، ١٤٢٥.
- ١٦ - تفسير أبو الفتوح رازى: كتابفروشى اسلاميه، تهران.
- ١٧ - تفسير الإمام العسكرى عليه السلام: تحقيق مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، ١٤٠٩.
- ١٨ - تفسير راهنما: هاشمى رفسنجانى، دفتر تبليغات اسلامى، قم، چاپ اول، ١٣٧٥ ش.
- ١٩ - تفسير الطبرى: محمّد بن جرير طبرى، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ سوم، ١٤٢٠ هـ .
- ٢٠ - تفسير العياشى: محمّد بن مسعود سمرقندى، المكتبه العلميه الإسلاميه، طهران.
- ٢١ - تفسير القمى: على بن إبراهيم قمى، منشورات مكتبه الهدى، النجف، ١٣٨٧ هـ .
- ٢٢ - التمهيد: أبى على اسكافى (ضمن كتاب المؤمن) تحقيق مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ اول، ١٤٠٤ هـ .
- ٢٣ - تنبيه الخواطر: وزّام بن أبى فراس، دارالتعارف، بيروت.
- ٢٤ - تهذيب الأحكام: شيخ طوسى، دارالتعارف، بيروت، ١٤٠١ هـ .
- ٢٥ - تهذيب الكمال: يوسف مزى، دارالفكر، بيروت، ١٤٢١ هـ .
- ٢٦ - تهذيب اللغة: محمّد بن احمد ازهرى، داراحياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، ١٤٢١ هـ .
- ٢٧ - ثواب الأعمال: شيخ صدوق، تحقيق علي اكبر غفاري، مكتبه الصدوق، طهران، ١٣٩١ هـ .
- ٢٨ - جامع الأخبار: محمد سبزوارى، تحقيق علاء آل جعفر، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ١٤١٤ هـ .
- جامع البيان تفسير الطبرى.
- الجامع الصحيح سنن الترمذى.
- ٢٩ - الجامع الصغير: جلال الدين سيوطى، دارالكتب العلميه، بيروت.
- ٣٠ - الجعفریات: محمّد بن أشعث كوفى (ضمن قرب الإسناد) مكتبه نينوى الحديثه، طهران.

- ٣١ - الخصال: شيخ صدوق، تحقيق علي اكبر غفاري، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، چاپ پنجم، ١٤١٦ هـ .
- ٣٢ - الدرّ الثور: جلال الدين سيوطي، منشورات مكتبه آيه الله المرعشي، قم. □
- ٣٣ - الدرّه الباهره: شهيد اول، انتشارات زائر، چاپ اول، ١٣٧٦ ش.
- ٣٤ - دعائم الإسلام: قاضي نعمان مغربي، تحقيق آصف فيضي، دارالأضواء، بيروت، چاپ اول، ١٤١١ هـ .
- ٣٥ - دلائل الإمامه: منشورات الرضي، قم، چاپ سوم، ١٣٦٣ ش.
- ٣٦ - روضه الواعظين: قتال نيسابوري، انتشارات الشريف الرضي، قم چاپ اول، ١٣٦٨ ش.
- ٣٧ - الزهد: حسين بن سعيد اهوازي، المطبعه العلميه، قم، ١٣٩٩ هـ .
- ٣٨ - سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد قرويني، دارالفكر، بيروت.
- ٣٩ - سنن أبي داود: سليمان سجستاني، دارإحياء التراث العربي، بيروت.
- ٤٠ - سنن الترمذي: محمد بن عيسى، دار عمران؛ بيروت، ١٣٨١ هـ .
- ٤١ - السنن الكبرى: احمد بن حسين بيهقي، دارالفكر، بيروت.
- ٤٢ - شرح نهج البلاغه: ابن أبي الحديد، دارإحياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ١٣٨٧ هـ .
- ٤٣ - الصافي: فيض كاشاني، تحقيق سيد محسن اميني، دارالكتب الإسلاميه، طهران، چاپ اول، ١٤١٩ هـ .
- ٤٤ - الصحاح: اسماعيل جوهرى، تحقيق احمد عبدالغفور عطّار، دارالعلم للملايين، بيروت، چاپ چهارم، ١٩٩٠ م.
- ٤٥ - صحيح البخارى: محمد بن اسماعيل بخارى، دارالجيل، بيروت.
- ٤٦ - الصحيفه السجّاديه الجامعه: سيد محمد باقر أبطحي، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، چاپ پنجم، ١٤٢٣ هـ .
- ٤٧ - عدّه الداعي: ابن فهد حلي، دارالكتاب الإسلامى، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ .

- ٤٨ - علل الشرايع: شيخ صدوق، منشورات المكتبة الحيدريه، النجف، ١٣٨٥ هـ .
- ٤٩ - عوالي اللئالي: ابن أبي جمهور احسائي، تحقيق آقا مجتبي عراقى، مطبعة سيد الشهداء، قم، چاپ اول، ١٤٠٣ هـ .
- ٥٠ - عيون أخبار الرضا عليه السلام: منشورات المطبعة الحيدريه، النجف، ١٣٩٠ هـ .
- ٥١ - عيون الحكيم والمواعظ: ليثى واسطى، تحقيق حسين بيرجندى، دارالحديث، قم، چاپ اول، ١٤١٨ هـ .
- ٥٢ - غرر الحكيم ودرر الكلم: ترجمه محمد على انصارى، دارالكتاب، قم.
- ٥٣ - الفردوس: شيرويه ديلمى، دارالكتب العلميه، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٦ هـ .
- ٥٤ - الفضائل: شاذان بن جبرئيل، منشورات المطبعة الحيدريه، ١٣٨١ هـ .
- ٥٥ - فقه الرضا: تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ١٤٠٦ هـ .
- ٥٦ - القاموس المحيط: فيروز آبادى، دارإحياء التراث العربى، بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ هـ .
- ٥٧ - قرب الإسناد: عبدالله حميرى، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ١٤١٣ هـ .
- ٥٨ - قصص الأنبياء: سيد نعمه الله جزائرى، دارالأضواء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٢٣ هـ .
- ٥٩ - قصص الأنبياء: قطب الدين راوندى، مؤسسه المفيد، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٩ هـ .
- ٦٠ - الكافي: شيخ كلينى، تحقيق على اكبر غفارى، دارالتعارف، بيروت، چاپ سوم، ١٤٠١ هـ .
- ٦١ - كامل الزيارات: محمد بن قولويه، المطبعة المرتضويه، النجف، ١٣٥٦ هـ .
- ٦٢ - الكامل فى ضعفاء الرجال: عبدالله جرجانى، دارالفكر، بيروت، چاپ سوم، ١٤٠٩ هـ .
- ٦٣ - كتاب جعفر بن محمد بن شريح الحضرمى: (ضمن الأصول الستة عشر).
- ٦٤ - كتاب زيد النرسى: (ضمن الأصول الستة عشر).
- ٦٥ - كشف الغمّه: على إربلى، دار الكتاب الإسلامى، بيروت، ١٤٠١ هـ .
- ٦٦ - كنز العمال: متقى هندی، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤٠٩ هـ .

- ٦٧ - كنز الفوائد: ابوالفتح كراجكى، مكتبه المصطفوى، قم، چاپ دوم، ١٣٦٩ ش.
- ٦٨ - لسان العرب: ابن منظور، نشر أدب الحوزه، قم، ١٤٠٥ هـ .
- ٦٩ - لغت نامه: على اكبر دهخدا، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ١٣٧٢ ش.
- ٧٠ - مجمع البحرين: فخرالدين طريحي، تحقيق سيد احمد حسيني، مكتب نشر الثقافه الإسلاميه، طهران، چاپ دوم، ١٤٠٨ هـ .
- ٧١ - مجمع البيان: فضل بن الحسن طبرسى، مؤسسه الهدى، طهران، ١٤١٧ هـ .
- ٧٢ - مجمع الزوائد: على هيثمى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٨ هـ .
- ٧٣ - المحاسن: أحمد بن محمد برقى، دارالكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٧٠ هـ .
- ٧٤ - مرآه العقول: علامه مجلسى، دارالكتب الإسلاميه، طهران، چاپ اول، ١٤٠٥ هـ .
- ٧٥ - المستدرک على الصحيحين: حاكم نيسابورى، دارالكتب العلميه؛ بيروت، چاپ اول، ١٤١١ هـ .
- ٧٦ - مستدرک الوسائل: ميرزا حسين نورى، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ١٤٠٧ هـ .
- ٧٧ - مستطرفات السرائر: ابن ادريس حلى، مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ١٤٠٨ هـ .
- ٧٨ - مسند أحمد بن حنبل: دار صادر، بيروت.
- ٧٩ - مسند الشهاب: محمد قضاعى، مؤسسه الرساله، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٥ هـ .
- ٨٠ - مشكاه الأنوار: على بن حسن طبرسى، مؤسسه دارالحدیث، قم، چاپ اول، ١٤١٨ هـ .
- ٨١ - مصادقه الإخوان: شيخ صدوق، منشورات مكتبه الإمام صاحب الزمان عليه السلام، الكاظميه، ١٤٠٣ هـ .
- ٨٢ - مصباح الشريعه: امام صادق عليه السلام، مؤسسه الأعلمی، بيروت، چاپ سوم، ١٤١٣ هـ .
- ٨٣ - مصباح المتهجد: شيخ طوسى، تحقيق على اصغر مرواريد، مؤسسه فقه الشيعه، بيروت، چاپ اول.
- ٨٤ - المصباح المنير: احمد فيومى، المطبعه الأميريه، القاهره، چاپ هفتم، ١٩٢٨ م.
- ٨٥ - المصنّف: ابن ابى شيبه، تحقيق سعيد محمد لّحام، دارالفكر، بيروت، چاپ دوم، ١٤٢٤ هـ .

- ۸۶ - معانی الأخبار: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ .
- ۸۷ - المعجم الكبير: سليمان طبرانی، دارإحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ .
- ۸۸ - المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی، المكتبة المرتضویه، طهران، ۱۴۱۱ هـ .
- ۸۹ - المقنع: شیخ صدوق، مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ .
- ۹۰ - مکارم الأخلاق: حسن بن فضل طبرسی، تحقیق علاء آل جعفر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ هـ .
- ۹۱ - المنجد: لويس معلوف، انتشارات اسماعیلیان، تهران، چاپ ۲۳ .
- ۹۲ - من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ .
- ۹۳ - المؤمن: حسین بن سعید اهوازی، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۱۱ هـ .
- ۹۴ - المیزان: سید محمد حسین طباطبائی، دارالکتب الإسلامیه، طهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ هـ .
- ۹۵ - نزهه الناظر: محمد حلوانی، تحقیق مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ .
- ۹۶ - نظم درر السمطين: محمد بن يوسف زرندي، مكتبة نينوى الحديثه، طهران.
- ۹۷ - النوادر: فضل الله راوندي، تحقیق سعید رضا عسکری، دارالحديث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۹۸ - النهایه: ابن اثیر جزری، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- ۹۹ - نهج البلاغه: تحقیق صبحی صالح، مؤسسه دارالهجره، قم، چاپ پنجم.
- ۱۰۰ - نهج البلاغه: شرح محمد عبده، مؤسسه الأعلمی، بیروت.
- ۱۰۱ - الهدایه: شیخ صدوق، مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ .
- ۱۰۲ - الوافی: فیض کاشانی، منشورات مكتبة الامام أمير المؤمنين عليه السلام، اصفهان، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

